



امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

نزدیک‌تر از سیاهی چشم به سفیدی‌اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱

سند اولیہ

مدل منظرہ سازمانی

بخش اول: کلیات طرح بخش دوم: اصل جلسات

استاد علامہ حجت الاسلام والمسلمین
سید منیر الدین حسینی الهاشمی
مدیریت تدوین اسناد علمی

بانک اطلاعات
معاونت
دفتر فہرست
علوم اسلامی

پیش نویس

کلیات طرح

«مناظره سازمانی»

پیش نویس کلیات طرح «مناظره سازمانی»

* مقدمه ۴

۱- ضرورت ۴

۲- موضوع ۵

۳- هدف ۶

۴- نحوه اجرای مناظره سازمانی ۷

پیش نویس کلیات طرح «مناظره سازمانی»

* مقدمه

بر حسب ضرورت‌های فعلی نظام مبارک جمهوری اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانگان و پاسخگویی به نیازمندیهای موجود، طرح «مناظره سازمانی» - که برای ایجاد تفاهم اجتماعی بین مراکز فکری و فرهنگی و کلیه اقشار جامعه از توانایی بالایی برخوردار می‌باشد - تقدیم می‌گردد.

۱- ضرورت

در دنیای کنونی که نظام کفر جهانی با شیوه‌های مرموز به دنبال حاکمیت بر کلیه نظامات اجتماعی و سیطره کامل بر جمیع ملتها براساس برنامه‌های سازمان یافته می‌باشد و اصلی ترین دشمن و مانع خود را نظام جمهوری اسلامی می‌بیند در صدد برآمده تا با گذر از شکستهای نظامی و سیاسی متعدد در مقابل نظام اسلامی، با هجوم سازمان یافته خود و ایادی دست‌نشانده‌اش عرصه فرهنگ را میدان تاخت و تاز خود قرار دهد و از این طریق با دگرگون نمودن باورها و اعتقادات مردم به خصوص - جوانان و دانشجویان - به تحقق خیال واهی خود یعنی سرنگونی حکومت مقدس اسلامی ایران دست یابد.

نظام سلطه گر جهانی با مطالعه بر روی نیازمندیهای جامعه ما و علم به عدم وجود بستر پرورشی مناسب برای عموم جامعه بیشترین توان خود را در جهت جذب و انحلال کلیه اقشار در اغراض و مقاصد شوم خود بکار برده است. همچنین با توجه به عدم وجود سازمان و تشکیلاتی منظم و منسجم جهت هماهنگ سازی فعالیتهای افراد این مرز و بوم، تلاشهای استکبار در این زمینه بی تأثیر نبوده و تاکنون بعضی از ایشان را خواه ناخواه به

سوی یک بی هویتی فرهنگی و سرگردانی فکری سوق داده است.

بدیهی است که مقابله با هرگونه تهاجمی، ابزار متناسب با خود را می‌طلبد و در این میان مقابله با تهاجم فرهنگی نیز نیازمند ابزار متناسب فکری، فرهنگی است. در حال حاضر راهکارها و شیوه‌های مختلفی برای دفاع فرهنگی در جامعه عرضه شده است ولی بدلیل فردی یا گروهی بودن آنها از کارایی مؤثر و بالایی برخوردار نمی‌باشد. بایستی با راه اندازی شیوه‌ای نوین، نظرات، افکار و عقاید گوناگون در تقابل تنگاتنگ قرار گرفته تا از آن میان، نظر برتر در حوزه فکر و اندیشه تجلی نماید. این کار زمانی از شدت بیشتری برخوردار می‌شود که انسجام، سرعت، دقت و قدرت تأثیر فراگیرتری - که از ویژگیهای یک کار سازمانی است - در پی داشته باشد.

در این حال راه‌اندازی طرحی که کارآمدی بیشتری در افزایش توان مقابله با تهاجم فرهنگی داشته باشد و همچنین سازماندهی و هماهنگ‌سازی فعالیتهای اقشار مختلف در جهت توسعه روحی، فکری و عملی ایشان ضرورتی واضح می‌نماید و در پی این ضرورت، ایجاد یک بستر پرورشی، موضوعیت می‌یابد.

۲- موضوع

«مناظره سازمانی» موضوعی است که به عنوان جایگزین راههای موجود و پُرکننده خلاء فرهنگی موجود طرح می‌گردد. مناظره سازمانی با حضور فعال طرفین مناظره، هیئت مدیره، هیئت علمی، هیئت نظار و عموم حاضرین از جمله رسانه‌های ارتباط جمعی و بحث پیرامون موضوعات مختلف جامعه، تحقق می‌یابد.

۳- هدف

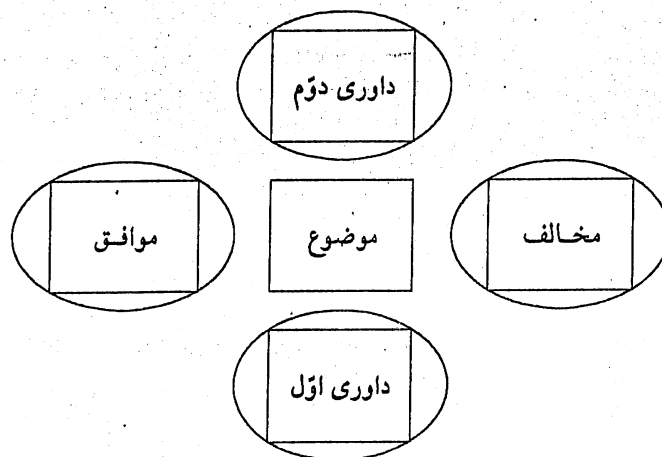
چنانچه ضرورت راه‌اندازی چنین جریانی در جامعه روشن باشد و موضوعات طبقه‌بندی شده‌ای در قالب ساختار اصلی آن و با استفاده از ابزار و شیوه عملکردی مشخص تحت بررسی قرارگیرد، آنگاه با بکارگیری این مناظره سازمانی بدون شک در «پاسخ به نیازمندیهای فرهنگی نظام جمهوری اسلامی» و «ارتقاء فکری و فرهنگی عموم افراد جامعه در برخورد با اندیشه‌های دیگر» و نهایتاً «ایجاد بستر پرورشی مناسب جهت توسعه روحی، فکری و عملی جامعه» - که همگی در راستای مشارکت در توسعه و تکامل نظام ولایت اجتماعی است - گامی اساسی برداشته‌ایم.

در واقع از طریق مناظره سازمانی، درگیری فکری به وجود می‌آید و در این درگیری، جهت‌گیریهای متناقض بروز پیدا می‌کند. این جهت‌گیریها منشأ یک سری موضعگیریها از طرفین مناظره می‌شود. این موضعگیریها، مجاهده را به دنبال خواهد آورد و در مجاهده، پرورش فرهنگی در سطوح مختلف برای افراد جامعه ایجاد می‌شود. در سایه پرورش فرهنگی است که جامعه اسلامی می‌تواند فرهنگ کفر را منزوی نماید و توسعه الهی خود را در سطح فرهنگ ایجاد نماید.

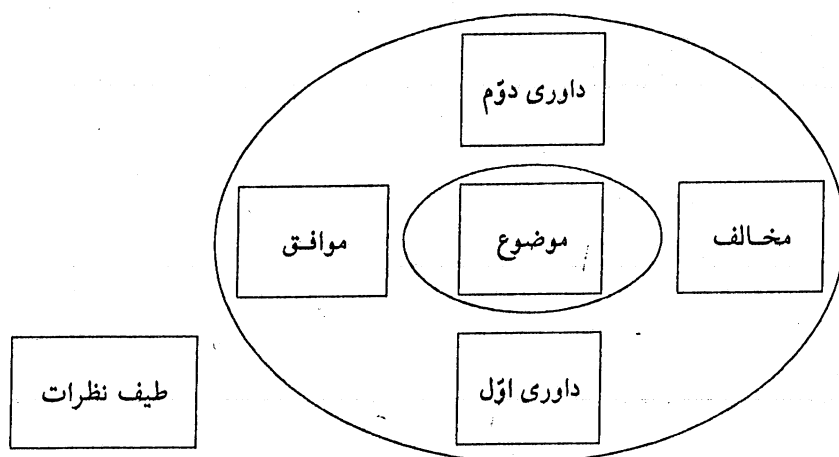
البته بایستی توجه نمود که «مناظره سازمانی» منشأ «انگیزش اجتماعی» می‌شود به گونه‌ای که یک نحو‌باور و اعتقاد نسبت به «فرهنگ خودی» برای جامعه ایجاد می‌شود. اما بعد از این بایستی مرحله «آسیب‌شناسی» و در نهایت مرحله «ارائه راه‌حلهای بنیادین» مورد بررسی قرارگیرد. این دو مرحله در طرحهای بعدی قابل ارائه است.

۴- نحوه اجرای مناظره سازمانی

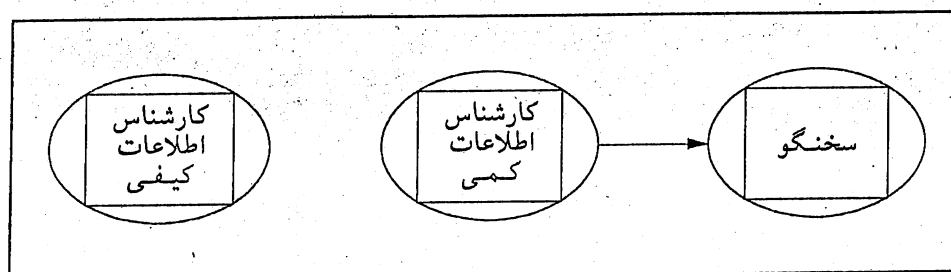
شکل کلی مناظره سازمانی به صورت زیر است:



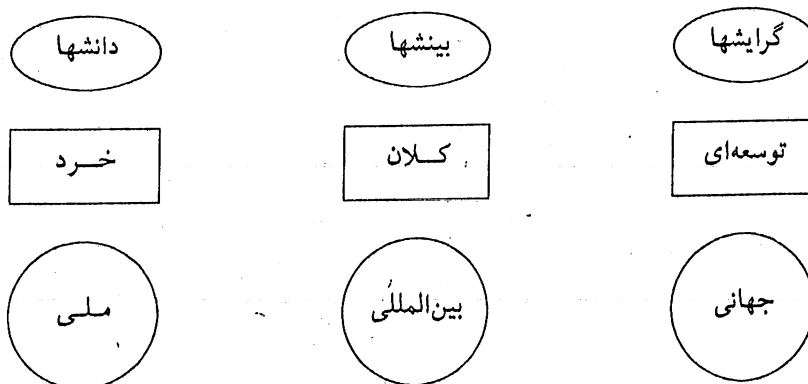
یعنی در مناظره، یک موضوع مطرح می‌گردد. سپس هر یک از گروه‌های موافق و مخالف، نظرات خود را بیان می‌نمایند و به بررسی و نقد و نقض نظرات یکدیگر می‌پردازند. در این بین گروه داوری اول بین موافق و مخالف داوری می‌کنند و نظر خود را ارائه می‌دهند. گروه داوری دوم بر گروه داوری اول و گروه موافق و مخالف نظارت کرده و نمره می‌دهد. افراد به دلخواه می‌توانند در گروه موافق و مخالف و یا گروه‌های داوری باشند و یا طیفی بین آنها به شکل زیر:



گروه داوری اول شامل هیئت مدیره و هیئت علمی و گروه داوری دوم شامل هیئت نظارت است. در هر یک از این هیئتها و در هر یک از دو گروه موافق و مخالف، اعضای زیر حضور دارند:

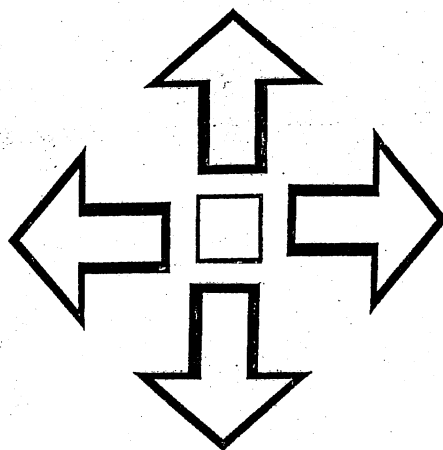


به گونه‌ای که کارشناس کمی و کیفی، اطلاعات لازم را به سخنگو منتقل می‌کنند تا بحث به صورت صحیح و به دور از غوغا سالاری و عدم قطعیت انجام گیرد. در مناظره به تدریج موضوعات رشد کرده و از موضوعات ساده به موضوعات پیچیده، علمی و کارشناسی می‌رسد که به مرور مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. فی الجمله در هر مناظره‌ای یا درباره گرایشات (موضوعات اخلاقی) یا درباره بینشها (موضوعات فکری) و یا درباره دانشها (موضوعات تکنولوژی) بحث می‌شود و در هر یک از محورهای فوق، موضوعات از نوع توسعه یا کلان و یا خرد می‌باشد. و در هر یک از این انواع، موضوعات یا در مقیاس جهانی یا بین‌المللی و یا ملی می‌باشند. پس موضوعات مناظره به شکل زیر قابل تصویر است:

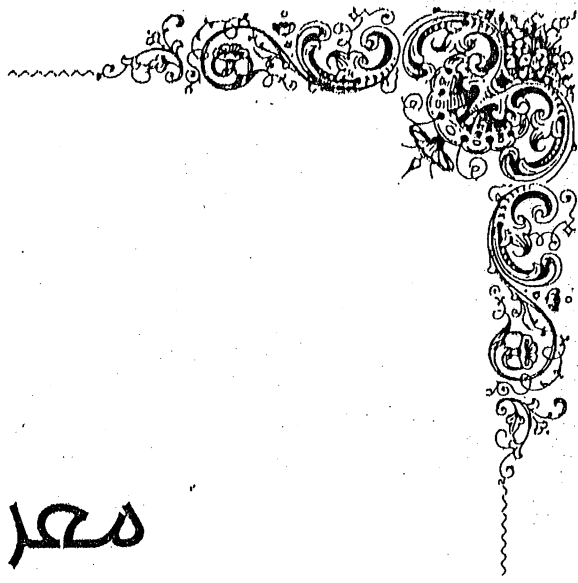


این شکل از مناظره توانایی توسعه را دارد؛ به گونه‌ای که پشت سر هرگروه مجدداً گروه‌های دیگر قرار می‌گیرند که در مورد کارشناسی آنها نظر می‌دهند. علاوه بر این می‌توان به صورت یک شبکه بانک اطلاعاتی در مورد موضوعات مختلف به مناظره پرداخت.

شکل زیر بیانگر روند توسعه مناظره می‌باشد.

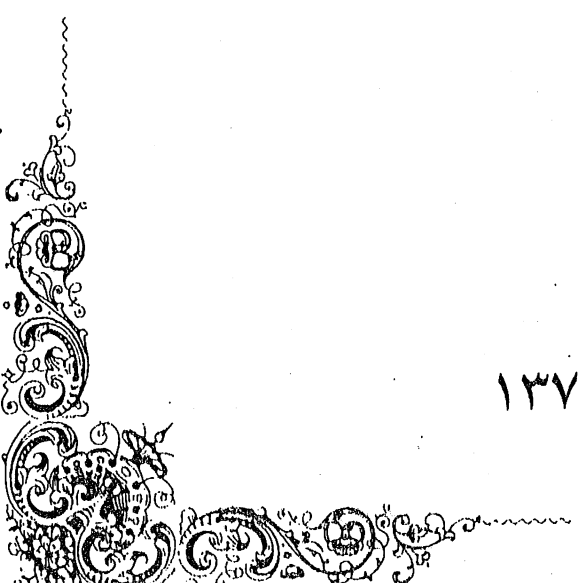


«وَأَجِرْ دَعْوِنَا أَنْ أَلْحَمُّدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»



معرفی نامه

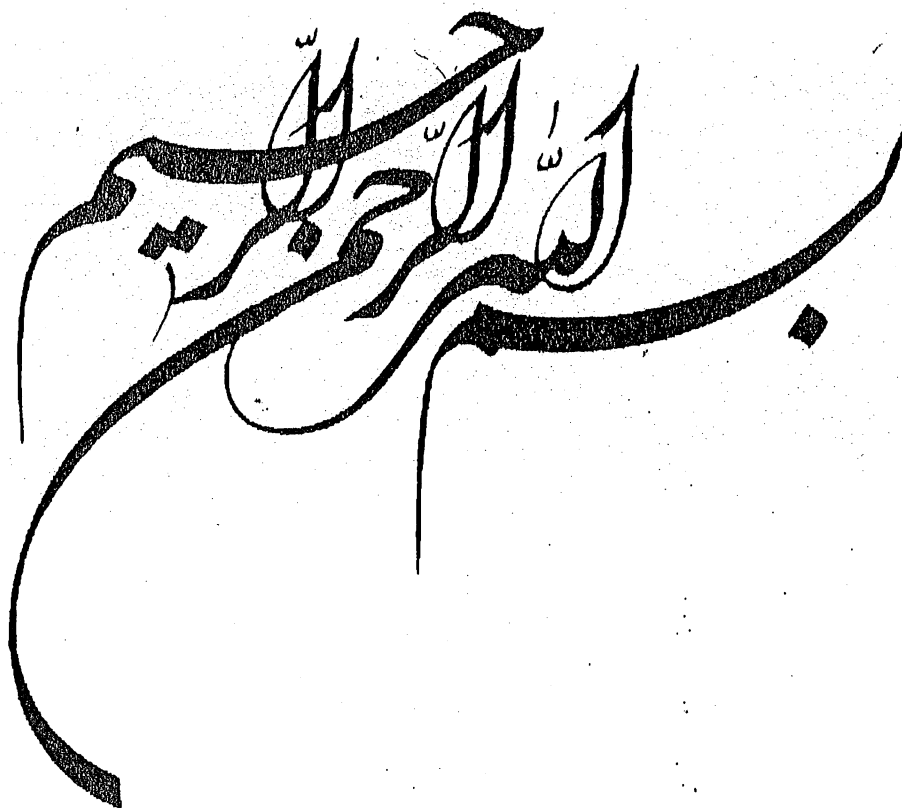
مؤسسه گفتگوی سازمانی



تأسیس : ۱۳۷۸

فهرست

مقدمه	۳
۱- ضرورت‌های اجتماعی و نتایج گفتگوی سازمانی	۴
۱/۱- توسعه فرهنگی	۴
۱/۲- تکامل انتظارات اجتماعی	۵
۱/۳- ارتقاء عقلانیت اجتماعی	۶
۱/۴- کارآمدی اجتماعی برتر	۷
۱/۵- حل ناهنجاریها و مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی	۸
۲- تعریف گفتگوی سازمانی	۹
۳- چگونگی گفتگوی ملی در قالب گفتگوی سازمانی	۱۳
۴- امکان گفتگوی سازمانی در مقیاس ملی، بین‌المللی و جهانی	۱۴
۵- مقدمات لازم برای گفتگوی سازمانی	۱۵
۶- چگونگی توسعه و ارتقاء کارآمدی گفتگو	۱۶
۶/۱- افزایش کمی، ارتقاء کیفی گفتگو و بهینه‌موضوعات گفتگو	۱۶
۶/۲- ارتقاء کارآمدی گفتگو	۱۷
۶/۲/۱- ارائه تحقیقات کتابخانه‌ای پیرامون گفتگو، اولین مرحله ارتقاء کارآمدی گفتگو	۱۸
۶/۲/۲- ارائه تحقیقات نظری پیرامون گفتگو، دومین مرحله ارتقاء کارآمدی گفتگو	۱۹
۶/۲/۳- ارائه تحقیقات میدانی پیرامون گفتگو، سومین مرحله ارتقاء کارآمدی گفتگو	۲۴
۶/۲/۳/۱- عناوین جلسات برگزار شده گفتگوی سازمانی پیرامون موضوعات اجتماعی	۲۴
۶/۲/۳/۲- نمونه فرم ارزیابی هر یک از گروه موافق و مخالف توسط هیئت مدیره	۲۵
۶/۲/۳/۳- نمونه فرم ارزیابی هر یک از گروه موافق و مخالف توسط هیئت علمی	۲۵
۶/۲/۳/۴- نمونه فرم ارزیابی هیئت مدیره توسط هیئت ناظر	۲۶
۶/۲/۳/۵- نمونه فرم ارزیابی هیئت علمی توسط هیئت ناظر	۲۶
۷- طرح (پیشنهادی) بهینه‌سازی فعالیتهای سیاسی	۲۷
۸- الگوی (پیشنهادی) مشارکت عمومی در مدیریت، برنامه ریزی و گردش عملیات	۲۸
۹- روند (پیشنهادی) آینده فعالیتهای مؤسسه گفتگوی سازمانی	۲۹



مقدمه

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله وعلى اهل بيته الطاهرين و درود به روح ملکوتی و پرفتح امام خمینی (ره) و سلام و تحیت به رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله العالی) مؤسسه گفتگوی سازمانی با الهام از آیه مبارکه «...وجادلهم بالتی هی احسن»، حدیث حضرت امام علی (ع): «انظر الی ما قال و لاتنظر الی من قال» و اینکه نطفه علم در بحث بسته می‌شود و با توجه به ضرورت‌های جامعه اسلامی در سال ۱۳۷۸ تأسیس شد. امیدواریم بتوانیم در راستای اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران رسالت خود را به سرانجام مقصود برسانیم.

در این معرفی نامه، ضرورت‌ها، نتایج و تعریف گفتگوی سازمانی، چگونگی توسعه آن، طرح‌های پیشنهادی و روند آتی فعالیت‌های مؤسسه گفتگوی سازمانی بیان می‌گردد.

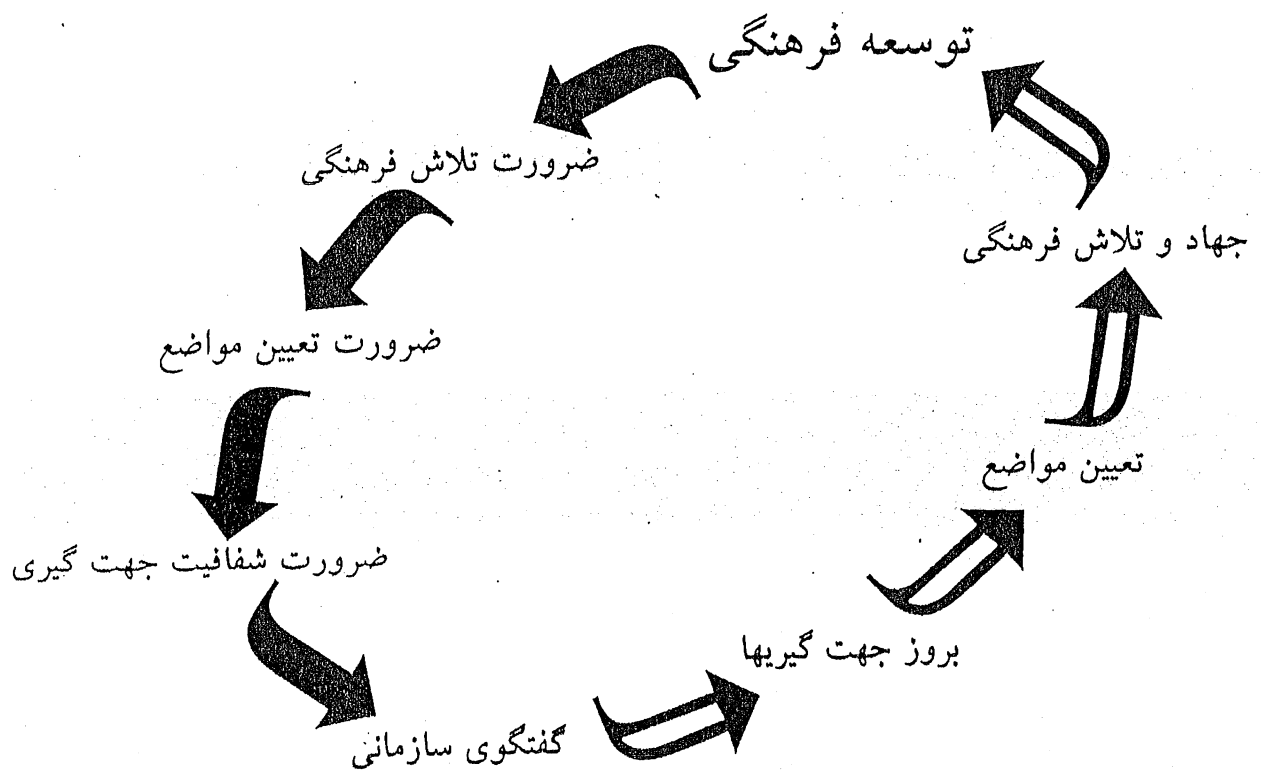
در پایان ما را از انتقادات و نظرات خود بهره‌مند سازید.

۱- ضرورت‌های اجتماعی و نتایج گفتگوی سازمانی

۱/۱- توسعه فرهنگی

برای تحوّل و «توسعه فرهنگی»، لازم است حوزه، دانشگاه، نظام و عموم جامعه در تمامی موضوعات مبتلا به اجتماعی به جهاد «تلاش فرهنگی» بپردازند؛ اما قبل از این تلاش مقدس بایستی «مواضع» این مجموعه پیرامون موضوعات تعیین شود. به منظور تعیین مواضع نیز ابتدا باید «جهت‌گیریها» آشکار گردد.

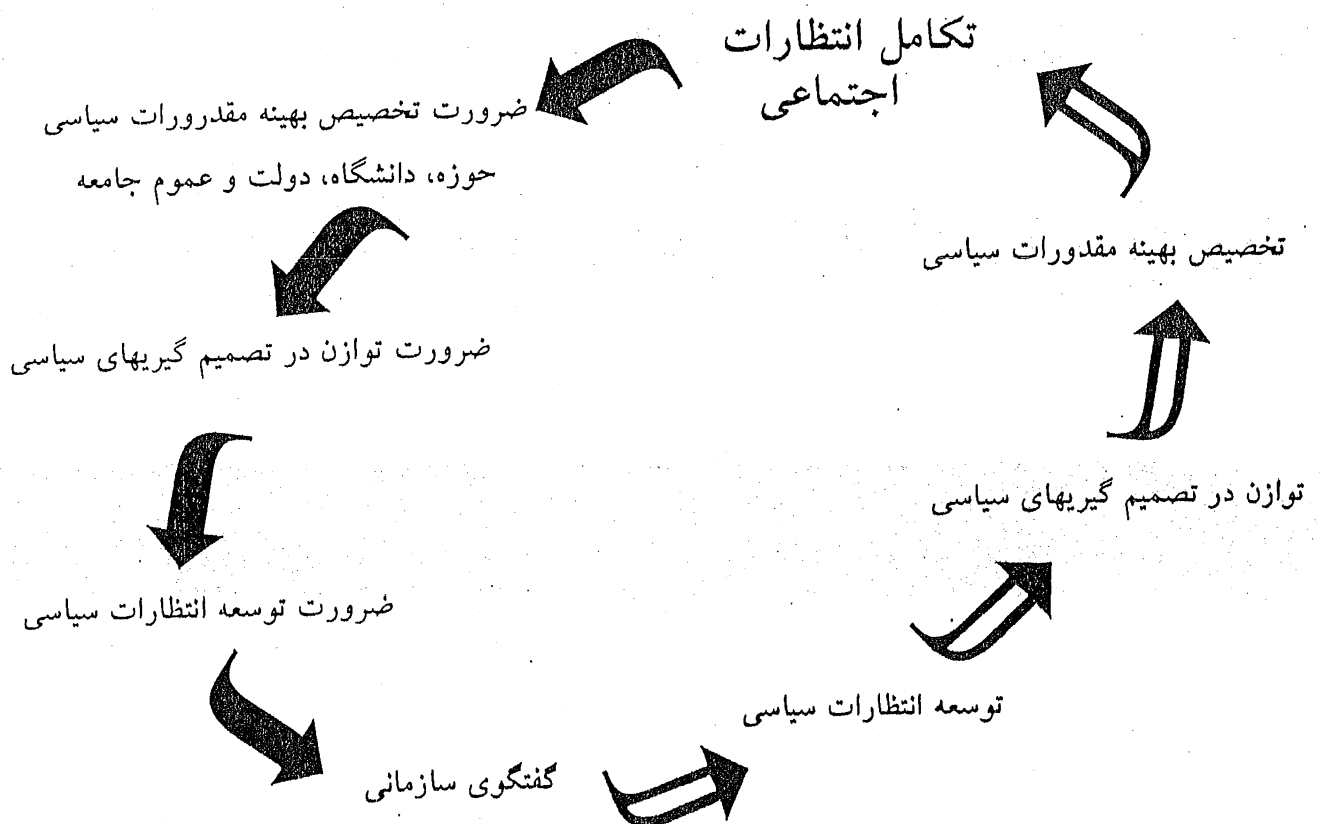
جریان «گفتگوی سازمانی»، باعث بروز جهت‌گیریها می‌شود؛ سپس مواضع هر بخش از جامعه را معین می‌کند و در نهایت جامعه را به تلاش و جهاد فرهنگی جهت رسیدن به تحول و توسعه فرهنگی رهنمون می‌نماید.



۱/۲- تکامل انتظارات اجتماعی

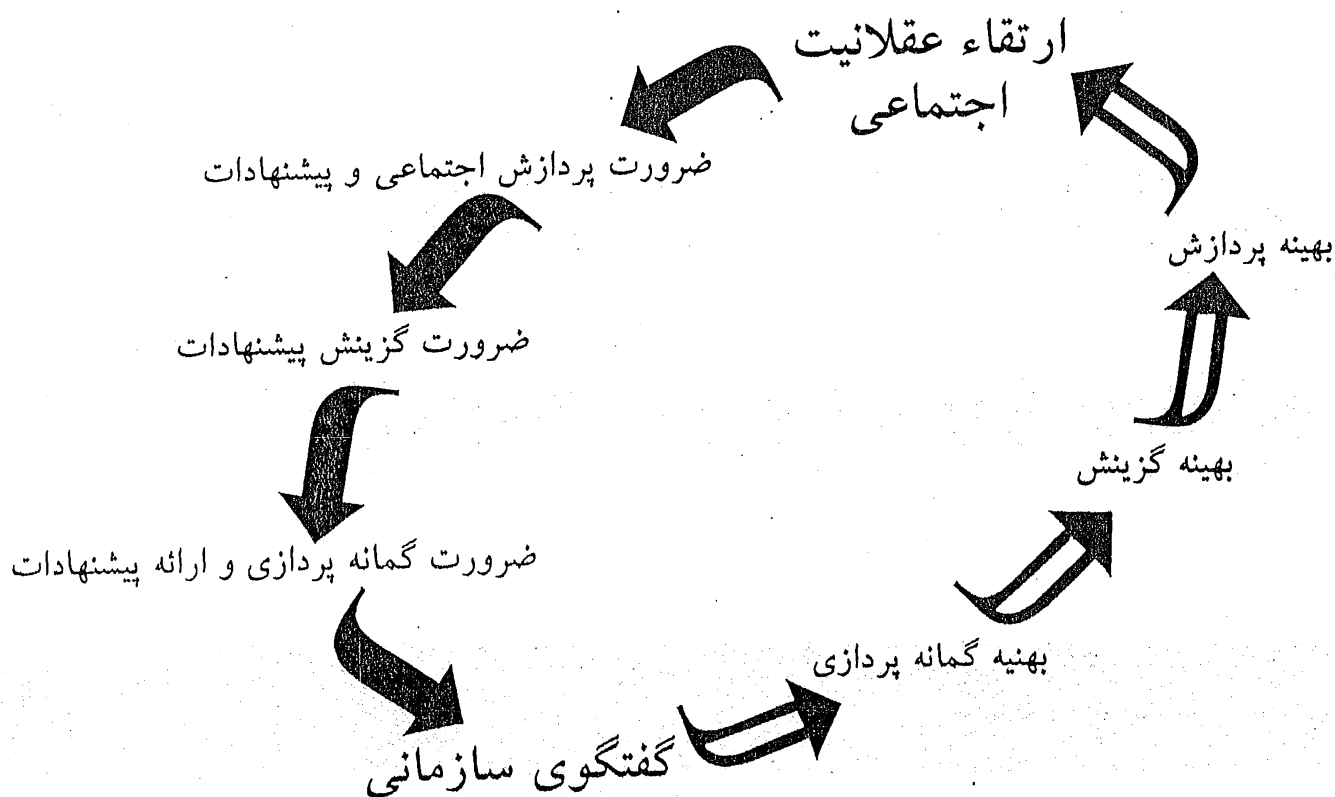
یکی از ابعاد توسعه و تکامل همه جانبه و پایدار، «تکامل انتظارات اجتماعی» می باشد. برای تحقق عینی این توسعه، اولین مسئله «تخصیص مقدرات سیاسی» برای امور مختلف جامعه است. هنگامی تخصیص بهینه انجام می گیرد که «تصمیم گیریهای سیاسی» در جامعه متوازن شود؛ هر چند برای این منظور نیز بایستی «انتظارات سیاسی» حوزه، دانشگاه، دولت و عموم جامعه توسعه و تکامل یابد.

با «گفتگوی سازمانی» پیرامون مسائل مختلف اجتماعی ابتدا «انتظارات سیاسی» توسعه می یابد؛ سپس در سایه آن، تصمیم گیریهای سیاسی نیز به توازن می رسد که این خود باعث تخصیص بهینه مقدرات سیاسی خواهد شد. مجموعه این مراحل، تکامل انتظارات اجتماعی را در پی خواهد داشت.



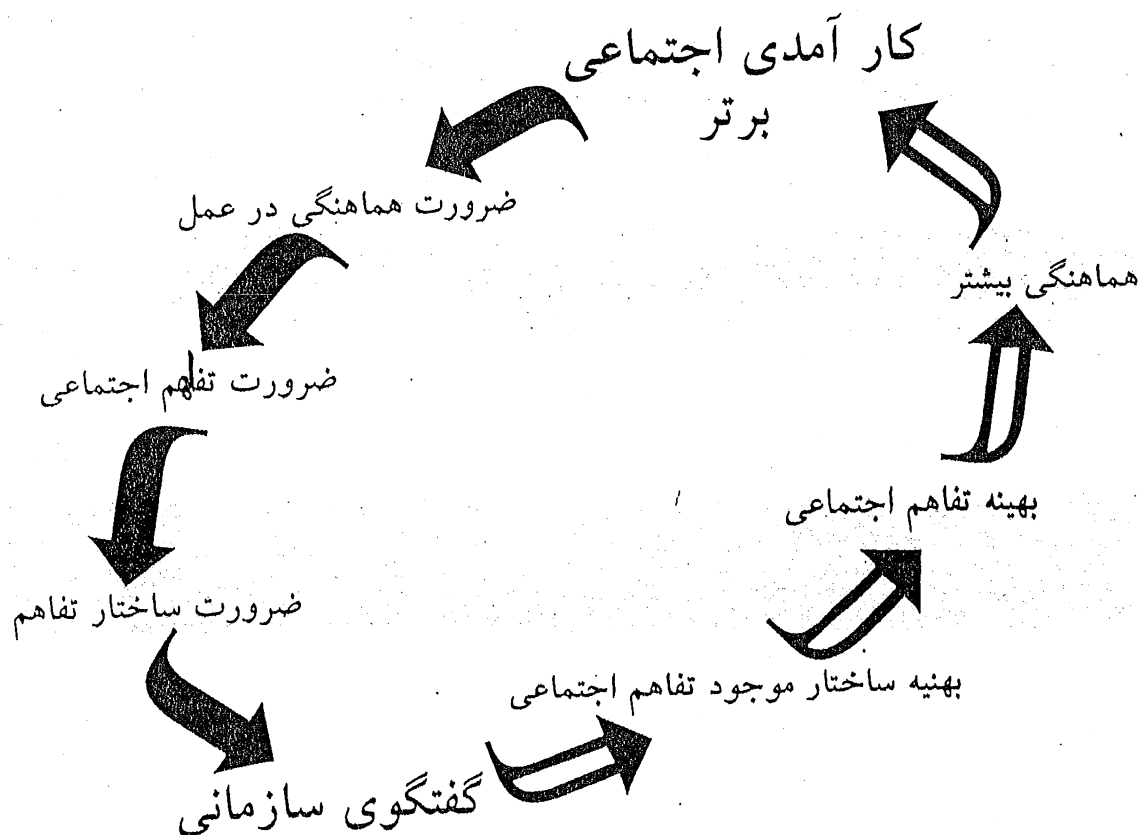
به منظور حل مشکلات متعدد جامعه، از یک سو «ارائه» پیشنهادات، انتخاب و «گزینش» صحیح و نهایتاً «تنظیم» مجموعه پیشنهادات گزینش شده، ضروری می‌نماید و از دیگر سو در ارائه، انتخاب و تنظیم پیشنهادات بایستی از تک بُعدی بودن پرهیز نمود.

با «گفتگوی سازمانی» سه مرحله گمانه‌پردازی، گزینش گمانه‌ها و پردازش آن به صورت اجتماعی انجام می‌گیرد و «عقلانیت اجتماعی» را به گونه‌ای ارتقاء می‌بخشد که مسائل جامعه از ابعاد و زوایای مختلف بررسی شود نه به صورت فردی و تک بُعدی.



حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها، نظام دولت و عموم جامعه در ارتباط با جهان امروز بایستی دائماً به «کارآمدی برتر» از گذشته بیاندیشند. کارآمدی برتر هنگامی برای کل این مجموعه محقق می‌شود که توانسته باشند به «هماهنگی عملی» رسیده باشند. برای ایجاد هماهنگی نیز ابتدا باید «تفاهم» فی ما بین برقرار گردد؛ هر چند در سطح اجتماعی این تفاهم نیاز به «ساختار» مناسب خود دارد.

«گفتگوی سازمانی»، ابزار یا نرم‌افزار لازم برای بهینه ساختار موجود تفاهم اجتماعی است. در قالب این ساختار، تفاهم اجتماعی حاصل شده و با این تفاهم نیز بین حوزه، دانشگاه، نظام دولت و عموم جامعه هماهنگی بیشتری ایجاد می‌شود. نهایتاً این هماهنگی، کارآمدی برتر را در جهان امروز برای مجموعه جامعه به ارمغان خواهد آورد.

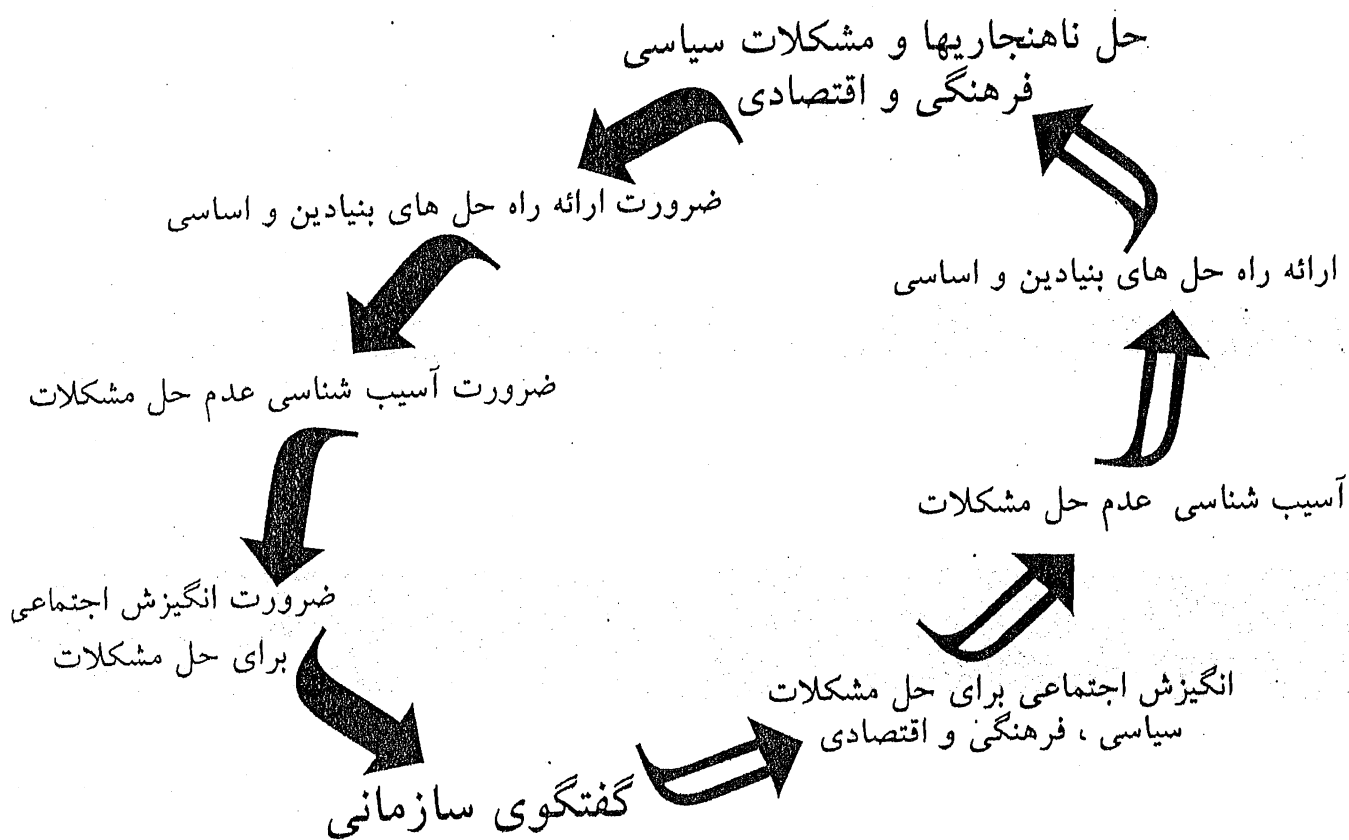


۵/۱- حل ناهنجاریها و مشکلات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی

به منظور حل ناهنجاریها و مسائل جامعه، «ارائه راه‌حلهای اساسی و بنیادین» امری اجتناب‌ناپذیر است و به منظور درک ضرورت راه‌حلهای بنیادین باید «آسیب‌های آینده» جامعه (در صورت عدم حل مشکلات و معضلات) به خوبی شناخته شود و این نیاز به تلاش مستمر نظام و مشارکت عموم جامعه دارد؛ هر چند این حرکت یک «انگیزش اجتماعی» لازم دارد.

«گفتگوی سازمانی» ابتدا موجب انگیزش اجتماعی برای حل مشکلات جامعه خواهد شد؛

سپس آسیبهای اجتماعی نیز شناخته می‌شود و در نهایت راه‌حلهای بنیادین و اساسی ارائه می‌گردد که با این راه‌ها، ناهنجاریها و نابسامانیها مرتفع خواهد شد.



۲- تعریف گفتگوی سازمانی

شرایط و قواعد حضور هر یک از هیئت‌های مدیره، علمی و ناظران و گروه‌های موافق و مخالف و تعیین موضوع خاص در گفتگوی سازمانی با توافق و تفاهم همین مجموعه و در سطح اجتماعی با توافق و تفاهم اجتماعی قابل تنظیم و بهینه است؛ اما به منظور تقریب ذهن در مورد هر یک از ارکان گفتگو می‌توان به توضیحات مختصر زیر اشاره نمود:

۱- هیئت مدیره

هیئت مدیره حداقل از سه نفر به عنوان مدیر، معاون کمی و معاون کیفی تشکیل می‌گردد. در یک جلسه گفتگوی سازمانی، هیئت مدیره بایستی کنترل نماید تا هر یک از دو گروه موافق و مخالف از موضوع گفتگو خارج نشوند و دیگر اینکه آنها را از برخورد اخلاقی و غیرفرهنگی پرهیز دهد و در صورت خارج شدن از موضوع و یا برخورد اخلاقی و غیر فرهنگی به آنها نمره منفی داده و در جلسه اعلام نماید. در پایان جمع نمرات مثبت و منفی هیئت مدیره به هر یک از دو گروه موافق و مخالف تعیین کننده امتیازات سیاسی آنها می‌باشد؛ هر چند این امتیازات با امتیازات علمی که از جانب هیئت علمی اعلام می‌گردد، ترکیب شده و امتیاز نهایی هر یک از دو گروه معلوم می‌شود. در صورتی که مجموع امتیازات دو گروه یکسان باشد می‌توان ادامه گفتگو را به جلسه آینده موکول نمود و در صورتی که امتیاز یک گروه بیشتر باشد به عنوان برنده معرفی می‌گردد؛ البته برنده شدن یک گروه در یک جلسه گفتگوی سازمانی به معنای موفقیت آن گروه در مقابل تمامی گروه‌هایی که می‌توانند مقابل آن گروه قرار گیرند، نیست؛ گروه‌های دیگر نیز می‌توانند در مقابل این گروه برنده قرار گرفته و به گفتگوی سازمانی بپردازند. نهایتاً گروه‌هایی که گوی سبقت از رقیبان خویش ربودند، برندگان نهایی در موضوع خاص خود می‌شوند.

۲- هیئت علمی

هیئت علمی حداقل از سه نفر به عنوان سخنگو، کارشناس اطلاعات کمی و کارشناس اطلاعات کیفی تشکیل می‌شود. اینکه هیئت علمی دارای چه تخصصی و از چه سطح علمی برخوردار باشد به موضوع گفتگو و سطح علمی گروه‌های موافق و مخالف وابسته است. هیئت علمی بایستی بی‌طرفانه و با دقت لازم به استدلال‌های کمی و کیفی و نظرات هر یک از دو گروه موافق و مخالف گوش فرا دهد و در مقایسه نظرات دو گروه نظر برتر را مشخص نموده و امتیازات مثبت و منفی هر یک از دو گروه را از نظر علمی اعلام نماید. هیئت علمی بدون اینکه بخواهد نظرات خود را در مورد موضوع گفتگو ابراز کند بایستی تلاش نماید هر یک از دو گروه به بحث و بررسی پیرامون موضوع گفتگو بپردازند و نظرات خود را به صوت شفاف بیان نمایند و در پایان یک جلسه گفتگو، قضاوت خود را در مورد نظرات هر یک از دو گروه موافق و مخالف در قالب نمرات مثبت و منفی بیان نمایند.

۳- هیئت ناظران

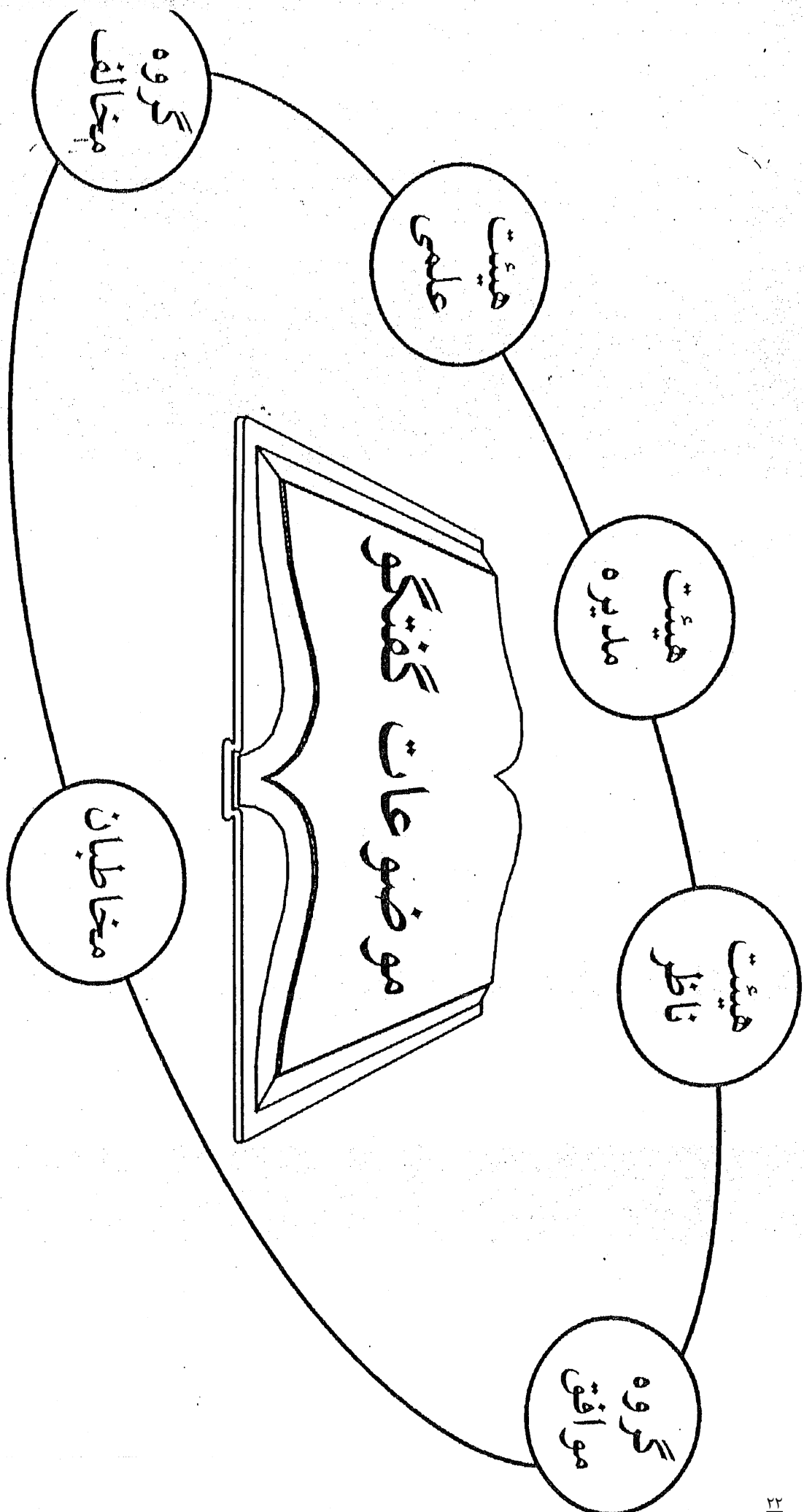
هیئت ناظران که بر عملکرد هیئت مدیره، هیئت علمی و گروه‌های موافق و مخالف نظارت دارد حداقل از چهار گروه سه نفره به عنوان ناظران هیئت مدیره، ناظران هیئت علمی، ناظران گروه مخالف و ناظران گروه موافق تشکیل می‌شود. بعد از هر جلسه گفتگوی سازمانی هیئت ناظران نمرات مثبت و منفی خود را نسبت به عملکرد هر یک از ارکان دیگر گفتگو اعلام می‌کنند. برای این که مخاطبان حاضر در یک جلسه گفتگو احساس حضور بیشتری داشته باشند در هیئت ناظران تعداد بیشتری از مخاطبان می‌توانند حضور پیدا کنند. هر چند قبل از هر جلسه گفتگوی سازمانی بایستی این افراد آمادگی خود را اعلام نموده و برای امر نظارت تعیین شده باشند.

۴ و ۵- گروه‌های موافق و مخالف

هر یک از گروه‌های موافق و مخالف موضوع خاص می‌توانند حداقل، از سه نفر به عنوان سخنگو، کارشناس اطلاعات کمی و کارشناس اطلاعات کیفی تشکیل شود؛ هر چند هر گروه می‌تواند یک مربی و یک سرپرست برای خود داشته باشد به گونه‌ای که مربی عملاً مسئول تمرین و آماده‌سازی گروه برای گفتگو است باشد و سرپرست، مسئول هماهنگ‌سازی مجموعه کارها و انجام مقدمات لازم برای حضور در گفتگوی سازمانی باشد. در ضمن هر گروه سه نفره می‌تواند حداکثر دو نفر را به عنوان ذخیره معرفی نماید تا در صورت لزوم با افراد گروه حاضر در گفتگو، تعویض شوند. هر یک از دو گروه بایستی نظرات خود را با ادبیاتی شیوا و شفاف، استدلال‌های کمی و کیفی خود را بدون برخورد ضد اخلاقی و غیر فرهنگی با گروه مقابل و بدون خروج موضوعی از بحث ابتدائاً به صورت مکتوب حدوداً بین بیست تا بیست و پنج خط به برگزارکنندگان گفتگوی سازمانی ارائه دهند تا پس از بررسی مکتوبات و تعیین گروه‌های موافق و مخالف و تعیین هیئت مدیره و هیئت علمی و هیئت ناظران و ارائه مکتوبات به آن‌ها جهت مطالعه و آمادگی برای حضور فعال در جلسه گفتگوی سازمانی، زمان و مکان و موضوع گفتگو و گروه‌های مخالف و موافق و هیئت‌های مدیره، علمی و ناظران اعلام شود تا در موعد مقرر جلسه گفتگوی سازمانی برگزار گردد.

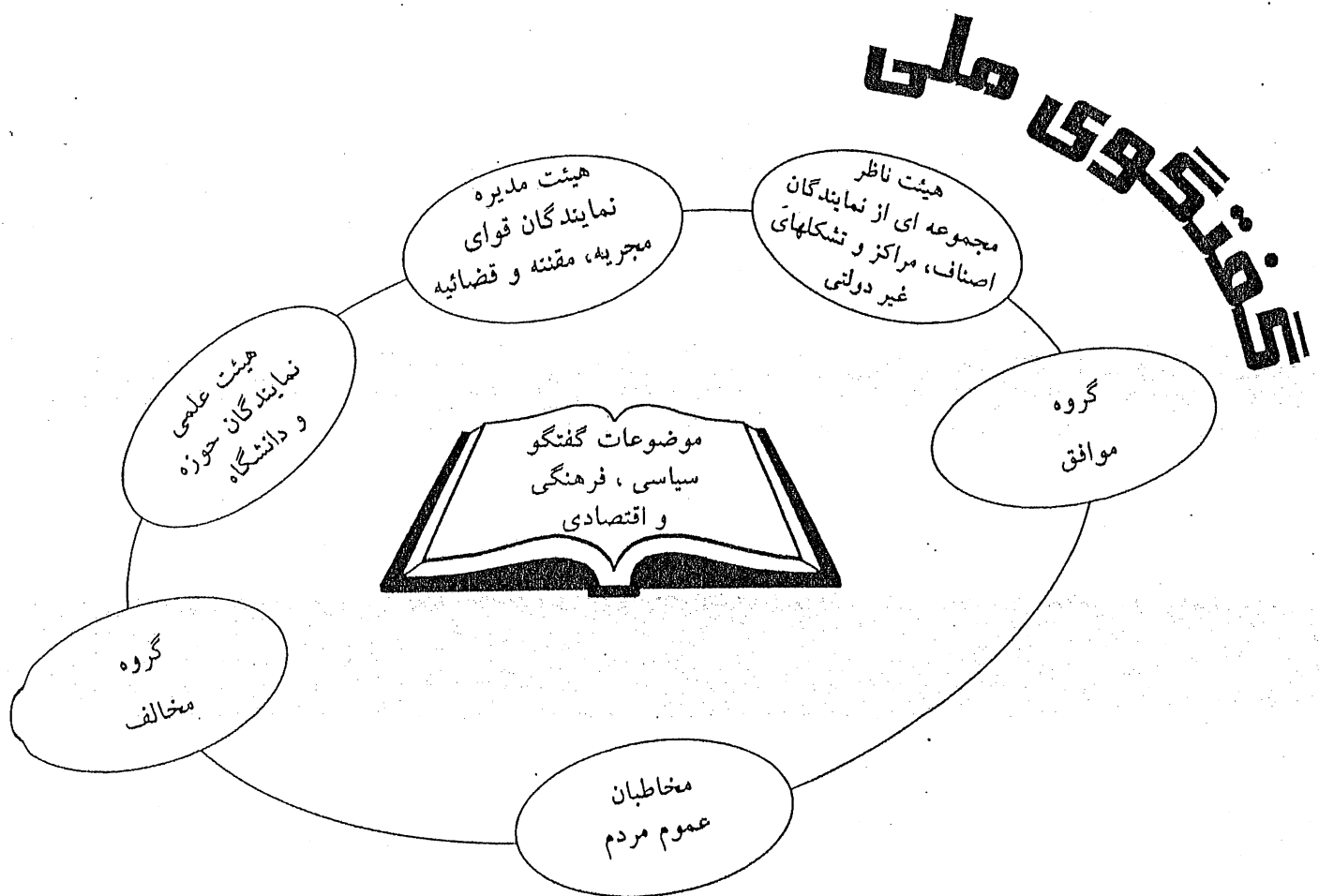
ع-موضوع گفتگو

موضوعات گفتگو با توجه به پیشنهادات ارائه شده از جانب عموم افراد جامعه و مقدمات و توان اجرایی برگزارکنندگان گفتگوی سازمانی و استقبال ارکان گفتگو (هیئت‌های مدیره، علمی، ناظران و گروه‌های مخالف و موافق) و مطلوبیت‌های قابل مفاهمه، تعیین می‌شود. این موضوعات شامل تمامی موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌باشد و در تمامی سطوح علمی قابلیت طرح دارد.



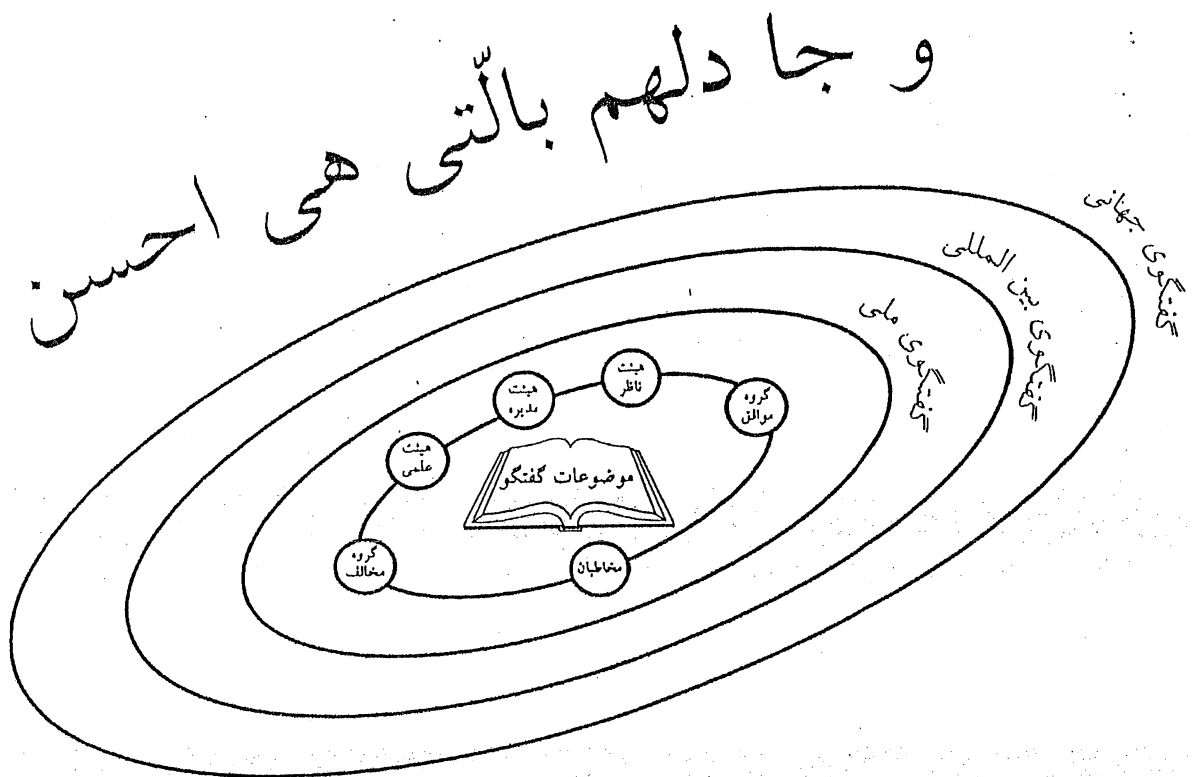
۳- چگونگی گفتگوی ملی در قالب گفتگوی سازمانی

به منظور ایجاد، تداوم و تکامل «وحدت ملی»، «امنیت ملی» و (در سایه این وحدت و امنیت) انگیزش عمومی برای مبارزه با «فساد، تبعیض و فقر»، طرح «گفتگوی سازمانی» در مقیاس «ملی» قابل ارائه و اجرا می‌باشد. در فضای گفتگوی سازمانی، «هیئت مدیره» از نمایندگان قوای مجریه، مقننه، قضائیه خواهد بود، «هیئت علمی» شامل نمایندگان حوزه و دانشگاه، «هیئت ناظر» شامل مجموعه‌ای از نمایندگان اصناف، نهادها، مراکز و تشکلهای غیر دولتی؛ «مخاطبان» نیز عموم جامعه خواهند بود؛ هر چند متناسب با شرایط طرفین موافق و مخالف و خصوصیات موضوع گفتگو، ترکیب هیئت داوران (هیئت مدیره، هیئت علمی و هیئت ناظر) نیز تغییر می‌یابد.



۴- امکان گفتگوی سازمانی در مقیاس ملی، بین‌المللی و جهانی

گفتگوی سازمانی علاوه بر مقیاس «ملی» در مقیاس «بین‌المللی» و «جهانی» نیز قابل طرح و اجرا می‌باشد. با این گفتگو در مقیاس بین‌المللی، ارتباطات بین ملتها تکامل می‌یابد و در مقیاس جهانی، معادله‌های حاکم بر جهان با مشارکت عادلانه مجموع کشورها تکامل می‌یابد؛ همانگونه که در مقیاس ملی با گفتگوی سازمانی پیرامون موضوعات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، مشکلات و مسائل جامعه سامان می‌یابد.



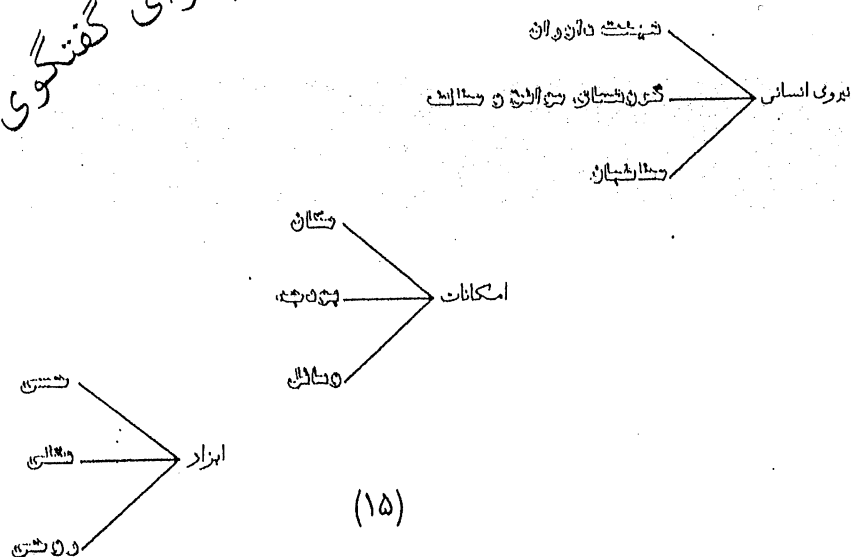
۵- مقدمات لازم برای گفتگوی سازمانی

برای انجام «گفتگوی سازمانی» درباره موضوعات مختلف، مقدماتی چند الزامی می‌باشد:

«نیروی انسانی» به عنوان مهمترین مقدر شامل هیئت داوران (هیئت مدیره، هیئت علمی و هیئت ناظر)، گروه موافق و مخالف (هر گروه دارای سخنگو، کارشناس اطلاعات کمی و کارشناس اطلاعات کیفی، مربی و سرپرست) و مخاطبان (متخصصان، مسئولان و عموم جامعه) می‌باشد. مقدر بعدی «ابزار» گفتگو می‌باشد که شامل «ابزار حسی» (زبان، لغت، دستور زبان و معانی و بیان) «ابزار عقلی» (منطق صوری، منطق مجموعه نگر و سایر منطقها متناسب با موضوعات گفتگو) «ابزار روحی» (اخلاق، فرهنگ و ادب) می‌باشد.

مجموعه این ابزارها در هر گفتگو توسط نیروی انسانی بکار گرفته می‌شود؛ هر چند این عملیات در صورت وجود امکانات از جمله «مکان» (مانند سالنهای کنفرانس، سینما، تئاتر، تالارها، مساجد، مصلاها، فرهنگسراها، ورزشگاهها و سایر اماکن عمومی)، «بودجه» (به منظور سازماندهی، برنامه‌ریزی، آموزش و تبلیغ گفتگوی سازمانی) و «وسایل» (مانند سیستم صوتی و تصویری، ویدئو پرژکشن، اورهد، کامپیوتر، ماهواره و شبکه اینترنت) قابل تحقق است.

مقدمات لازم برای گفتگوی سازمانی



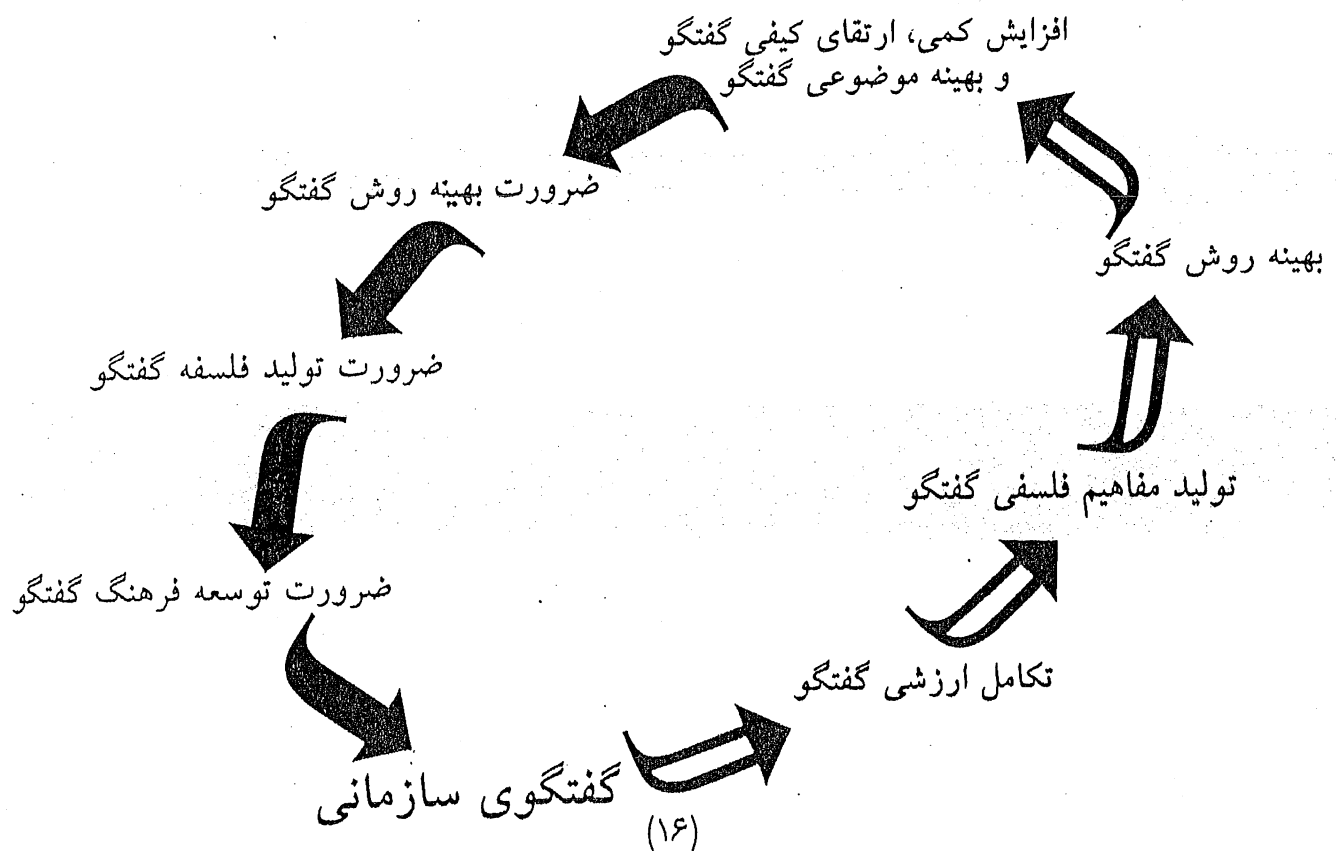
(۱۵)

۶- چگونگی توسعه و ارتقاء کارآمدی گفتگو

۶/۱- افزایش کمی، ارتقاء کیفی گفتگو و بهینه موضوعات گفتگو

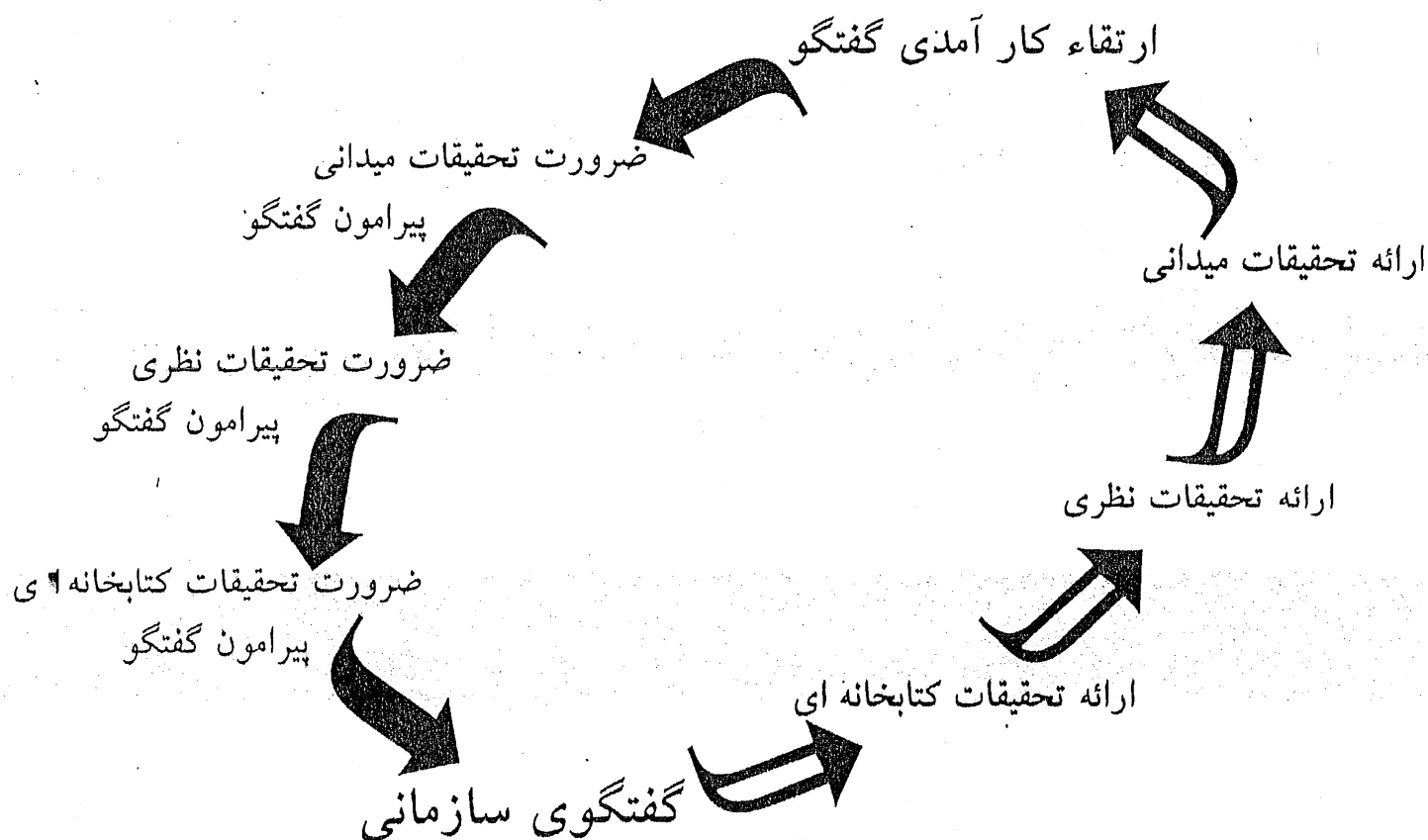
با توجه به ضرورت‌های اجتماعی گفتگو، لازم است به «افزایش کمی، ارتقای کیفی و بهینه موضوعات گفتگو» نیز پرداخته شود. چنانچه گفتگو در جامعه قانونمند و روشمند شود هدف فوق نیز تحقق می‌یابد. برای بهینه روشهای موجود گفتگو، روشن شدن «فلسفه گفتگو» و قبل از آن عمومی شدن «فرهنگ گفتگو» ضروری می‌نماید.

با اجرای «گفتگوهای سازمانی» در جامعه، گفتگو از نظر ارزشی و فرهنگی به پذیرش بیشتری رسیده و متشاء دغدغه اجتماعی و تولید مفاهیم اصولی گفتگو می‌شود؛ سپس این مفاهیم جامعه را در بهینه «روش گفتگو» یاری می‌نماید. زمانی که گفتگو مقنن و قاعده‌مند باشد افزایش کمی، ارتقاء کیفی گفتگو و بهینه موضوعات گفتگو آسان و ممکن می‌گردد.



در روند برگزاری «گفتگوهای سازمانی»، باید کارآمدی تحقیق پیرامون گفتگوی سازمانی نیز ارتقاء یابد. برای این منظور تحقیقات میدانی جهت دستیابی به شاخصه‌های دقیقتر و تنظیم برنامه‌های بهتر برای گفتگو ضروری است. این خود مستلزم تعیین اصول نظری گفتگو است؛ هر چند قبل از تحقیقات فظری، تحقیقات کتابخانه‌ای جهت دستیابی به مجموعه نظرات و ارتکازات جامعه (در گذشته و حال) پیرامون گفتگو لازم می‌باشد.

با «گفتگوی سازمانی» می‌توان به ارائه تحقیقات کتابخانه‌ای، تحقیقات نظری و تحقیقات میدانی پیرامون گفتگو پرداخت و از این طریق تحقیق در مورد گفتگوی سازمانی را دقیقتر نموده و کارآمدی آنرا فزونی بخشید.



۶/۲۴- ارائه تحقیقات کتابخانه‌ای پیرامون گفتگو، اولین مرحله ارتقاء کارآمدی گفتگو

اولین مرحله تحقیقات کتابخانه‌ای پیرامون گفتگو، تتبع در متونی می‌باشد که در مکانها و زمانهای مختلف توسط شخصیت‌های علمی تنظیم شده است؛ سپس به صورت اجمالی این متون مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ هر چند بررسی تفصیلی نیز ضروری است که در مراحل بعدی به آن پرداخته می‌شود.

در حوزه‌های علمی، دانشگاهها، نظام اجرایی و مراکز وابسته به آنها و همچنین در فرهنگ عمومی تاکنون پیرامون ضرورت، تعریف و ثمرات گفتگو و مناظره، مطالب زیادی مطرح شده است که با انجام مرحله اول تحقیقات کتابخانه‌ای، نمونه‌هایی از اسناد تهیه شده ارائه می‌گردد.

«تأمین منابع» اولین مرحله تحقیقات کتابخانه‌ای

متون لازم برای تحقیقات کتابخانه‌ای پیرامون گفتگوهای سازمانی											بخشها محورها
حوزه	تفاسیر آیات	مجامع روایی	کتاب اخلاقی و عرفانی	کتاب کلامی	کتاب فقهی	کتاب منطق	کتاب اصول فقه	کتاب تاریخی	کتاب فلسفی	کتاب ادبیات	—
دانشگاه	کتاب جامعه شناسی	کتاب علوم ارتباطی	کتاب روانشناسی	کتاب علوم سیاسی	کتاب علوم تجربی	کتاب حقوق	کتاب فلسفی	کتاب منطقی	کتاب تاریخی	کتاب ادبیات	کتاب هنر
نظام اجرایی	متون کاربردی	متون کاربردی	متون کاربردی	—	—	—	—	—	—	—	—
فرهنگ عمومی	رسانه‌ها	ادبیات عمومی	متون ارزیابی افکار عمومی	—	—	—	—	—	—	—	—

۶/۲/۲- ارائه تحقیقات نظری پیرامون گفتگو، دومین مرحله ارتقاء کارآمدی گفتگو

با توجه به آنچه از تحقیقات کتابخانه‌ای پیرامون گفتگو در متون حوزوی، دانشگاهی، نظام اجرایی و فرهنگ عمومی بدست می‌آید، گفتگو پیرامون موضوعات مختلف جهت دستیابی به نظرات برتر، تفاهم بیشتر و هماهنگی بهتر ضروری می‌نماید، همچنین ابعاد مختلف گفتگوی سازمانی بیشتر تبیین می‌گردد. نمونه‌هایی از تحقیقات نظری انجام شده که به صورت متون آموزشی تدوین شده است ارائه می‌گردد.

* فهرست بررسی ابعاد گفتگوی سازمانی از طریق تحقیقات نظری

الف- تعریف

۱- تعریف گفتگوی یا مناظره

۲- تعریف روش گفتگو یا مناظره

ب- ضرورت گفتگو یا مناظره

۱- قانع کردن (امتناع)

۲- استیلای فرهنگی

۳- تفاهم اجتماعی

۴- ارتباط فرهنگی

۵- مشارکت عمومی فرهنگی

ج- هدف گفتگو

د- انواع گفتگو

۱- گفتگوی فردی

و- جهت‌گیری گفتگو

۱- نظریه گفتگو

۲- نظریه برخورد

۳- گفتگو با خودیها و برخورد با غیر خودیها

ز- مراتب نظری و عملی گفتگو

۱- تأثیر برهان در پیدایش تفاهم

۱/۱- شرایط تأثیرات استدلال و برهان

شرط اول: ملاحظه ظرفیت

شرط دوم: ملاحظه شرایط محیطی

مراتب شرایط محیطی

۱- شرایط اجتماعی

۱/۱- شرایط سیاسی

۱/۲- شرایط فرهنگی

۱/۲/۱- فلسفه فرهنگ اجتماعی

۱/۲/۲- ساختار فرهنگ اجتماعی

۱/۲/۳- آثار و ثمرات فرهنگ اجتماعی

۱/۳- شرایط اقتصادی

۲- شرایط جهانی

۳- شرایط تاریخی

۲- تأثیر ایثار عملی در پیدایش تفاهم

ح- ابزار مناظره

۱- ابزار حسی

۱/۱- تسلط بر لغت و اصطلاحات

۱/۲- تسلط بر دستور زبان

۲- ابزار عقلی

۲/۱- آشنایی با صورت استدلال

۲/۲- آشنایی با مواد استدلال

۲/۳- انواع استدلال

۲/۳/۱- انواع استدلال در منطق ارسطویی

۲/۳/۲- نحوه استدلال در منطق دیالکتیک

۲/۳/۳- نحوه استدلال در فلسفه غرب

۲/۳/۴- نحوه استدلال در فلسفه نظام ولایت

۳- ابزار روحی

ط- بررسی اوصاف مناظره کننده

ی- فعالیتهای عملی برای آشنایی با شیوه‌های مناظره

ک- بررسی روش تمقیق کتابخانه‌ای برای ایثار تفاهم در گفتگو

۱- تأمین منابع

۱/۱- تأمین اعتبار منابع

۲- تجزیه موارد

۲/۱- تجزیه اصطلاحات

۲/۲- تجزیه تعاریف

۲/۳- تجزیه استدلالها

۲/۳/۱- تعیین صغریات استدلال

۲/۳/۲- تعیین کبریات استدلال

۳- استخراج مبانی استدلال

۴- استخراج تمثیلهای مورد ذکر در متون

۵- استخراج شیوه‌های تفاهم

۶- جمع‌بندی

۷- نتیجه‌گیری

۶/۲/۳- ارائه تحقیقات میدانی پیرامون گفتگو، سومین مرحله ارتقاء کارآمدی گفتگو

با توجه به آنچه از تحقیقات نظری پیرامون گفتگوی سازمانی بدست می‌آید، با تحقیقات میدانی نیز شاخصه‌هایی برای اداره بهتر گفتگوی سازمانی تنظیم می‌شود و سپس با توجه به مقدرات و شرایط موجود، برنامه اجرای گفتگوی سازمانی تنظیم می‌گردد و در نتیجه با اجرای آزمایشی نمونه‌هایی از جلسات گفتگوی سازمانی مشاهده می‌شود که در دوره‌های دیگر مجدداً تحقیقات لازم به منظور بهینه کارآمدی گفتگوی سازمانی انجام می‌گیرد. اکنون نمونه‌هایی از فرمهای مخصوص اداره جلسات گفتگوی سازمانی و عناوین بعضی از جلسات گفتگو زیر عرضه می‌شود:

۶/۲/۳/۱- عناوین جلسات برگزار شده گفتگوی سازمانی پیرامون موضوعات اجتماعی

۱- جامعیت و عدم جامعیت دین

۲- حکومت و ولایت

۳- آیا ارتباط صمیمی بین روحانیت و جوانان وجود دارد؟

۴- آیا روحانیت جوابگوی نیازهای امروز جوانان می‌باشد؟

۵- آیا در صورت اجرای تعالیم اسلام به پیشرفتی بیش از پیشرفت غرب می‌رسیم؟

۶- آیا علم جدید برای بشر رفاه و سعادت می‌آورد؟

۷- آیا جوانان امروز ایران احساس هویت می‌کنند؟

۶/۲/۳/۲- نمونه فرم ارزیابی هر یک از گروه موافق و مخالف توسط هیئت مدیره

باسمه تعالی
عنوان گروه: نمونه فرم ارزیابی هر یک از گروه موافق و مخالف
موضوع گفتگو: تاریخ گفتگو: شماره گفتگو: توسط هیئت مدیره

عنوان	میزان امتیاز	زمان ارائه	خروج از موضوع ۶ امتیاز	خروج زمان مقرر ۲ امتیاز	بحث غیر زمان مقرر روحی و سیاسی ۲ امتیاز	برخورد ۶ امتیاز	جمع امتیاز منفی	امتیاز مثبت
بیان ادعا	۱۶	۱۰ دقیقه						
بیان استدلال	۱۶	۱۰ دقیقه						
پاسخ به اشکال	۱۶	۱۵ دقیقه						
اشکال به گروه مقابل	۱۶	۱۰ دقیقه						
تنظیم خلاصه بحث	۵	قبل از جلسه	—	—	—	—		
تعیین سخن کو و معاونین	۳	قبل از جلسه	—	—	—	—		
جمع	۷۲	۲۵						

۶/۲/۳/۳- نمونه فرم ارزیابی هر یک از گروه موافق و مخالف توسط هیئت علمی

باسمه تعالی
عنوان گروه: نمونه فرم ارزیابی هر یک از گروه موافق و مخالف
موضوع گفتگو: تاریخ گفتگو: شماره گفتگو: توسط هیئت علمی

موضوعات ارزیابی	میزان امتیاز	خوب ۳	متوسط ۲	ضعیف ۱	علت امتیاز کیفی	جمع امتیازات
بیان ادعا	۱۲					
بیان استدلال	۱۸					
پاسخ به اشکالات	۱۲					
اشکال به ادعای گروه مقابل	۶					
اشکال به استدلال گروه مقابل	۶					
هماهنگی گروه در بیان مطالب	۱۲					
جمع	۶۶					

۶/۲/۳/۴- نمونه فرم ارزیابی هیئت مدیره توسط هیئت ناظر

عنوان گروه: باسمه تمالی نمونه فرم ارزیابی هیئت مدیره تاریخ گفتگو:
موضوع گفتگو: توسط هیئت ناظر شماره گفتگو:

میزان امتیاز	زمان اراک	خروج از موضوع ۶ امتیاز	خروج زمان مقرر ۲ امتیاز	بحث شهر زمان مقرر ۲ امتیاز	برخورد روحی و سیاسی ۶ امتیاز	جمع امتیاز مثلی	امتیاز مثبت
بیان ادعا	۱۶	۱۰					
بیان استدلال	۱۶	۱۰					
پاسخ به اشکال	۱۶	۱۵					
اشکال به گروه مقابل	۱۶	۱۰					
تنظیم خلاصه بحث	۵	قبل از جلسه					
تعیین سخن‌گو و معاونین	۳	قبل از جلسه					
جمع	۷۲	۲۵					

۶/۲/۳/۵- نمونه فرم ارزیابی هیئت علمی توسط هیئت ناظر

عنوان گروه: باسمه تمالی نمونه فرم ارزیابی هیئت علمی تاریخ گفتگو:
موضوع گفتگو: توسط هیئت ناظر شماره گفتگو:

امتیازات	میزان امتیاز	خوب ۲/۳	متوسط ۲/۳	ضعیف ۱/۳	علت امتیاز کمی	جمع امتیازات
بیان ادعا	۱۲					
بیان استدلال	۱۸					
پاسخ به اشکالات	۱۲					
اشکال به ادعای گروه مقابل	۶					
اشکال به استدلال گروه مقابل	۶					
همانگی گروه در بیان مطالب	۱۲					
جمع	۶۶					

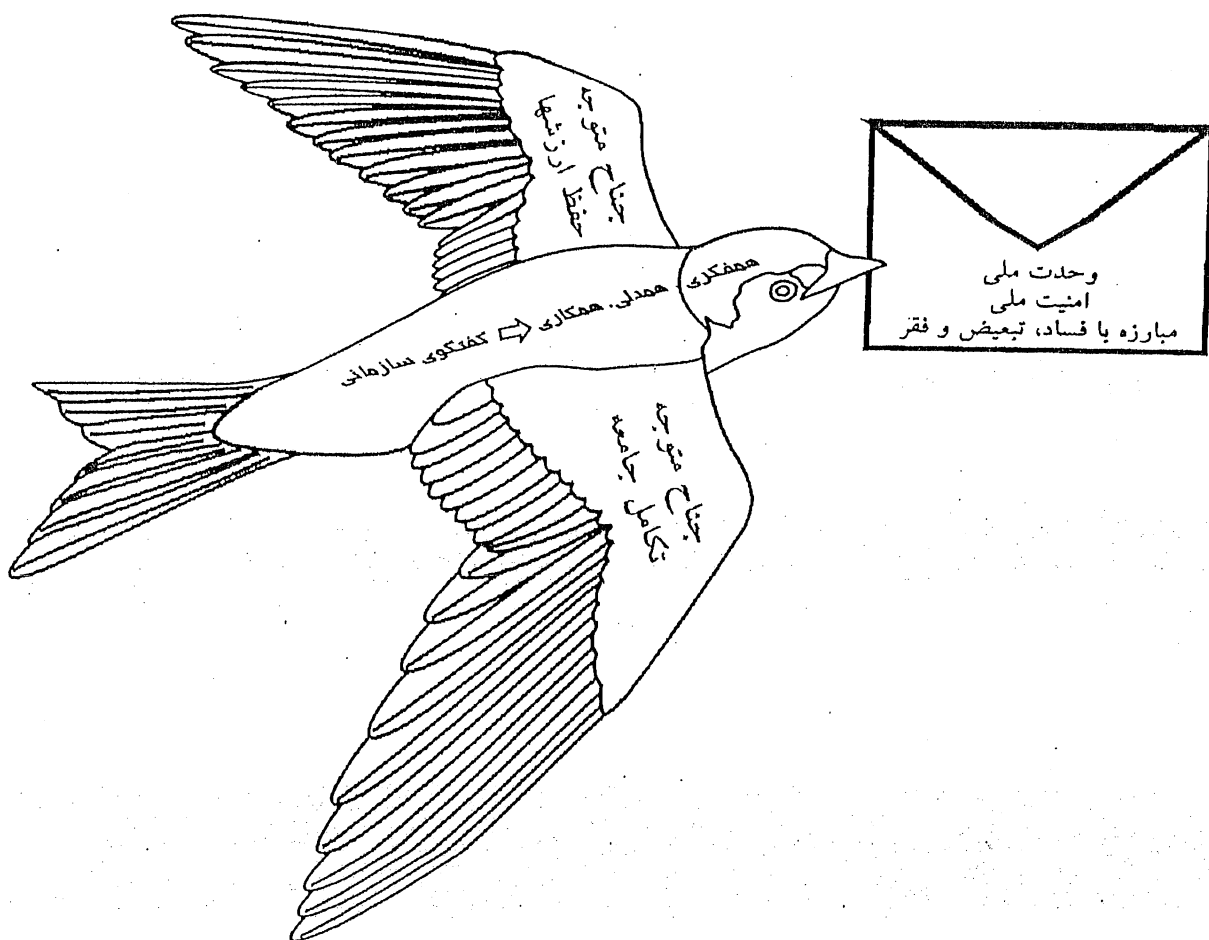
نام و نام خانوادگی و امضاء
اعضای هیئت علمی:

جمع نهایی امتیازات

۱-
۲-
۳-

۷- طرح (پیشنهادی) بهینه‌سازی فعالیت‌های سیاسی

در فعالیت‌های سیاسی موجود یک طیف از طرفداران انقلاب بیشتر به حفظ ارزش‌ها و طیف دیگر بیشتر به تکامل جامعه عنایت دارند. این دو طیف به منظور پیشبرد اهداف مقدس جمهوری اسلامی ایران با انجام گفتگوهای سازمانی به همدلی، همفکری و همکاری در حل موضوعات مختلف رسیده و مانند دو جناح، پیام‌آور «وحدت ملی»، «امنیت ملی» و «رهیافت، راهبرد و راهکار» لازم برای مبارزه با «فساد، تبعیض و فقر» خواهند بود.



۸- الگوی (پیشنهادی) مشارکت عمومی در مدیریت، برنامه ریزی و گردش عملیات

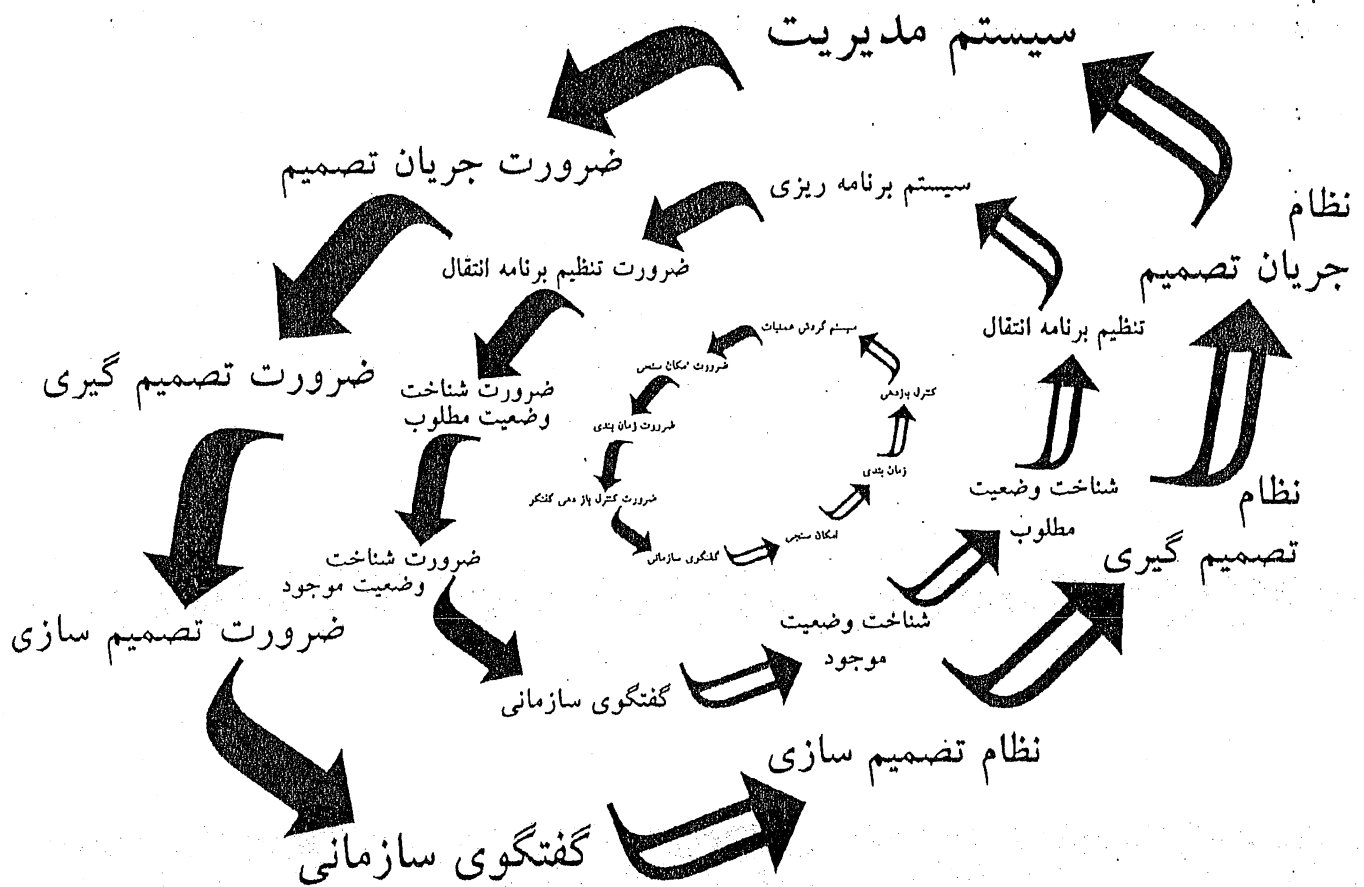
گفتگوی سازمانی خود می‌تواند الگوی مشارکت عمومی در دستیابی به شیوه مدیریت،

برنامه‌ریزی و گردش عملیات مؤسسه گفتگوی سازمانی باشد. در واقع با این نوع گفتگو نحوه

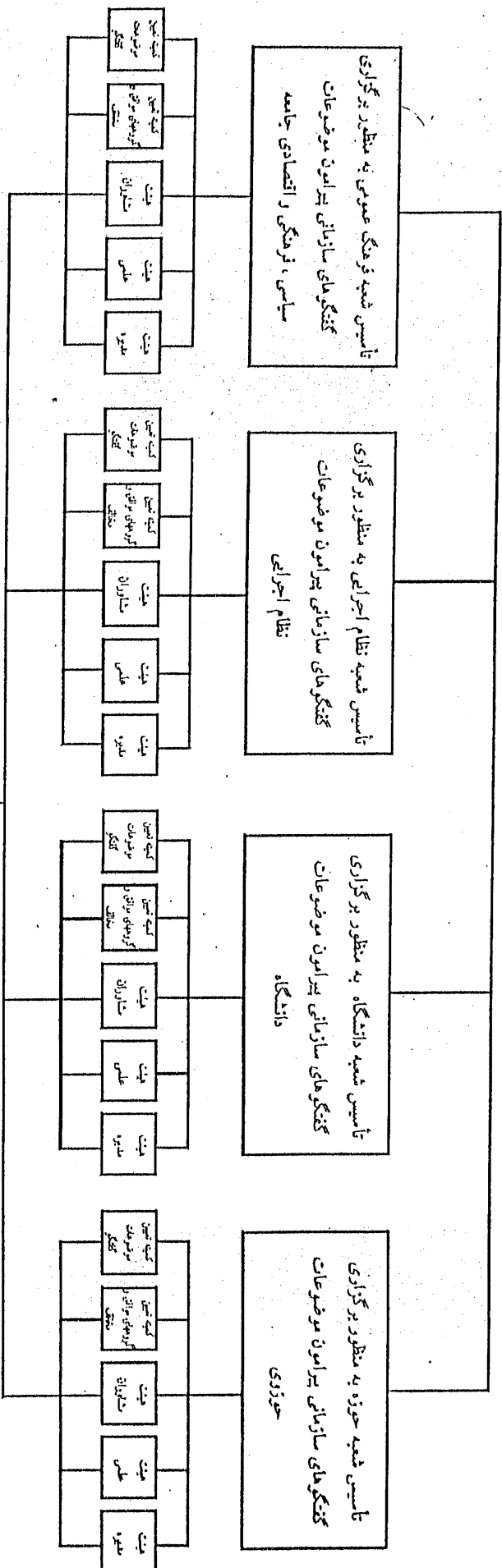
مدیریت، برنامه‌ریزی و گردش عملیات مربوطه جهت برگزاری گفتگوهای سازمانی پیرامون

موضوعات مختلف تعیین می‌شود؛ هر چند این الگو را می‌توان در سایر مجموعه‌ها به منظور

مشارکت اجتماعی در اداره امور به کار گرفت.



پیشنهادهای روند آتی فعالیتهای مؤسسه گفتگوی سازمانی



تأسیس شعبه ملی
تأسیس شعبه بین الملل اسلامی
تأسیس شعبه ادیان
تأسیس شعبه جهانی

صندوق پستی: ۴۴۹ - ۳۷۱۸۵ - قم

تلفن منوط: ۵-۱۲۴۱۲۳۶-۹۳۶۱۲۳۶ داخلی ۲۲۳۶

سند اولیہ

مدل منظرہ سازمانی

متن جلسات

جلسہ ۱-۱۰

استاد علامہ حجت الاسلام^۹ المسلمین
سید منیر الدین حسینی الهاشمی
مدیریت تدوین اسناد علمی

بانک اطلاعات
معاونت
علوم اسلامی
دفتر فہرست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱
کد جلسه: ۳۳۸۹	تاریخ جلسه: ۱۳۷۷/۱۱/۰۱
کد صوت: ۴۷۵۹	مدت جلسه: ۸۷ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۱۰۲۶۱

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم س. صالح
تایپ:	محمد رضا عالمی
تطبیق:	خانم ف. کریمی
تصحیح (۱):	علی فقیهی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	علی فقیهی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	علی فقیهی
صفحه آرایی:	علی فقیهی

جلسه اول

استاد حسینی: [؟] یعنی اینگونه نباشد [؟] و روشن کارمان هم تا آخر کار هم همین طوری باشد - ان شاء الله تعالی - با همفکری جلو رود - به یاری خدا -
آقای نصرتی: - ان شاء الله -

استاد حسینی: اعوذ بالله من همزات الشیاطین، بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین، انه خیر ناصر و معین و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابالقاسم محمد (اللهم صل علی محمد و آل محمد) و علی اهل بیته المعصومین المنتجبین المکرمین و اللعن علی اعدائهم الله من الان الی يوم الدین.

ما یک مقدار خوب است چند جلسه ای درباره هدف کار صحبت کنیم، ضرورتش برای ما مشخص بشود، بتوانیم منتقل بکنیم به خود خواهرها دامنه مطلب را؛ یعنی به عبارت دیگر خود موضوع، حدود و ثغورش مشخص بشود، ضرورتش مشخص؛ یعنی «ضرورت و موضوع و هدف» - به اصطلاح - حداقلش چیزهایی است که باید مثلاً معرفی بشود. اما قبل از این سه تا، از جناب عالی سؤال می کنم آیا

چیزی هم غیر از مسأله «ضرورت، موضوع، هدف» در خاطرتان هست اولاً، که خوب است در یک موضوع، مثل موضوع مثلاً حضور و فعالیت فرهنگی زنان، مثلاً موضوع بحث قرار بگیرد، یا این کار که این را کافی می دانید؟ آقای نصرتی: شروعش همین بحث ضرورت، یعنی شروع از ضرورت می شود دیگر؟!

استاد حسینی: بله، ضرورت اولی است یا موضوعش چه است، که ضرورت دارد یعنی که اصلاً ضرورت پرداختن به این موضوع. آقای نصرتی: ضرورت پرداختن، بعد موضوع تبیین می شود. استاد حسینی: خیلی خوب. ولی چه نیازی ما داریم که مثلاً چه خلأیی علت شده، انگیزه کار چه چیزی است، خلاصه، آقای نصرتی: بله.

استاد حسینی: - به حضورتان که عرض کنم که - بعدش هم موضوع، بعدش هم هدفش آقای نصرتی: بله.

استاد حسینی: خیلی خوب، این یک بحث هست که باید به آن حتماً پرداخته بشود. و یک بحث دیگر این که این، حالا - به حضور مبارکتان که عرض کنم که - ضرورت را باز در سطوح مختلف می شود ملاحظه کرد: یکی اینکه آیا واقعا قشر زن، ما فعلاً در یک مثلاً بن بست تاریخی قرار گرفتیم، یا یک شرایط خاص اجتماعی قرار گرفتیم که آقای خاتمی فرضاً بحث زنان را دارد طرح می کند و یک عده هم مثلاً دارند می گویند و ما به آن مجبوریم پردازیم، این یک فرض است. یک فرض دیگر این است نه، این طوری نیست - به حضورتان که عرض کنم که - فرضاً غرب دارد می پردازد. یک فرض باز از اینجا هم بالاتر است، صحبت از غرب نیست، نه در داخل، آقای که خاتمی و نه در غرب. در یک حرکت تاریخی، تاریخ

به اینجا رسیده که باید به نقش زن هم پرداخته بشود. یک صحبت یک کمی بالاتر است، این که اصلاً منزلت زن در تکوین چه چیزی است، نه در تاریخ؟ می توانیم بگوییم منزلت زن غیر از منزلت مرد است و باید به آن پرداخته بشود تکویناً، بعدش هم آن وقت بگوییم در مراحل مختلف تاریخ، چگونه باید باشد، از جمله در این مرحله ای که هستیم، بعدش می گوییم در این مرحله نظام کفر دارد چه کار می کند؟ نظام اسلام باید چه کار بکند؟ نظام التقاط چه کار می کند؟ حالا موضع ما به عنوان کسانی که جزء متفکرین اسلامی هستیم برای اینکه تبیین کنیم این مسأله اش چه چیزی است؟ پس این چند سطح قابل ملاحظه است. اگر از تکوین آغاز کنیم قطعاً ولو به اجمال بگذریم، دید روشن تری داریم از مسأله ی ضرورت؛ یعنی ضرورت هرگاه پایگاه و پایه در نظام تکوینی عالم پیدا کرد، دیگر معنا ندارد زیربخش هایش ضرورت نداشته باشد؛ یعنی شامل ترین دایره ای را که ما رسم کنیم، اگر در آنجا دیدیم یک ضرورتی هست، این طبیعتاً در بخش های زیری آن، یعنی تاریخی اش هم ضرورتش به گونه های مختلف جلوه می کند، و در جامعه بیرونی الحادش هم در این مرحله از تاریخ معین می شود، در وضعیت ملحدین و نظام استکباری و نظام الهی و التقاطی هم پرداخته می شود، شما چگونه می بینید این را، این سیر را پرداختن؟

آقای نصرتی: این که از تکوین شروع بکنیم برای این که برای خودمان هم روشن بشود خیلی خوب است، اما قدرت مفاهمه مان را کم نمی کند؟
استاد حسینی: اگر ما بتوانیم به اجمال بگذرانیم، دید اجمالی پیدا بکنیم، نیاییم زیاد توضیح آن را بدهیم؛ یعنی از آن بالا مجمل ترین تعریف را بدهیم، به عینیت که برسیم دیگر عمیق ترین و دقیق ترین را بدهیم.
آقای نصرتی: خب حداقل برای خودمان برای این که ...
استاد حسینی: یک دید داشته باشیم.

آقای نصرتی: ... ساخت جهان بینی مان جای بگیرد، جایگاه خاص خودش را پیدا کند، باید شروع کنیم از تکوین.

استاد حسینی: بله احسنت! دقیقاً همین است که تعبیر صحیح فرمودید. وقتی می‌گوییم تکوینی یعنی در جهان، جهان بینی ما زن چه جایگاهی دارد، آقای نصرتی: بله.

استاد حسینی: یعنی نسبت به همه ی اشیاء می‌توانیم داشته باشیم، که ما منزلت شیء را در جهان بینی مان بتوانیم تعریف کنیم، مخصوصاً چیزی که استمرار تاریخی و اجتماعی دارد؛ یعنی یک وقتی یک چیزهایی هست که پیدا می‌شوند یک دوره ای از تاریخ، یک دوره نیستند آنها اصلاً، می‌توانیم بگوییم این لزومی ندارد به آن پرداخته بشود. ولی چیزی که در فلسفه تاریخ مان سراسر هست؛ اگر ما این طوری برخورد کنیم بگوییم اصولاً زن و مرد، کیفیت ارتباطشان تشکیل دهنده کوچک‌ترین سیستم و نظام به عنوان خانواده، آقای نصرتی: بشری.

استاد حسینی: به عنوان خانواده.

آقای نصرتی: نظام بشری.

استاد حسینی: بله، در - به اصطلاح - سیستم بشری، باید بتوانیم کلیه ی خصوصیات را که برای تکامل اجتماعی ذکر می‌کنیم در - به اصطلاح - میکرویش، در کوچک‌ترین شکلش، در خانواده قابل ملاحظه باشد. آن وقت در خاطرم هست که هرگز اسلام خانواده را به خانه تعریف نمی‌کند؛ یعنی نمی‌گوید یک سرپناهی هست، یک محیطی هست که دو نفر زندگی می‌کنند، دو یا چند نفر زندگی می‌کنند، به دلیل اینکه مشترک المنافع در منافع مادی زیستی و محیطی هستند اینها را می‌گوییم خانواده، بلکه یک گونه ارتباط خاص را اصل قرار می‌دهد در پیدایش خانواده؛ یعنی خانه را به خانواده تعریف می‌کند، نه این که خانواده را

به خانه تعریف کند. در آمریکا اگر دو تا مرد هم زیر یک سقف زندگی می کنند، یک خانواده تعریف می شوند، ولی در اسلام هرگز این طوری نیست. اگر دو تا مرد هستند سؤال می شود آیا اینها دو تا برادر هستند یا نیستند؟ پسرخاله هستند یا نیستند؟ خویشاوندند، رحم هستند یا رحم نیستند؟ اگر رحم نیستند هرگز لقب خانواده به آنها اطلاق نمی شود. دو تا شریک هستند، در یک منزل خریدند دو تا شریکند ولی هر کدامشان را به رحمت شان تعریف می کنند، می گوید این از فلان فامیل است، آن از فلان فامیل. فامیل و ارحام در اسلام به رسمیت شناخته می شود، اگر ما یقین داشته باشیم، که یقین داریم که اسلام که اشرف و خاتم ادیان الهی هست، دین فطری هست، یعنی جهان بینی - به اصطلاح - متناسب هست با اسلام، یعنی دیدی که از جهان داریم از اسلام می رسیم به آن. خب خانواده می شود یک پایگاه جدی و حقیقی دارد. حالا می خواهیم عرض کنیم که اصولاً تمدن، نتیجه ی ارتباط انسان ها باهمدیگر که هست، «زن، مرد، تمدن» کیفیت ارتباط زنان و مردان روی هم می دهد تمدن را. تمدن را، یعنی شهرنشینی را از کوچک ترین واحد سیستم اجتماعی اش که خانواده هست که آغاز کنیم، خب طبیعی است که یک خرده کمی بزرگ تر می شود چندین خانواده می شوند یک فامیل، و از چندین فامیل یک قبیله، و از چندین قبیله یک قوم، و حاصل مجموع مصنوعات اجتماعی اینها می شود آثاری که در یک تمدن وجود دارد؛ یعنی از چندین قوم هم یک ملتی به وجود می آید که کلاً یک آثاری دارند، اعم از آثار - به اصطلاح - مسکن، جاده، ابزار، آن چیزی که رابطه بین این مجموعه ی انسانی با طبیعت هست، که یک تمدنی را نشان می دهد.

حالا ما در جامعه که می رسیم به وسیله ی خصوصیات شخصی در پرورش که بر اساس خصوصیات فطری هست، تخصص ها شکل می گیرد. خب حالا اگر ما این طوری بگوییم، بگوییم که پیدایش تخصص ها بر اساس ویژگی های فطری و

ویژگی های مسئولیت اجتماعی و پرورشی و پردازشی است؛ یعنی مثلاً می گویم بگوییم که یک نفر ذوق هنری دارد، بعد در جامعه یک مجموعه ای دارای ذوق هنری هستند، یک تخصص پیدا می شود به نام هنر. یک کسی ذوق ریاضی دارد به صورت فطری، افراد دیگری هم در جامعه ذوق ریاضی دارند، کم کم تبادل کار ریاضی اینها با هم یک دانش را به وجود می آورد، این دانش یک کارآمدی خاصی برای جامعه دارد، به صورت تخصص به رسمیت شناخته می شود، می شود رشته ریاضی، ریاضی دان ها، و سایر تخصص ها و رشدی که دارند در جریان تاریخ. این بگوییم یک ویژگی فطری و طبیعی می تواند پایگاه بشود برای پیدایش یک موضوع اجتماعی و یک تخصصی در تاریخ برایش به وجود بیاید. آیا می توانیم بگوییم زن و مرد، دارای ویژگی های مختلفی هستند که در جریان تاریخ باید به صورت ضروری دو دستگاه گزینشی، درست بشود، در حین حالی که همکاری هم دارند مثل همه تخصص ها که در جامعه هست؟ حالا این تخصص ...؟ این که دو دستگاه درست بشود، چه خاصیتی دارد؟ بهینه شدن تاریخی هر کدام از تخصص ها هست.

خب پس ما آیا اولین قسمت اینکه در صورتی که واحد اجتماعی را کوچک ترین حد، خانه، خانواده - معذرت می خواهم گفتم خانه - خانواده فرض کنیم - به حضورتان که عرض کنم که - آن وقت وجود زن حتماً وجودش در خانواده - به اصطلاح - و مرد ضروری هست و نحوه ارتباطشان تعریف می کنیم - به حضورتان که عرض کنم که - یعنی انضباط خاص ارتباطشان تعریف می کند خانواده را، خانواده یعنی مجموعه ای که تحت ارتباط مقنن خاصی به وجود می آید، آن ارتباط را اگر برداریم نمی توانیم لقب خانواده به آن بدهیم؛ یعنی به عبارت دیگر مقنن بودن رابطه را اگر برداریم نمی شود؛ چرا نمی شود؟ آقای نصرتی: چون به آن تعریف می شود.

استاد حسینی: بله احسنت! ببینید! یک ویژگی فطری طبیعی داریم که امکان می‌دهد پیدایش یک نظام را، اگر آن ویژگی نبود، امکان تعریف نظام نبود. بر اساس آن، تعریف می‌شود قواعد ارتباط و قواعد...؛ یعنی انضباط ارتباط را، ارتباط مقنن را و می‌شود یک نظام درست کرد روی آن، یک نیاز خاص هست که با یک ارضاء خاصی به صورت یک مقنن می‌دهد تشکیل یک - به اصطلاح - خانواده را. حالا در این - به اصطلاح - نیاز و ارضائی که می‌تواند مقنن بشود و تشکیل بدهد خانواده را، این ساختار تا دورترین - به اصطلاح - دایره تأثیر قابل ملاحظه است، یعنی انساب، می‌شود دورترین. چرا کلمه دورترین به کار می‌برم؟ برای اینکه انساب می‌تواند از تمدنها بگذرد. انساب از یک تمدنی که...؛ مثلاً الان به فرض اگر ما تمدن را بگیریم به آثاری که در جامعه پیدا می‌شود و قبلاً عرض کردیم، بین انسان و جهان، تمدن مثلاً الان اگر ماشینی است، خب انساب از تمدن ماشین می‌گذرد؛ یعنی ارتباطی است به تمدن غیر ماشینی برای افراد. و ارحام هم در فاصله جغرافیایی در یک - به اصطلاح - گستره وسیعی قابل تعریف هستند؛ یعنی شما اگر برادران آمریکا هم باشد رحم شماست، احساس وابستگی می‌کنید، آفریقا باشد احساس وابستگی می‌کنید. این وابستگی‌ها مشروط به این است که مقنن باشد ساختار خانواده؛ یعنی خانه به خانواده تعریف بشود، نه خانواده به خانه. اگر خانواده به خانه تعریف بشود هرگز محال است نه انساب بتواند از تمدنها بگذرد، نه رحمت از - به اصطلاح - از ملل و اقوام بگذرد.

آقای نصرتی: حتی محدودتر، یعنی از این شهر به آن شهر هم دیگر نمی‌گذرد. استاد حسینی: دیگر - به اصطلاح - این که مثل یک دوستی هایی است که - به اصطلاح - خیلی راحت پیدا می‌شود خیلی راحت هم از بین می‌رود، احیاناً با یک مشاجراتی هم تبدیل به دشمنی می‌شود؛ یعنی یک منازعات اقتصادی، یعنی سر یک نیازهای اقتصادی یا سر یک نیازهای سیاسی - شخصیتی، - به اصطلاح - درگیری پیدا

می شود، تبدیل به دشمنی هم به راحتی می شود و هیچ - به اصطلاح - محوری برای وابستگی وجود ندارد.

حالا اگر - به اصطلاح - تا اینجاى مطلب تمام باشد آن وقت ما می آییم سراغ این که - به حضورتان که عرض کنم که - زن در خانواده به عنوان یکی از عضوهایی که دارای ویژگی خاصی هست و در ارتباط مقنن قرار می گیرد و کلیه قوانینی را که بعداً از قوانین نگاه کردن تا قوانین - به حضورتان که عرض کنم که - محرمیت و تا محرومیت ویژه بین زن و مرد - به حضورتان که عرض کنم - قابلیت پیدا می کند که وجود داشته باشد. حالا آیا فقط و فقط همین دسته خصوصیت هست، یا این که یک آثاری هم برای خانه ما می توانیم تعریف کنیم؟ آیا می توانیم تعریف کنیم که ایثار، یعنی محیط پرورشی، ...

آقای نصرتی: آثار برای خانه یا خانواده؟

استاد حسینی: خانواده. می توانیم بگوییم که این سیستم، این سازمان، این نظام، عناصر خودش را - به اصطلاح - پرورش می دهد؟ پرورش ایثار هم می دهد؟ می توانیم بگوییم که این - به حضورتان عرض کنم که - ذوی القربی، این اولی الارحام، این قوانین، این ها ایجاد وابستگی تنها نمی کند، ایجاد فداکاری هم می کند؟ آیا می توانیم بگوییم در صورت بلوغش این خانه می شود یک کانونی، یک - به حضور - حوزه ای، یک - به اصطلاح - مرکزی که تولید فرزند و پرورش فرزند، هم پرورش روحی اش، هم پرورش ذهنی اش، هم پرورش رفتاری اش، یعنی آدابش، در خانواده اولین مرحله شکل گیری هست؟ یعنی فقط وجود تکوینی طفل نیست که مثل سایر حیوانات بگوییم در - به اصطلاح - رحم زن متکون می شود، بلکه بگوییم که هم خصوصیات ارتباطی اثر دارد در ژنش، هم خصوصیات پرورشی اثر دارد پس از تولدش. و بگوییم بافت تقریباً نظام حساسیت ها، نظام ذهنی و نظام رفتار عینی در خانواده پیدا می شود، اولین مرحله اش است، حالا - این را خوب

دقت کنید - وجود مبارک حضرت سیدالشهداء در استدلالی که می فرمایند می گویند: «یأبی الله ذلک و رسوله و المؤمنون»^۱ این شد محورهای عالم و جامعه، مؤمنین تا جامعه، «و حجور طابت»، حجرها را، خانه ها، آنها را صحبت می کند؛ یعنی خانواده را و حجور را - به حضورتان که عرض کنم که - پاکیزه می داند، پاکیزه بودنی که پاکیزه بودنی که از نوع گل و گچ و سنگی نمی داند که! آنها را مأخذ است، می گوید اینها ابا دارند.

خب حالا اگر ما - به اصطلاح - این را ملاحظه بکنیم، آیا در بهینه شدن تاریخی اش چه می توانیم بگوییم؟ آیا می توانیم بگوییم زن براساس ویژگی های فطری اش در خانه، در فامیل، در جامعه، در تاریخ، در جامعه باید مسئولیت های ویژه ای داشته باشد؟ و مسئولیتهای ویژه اش برای ما یک ضرورت است در جهان بینی، در فلسفه ی تاریخ، در جامعه شناسی ما الزام می کند. اگر بخواهیم زیاد نپردازیم به این بخش، به نظر می رسد که ضرورت، ضرورت پرداختن به موضوع زنان به دلیل ویژگی خاص و مقنن بودن و قوانین خاصی را که برای خانواده تعریف می کنیم، و فرقی را که بین زن و مرد می گذاریم در نحوه ی تقنین، یعنی در احکام نگاه کردن و پوشش فرق می گذاریم تا احکام ارتباط و رحمت، تا نحوه ی ارتباط ویژه، این باید حتماً منشا پیدایش دو موضوع در جریان تکامل باشد و بهینه شدنش. از خانه که آغاز کنیم، در وظایف یک محیط بزرگتری به نام جامعه و یک فرا اجتماعی که می شود تاریخ، آیا می توانیم بگوییم که مسئولیت های شان در هر صحنه باید متناسب و بزرگتر باشد یا نه؟ بگذریم از این که یک دسته، یک دسته از زنان ویژه در تاریخ که خصوصیت شان خصوصیت تاریخی است و در کل تاریخ حضور دارند مثل حضرت صدیقه ی طاهره، مثل جناب مریم، مثل وجود مبارک حضرت زینب، مثل

^۱ - سید بن طاووس، محمد، لهوف، ص ۸۶ سخنان امام حسین علیه السلام در روز عاشورا.

این زن هایی که آنها را ما زن هایی می دانیم که آنها را وجودشان را اجتماعی تعریف نمی کنیم، بر تاریخ اثر گذاشتند. آیا می توانیم بگوییم از آن سطح که بگذریم بگوییم زن در جامعه نیز در نظام ولایت، بایستی یک ویژگی های خاصی را عهده دار باشد، نه فقط در محیط خانه؟ گاهی است که می گوئید در کسب و معاملات اقتصادی زن حضور داشته باشد مثل مرد، گاهی می گوئید در فرهنگ، حضور داشته باشد، گاهی می گوئید در سیاست حضور داشته باشد. در مسأله بیعت، ولایت مرد کار نمی کند؛ چرا؟ مرد ولیّ خانه هست ولی نمی گویند از وقتی که بیعت کرد با علی ابن ابیطالب دیگر کافی است زن ها تبعیت نکنند. بگویند زن ها به همان اعتقادی باشند که شوهرهای شان هستند، از آنها می پذیرند، می شد این طوری بگویند. - خوب دقت کنید! - ولایت مرد، حدودش نسبت به زن چه میزان است؟ آیا زن مکلف به تولی و ولایت اجتماعی هست؟ اول مکلف به ایمان است یا نه در جهان بینی؟ یعنی بگوییم که آقا! زن تکلیفش این است که انضباطی نسبت به مردش پیدا کند، اگر مرد کافر شد زن هم خب کافر می شود، یا این که خدا مثال می زند بر - به حضورتان عرض کنم که - زنان کافر می گوید أمراء نوح و لوط را و نمونه می آورد برای زنان مسلمان، زن فرعون را یکی می گوید «کانتا تحت عبدین من عبادنا»^۲، یکی می گوید که این زن، زن فرعون بود ولی صالح بود^۳؛ یعنی استقلال حضورش در ایمان را تأکید می کند و بعد هم می گوید که - مثلاً عرض می کند - اجازه می دهد که بیایند بیعت بکنند. نمی گوید بیرون از خانه برای شما نیست، در کار سیاسی دخالت نکنید، مردتان به هر کسی بیعت کرد بیعت کنید. فرزند قبل از بلوغ حتماً تابع اشرف ابوین است؛ این یعنی چه؟ زنی که متدین است، مؤمن است، می گوئید شریف تر از مردی است که متدین نیست، معنایش این است

^۲ - سوره تحریم، آیه ۱۰.

^۳ - سوره تحریم، آیه ۱۱.

که ولایت مرد در خانه در حدودی که بیاید تا مرحله ایمان اصلاً کار نمی‌کند، از پایین تر از ایمان هم که برسد تا ولایت هم که برسد کار نمی‌کند. زن می‌شود بیاید بیعت بکند به علی ابن ابی طالب در حالی که مردش بیعت نکند. آیا می‌توانیم بگوییم در امور فرهنگی هم چنین است؟ این استقلال سیاسی و فرهنگی در امور مالی مالک می‌شود یا نه؟ حتماً مالک می‌شود. احکام مالکیتش جدا هست، یعنی بر او واجب نیست که نفقه پردازد، این یک حرف دیگر است. احکامش در مسأله ی مصرف با احکام مرد فرق دارد. مرد یک مصارف واجبی دارد که آن مصارف واجب بر زن نیست، ولی در مسأله تولید استقلال اقتصادی دارد. حالا استقلال دارد، یعنی حق حتی اجیر کردن مرد را دارد. مردی را وکیل می‌کند، اجرت به او می‌دهد که کاری را انجام بدهد برایش، عزلش می‌کند، اینها احکام - به اصطلاح - مسأله احکام اجتماعی است. خب، حالا که می‌تواند این دسته از احکام را داشته باشد آیا ما می‌توانیم بگوییم کلاً حضور زن در توسعه اجتماعی، در تکامل اجتماعی با حفظ خصوصیت و ویژگی خودش چه آثاری را می‌تواند داشته باشد، چه ضرورت‌هایی را می‌تواند ایجاد بکند؟ یک سؤال را طرح می‌کنیم ضرورت تاریخی و تکوینی را با این سؤال دیگر ختم می‌کنیم - عرض می‌کنیم که - در صورتی که کسی یک چنین احتمالی را طرح کند و موضوع دقت قرار بدهد که خصلت، ابزار، خصلت اختیار است، نوع اختیار، نوع علمی را ایجاد می‌کند و نوع علم نوع ابزار را معین می‌کند، و مرد متغیر اصلی اختیارش توسعه اختیار هست. توسعه اختیار عدالت است، صنعتش هم باید عدل‌گرا باشد در شکل خوب، در شکل بدش باید استکبار باشد. زن باید عاطفه باشد، فضل‌گرا باشد. می‌گوییم یعنی چه فضل‌گرا؟ یعنی - به اصطلاح - آمپر حساسیت مرد در احتمال شکست بالا می‌رود؛ یعنی شکست را نمی‌پذیرد، تحقیر را نمی‌پذیرد، جلال را می‌خواهد؛ و لذا ضریب دقتش، میزان سرعت انتقالش روی جلال است. اگر تلطیف بشود، یعنی اگر

تعدیل بشود، تهذیب بشود، می شود عدل گرا. زن فضل گراست، عاطفه اش اگر تعدیل بشود روی چیزی حساس است که حساسیتش بیشتر است که مرد به آن درجه حساسیت نیست؛ یعنی در تکنولوژی باید - مثلاً می گویم - مرد مراقبت داشته باشد که دشمن غلبه نکند، زن مراقبت داشته باشد، حساسیت داشته باشد که دوست صدمه نبیند. ترکیب این ها دو تا می تواند اعتدال در مصنوعات و تمدن را بیاورد. ببیند گاهی است که معنای جمال گرا را، تجمل گرا می بینیم گاهی تفضل گرا می بینیم، زن اگر تهذیب نشود، تجمل گرا می شود. فضل هم تجمل است، جمال است ولی جمال اوصاف است. جمال اوصاف با جمال تجمل حسی خیلی فرق دارد. تجمل حسی با تفاخر می سازد. تجمل روحی با توجه به رنج غیر می سازد. برای زن باید در این که اطفالی مریض هستند در شهر، فقرایی هستند اینها ریشه اش بر می گردد به روابط اجتماعی، بر می گردد به روابط صنعتی، روی این باید حساس باشد. اگر در آزمایشگاه اتمی هم زن را می بینید، اتم را از این باب مطالعه می کند که راندمان اجتماعی اش چگونه ممکن است منشأ محرومیت یک عده بشود. مرد باید از این، متوجه این مطلب باشد که دشمن چه زمانی می تواند آسیب بزند؟ ما چگونه می توانیم جلوگیری از آسیب را بکنیم؟ چگونه می توانیم غلبه کنیم؟ چگونه می توانیم «ترهبون به عدو الله وعدوکم»^۴ منتجه ی هر دو باید این باشد که جامعه معتدل بشود. علی فرض این که یک چنین چیزی را ما در تاریخ و جامعه - به اصطلاح - به آن بعداً بیشتر پردازیم تمام بشود، ضرورت پرداختن به موضوع زنان از نظر تکوینی و تاریخی تمام می شود.

حالا می آییم در مرحله خاص اجتماعی مان، در مرحله خاص اجتماعی مان که بیاییم، - به اصطلاح - به دلیل وجود یک ویژگی فطری، آن وقت یک خصوصیتی

^۴ - سوره انفال، آیه ۶۰.

که در عدم تهذیب می شود تجمل گرایی، یک زمینه ای در دستگاه کفر پیدا شده که تجمل گرایی به تبرج در لذات رسیده. تبرج در لذات، یعنی دعوت به نفس در شئون مختلفش یک فرهنگی را ساخته به نام فرهنگ غرب، که آزادی زنان را تعریف می کند. ما در مقابل آن باید چه کار کنیم؟ آثار این مطلب هم در اینجا آمده، آیا بیایم اصلش را منکر بشویم؟ بیایم تعریف بکنیم زن را فقط به محیط خانه، آن هم در یک محدودیت خاصی؟ بیایم حتی تجمل را هم در نوع غربی اش برای خانه و پرورش خانواده بپذیریم تا آنجا که ژورنال های فرانسوی بعد از سه ماه بعد از درست شدن در نقل و انتقالات بیاید ایران، بعد مدهای ایران را به دست بگیرد؟ بعد خانواده ها اخلاق شان از طریق تغییر زیبایی شناسی شان در بینایی، تحریک به رنگ ها، بویایی، اینها تغییر پیدا کند، محیط های پرورشی شان عوض بشود؟ کدام آن است؟ یا اینکه ما می توانیم موضع داشته باشیم. خب تعریف کنیم از نظر تکوینی، مسأله تکامل تهذیب زنان را! منزلت شان را به رسمیت بشناسیم، محیط های پرورشی متناسبی آن را ایجاد کنیم، نگذاریم این بخش از جامعه که یک رسالت تاریخی دارند در توسعه شان به دست کفار رقم زده بشود. توسعه مسئولیت شان، تکامل مسئولیت شان بستر اجتماعی متناسبش را فراهم کنیم، راندمانش هم در اختیار اسلام باشد. ادراک بسیار ضعیف از این مطلب، منشأ درست شدن امثال جامعه الزهرا و نظائر این شده، ولی هرگز به یک تعریف دقیقی که بتواند متغیرهای تکامل تاریخی را تعریف بکند، بعد نمونه برداری اجتماعی بکند، اندازه گیری بکند برای سنین مختلف، سطوح ادراک مختلف، سطوح ایمان مختلف، مدل درست کند و بتواند برنامه ریزی برای توسعه و تکامل زنان بدهد انجام نگرفته؛ لذا نظام جمهوری اسلامی به زن و مرد در عین حالی که، در خیلی از جاها به ویژگی زن ها نسبت به مرد ها معترف است در خیلی از جاها هم به یک معنا هیچ گونه تعریف خاصی ندارد که موضع خاصی ندارد که موضع گیری خاصی بکند؛ یعنی در

ادارات گزینش می کنند زن را مثل مرد. بلکه گاهی عکس العملی، چون این تعداد زنان شاغل در اروپا، نسبتش به مردها این قدر درصد است، ما هم می خواهیم این قدر درصد باشد؛ بنابراین این قدر کرسی دانشگاه داشته باشیم زنانه، این قدر صندلی آموزشی داشته باشیم، این قدر هم اشتغال داشته باشیم، ولی این که ما این گزینش را بر پایه ی یک تغییر چه متغیری انجام می دهیم و چه نوع پرورش ذهنی و روحی و عینی را به آن می دهیم و می خواهیم چه مسئولیتی از او را در جامعه بخواهیم، اینها کاملاً - به اصطلاح - تعریف نشده است؛ بنابراین مطلب که عرض کردم به دلیل اینکه انقلاب باید بتواند این چیزها را تعریف بکند برای خودش، ضرورت اجتماعی داخلی اش تمام می شود، که اگر بعداً دقت بفرمایید، یک ضرورتی برای تکوین و تاریخ و جامعه جهانی و جامعه موجود اسلامی تا اینجا تمام می شود. حالا سؤال این است که ما در اینجا در چه سعه ای می خواهیم به این مطلب پردازیم؟ آیا زنانی که با ما همکار هستند در اینجا چه کارهایی خوب است بکنند؟ محدود بکنند خودشان را به فرهنگستان یا این که نظر به جامعه بیاندازند بگویند که - به حضورتان که عرض کنم که - در حوزه هستیم، دیگران و زنهای دیگر در حوزه نیستند. ما اینجا می توانیم هماهنگی، پیش گیری بکنیم از تشتت و ناهنجاری فطری زنان. افکار مختلف را در یک طبقه بندی مقایسه ای کنار هم بگذارید، برای شان بفرستیم، خودشان می دانند. همین تعریف - مثلاً عرض می کنم - اولین تعریف، تعریف از خصوصیت زنان، این را می شود از ۲۰ جا سؤال بکنند پاسخ بگیرند، می شود جمع آوری بکنند از نوشته های ۲۰ جا، جزوه بکنند بفرستند مقایسه ای، مشترکاتش را معین بکنند، ما به الاختلافش را معین کنند، هر کدام آن را چه چیزی می گویند و این را - به اصطلاح - بگذارند در معرض - به اصطلاح - انظار عمومی. حالا در معرض انظار عمومی قرار دادند چگونه باشد؟ مکاتبه ای به جاهای مختلف مثل «در راه حق» مکاتبه کنند، افراد ببینند؟ درس غیر حضوری باشد؟ در مجلات

مقاله بنویسند؟ نحوه‌ی فعالیت و حضور اجتماعی‌شان چگونه باشد؟ این دامنه کارشان، موضوع کارشان چه طوری باید باشد، این یک صحبت دیگری است. پس اصل موضوع ضرورت دارد پرداخته بشود به آن، دامنه و حدود این ضرورت برای این مجموعه افراد. یعنی یک مجموعه افرادی به صورت منزوی اینجا کار بکنند فرضاً ۲۰ نفر فرضاً کار کنند، تدریجاً هم یک ارتباط‌هایی بگیرند یا این که نه؟ این هم یک محور صحبت هست. اینکه سلسله بحث‌هایی را ما در خدمت‌تان خواهیم داشت چه چیزهایی باشد، حالا محتوایش چه چیزی باشد، موضوعش ضرورت دارد، دامنه‌اش و حدود فعالیت هم باید تعریف بشود؟ بعدش این که چه محتوایی می‌خواهیم بیان کنیم؟ حالا در این موضوع چه چیزهایی را خوب است بیان کنیم؟ هدف‌مان هم ضمناً به صورت خیلی خیلی کلی عرض کنیم خدمت‌تان. هدف، هماهنگ‌سازی زنان هست از یک تشتی که احتمالش بسیار زیاد است. این یک فرض. و این احتمال دارد که جو آینده‌ای که در دموکراسی در کشور اوج می‌گیرد زنان دچار یک ناهنجاری ذهنی بشوند.

آقای نصرتی: بی‌هویتی.

استاد حسینی: یعنی - به اصطلاح - به فرمایش حضرت عالی معنای بی‌هویتی، برای مردها هم چنین احتمالی هست. یا لاقل بخوایم بگوییم که بی‌هویتی مطلق نباشد لاقل در پاره‌ای از امور دچار یک تزلزل‌هایی بشوند. این تزلزل‌ها هم به گونه‌های مختلف شراطش هست. افکاری که عرض کردم در غرب توانسته بیاید، اینجا گونه برخورد به آن، گونه قوی‌ای نیست. حتی یک - به اصطلاح - نظام سؤالات درستی که مردم بتواند هماهنگ بکند، حالا بگذریم از که بتواند به پاسخ درستی، هماهنگ بکند نیست. این را - به اصطلاح - هدف‌مان همین هماهنگ‌سازی و در پایان - به اصطلاح - توسعه‌ی فعالیت اجتماعی زن‌ها به گونه‌ای که - ان شاء الله تعالی - در نظام ولایت مؤثر باشند و مفید باشند. حالا در عین حال من از خود

شما هم انتظار داریم که وارد در مطلب بشوید و ...

آقای نصرتی: بله، عرض شود که به نظر می آید که به هر حال مقوله ی زنان جدای از بقیه مسائل اجتماعی نیست، یعنی ما اگر که در بخش زنان بتوانیم به یک الگویی دسترسی پیدا بکنیم که بتوانیم جایگاهشان را در نظام اسلامی در اسلام تبیین بکنیم، ...

استاد حسینی: یعنی ویژگی موضوعی برایش قائل نیستید؟ این مسأله مهمی است. یک مرحله، هست مرحله تکامل، راست است، - به اصطلاح - تکامل اجتماعی الان هم زن را در بردارد هم مرد را دربردارد، همه را، ولی این که هر بخش هم ویژگی دارند، این یک صحبتی است؛ یعنی به عبارت دیگر زنان آیا به عنوان گزینش نیرو در پایان می خواهید کارهای خاصی که مردان نمی کنند به آنها بدهید، یا می خواهید پرورش خاصی متناسب با خصلت شان برای شان تعریف کنید؟ آقای نصرتی: مطابق با ویژگی هایی که دارند باید که کارهای اجتماعی را که می پذیرند، خوب طبق تقسیم کارها متناسب با شان شان باشد.

استاد حسینی: پرورش آن هم، پرورش آن هم باید بر همان اساس باشد،

آقای نصرتی: پرورشی هم هست ...

استاد حسینی: پس بنابراین نظام اسلامی به عنوان یک ویژگی عنصری طبیعی باید به این بخش برخورد کند، یک امری باید تبیین بشود وضعیت نظام اسلامی.

آقای نصرتی: بله، مقدم است بر

استاد حسینی: یک بخشی یک بخشی هم بحث زنان به عنوان یکی از متغیرهای تاریخ در طول تاریخ؛ یعنی اگر گفتیم متغیر یکی از بخش هایش نیروی انسانی است، باید این را تفاوت آن را بپذیریم یا نه؟ این هم یک سؤال است. یا این که به عنوان متغیر ما - مثلاً عرض می کنم - متغیر اجتماعی را اگر «سیاست، فرهنگ، اقتصاد» دانستیم، - به فرض دارم عرض می کنم - آیا در تاریخ هم - به اصطلاح -

برای زن و مرد به صورت مساوی نظر می دهید که در این متغیرها حضور دارند، یا حضورشان فرق دارد [؟]. این سؤال بسیار سؤال خوبی است که اینها باید از وحی به دست بیایند، این که بخواهد از وحی به دست بیاید، از لوازم باید به دست بیاید از توصیف باید به دست بیاید، یا از خود متن مستقیم باید به دست بیاید؟ این ها سؤالاتی است. یک احکامی هست که حتماً باید احکام تکلیفی از شرع به دست بیاید درباره امور فردی. احکام اجتماعی مردها هم هنوز به دست نیامده از [؟] تا وقتی که به دست نیامده چه کار می کنید؟

آقای نصرتی: بله، حالا من احتمال می دهم که این طوری باشد که ما بتوانیم موضوع را سطح بندی بکنیم،
استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: بعد سطوح مشخص بکند که چه سطحی از بحث عقلی است، چه سطحی از بحث دیگر داخل در،
استاد حسینی: نقل ها باشد.
آقای نصرتی: نقل و شرع می شود،
استاد حسینی: درست است.

آقای نصرتی: یعنی بگوییم یک دفعه نگوییم که حالا موضع ما مشخص باشد نسبت به این موضوع که ...
استاد حسینی: حتماً همین طور است.

آقای نصرتی: ... به هر حال چه کار می خواهیم بکنیم، یعنی باید که اول سطح بندی بکنیم، بعد دیگر تکلیف مان نسبت به یکی یکی سطوح مشخص بشود.
استاد حسینی: خب، حالا این سطحی را که شما - مثلاً عرض می کنم - عقلی می گیرید چه سطح هایی هایی می گیرید؟

آقای نصرتی: خب حالا دیگر این را از خدمت شما استفاده می کنیم - ان شاء الله

- که یعنی سطوح مبحث زنان معین بشود که ما ببینیم که در چه سطوحی می بینیم؟ چون یک سطوحی هست که بحث فلسفی است صرفاً، خب تا آنجا باید برویم پیش به جایی برسد که دیگر - فرض بفرمایید - که فلسفه وارد بحث کلام بشود. یعنی بحث اعتقادی بشود حالا داخل بحث اعتقادی،

استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: خب اینها را دیگر از خدمت شما استفاده می کنیم، برای من هنوز روشن نیست.

استاد حسینی: خب پس بنابراین یک - به اصطلاح - بستر بحثی داریم، یک فعالیت را در این بستر بحث. فعالیت به نظر شما چگونه می آید؟ اینها کاری را که می کنند، مجموعه ای باشد که کارهای مقایسه ای بکنند یا نه؟ من در کارهای مقایسه ای یک حسن می بینم. اول این است که خودشان را هرگز رابطه مرید و مرشدی با فرهنگستان پیدا نکنند. در ک مقایسه ای برتری بکنند، نه وابستگی به دلیل اینکه...؛ ببینید! یک وقتی یک حزب می آید یک فردی را می گیرد، مرتباً تغذیه اش می کند به افکار یک خاص حضور آنها را در مجامع دیگر نمی پذیرد، اگر بپذیرد هم خیلی ساده خب این یک رفتار سیاسی صرف است. یک وقتی است نه! ما رفتار سیاسی صرف را درست نمی دانیم، حتماً مقایسه را لازم می دانیم. احساس برتری را در مقایسه طوری ببیند که با دیگران هم که اصلاً شکل گرفتند، فرم گرفتند در دستگاههای دیگر ذهنی بتواند مباحثه کند.

آقای نصرتی: حالا یکی از...؛ این که فرمودید که هدف، اهداف بحث حالا ممکن است که یکی از هدف ها هم این باشد که به هر حال ما وظیفه - به اصطلاح - دفاع هم داریم.

استاد حسینی: دفاع از چه کسی و چه چیزی؟

آقای نصرتی: دفاع از زن به عنوان بشر، دفاع از - به اصطلاح - حوزه ی اسلامی

زنان، به هر حال ما حملات فرهنگی غرب، یعنی چون آنجا بی هویتی شان شدیداً مرتباً از این محور به آن محور می‌پرند. خب یک زمانی - به اصطلاح - جریان‌های فمینیستی - به اصطلاح - حالا لیبرالیسم بود، بعد سوسیالیست وارد کار شد یک رنگ و فرمی‌اش داد، بعد - به اصطلاح - رادیکالی شد، الان هم که دوران - به اصطلاح - جریان‌های فرامدرن فمینیستی است، خب این دائماً در حال تغییر است.

استاد حسینی: فمینیسم سابقه‌ی تاریخی‌اش مگر چقدر است؟
آقای نصرتی: مختلف است، نگاه به جریان زن‌گرایی بعضی‌ها از انقلاب فرانسه می‌دانند، یعنی قرن هجدهم که می‌گویند حقوق بشر که در فرانسه اعلام شد، چون حقوق زن را کم توجه کردند، ...

استاد حسینی: کلمه فمینیسم یعنی چه؟
آقای نصرتی: یعنی زن‌گرایی از woman
استاد حسینی: اصلاً کلمه‌اش ترکیبش از چه چیزی است؟
آقای نصرتی: (woman)، (man) یعنی مرد، یعنی زن، این womanism
فمینیسم، یعنی تغییر پیدا کرده. فمینیسم یعنی زن‌گرایی یا توجه به حقوق زن.
استاد حسینی: آن وقت این فمینیسم به صورت یک مکتب مدون از چه وقتی و چه چیزی بوده؟

آقای نصرتی: شاید...
استاد حسینی: یعنی می‌خواهم بینم که از منطق دکارت و قبلش.
آقای نصرتی: شاید روشن‌تر بتوانیم بگوییم که از اوایل قرن بیستم.
استاد حسینی: یعنی نه، می‌خواهم بینم که در روانشناسی‌هایی مثل فروید در آن مؤثر بودند؟

آقای نصرتی: اصلاً صحبتی از فروید در مباحث فمینیستی از فروید بحث نیست،
استاد حسینی: یا جامعه‌شناسان بزرگ در آن مؤثر بودند؟

آقای نصرتی: بیشتر مقوله ی حقوقی،

استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: دیدگاه حقوقی به این قضیه نگاه می شود؛ یعنی از همان - به اصطلاح - حقوق بشری که در فرانسه اعلام شد و دیدند که نسبت به زن - به اصطلاح - کم توجهی کرده...

استاد حسینی: یعنی مسأله، مسأله جمهوری که پیدا شد بعد انقلاب، در انقلاب کبیر فرانسه.

آقای نصرتی: در انقلاب فرانسه، یعنی که آنجا حقوق زن نادیده گرفته شده، خب جریان هایی پیدا شد که دفاع بکنند از حقوق زنان.

استاد حسینی: این ظاهر تاریخی اش را می بینید یا این که متغیرهای جامعه را هم این طوری تعریف می کنید؟ این یک سؤال مهمی است ها! ببینید ما اگر فلسفه ی تاریخ را ببینیم با آن دیدی که اشاره کردم باید جمال گرایی، یعنی استکبار، فرعونیت جلال و جمال، نه تأثیرش یک دید خوش بینانه این است که بگوییم که واقعاً دنیا عدل گرا شد در سوسیالیست در آمد، دنیا - مثلاً می گویم - خواست مظالم زن ها را جلوگیری کند، این یک دید خوش بینانه ای است که غربی ها مدعی اش هستند، یا مثلاً دموکراسی پیش آمد. یک دید دیگری هم هست در کار، که بگوییم نه، این طوری نیست، ادیان بودند یک طرف، متفکرین مادی بودند یک طرف، آن سیر آورده این تمدن موجود را. این یک دید دیگری است دیگر!

آقای نصرتی: قطعاً! یعنی حالا..

استاد حسینی: یعنی گاهی است که این آدم این طوری نگاه می کند به غرب، می گوید یک جو خوبی در آنجا وجود ندارد، آن وقت بعد دنبال این است که چه تغییری آمده یک زندگی استکباری را در این سرعت و این دقت آورده. ببینید! من خدمت حضرت آقای خزعلی بودم - بارها هم گفتم برای تان - ایشان گفتند که نظم

ژاپن این طوری است که سر ثانیه بلیط می فروشند، مثلاً می گویند ساعت ۶ و ۴۷ دقیقه و مثلاً ۳۰ ثانیه، آن وقت قطار هم که می آید بین دو تا سه ثانیه اختلاف، در کوپه اش جلوی پای شما قرار می گیرد، با فاصله ۱ متر، ۱ مترو نیم. وقتی این را گفتند، من گفتم الله اکبر چه کفری! [خنده استاد] این که گفتند نظم کفر است، گفتند این شرح صدر و این شدت یا باید با یک ورع عظیمی پیدا شده باشد، که این را من نمی پذیرم که برای آنها باشد، این انضباط، شدت می خواهد!

آقای نصرتی: ورع علم و دنیا است دیگر.

استاد حسینی: حالا یا اینکه یک شرح صدر للکفر می خواهد،

آقای محسنی: با ورع الهی منظورشان است.

استاد حسینی: یک ورع یا ورع الهی می خواهد که مثل آقای خمینی بشود، که روی دقیقه، ساعت کوک می کردیم سر درس آمدن یا حرم رفتنش؛ یعنی می شد ساعت کوک کرد با آمدن امام برای حرم و درس، و تمام کردن! هم یک مردی که اهل عرفان است وقتی رفت در حال باید یک خرده ای اضافه بخواند، یک خرده ای مکث کند، امشب زیارت جامعه اش جای نیم ساعت بشود ۴۵ دقیقه، نه این که روی دقیقه هم بیاید بیرون. خب این شرح صدر، لایمان می خواهد. ضدش هم شرح صدر للکفر است. آن وقت اجتماعی شدنش این است که تا قطارش هم این طوری بشود، حالا بگذریم از این مطلب. یک دید خوش بینانه ای هست که بگوییم فمینیسم خواسته با ظلم مخالفت کند. یک دید بد بینانه ای هم هست که بگوییم تبرج، بالاتر از تجمل است، دعوت به نفس شدیدتری است و این تبرج اجتماعی می دهد فرهنگ غرب را.

آقای نصرتی: پس خود این از چیزهایی است که باید روشن بشود،

استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: خوب است که کار بشود روی آن،

استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: یعنی حقیقتاً...

استاد حسینی: بله، آن وقت این در تحقیق میدانی اگر کار بشود؛ یعنی ما بتوانیم فلسفه‌ی تاریخی را که می‌گوییم در این مطلب در تاریخ نمونه برایش بیاوریم در - مثلاً عرض کنم - نه این که در یک بُعد و یک صفت ۱۰۰ تا نمونه. در - فرض کنید - ۲۷ تا خصوصیت اجتماعی برای هر کدامش ۱۰ نمونه که معلوم بشود که آقا این دارند تطبیق می‌کنند، آمار می‌دهند، نمونه می‌دهند، مطلب شان را دارند اثبات می‌کنند. مثلاً در خورد و خوراک چه چیزی است، در پوشاک چه چیزی است، در مسکن چه چیزی است، در - من باب مثل دارم عرض می‌کنم - در نیازمندیهای اقتصادی چه چیزی است، در نیازمندی‌های فرهنگی چه چیزی است، در نیازمندی‌های سیاسی چه چیزی است، در اینها همه اش آیا همین بوده یا نبود؟ ظهور همین مطالب هست یا نه؟ متغیرهایش وقتی اینها تغییر می‌کرده چه چیزها حاصلش می‌شده؟ یعنی ما آن عینک مان را درست بکنیم که هر کسی به چشم بزند بگوید درست است این طوری است که اینها می‌گویند. یک میکروسکوپی درست بکنیم که هر کسی به چشم بزند بگوید درست است، این طوری که اینها می‌گویند، این میکروسکوپ را درست کنیم که وقتی نگاه می‌کنیم اینها نگاه می‌کنند اینها موجود زنده هستند دارند حرکت می‌کنند، نمی‌شود منکر شد. آن وقت طبیعی است که برابر فمینیسم و غیرذلک می‌توانیم درست حرف بزنیم، برابر آزادی‌های غربی می‌توانیم درست حرف بزنیم. خب این کار یک کار کارشناسی عمیق است. ما این کار کارشناسی عمیق را آیا می‌توانیم با مثلاً ۱۰ - ۱۵ نفر زن، حالا ۱ - ۱۲ نفر زن شروع کنیم؟ یا اینکه اینها را ما - به اصطلاح - یک قدم، یک گام جلوتر بینیم، یک کار تبلیغی، اول می‌خواهیم برای این که یک عده‌ای به نسبت هماهنگ بشوند، بعد با یک کار کمی وسیع‌تری بیایند همکاری بکنند، چه کاری به نظر شما می‌آید؟

آقای نصرتی: حالا، من حالا ادامه ی همان که داشتم عرض می کردم که یکی از اهداف همین است که ما به هر حال دفاع بکنیم در مقابل موج افکاری که الان وارد جامعه ما می شود. فرض می گیریم که الان جامعه ما اگر که توانستیم جایگاه زن را هم خوب تبیین بکنیم، بعد این - به اصطلاح - مسائل حقوقی اش، مسائل ارزشی اش، اخلاقی اش، همه اینها را هم تنظیم بکنیم، ولی در مقابل امواج تبلیغاتی بیرونی هستیم، که مطمئناً تأثیر پذیر هم هست، جامعه انسانی خاصیتش این است، استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: تأثیر پذیر است، حالا در آنجا یک حرکت هایی می شود، برای اینکه و معمولاً الان با توجه به ابزارهای تبلیغی که دارند امواج - به اصطلاح - اجتماعی را آنها موضوع سازی می کنند، حادثه سازی می کنند، اینها اگر بشود که حالا موضوعاتی که الان هست در جامعه، همین که می فرمایید یک حالت مقایسه ای - تطبیقی داشته باشد، یعنی نگاه بشود به موضوعاتی که راجع به زن در جوامع دیگر هم،

استاد حسینی: هست.

آقای نصرتی: هست، مکتب های مختلفی که پیدا شده، از زاویه دیدهای مختلف به زن نگاه کردند راجع به آن حکم صادر کردند، تبیین جایگاه کردن برایش، به هر حال یک کار تبعی در این قسمت ها، تبعی و تطبیقی می خواهد.

استاد حسینی: یک مقایسه ای ما لازم داریم برای تعریف مان، ...

آقای نصرتی: ببخشید! قبل از این هم یک روشی می خواهیم که حالا چگونه تحقیق مان ...

استاد حسینی: - حالا عرض می کنم - ببینید! یک مقایسه ساده تطبیق تعریفی می خواهیم، با مراکزی که در حوزه هستند، که ما ببینیم - مثلاً عرض می کنم - اگر یک جزوه ای را می نویسند معلوم باشد که ۲۰ تا نظر در حوزه هست، حالا «زن در آئینه

ی جمال و جلال» مثلاً از آقای آملی خب یک نظر است دیگر، یک کتاب هست.
آقای نصرتی: بله.

استاد حسینی: و نظیر این هم مسلمانها یک چیزهای دیگر هست.
آقای نصرتی: بشود شاخص در آورد، ...

استاد حسینی: بشود شاخص دقیقاً در آورد که این نظرها هست. مثلاً فرض کنید که ۲۰ تا نظر را شما درآوردید. این که چگونه باید تحلیل کرد جامعه را، چگونه باید نظام سؤالات هم داد، این یک بحث است، یعنی روش تتبع.
آقای نصرتی: بله.

استاد حسینی: بعد ببینیم واقعا آیا با شاخصه هایی را که آقای آملی می دهند جامعه قابل اقناع است، یا می شود استفاده کرد.
آقای نصرتی: حالا البته این نحوه کارها، این نحوه کارها خودش یک حالت جبهه سازی است.

استاد حسینی: حالا مهم همین است که ما جبهه ابتدائاً نمی خواهیم بسازیم، ما اگر - مثلاً می گویم - از پیش فرض های ایشان هم بتوانیم استفاده کنیم در مدل مان استفاده می کنیم. ما در مدل مان چه چیزهایی را می توانیم استفاده کنیم، این هم یک صحبت است. چه نظراتی هست، با این مسأله چگونه باید برخورد کرد؟
آقای نصرتی: طبیعتاً ما در کارمان حتماً یک جاهایی لازم می شود که، یعنی از تفسیر استفاده بکنیم.

استاد حسینی: بله.

آقای نصرتی: یعنی - به اصطلاح - احکام ارزشی را،
استاد حسینی: ارزشی، تکلیفی، توصیفی.

آقای نصرتی: تکلیفی، توصیفی، اینها را به جاهای مختلف دیگر! طبیعتاً حالا طرف خودش مجتهد باشد، ...

آقای حسینی: درست است، نه، ما مقابله نمی کنیم. ببینید ما مقابله نمی کنیم ما نحوه استفاده از پیش فرض ها را در کجا چگونه؟

آقای نصرتی: بله؛ یعنی طوری باشد که ما حالت مقایسه ای مان در واقع ایجاد جبهه نباشد، بلکه استخراج محورها، استخراج نظریاتی باشد.

استاد حسینی: نخیر! نه! بله؛ یعنی به عبارت دیگر نظرات را یک بار به صورت کلی مقایسه می کنیم. یک بار می گوییم نه، ما این نظرها را به نظرمان این هست بیاریم در یک مدل، در یک نظام که قابل نمونه برداری عینی باشد. ممکن است اصلاً خروج موضوعی داشته باشد از روش برخورد جناب آقای آملی، ایشان روش تحلیل نظری را کافی بدانند.

آقای نصرتی: خب خیلی لازم نیست که برخورد بشود؛ ایشان جبهه درست کرد. استاد حسینی: ما نمی خواهد با ایشان بگوییم که ایشان، آقای نصرتی: بله.

استاد حسینی: ما می خواهیم بگوییم از این پیش فرض ها اگر این طوری استفاده کنید، نتیجه ی بهتری می گیرید. حاصل فرمایش های ایشان شده ۱۰ تا محور نظری، این ۱۰ تا محور را بیاورید بگذارید به عنوان پیش فرض های دستگاه - به اصطلاح - عملی تان، آقای نصرتی: بله .

استاد حسینی: و نمونه برداری می کنید، کنترل تغییر می کنید. آقای نصرتی: یعنی ما در جبهه داخلی مان هر چه که امکان دارد از نقاط قوت استفاده بکنیم؟

استاد حسینی: بحث برخورد نمی کنید، بله دیگر! از نقاط قوت استفاده کنید، حتی از فتوی ها دیگر! یعنی نمی خواهید این طوری. شما از کل فتوی هایی که هست، از کل - به اصطلاح - ارزش هایی را که هست، همه را، نهایت این است که

نحوه ای که جا کجا بدهیم؟ در خانه ی ۳۲ بدهیم؟ ۱۶ بدهیم؟ ۸ بدهیم؟ ۴ بدهیم؟ ۲ بدهیم؟ - به حضورتان که عرض کنم که - ۶۴ بدهیم؟ بر حسب این که اینها را در کدام محورها می توانیم جای بدهیم؟ این آرایشی برای شما هست، یعنی برای روش تان هست. آرایش برمی گردد به این که موضوعش چیست؟ موضوع در متغیرها سیاسی است، در متغیرهای فرهنگی است، در متغیرهای اقتصادی است، در اصلی هایش هست، در فرعی هایش است. در تبعی هایش است، موضوعاً نظام درست می کنید. احکام ارزشی و احکام تکلیفی تان را نسبت به یک موضوعاتی است، در حقیقت آن موضوعات را طبقه بندی می کنید. مدل هم درست می کنید برای الحاد، برای آنها هم باید ارزش شان طبقه بندی موضوعی بشود، بعد ببینیم حالا آنها درباره ی زن باز در دستگاه ما چه کار کردند، ما می گوئیم چه چیزی؟

آقای نصرتی: یا حتی با دستگاه خودشان به کجا رسیدند.

استاد حسینی: به کجا رسیدند، ما هم آیا نگاه که می کنیم با دستگاه خودمان، نقص های شان را کجاها می بینیم. خب حالا کار کارشناسی این طوری به عهده به نظرتان می آید این خانم هایی که می خواهند در فرهنگستان هم کاری کنند یا کار تبلیغی؟

آقای نصرتی: من تصورم این بود که ابتدائاً این را چون نپرسیده بودم که اینها اساسنامه کارشان با خط و مشی کاری شان هم مشخص شده، پس مشخص نشده، یعنی باید الان معلوم بشود که اینها باید چه کار بکنند و چه چیزی بحث کنند، چگونه بحث کنند.

استاد حسینی: یعنی ما می خواهیم عرض کنیم که اینها سازمان شان حداقل این است که انعطاف پذیری در برابر قوت محتوایی که پیشنهاد بشود دارند؛ یعنی سازمان شان به صورت کلی این که چه کار بکنند، چه چیزها بود حاج آقا؟

آقای محسنی: الان که شکل گرفته؟

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: بیشتر استفاده از مباحث دفتر بود نسبت به امور و حقوق زنان، اما این که در چه سطحی کار بشود، سطح ایده آل که به نظر می رسید، امور کارشناسی زنان بود، در سطوح پایین ترش مسائل آموزشی بوده، تبلیغی بوده، مسائل تدوینی مسائل کاری مربوط به خودشان بوده.

استاد حسینی: یعنی عمدتاً موضوع کارشان، مسأله بحث هایی فرهنگستان اولش بوده،

آقای محسنی: بله، بحث های فرهنگستان، نه مسائلی که به حسب خود بحث فرهنگستان به شکل نظری اش باشد بدون در نظر گرفتن بحث جنبه کاربردی اش و موضوعی اش، بله.

استاد حسینی: موضوعی یعنی بحث فرهنگستان در ...

آقای محسنی: کاربردی و موضوعی اش را در مورد زنان می خواستند. پیگیری کنند،

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: مثلاً فرض کنید حقوق زنان را ما چگونه الان می توانیم تشریح کنیم که بالاترین دفاع را در صیانت و عزت اسلامی نشان بدهیم.

استاد حسینی: یعنی اگر بخواهیم بگوییم «صیانت، عدالت، اعتماد اجتماعی زن ها»، این سه تا محور را اول معین کنیم. صیانت به عنوان مصون بودن از آسیب، عدالت به معنای این که یک - به اصطلاح - مرزی را معین کنند که ظلم به آنها نشود.

آقای نصرتی: جایگاه خاص،

استاد حسینی: در مصادیق خاص و - به حضورتان عرض کنم - اعتماد. [...]

آقای نصرتی: پس در واقع ارتباطشان، با فرهنگستان از باب تغذیه هست،

آقای محسنی: حداقل الان آن این است، تا این که - همان که حاج آقا فرمودند - تا ما برنامه ریزی مان چه باشد که آنها چه انعطافی نشان بدهند برای اهدافی که مورد نظر است، مثل جناب عالی یک مجموعه کاری که الان در پیش است به نظر می رسد که افق کاری را بالاتر ببریم، گرچه ممکن است ایده آل باشد ولی فعلاً می بینیم ظرفیت روحی، فکری، اینها به این حد نیست، طبیعتاً باید یک مقدماتی طی بشود که آن مقدمات گذر بشود تا این که به آن مرحله برسیم.

آقای نصرتی: البته بستگی دارد به این که ما وقتی موضوع را - به اصطلاح - روشن کردیم، جوانب مختلفش را، اولویت ها را باید که حتماً لحاظ بکنیم، بعد توان ها و ظرفیت ها را حتماً در نظر بگیریم، آقای محسنی: بله.

آقای نصرتی: فرضاً در اولویت بندی هایمان - فرض کنید - مجموعه ای که کار می کنند ممکن است که به نظر بیاید که حالا در دو - سه محور اصلی اش بیشتر نمی توانند کار بکنند، خوب طبیعتاً باید که محدود تر کرد آن را، یا این که ممکن است که توان بالاتری داشته باشند خوب وسیع تر می شود. به نظرم بعداً باید که روی مسائلش بحث بشود.

آقای محسنی: بله. حاج آقا، حضرت عالی آن بحثی را که فرمودید مسأله مقایسه ای می فرمودید حسنی دارد، این به لحاظ تفاهم اجتماعی و کار بیرونی هست یا به حیث بعد تسلط بر مبانی هم که قابل عرضه هست آن مد نظرتان است؟

استاد حسینی: مقایسه را چند تا حسن دارد: اول این که حالت که برادرها یا خواهرها خیال کنند که ما این محدودیت ملاحظه قرار می دهیم این خوب نیست، چه این را بپذیرند بشود تعصب،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: چه این را نپذیرند و بشود تردید.

آقای محسنی: یعنی حریت علمی اینها داشته باشند.

استاد حسینی: ما اصلاً استقبال می کنیم کسی اشکال بکند، در مبحث اصول ما احترامی که دارد برای مان آقای میرباقری، همچنین در فلسفه، این که ایشان مبانی فلسفه ی حوزه را بلد باشد بیاید برخورد بکند. اگر برخورد نکند که بد است که! ما حرف خودمان را برای خودمان تکرار کنیم، پسندیم آن را،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: در عین حال ببینیم آیا واقعاً - مثلاً عرض می کنم - آیا واقعاً حرف حوزه خلائی در آن در این قسمت هست یا نه؟ اگر هست در کجا است؟ - من باب مثال عرض می کنم - ما احکام اقتصادی که در مکاسب داریم، چرا در بحران اقتصادی قرار می گیریم؟ چه چیزی را ندارد؟

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: آیا در مسائل زنان هم یک چنین چیزی کم داریم؟ در مسأله مدیریت و آزادی هم یک چنین چیزی را کم داریم؟

آقای محسنی: می گوئیم به نسبت ها نیازهای اجتماعی احکامش بیان شده، اما این طور نیست که مدل...

استاد حسینی: نه! یا این که احکام فردی ای فرد در جامعه تعریف شده، نه احکام اجتماعی،

آقای محسنی: فرد، درست است.

استاد حسینی: یعنی هرگز ابزار تخصیص قدرت و ثروت و اطلاع را ندارید.

آقای محسنی: یعنی احکام اجتماعی بدون آن مدل هیچ وقت نمی تواند محقق بشود.

استاد حسینی: هم علم اصولش را می خواهد، هم مدلس را می خواهد، هم شدن اجتماعی اش را شما بتوانید تا آخرین مرحله برسانید،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: چه نقص هایی دارید، چه چیزی هست؟ یعنی آیا واقعا ما اگر - به اصطلاح - اگر آنچه را که در حوزه هست اینها را ببینیم چه چیزی هست، ببینیم آیا واقعا اینها جواب می دهد این مشکلات را یا نمی دهد؟ خوش بینی نسبت به آن است ببینیم جواب می دهد؟ شما خودتان نظرتان چه چیز است؟

آقای نصرتی: خب طبیعتاً مثل بقیه ی مسائل، مثل اقتصادش، مثل سیاست، مثل آسیب های دیگر اجتماعی، مسائل زنان هم ابتدائاً جواب نمی دهد در جامعه، یعنی احکامی که الان وجود دارد؛ به واسطه این که این ها باید که - به اصطلاح - یک ساختار و مدلی درست بشود که موضوعات داخل آن جای شان مشخص بشود، بعد یک حلقه واسطه بخورد بین احکام و این موضوعات، در واقع خب ابتدائاً که جواب نمی دهد، منتهی حالا!

استاد حسینی: خب - ان شاء الله تعالی - پس ما حالا - به اصطلاح - شما نمی خواهید با خود این خانم ها هم یک جلسه داشته باشید، از آنها یک سؤالاتی بکنید؟ آقای نصرتی: حالا نظرم این بود که اول کلی بحث ...

استاد حسینی: برای خودتان روشن شده باشد.

آقای نصرتی: ... برای خودمان روشن بشود.

استاد حسینی: الان این سؤالاتی را که دارید، اگر بخواهید یک نظام سؤالاتی برای جلسه آینده بیاورید چه چیزی چه محورهایی دارید؟

آقای نصرتی: - ان شاء الله - تنظیم می کنم.

استاد حسینی: بسیار خب - ان شاء الله - خب، آن وقت مثلاً اگر تنظیم بشود بشود مثلاً روز چهارشنبه لطف کنید به آقای محسنی بدهید.

آقای نصرتی: بله، چشم!

استاد حسینی: که مثلاً بد نیست برای تنظیم نظام سؤالاتان من یک پیشنهادی

می کنم. یک دسته مطالبی را که ... - باز خود همین هم می شود محور قرار بگیرد ها! - یک کار تتبعی انجام می گیرد در مسأله زنان. در کار تتبعی، بشود - به حضورتان عرض کنم که - یک محورهایی را انتخاب بکنید، برای خودش یک پژوهشی هم انجام بگیرد - به نظر من می آید - بسیار خوب است، روی اولین کار زنان باشد. این در جامعه ای که ما زندگی می کنیم چه موضوعاتی درباره - به حضورتان - موضوع زنان مطرح هست، یعنی اشکال هایی که دارند می کنند، حمله هایی که می کنند عمدتاً بازگشتش به چه چیزی است؟ چه خطراتی تهدید می کنند؟ چه مراکزی هجوم می آورند؟ یعنی اگر ما بخواهیم یک اهداف کوتاه مدت معین بکنیم که بگوییم بعد از دو سال، بگوییم به این هدف ها رسیدیم، تا دو سال دیگر چه آسیب هایی برای زن ها هست؟

آقای محسنی: که نکند غفلت از کار کوتاه مدت مان کرده باشیم!

آقای نصرتی: خب این در خودش مستلزم شناسایی خیلی چیزهاست!

استاد حسینی: خب!

آقای نصرتی: یعنی ما باید داخل نظام جهانی، مکاتبی که الان در حال شکل گیری هستند، الان خود همین قصه فرامردن، ...

استاد حسینی: حالا یک سطح بزرگش جهانی است، یک سطحش داخلی است، مثلاً ۵ تا ۱۰ نشریه الان هست، به صورت کلی می شود معینش کرد، ۵ تا ۱۰ تا مرکز انتشارات کتاب است، این ها را می شود یک موقع سؤال کرد معین کرد، که ما یک آمار کلی داشته باشیم، - مثلاً می گوئیم - فرضاً ۱۰ تا مجله زنانه هست، سه تا روزنامه زن ها ست، این ها خب به هر حال ولو ما مقالاتش را نخواندیم نمی دانیم هم چه چیزی هست در آن، ولی می دانیم خب اینها همه اش دارند کاغذ پر می کنند دیگر!

آقای محسنی: خب، چه نتیجه ای می خواهیم بگیریم از این آمار ما؟

استاد حسینی: خب، این آمار به صورت خیلی کلی به ما می گوید که چه حجم اطلاعاتی دارد در جامعه وارد می شود.

آقای محسنی: نسبت به زنان.

استاد حسینی: حجم کمی اش، بدون این که به کیفیتش بپردازیم.

آقای نصرتی: یا چه مراکزی هستند که راجع به زن دارند کارهایی می کنند، نشر دارند.

استاد حسینی: انتشارات دارند، نشر دارند، انتشارات، کتاب چاپ می کنند. چند جلد کتاب کلا...؛ اینها شاید از ارشاد هم بشود سؤال کرد راحت جواب گرفت.

آقای محسنی: یا شاید حاج آقا، سال به سال یا شش ماه به شش ماه مجموعه کتاب هایی که می دهد بیرون، یعنی چاپ می شود را ردیف می کنند.

استاد حسینی: می گوید مثلاً در موضوع زنان ۲۰۰ کتاب نوشته شده.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: حالا یک عده ای از اسمش هم حتی پیدا است که می شود جدایش کرد گفت که الهی است یا الحادی. این حجم های کمی به نظر تان می آید کار را به نتیجه می رساند به صورت کلی یا نه؟ اجمالاً به ما معرفی می کند وضعیت جامعه را یا نه؟

آقای محسنی: یعنی حاج آقا، ضرورت را تمام می کند که باید کارهایی بشود.

استاد حسینی: احسنت! دقیقاً همین را می خواهیم؛ یعنی می خواهیم اول ۱۰ تایی که هستند یک کار تبعی به آنها بدهیم خطر را حس کنند.

آقای محسنی: ضرورت را عینی لمس کنند.

استاد حسینی: یعنی ببینند در جامعه شان چه خبر است.

آقای محسنی: درست است؛ یعنی ضرورت را نظری ملاحظه نکنند.

استاد حسینی: نه، ضرورت را به صورت فلسفی کلی...؛ یک وقت ما می آییم

از این زن در خانواده فلان و این ها می آیم تا این طرف، یک وقت برعکس حرکت می کنیم.

آقای نصرتی: بله، اجتماع شروع می کنیم.

استاد حسینی: بله، یعنی می گوییم که در جامعه تان چه خبر است. اگر بخواهیم بگوییم در جامعه تان چه خبر است. این ها ممکن است مثلاً ۶ ماه وقت شان گرفته بشود. بعد از ۶ ماه نمی خواهیم بگوییم در جامعه جهانی هم چه خبر است، حداقل مستوره ...؛ حالا از همین نزدیک نزدیک هم بخواهیم حساب بکنیم، کتابهایی که در عرض همین دو سالی که آقای خاتمی، یک سال و نیمی که آقای خاتمی رئیس جمهور شده، چقدر کتاب است؟ چه چیزی است؟ چگونه شده؟ مراکزی که هست چه کسی است؟ چه چیزی است؟ من حتی به ذهن خودم می آید بد نباشد که این ها یک سال اول کارشان را در این بگذرانند، و سؤالات را دسته بندی بکنند، ما بینیم چه سؤالاتی در دانشگاه سؤال روز است. حالا چه سؤالاتی بعداً می آید آنها را کاری نداریم. این ها را محوری های مشترکش را می گیریم، کلی اش بکنیم، کلی اش بکنیم بشود سه تا سؤال اصلی، شود، مثل دو تا سؤال اصلی، اشکال می گیرند به حقوق در ارث، در جزاء، در فلان، در فلان، در فلان، کلیه این اشکال ها یعنی چه چیزی؟ یعنی می گویند در ۱۵۲ مورد امتیاز قائل شدید، تحقیر کردید مثلاً، می گویند در این قدر مورد محروم کردید، در این قدر مورد ...؛ اینها را آیا لازم هست شناسایی بکنیم یا نه؟

آقای نصرتی: ظاهراً کار خیلی عمیق می شود، ولی برای یک جمعی که فرضاً ۱۰ - ۲۰ نفر هستند، شاید لازم نباشد که همه شان بپردازند؛ یعنی می شود که یک مجموعه سیستمی دید و تقسیم کار کرد، بگوییم هم به این کار بپردازند، هم به کار نظری بپردازند، به هر حال کارشان یک طوری نشود که همه اش متمرکز بشود روی این، بعد از یک سال - فرض کن - تازه حالا معلوم بشود که در چه فضایی قرار

دارند.

استاد حسینی: یا مثلاً این طور: اینها دوستانی دارند در شهرستان شیراز که برای اینها نوار فرستادند، از آنها هم متقابلاً کار می خواهند، ۱۰ تا کتاب و اینها بفرستند برای ۱۰ نفر، آنجا بگویند خلاصه کنید، محورهای مشترک سؤالات بیاورید. ۱۰ تای دیگر هم - مثلاً عرض می کنم - دارند در جای دیگر اگر داشته باشند؛ یعنی جمع نیرویی که دارند نفر به ساعت چقدر است.

آقای محسنی: ۱۰ نفر [؟] غیر آموزش است، که خیلی هم علاقه دارند، اتفاقاً خود ایشان بحث حکومت جهانی گفتند برای شان، نوعاً هم خوب آمدند میدان، خوب خلاصه ها و مقالاتی که نوشتند.

آقای نصرتی: البته از مقاله کمتر استقبال شد، خیلی هم تکیه کردیم کمتر استقبال، ۴ - ۵ تا ۳ - ۴ تا بیشتر نوشتند، ولی خوب بود، همان تعدادی هم نوشته بودند ...

آقای محسنی: با استعداد بودند برای...

آقای نصرتی: اگر یک چنین کاری می شد که کتاب در اختیارشان می گذاشتیم خلاصه بکنند، قطعاً هر ۱۵ نفرشان این کار را می کردند، آقای محسنی: درست است.

آقای نصرتی: اگر یک کار رندتری بود برای شان.

استاد حسینی: بله، کار فیش برداری را آموزش داده بشود، خلاصه کردن، در آوردن مطلب، البته این را بعدهای دوره، یعنی مثلاً در ۵ سال آینده، ما یک مدل داریم برای استخراج مبنا، که آن مدل را آزمون می کنیم در اصول، پس از این که نتیجه‌ی خودش را کاملاً داد سعی می کنیم آن را در فلسفه، در ریاضی، در چیزهای دیگر به کار بگیریم، و آن روش می دهد برای این شما که چگونه می توانید پوسته‌ی علوم را بشکافید و جوهره اصلی اش را در بیاورید، آن برای حقوق هم

خوب است، برای جامعه شناسی هم خوب است، برای کلیه این مطالب به صورت علمی هم می رود جلو، بعد هم اثبات می کند حرف خودش را. حالا آن کار را فعلاً الان برای اینها نیست. جناب آقای محسنی.

آقای محسنی: بفرمایید.

استاد حسینی: خواهش می کنم. - خوب حالا اگر ما یک چنین چیزی را - به حضورتان که عرض کنم که - قائل باشیم که این زنها مثلاً...؛ در عین حال من خدمتتان یک چیز دیگر زنها را عرض کنم که این هم یک مظلومیتی محسوب می شود، البته برای مردها هم هست به یک نسبت. زنها خیلی هایشان هنوز هستند که عاطفه نسبت به اسلام دارند، و احیاناً تحصیل کرده تالیسانس هم هستند و خیلی هایشان در خانه هم هستند، دلشان هم می خواهد که یک کاری بتوانند برای اسلام بکنند، که بلا به نسبت آنها اگر دست مجاهدین خلق بودند از آنها قیامت کار و بهره می گرفتند،

آقای محسنی: همین طور است.

استاد حسینی: این طرفی ها هیچ چیزی از آنها کار نمی گیرند،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر مدیریت مفهومی کردن برای این مطلب، یک مطلب اساسی است، که باز به آن پرداختن من مطلب را خوبی می دانم، یک احساس ضرورت است، آن وقت شما در محورهای مختلف هم می توانید، ما هم ضرورت را با یک دست ببریم جلو، مثلاً بگویید که ۶ ماه کافی است، یا سه ماه کافی است. هم یک خط دیگر هم در این که حالا ما جمع بندی که می شود مرتباً بیاید بگوییم که اشکال ها چه چیزی است، کجا، چگونه، در چه مدلی برخورد کنیم به آن؛ یعنی مدلس را هم بسازیم، می شود همین یک خط بگوییم خط تولید مدل، یک خط هم بگوییم خط - مثلاً عرض می کنم - جلو بردن نسبت به وضعیت جامعه.

۴۰. مدل مناظره سازمانی

حالا دیگر خود جناب عالی برای روز چهارشنبه - ان شاء الله - سؤالات را [؟]

آقای نصرتی: - ان شاء الله -

استاد حسینی: مؤید باشید - ان شاء الله - خیلی معذرت می خواهیم وقت تان را

گرفتیم!

آقای نصرتی: خواهش می کنیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۲
کد جلسه: ۳۳۹۰	تاریخ جلسه: ۱۳۷۷/۱۱/۱۷
کد صوت: ۴۷۶۰	مدت جلسه: ۸۷ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۶۷۲۰

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم س. صالح
تایپ:	محمد رضا عالمی
تطبیق:	خانم ف. کریمی
تصحیح (۱):	علی فقیهی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	علی فقیهی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	علی فقیهی
صفحه آرایی:	علی فقیهی

جلسه دوم

استاد حسینی: در جلسات دیگر کپی سوالات هم دست شما باشد الان دارید کپی این را؟

نصرتی: من خودم ندارم رسم باشد که اول سوال را بخوانید که ضبط بشود، یک به یک بخوانید تا جواب داده بشود که به اصطلاح هر دوتای آن دستشان باشد، حالا شروع بفرمائید.

س: من بیشتر انتظار داشتم اینکه سیر بحث را هر جور که حضرت عالی بفرمائید.

ج: آن را هم من جلو می‌برم ولکن

س: بهر حال ما تابع باشیم و انشاءالله همان را پیگیری کنیم، یعنی دستور بحث جلسه، منتهی اینکه فرمودید سوالات از آن جلسه، بنده سوالاتم را از همان جلسه که داشتیم خدمتتان عرض می‌کنم.

ج: سیر جلسه را من بصورت کلی بیاری خدا جلو می‌برم، ولی مجمل ماندن، بدلیل ضعف بیان یا ضعف تقدیر گرفته، سنگین بودن مطلب گرفته، فرض

دوم، فرض سوم اینکه یک مسئله باید درباره اش بیشتر صحبت بشود تا جوانب مختلفی را که فرضاً شما در عینیت برخورد کردید بتوانید پاسخ بگیرید. در هر سه فرض فرقی ندارد، اینکه هیچ بخشی را ما رها نکنیم، یعنی به عبارت دیگر یک جانبه نباشد، به اصطلاح امروز با دیالوگ یا گفتمان، گفتگو یا مباحثه قدیمی خودمان باشد، بنابراین بفرمائید در خدمتتان هستیم.

س: اولین سوالی که برای من مطرح بود این بود که عنوان این دوره را معین بکنیم، چون اگر عنوان معین نباشد نمی‌دانیم بهر حال زیرمجموعه‌اش چه چیزی باید بحث کنیم و بحث تا کجا پیش می‌رود این اولین سوال بود.

ج: من بذهنم می‌آید که دوران بحث را اگر توسعه به حضورتان که عرض کنم که تعریف مسئولیت تاریخی زنان بگذاریم، یا حداقل زنان و موضوع توسعه، موضوع توسعه را اصل قرار بدهیم و زنان و موضوع توسعه، یا نقش زنان در توسعه، این عبارات خوب است، نقش زنان در توسعه فقط یک فرقی دارد باید گذشته‌اش را هم به یک نسبت اثبات کنیم، ولی بد هم نیست. نقش زنان در توسعه اجتماعی یا اسلامی اگر ذکر بشود، حالا اگر یک روزی، روزگاری پولی هم پیدا شد، خواستید تحقیق میدانی تاریخی بکنید، آنجا را هم بزرگ کنید، چون الان ما مجبوریم آنها را خیلی مختصر بگذریم. نقش زنان در توسعه و تکامل عنوان سنگینی هست که باید به آن پرداخته بشود، یعنی باید مثلاً عرض می‌کنم در فلسفه تاریخ، در دوره‌های مختلف، یعنی ادیان مختلف، حضورشان را و جلو بردن به اصطلاح اخلاق و سیاست و فرهنگ و اقتصاد را بر پایه رهبری انبیاء، باید این آورده بشود، تطبیق بشود. الان شاید آن کارها را ما مجبور باشیم حذف کنیم، بیائیم سریع فقط شمای خیلی کلی و اجمالی در به اصطلاح منزلت‌تکوینی و تاریخی زن بگوئیم، بیائیم در اجتماعی‌اش، اجتماعی‌اش را هم باز یک قسمت زیادی را حذف کنیم، بیاوریم در مسائل خاصی، موضوع بحث قرار بدهیم. ولی اگر نقش زنان در توسعه اسلامی جامعه، بخواهید

بنویسید، یک عنوانی که کتاب های دیگری می تواند به آن ملحق بشود، تا اینکه بخواهید این بحث را، یعنی این دوره را، دوره ایی فرض کنید، چقدر می خواهید به آن اضافه بشود؟ این مسئله مهمی هست، یعنی به عبارت دیگر دوره را، ما زمینه کار را چقدر می گیریم؟ زمینه کار را می گیریم که مثلاً دانشکده های جامعه شناسی ما هم بعداً ملحق بشوند به این؟ حتماً نقش زنان در توسعه باشد، نمی خواهند آنها اصلاً ملحق بشوند، شما بناء هست خودتان فرضاً باز یک عده قابل ملاحظه ای کار کنند، باز عیبی ندارد، نقش زنان در توسعه اجتماعی جمهوری اسلامی باشد، این هم نمی خواهید باشد، می خواهید به اصطلاح با یک افراد محدودی کار بکنید، آنوقت پاسخ گوئی به نقش زنان در مسائل توسعه باشد، که بعضی از امور توسعه را می خواهیم بحث کنیم، این دیگر بستگی دارد به اینکه چه چیزی را انتخاب بشود؟

س: مهم این هست که ما می خواهیم چه کار بکنیم؟ این باید موضوع مان را تعیین کند.

ج: ببینید اگر ما بخواهیم بگوئیم که؛ نه توجه بکنید به نیاز اجتماعی، حتماً باید نقش زنان در توسعه اجتماعی اصل باشد، اگر نخواهید نیاز اجتماعی را ملاحظه کنید، بگوئید مقدورات چون محدود هست. با این مقدورات محدود حداقل ممکن را کار کنیم، یعنی به عبارت دیگر من مطلب را به طرف دیگر می برم تا درست جواب داده بشود، یک وقتی هست که جناب عالی می گوئید: این خواهران بناء دارند که این مطالب را که ما می گوئیم و جناب عالی تنظیم می کنید و برای آنها می گوئید، اینها را می خواهند هم خودشان روی آن کار کنند، هم می خواهند بصورت یک نامه های کوچکی تایی در بیاورند، به ده تا مرکز در ایران بفرستند. هم همین مطلب را ولو به فارسی؛ می خواهند ببرند روی اینترنت، بفرستند برای انجمن های اسلامی دانشجویان ایرانی خارج از کشور، می گوئیم حتماً نقش زن در توسعه نیست. یکی وقتی هست که می گویند، نه یک گروه مباحثه کوچکی هست،

چند نفر هستند به حضورتان عرض کنم که این ها می خواهند یک با همدیگر، مثل مسجد محله می خواهند مباحثه کنند، خب اگر مسجد محله هست و محله اش هم پرت هست، کسی هم نمی آید، همان اوّلی، نقش زنان در بعضی از مسائل توسعه خوب هست، یعنی دو طرف دارد، یک طرفش بنده هست، یک طرفش کسانی که می خواهند کار کنند، بنده اگر با خود من کسی بیاید مشورت کند، حتماً می گویم کار را ببرند در سطح وسیع.

س: نقش زنان در توسعه.

ج: بله، آنوقت هم حتماً در سیاست و کارهایش هم صحبت می کنیم که چه کار بکنید که به اصطلاح، تأثیر بشود اثرش، نشر پیدا بکند. یعنی در دنیا، الان زنان در توسعه نظام الحادی، حداقل یکی از مؤثرترین وسایل هستند، اگر از مناشه نباشند، که من به نسبت زیادی هم آنها را جزء منشأ می دانم، همه اش ابزار نمی دانم، خوب در نظام اسلامی هم باید برابری، باید همچنین کاری بشود. باید دقیقاً نقش زنان در توسعه نظام الحادی و نظام اسلامی خوب تعریف بشود و التفاطی. این کار بستگی دارد به اینکه چه مقدار همت دنبال کار باشد.

س: یعنی اگر در واقع بحث را کمی وسیعتر بگیریم که نقش زنان در توسعه است.

ج: یعنی یا مسائل هست، پاسخگوئی به برخی از مسائل توسعه اجتماعی هست، این وقتی هست که کوچک کوچک می شود می آید در محله. یا توسعه امروز جمهوری اسلامی هست، بد نیست یک حد میانه هست، یا توسعه تاریخ، توسعه یعنی توسعه الحادی را هم می بینید، توسعه اسلامی را هم می بینید، در تاریخ را هم می بینید.

س: حالا با توجه به اینکه گروهی که می خواهند کار بکنند، با اینها یک ظرفیتی دارند، هم انتظاراتی دارند و هم اینکه از آنها انتظاراتی هست، بهر حال اینها هم باید

که کار بکنند،

ج: می‌خواهید جای توسعه، جای جمهوری اسلامی بگذارید یا آن هم اگر نمی‌شود، کمتر بگذارید.

س: نمی‌خواهم فعلاً، را انتخاب کنم، می‌گویم با توجه به این، خوب این سیاست و خط مشی این گروه را جناب آقای محسنی و حضرت عالی تأیید می‌کنید، یعنی واقعاً یک جوری باشد که اینها هم نبرند، یعنی بعد از یک مدتی احساس بکنند، کار آمدی دارند، البته نمی‌خواهم نفی اش بکنم.

ج: حالا این خودش خیلی مهم هست، کارآمدی گاهی هست که طرف هم این که می‌بیند مطلب را نشر داده است، جمعیت زیادی در جامعه دنبالش هستند، این او را به نشاط در می‌آورد، اگر ببیند همه اش ۱۰ سال هست با خودمانی‌ها، داریم همه اش صحبت می‌کنیم، نشاط از بین می‌رود. این در این صورت همان بحث‌های بزرگ را باید بگوئیم. یعنی خوب عنایت بفرمائید، یک وقتی هست که می‌آئیم یکی از مسائلی که در موضوع زنان هست، بصورت خرد می‌گیریم، اصل قرار می‌دهیم، مثلاً می‌گوئیم نقش زن یا خانواده یا به اصطلاح اینها در اسلام چه چیزی هست؟

س: یا مشارکت سیاسی آنها چگونه هست؟

ج: یا اینها را خیلی هر چه است موردی‌اش می‌کنیم، مرتباً کوچکش می‌کنیم، انتظارمان هم باید همراهش کم بشود، یعنی به عبارت دیگر برد اجتماعی‌اش اشت تضعیف می‌شود. اتفاقاً من به نظرم می‌آید که وضعیت جامعه جوری هست که اگر حرفها را هر چه به اصطلاح در مقیاس بالاتری با روشنی زده بشود، طرفدارش بیشتر هست،

س: یعنی الان در واقع فقر ایدلوزی برای بحث‌های فکری، معمولاً در دنیا مطرح هست. یعنی دوران مدرنیزم بقول خود غربی‌ها دچار بحران شده است.

ج: به اصطلاح بحران هویت، بی سامان بودن مردم از نظر ذهنی.
 س: روی آوردن به فلسفه های پست مدرن که خوب اینها خودش باز یک الگوی جای گزین دارند، می دهند که به تبلیغ اش برای مسائل زنان، برای توسعه، برای همه چیز، تحول و دگرگونی ایجاد می شود در اندیشه ها، این نشان می دهد که خلأ مال جهت گیرها هست، یعنی وقتی که بشر به خودش واگذار هست، خودش می خواهد فکر کند دوران مدرنیزم خودش را می آید، نقد می کند، می بیند که نشد حالا یک چیز دیگر درست می کنیم، یعنی الان همان جور که می فرمائید اگر ما بتوانیم این بحث را بصورت و کلی و شاملتر انجام بدهیم، خیلی بهتر است.

حجت الاسلام محسنی: برداشتی که از فرمایش حضرت عالی می شود، خلأ عمده، بحث های ریشه ای و مبنائی در باب مسائل حقوق زنان هست و گرنه جاهای دیگر، خیلی کارهای دیگر انجام می دهند و به تعبیر دیگر اگر ما شأن خود دفتر را مباحث تولیدی و تأسیسی بگیریم در ابواب مختلف، این هم یک کار هست و شقی از حرکت دفتر بینیم در این قسمت، که در منزلت مطالب ریشه ای این و تأسیسی که می فرمائید، خواهران زحمت بکشند.

ج: در عین حال من باز هم تأکید می کنم، اینکه جمع بکنند انظار دیگر را در حوزه و به اصطلاح اینجوری نباشد، ببیند ما قصد هرگز تخطئه و نقد نداریم، ولی آنچه که می گذرد در جامعه، یعنی نمایشگاه درست کنند در یک نوشته از تولیداتی که در حوزه دارد می شود، در کلیه موضوعات تطبیق بدهند، ۱۰ رأی هست، ۵ رأی هست، ۴ رأی هست، ۳ راهی هست، ۱۵ رأی هست، هر چه که هست، مشترک گیری بکنند، به اصطلاح آنوقت وقتی که اینجوری شد، هرگز متهم به یک سو نگری نمی شد، واقعاً هم اگر حرف های دیگر هم در یک مرتبه هایی پاسخگوئی دارد، آنهم معلوم باشد، ما کسی را نمی خواهیم به اصطلاح حقش، ندیده گرفته بشود، یعنی من موافق نیستم به اینکه تطبیق بین حرف ما و حرف دیگران نباشد، حالا

فوقش اینکه شما تخطئه نکنید حرف دیگران را در تطبیق، ولی نمایشگاهی از حرفها داشته باشید.

حجت الاسلام نصرتی: قضاوت را به عهده خود دانشجویان بگذاریم.

ج: بله احسنت به عهده خودشان بگذاریم، ۱۰ نظر هست، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، حداکثر مشترکاتش را می‌نویسید مثلاً می‌گوئید که جمع بندی و تحلیل تان اینکه ۵ نظر است، ما به الاشتراک شان این دو تا مطلب بود، ما به الاختلاف شان این کلی بود. سه نظر اینجوری بود، یک نظر اینجوری بود، این حداقل هست، یعنی به عبارت دیگر یک بسترسازی، اگر برای ذهن طرف بکنید، نحوه جمع بندی بستن را نشان او می‌دهیم، نه اینکه ابداً بخواهید بگوئید که ما مثلاً یک نظر را رسم ما هست فقط برای تو می‌گوئیم، مثل یک حزب.

س: البته چاره ای هم نیست در نهایت انسان یک نظر را حق می‌داند، یعنی از آن دفاع می‌کند.

ج: نه، ببینید نظر را اگر خوب بنویسید، این نکته مهمی هست که آیا این نظر نیاز به دفاع دارد یا نه؟ احتمال دیگری را گفته است، قشنگ می‌نویسید، احتمالی را هم که ما گفتیم می‌نویسید، اینجوری نیست که مردم عقل نداشته باشند، اگر احتمال شما مبداء و مقصد و استدلالش و موضوعش، موضوعاً فرق پیدا کرد، خود بخود جلو می‌افتد. من هرگز موافق به کار هنری در دفاع نیستم، به معنای اینکه بیایم ثناع گویی برای یک مطلب انجام بدهیم، بله قاعده‌مند، مقنن، جدول درست کنید، در طبقه بندی موضوعات و پاسخ های آن قائل هستم.

س: با منطقی که باید برهانی باشد.

ج: یعنی نه جدول معلوم باشد، هر فکری، چه مال ما، چه مال هر کسی، که این موضوعات را بررسی کند، این موضوعات، منزلت این موضوعات، خود بخود نقش دارد در این دو موضوع دیگر. هر روش استدلالی که این کار را بکند، با روش،

یعنی چه موضوعش، چه روشش، چه موادش، این سه تا را طبقه بندی بکنید شما، بگوئید موضوعاً چیست؟ از چه موادی آغاز کرده است؟ روش استدلال چگونه هست؟ یعنی اینکه بخواهید طرفداری از یک فکر کنید، برای خود این قاعده ذکر کنید، نه اینکه طرفداری تعصبی. معلوم باشد اگر فکر دیگری در این موضوع یا در این استدلال، ورودی بهتری دارد، استدلال بهتری دارد، موضوع برتری دارد، آن جلو بیافتد، یعنی به عبارت اخری شاخصه تقدم و تأخر را به ثبت برسانید در ذهن خواننده، آنگونه که خودش هم که دقت بکند، بگوید درست هست. این ها می گویند درباره سه چیز، باید اول کار، نسبت به هر بحثی درباره زنان بشود، صحبت کنید، اول موضوعاً در طبقه بندی موضوعات، این در چه منزتی هست؟ جزء موضوعات مثلاً سیاسی است، فرهنگی است، اقتصادی است؟ اگر در هر کدام از اینها هست؟ جزو موضوعاتی هست که تصمیم گیری اصلی را تمام می کند، تصمیم گیری فرعی را؟ تعریف همه اینها را هم بدهید، یعنی این کار را به اصطلاح تدریجاً از ساده ترین شکل در جزوه ماهیانه ولو ماهی دو صفحه باشد، یک صفحه اش جدول بررسی و ارزیابی باشد، یک جدولش هم بحث ها و مقایسه هایی را که انجام می دهد، یعنی به عبارت دیگر، گردآوری که انجام گرفته است که از خود خواننده ها هم تقاضا بکنید که براساس شاخصه هایی که ما می دهیم، طبقه بندی بکنید، جواب برای ما بفرستید.

حالا کسی آمد گفت اصل طبقه بندی تان را من اشکال دارم، استقبال کنید، طبقه بندی دیگری داریم بسیار عالی، ما اینجوری که فهمیدیم، اینکه منزلت موضوع، منزلت روش، منزلت مواد، اینها جزء چیزهایی هست که مثلاً می توانید طبقه بندی اولیه بیاید. برای اینکه مثلاً یک مطلب را ما ملاحظه کنیم. آنوقت می شود بهر حال اینجا را تنظیم کرد، در خدمتتان هستیم. قسمت پس جواب سوال عنوان دوره بحث شد، توسعه، توسعه زنان لاقول زنان در جمهوری اسلامی ایران، این حداقل اش

هست.

س: حداقلش، در مقدمه‌اش می‌توانیم توسعه را در سطح شاملتر بحثی انجام بدهیم.

ج: یک چیز مختصری باشد روشن‌مان هم، روشی به اصطلاح یک سو‌نگری نیست، روشی تطبیقی جامع هست.

س: منتهی برای این روشی باید بفرمائید.

ج: حالا من یک چیزهای خیلی کلی گمان کنم در اینجا داشته باشم که، برای مطلب دیگر بوده شاید برای اینجا قابل استفاده باشد. که ببینید این چیزهایی را که عرض می‌کنم برای اینکه هم ضبط بشود، هم بعد نوشته بشود، مخاطب چه کسی هست؟ باید معلوم باشد، در سطح‌های مختلف. آنوقت طرز دفاع چه جوری هست؟ مثلاً آیا بلیغ لازم هست بنویسید یا مغلق یا حد وسط؟ حتماً به مغلق نمی‌نویسید، مغلق نویسی در یک دسته از نوشتارهای کارشناسی هم قدیم بوده و هم الان، یعنی به عبارت دیگر هم کتب قدیمی، شما متن لمعه، نه شریعت حش را، می‌بینید که با ضمائر خواستند به جای توضیح عناوین، یک بار که یک عنوان را آوردند، دیگر فقط با اشاره. عین همین در کارهای فرمولی کارشناسی که کارشناسی محض است. و احیاناً نمودارها، نمودار جمع بندی چند فرمول هست که برای عموم نیست، این می‌شود مغلق، آنوقت این مثلاً خواننده‌اش ممکن هست، اگر عده بسیار محدودی از کارشناسی رده یک باشد، بصرف نگاه کردن به نمودار، می‌گوید یک نمودار پیچیده‌ای که هر قسمتش هم اشاره به مثلاً چندین معادله دارد، متوجه می‌شود، ولی برای عموم مثل متن لمعه می‌شود، مثل متن کفایه می‌شود، سخت می‌شود. حد بلیغ در حد بسیار ساده‌اش هم می‌شود مطلب را اصلاً از وضعیت کارشناسی، به تمثیلی کشاند، رساندش به مثلاً داستان و فیلم، وسایل هنری که این مرتبه از بلاغت اصلاً کار کارشناسی در آن انجام نمی‌گیرد به معنای اینکه، مطلب را مفاهیم با کارشناسی

بخواهد بکند، آن مطلب برای عموم هست. کسی نشسته هست دو ساعت وقت تفریحش می‌خواهد فیلم ببیند، این کار را هم باید یک جایی انجام داد. ولی بلاغت به این معنا هم شما لااقل لازم ندارید فعلاً که این را بخواهید تبدیل به یک سناریو بکنید و به یک فیلم بکنید و در داستان برای کسی که برای تفریح نشسته هست، بفهمانید مطلبتان را، حد وسط از بلاغت که سرعت انتقال را بیاورد، مطلب هم در شکل نمودار و سناریو نویسی نباشد، یعنی نمودها نباشد، در شکل حرکات و رفتار یک آدم، البته جای خودش خوب هست که آن کار هنری انجام بگیرد، قصه هم بشود، شعر هم بشود، فیلم هم بشود، ولی این نوشته، باید نوشته جذابی باشد. استفاده از نمودار، متن و ترکیب نمودار و متن، حتماً باید باشد، به میزانی که امکان دارید، نمودارهای کمی را به آن اضافه می‌کنید، هرچه نتوانید، نمودارهای نسبت‌های کیفی مطلب‌ها به هم، نباید دیگر کمتر از این بشود، این مقدم است، این تالی هست، این نتیجه هست، این در نمودار که بیاید، خیلی سرعت انتقالش زودتر می‌شود. سه تا احتمال هست این احتمال‌ها را می‌نویسید، هر کدامش را به اصطلاح سیرش را می‌برید جلو، دوتایش به بن بست می‌رسد، یکی می‌تواند برود جلو، یعنی این درست هست یک مقدار کاغذ صرف بیشتر می‌شود، از متن نویسی هم وضعش فرق دارد، ولی خواهرها روی آن کار نکنند تا مسلط بشوند، به متن‌هایی که ترکیبی از متن نوشتاری و نموداری هست. حتماً مطالب نفی و ایجاب و مقایسه بین نفی و ایجاب باشد. این به اصطلاح سیاست‌های کلی تدوین تان بصورت خیلی کلی عرض کردیم. حالا بنده دیگر می‌سپارم جلسه را به شما البته یک چیزهای دیگر هم باید یادداشت بکنید، وابستگی اعضاء، یعنی دسته بندی گروهی را که می‌خواهید، مخاطب هست، از نظر روحی، ذهنی، عینی، هویت اجتماعی‌شان را چه جواری تعریف می‌کنید؟ یعنی شما مخاطب‌های تان را، بهر حال گروه‌های اجتماعی را باید دسته‌بندی کنید، در دسته بندی تان مثلاً می‌گوئید که بیشترین قشری که الان مورد

هجوم مثلاً هویت با تعریف زن غربی هست گروه سنی بین فرض کنید از ۱۵ تا ۲۵ هست یعنی، ما اگر طبقه بندی بکنیم زنان را در سنین مختلف یک جایی به اصطلاح گرایش به مرکز از نظر نمودار آماری بیشتر هست، یعنی حداکثر نفرات را دارد، آن حداکثر را باید معلوم بکنید چون می‌خواهید با جامعه حرف بزنید، این حداکثر چه کسانی هستند؟ اینها را، چه تعریفی از هویت مخاطبتان دارید؟ ظرفیت ذهنی شان چه چیزی هست؟ ظرفیت هویت روحی شان چه چیزی هست؟ هویت ذهنی شان چه چیزی هست؟ اینها را، کارهای آماری روی آنها نمی‌کنیم، لاقلاً می‌توانیم یک تخمین‌های و حداقلی داشته باشیم، این برای تنظیم سیاستها، مهم هست. اینها را معین کردند. مسائلی را که به آنها طرح می‌کنند، احصاء آنها، جمع آوری آنها که قبلاً هم عرض کردم، یا اینکه کدام مسائل زیربنائی هست؟ کدامشان روبنائی هست؟ در نحوه تفاهم کدامش سهل تر است؟ گاهی از روبنا خیلی سهل تر هست صحبت کردن، هر چند مطلب باید منتقل بشود وضعیت زیربنائی، ولی باید از سهلترین نقطه مشترک تفاهم، انعطاف بخرج بدهید و همراه بشوید، نه از مبنائی ترین، ولو الان هیچ گونه حساسیتی را روی آن ندارند. اینها سیاستهایی که به نسبت روشن می‌کند کار شما را در بحث‌تان، یعنی سیاست بحث را معین می‌کند. من در خدمتتان هستم.

س: حالا با توجه به اینکه اگر عنوان بحثی مشخص شد حالا روی ضرورت همین موضوع، نمی‌دانم دیگر باز همین موضوع به ضرورتش لازم هست خیلی پرداخته بشود یا خیر؟

ج: اینکه ضرورت تکوینی و تاریخی و اینها را می‌گوئید یا ضرورت اجتماعی الان نظام جمهوری اسلامی را می‌گوئید؟ ضرورت عرض‌تان چه چیزی هست؟
س: ضرورت می‌گوئیم دیگر اگر لازم باشد.

ج: به نحو عام، ضرورت بالمعنی الاعم می‌گوئید؟ این یک صحبت هست که در بحث جلسه گذشته ضرورت تکوینی و تاریخی اش اشاره شده است یا ضرورت

بالمعنی الاخص می گوئید؟

س: کلاً اصلاً لازم ضرورت این بحث را الان، یعنی خیلی تکیه بکنیم یا نه اجمالاً اگر ما بتوانیم بهر حال در یک جلسه ضرورت، موضوع و هدف را روشن بکنیم، شاید جلسه راه بیافتد،

ج: شما همین ها را هم بناء دارید با آنها صحبت کنید یا نه؟ یا اینکه می خواهید بگوئید که من از قبلش اینها را جزء چیزهایی نمی بینم که با آنها بخواهم مذاکره کنم؟

س: چرا ضرورت را من احساس می کنم.

ج: مثلاً همین که با مخاطب تان می خواهید، یعنی به عبارت دیگر شما خودتان عضو جلسه زنان می دانید که بخواهید، یک وقت می گوئید من یک معلم آموزشی هستم، اصلاً عضو نیستم کاری هم ندارم که آنها می خواهند، چه کاری با این مطالب بکنند؟ من تک تک مسائل خاص را بصورت موردی چه مبثائی باشد، چه روبثائی، بسم الله الرحمن الرحیم، یکی از سوالاتی که درباره زنان هست، این هست. یک وقت می گوئید من حتماً دنبال این هستم که بهینه بکنم، بینم حرفی را که زدیم در جامعه قبول کردند؟

س: مبتلا به من مبتلا به آنها می شود، یعنی دیگر من از ناحیه همین جمع که می خواهند کار بکنند باید که به جامعه نگاه بکنم.

ج: اگر اینجوری هست، شما باید همین الان جلسه اول را بگذارید، در جلسه اول هم طرح بکنید که شما مخاطبین تان را اینجوری بیائید، صحبت کنید، یعنی اینها خارج از بحث اصلاً دیده نمی شود، آنوقت بحث ضرورت را حالا مخاطبین شما چه جوری نگاه به آن می کنند؟ نه اینکه ما چه ضرورتی را تشخیص می دهیم؟ ضرورت این بحث را در جامعه چگونه نیاز به آن را تعریف می کنند؟

س: خوب حالا قبل از این ما خود این جمعیت را، چون ظاهراً همگون نیستند با

فرمایشات حضرت عالی، من احساس کردم بعضی هایشان احتیاج دارد که اینها بیشتر آنها بپذیرند؟

حجت الاسلام محسنی: ما تا الان چیزی را معلوم نکردیم، حتی ۳ الی ۴ روز پیش، جلسه‌ای خدمت همین خواهران بودیم، گفتیم افراد جلسه، تعداد جلسه، سطح افرادی که می‌خواهند شرکت کنند، اینها همه را خودمان انتخاب می‌کنیم، یعنی الان ببینیم بحث در چه حدی هست، با چه حساسیتی از آنها دعوت می‌کنیم.
ج: مثلاً من شخصاً خود پیشنهاد می‌کنم، شما از دفتر تبلیغات نفر دعوت کنید، از بانددیور نفر دعوت کنید،

س: در همین بحث؟

حجت الاسلام نصرتی: می‌شود بعد از اینکه.

ج: مدیریت دست شما هست، شما اگر معذرت می‌خواهم، اگر مدیر با عرضه‌ای نیستید، اجازه بدهید دیگران بیایند مدیریت بکنند، چون مدیریت واقع می‌شود در جامعه، نهایت نه در آن اتاقی که شما مذاکره می‌کنید، حرف را می‌فرستید در جامعه، آنها مدیریت می‌کنند. حتماً اگر ما بتوانیم فکر مخالف را به عنوان یک ویروس غیر مفید بشناسیم، اگر بخواهیم بشناسیم، حتماً واکسینه کردن به معنای اینکه آنها را بیاوریم در جلسه خصوصی خود ما، نه اینکه حرف را بدهیم در جامعه، آنها فلکش بکنند، ما هم داد و قال مان بلند بشود که اینها چقدر بی انصاف هستند.

حجت الاسلام محسنی: پس موضوعیت پیدا کرد الان من اطلاعاتی را خدمت جناب عالی و خدمت آقای نصرتی عرض کنم. ما مطلبی که هفته پیش با الی ۵ نفر از خواهرانی که رکن هستند داشتیم در این حرکت، خانم صدوق، خانم همتی، خانم یقطین، خانم رضائی، اینکه ما به تعداد شما بسنده نمی‌کنیم، یک افراد دیگری با تحصیلاتی با مذاق‌هایی با یک شاخصه‌هایی دعوت می‌کنیم. بعد این خواهران گفته

شد مذاکره کردند، مباحثه کردند که آن شاخصه‌هایی که مد نظر تان هست برای غناء و تحرک بیشتر این جلسه با حرکتی که در پیش داریم، اینها را تعیین کنید و بیاورید یک شاخصه‌هایی را آورده بودند، به بحث دفتر تا اندازه‌ای مطلع باشند، بعد وقت داشته باشند، علاقه به بحث هم داشته باشند، منظم باشند، یک شاخصه‌هایی را آوردند، الان با این مطلبی که ایشان می‌فرمایند که واقعاً آقای نصرتی خودشان را جزو سازمان آن مجموعه احساس کنند، نه به عنوان مدرس مثلاً فرض کنید مسئول سازمانی و فکری که می‌خواهند این مجموعه را ببرند جلو، حاج آقا می‌فرمایند که افرادی را از خارج ما وارد کنیم که هر چه چکش می‌خواهد این بحث بخورد، الان همین جا بخورد، نه اینکه بحث مان را آن جا شوشته و رفته بکنیم بعد از ۵۰ جلسه، بعد ببریم در خارج که آنها بخواهند روی حرف چکش بزنند و کار بکنند. این شکل اگر باشد، یک جنبه دیگری پیدا می‌کند و یک تعاریف جدید و یا شاخصه‌های دیگر هم باید وارد این نظرهای خواهران بکنیم که آنها هم همراهی دارند، یعنی بیشتر به ما سپردند که از این جمع چه کارآمدی می‌خواهید.

ج: یعنی مهمترین مطلب اینکه اینها آیا می‌خواهند تمرین بکنند که چه جوری تصمیم بوسیله جمع گرفته بشود؟ اینها تا الان تصمیم به وسیله خودشان می‌گرفتند، و به همین دلیل مرتباً، میل به انشعاب پیدا می‌شد، ولی اگر تصمیم اینطوری به تصمیم رسم بشود، یعنی من بستر ذهنی درست می‌کنم تا شما تصمیم بگیرید، این به اصطلاح موضوع کار کاملاً فرق پیدا می‌کند، آنوقت دیگر اینها با همدیگر متحد می‌شوند، انشعاب نمی‌کنند.

س: یعنی یکی از مشکلات عمده اختلاف نظری و سازمانی و فکری و سلیقه‌ای بود مثلاً قرار شد ضرورت و موضوع و هدف حرکت خواهران معلوم بشود، گفتیم با هم مباحثه کنید، و یک نظر بیاورید، از قضاء فلک دو تا نظر آوردند دو نفر اینطرف، دو نفر هم این طرف، دو تا متن آوردند، بعد بیان شد که باز هم مباحثه

کنید که واقعاً نظر خانم فلان، خانم فلان نشود، نظر جمع تان بشود، همین هه حاج آقا می فرمایند، واقعا یک منتجه واجد داشته باشد این مجموعه، حالا حاج آقا می فرمایند، حتی این بحث هایی را هم که الان می خواهد عرضه بشود، افراد مختلف باشند یک منتجه ارائه شود.

ج: اصلاً به فکر اینکه، فردا صبح بگوئیم، پس فردا جزوه دربیاید نباشید، پس فردا این موضوع تمام بشود، نباشید بفکر باشید این موضوع چگونه پرورش پیدا کند در ذهن جمع؟ یک وقتی می گوئید این موضوع چه جوری روی کاغذ نوشته شود؟ این کار اجتماعی تست یک وقت می گوئید من چگونه بستر ایجاد کنم که این موضوع پرورش پیدا کند در ذهن جمع، جمع به این نتیجه برسند؟ اگر جمع بخواهد جمع برسد به یک نتیجه، بدون درگیری مگر می شود، بدون تحریک انگیزه ها، حساسیت و به اصطلاح چالش محال هست همچنین چیزی بشود. چون می خواهد جزء هویت گرایش غالب بشود، حرفتان هر قدر درجه یک، اگر کسی روی آن حساس نشود و با حساسیت نایستد، هرگز جزء اعتقادات اخلاقی او نمی شود.

س: حجت الاسلام نصرتی: یعنی چون ما در واقع عصاره جامعه جهت گیری های مختلف جامعه را در جلسه می آوریم. کمی کند پیش برود.

ج: کند پیش برود، پرورش پیدا می کند در وجود آنها، گرایش غالب، باید نشان بدهد که قدرت استدلالش غلبه می کند، طرف نتواند بشکند، برخورد سیاسی باید بوشد، برخورد فرهنگی باید بشود، برخورد اقتصادی معنایش اینکه وقت کم گذاشتن، به اصطلاح همه اینها باید پیدا بشود، برخوردهایی که در و جامعه هست، شما ایجاد مفهوم باید بکنید در ذهن ها، نه آموزش مفهوم.

س: سرپرستی است.

ج: سرپرستی توسعه ذهنی یک عده زن، آنوقت امکان می دهد که برای شما که یک سازمان اسلامی زنان درست بشود. که اگر دارای هدف هست، دارای چیزی

هست، ایجاد می‌شود از جلسه، بنظر بنده می‌آید تا آنجائی که دستتان می‌آید، آوردن از نیروهای زنائی که در اطلاعات باشند خوب هست، ضد اطلاعات هم خوب هست باشد، یعنی کسانی که اطلاعات دنبالشان هست، حساسیت معقولی دارند.

س: می‌گیرندشان.

ج: نه، نمی‌گیرند، یعنی قصدمان این که با انگیزه های متناقض، با افکار متناقض، با رفتار متناقض و مدیریت سعی کند هر جوری هست نگذارد، کسی قهر کند از مجلس. یک خط در میان متذکر بشود که بهر حال هیچ کدام از ما بی‌دین نیستیم، هیچ کدام از ما به اصطلاح ضد خدا نیستیم، ما با اقلیت‌ها در یک کشور زندگی می‌کنیم، ما اقلیت، اقلیت‌ها بابا در دفاع کشورتان آمدند یا در سازمان ملل هم دیگر با کسانی زندگی می‌کنیم که احیاناً مخالف ما هستند، حتی مخالف رهبر ما هستند، مخالف کیش و آئین ما هستند، آنها دارند حرف در دنیا می‌زنند درباره زنان، ما می‌خواهیم جواب آنها را بدهیم، حالا اینجا نتوانیم تحمل بکنیم.

س: برای شروع که تجویز نمی‌کنید.

ج: اگر شما مشت بازی را اول کار با کیسه خاک اره عادت ندهید، بعداً روی رینگ بوکس کسی را نمی‌توانید بفرستید.

س: من احساس می‌کنم که خود من نیاز دارم به اینکه یک مقدار به بحث اشراف پیدا بکنیم یعنی زود وارد دعوا نشویم.

ج: اصلاً بذهنتان بیاید که در دعوا باید، ببینیم ما چه مشکلی داریم، باید حل کنیم مشکل کجا معلوم بشود، چه مشکلی داریم.

س: حداقل سیر کلی بحث برایمان مشخص بشود.

ج: شما دغدغه ای از این باب نداشته باشید، بهر حال در دفتر بودید، دفتر بحث هایش نسبت به جامعه، به نسبت قدرت تفوق دارد، آنها باید بترسند در جلسه شما

بیایند، شما قرص بگوئید که دعوا را راه بیاندازید. باید بگوئید اولین شروع زنگی که می‌زنیم، زنگ دعوا هست، دعوا را مرتباً مقننش می‌کنیم، دعوا را بوسیله جمع هم مقننش بکنید، هیچ هم نترسید که تلفات بدهید، «بازی اشکنک دارد سر شکستنک دارد» ولی یک جائی هم آنها بزنند، شما یک قدم عقب بروید، باید بتوانید نقاط آسیب پذیر بحثشان را بشناسید، دور بزنید، دوباره تقویت بکنید.

س: حجت الاسلام محسنی: یعنی بهینه جدی بحث و بهینه خود حتی آقای نصرتی بشکل جدی، همین شکلی واقع می‌شود.

ج: و الا ما می‌نشینیم برای خودمان احتمالاتمان را می‌نویسیم، بعداً هم به جامعه می‌دهیم یک عده طرفدار پیدا می‌کنیم، حالا خیلی هم مثلاً طرفدار پیدا کنیم، هزار و یک از، یکی بخش‌های زنان، بعد هم خیلی مغرور بشویم برای ما ماهی ۴۰ هزار نامه می‌آید، مشترکین ما مثلاً ماه که نمی‌آید ۴۰ هزار تا، مشترکین ما، ۴۰ هزار نفر هستند، از چقدر جواب ۴۰ هزار نفر؟ من بیکی از مؤسسات صحبت کردم که چقدر از شما سوال می‌کنند؟ گفت ۴۰ هزار نفر مشترک داریم، خیلی هم بنظرش می‌آمد مشترک زیاد هست! کشوری که مثلاً از میلیون می‌گذرد دانشجویش، شما مطالبت در حد دانشجویی هست، چهل هزار نفر که نه پنجاه هزار نفر، چند میلیون هم نمی‌گیرم، یک میلیونش توده مخاطب شما هست اینکه از ۲۰ تا یکی است معنایش از ۲۰ تا یکی صدی پنج هست، صدی پنج که جامعه را نمی‌تواند کاری بکند، چرا به اصطلاح در پستو برای خودتان می‌گوئید، خودتان هم می‌خرید مطلب را! این کشور بیش از ۱ میلیون ثبت نام برای دانشگاه دارد، حرفهای شما هم برای دبیرستان خوب هست، دبیرستان که خیلی جمعیتش بیشتر هست، چهل هزار تا خیلی زیاد هست، یعنی چه؟! این از این حالت در می‌آورد شما را. به عبارت دیگر ببینید، اینکه ما خودمان بگوئیم، خود مان هم تعریف خودمان را بکنیم. خودمان هم یک مدتی ذهنمان مأنوس شده باشد به مطلب، بگوئیم نه اصلاً درباره تفاهم به مخاطب لازم

هست فکر کنیم، این از زبان در می آید دیگر

س: حالا من پیشنهادم این هست که حضرت عالی ۳ الی ۴ جلسه اجمالی بحث یک دور اول و آخر.

ج: آقای نصرتی

حجت الاسلام محسنی: خیلی مطلب گفتند حاج آقا در این دو جلسه، یعنی برای شروع دعوا و حتی ۵ جلسه خواهر ها کفایت می کند.

حجت الاسلام نصرتی: من معمولاً نمی دانم شاید روحیه شخصی هست که باید که سیر برایم خیلی بیشتر تمام بشود تا بعد بتوانم مطلب را تمام کنم.

ج: بابا یک چیز که تمام هست، دفاع از خدا و پیغمبر تمام هست یا تمام نیست!؟

س: بی شک تمام هست

ج: این اولین قدم هست ۲ که در حوزه خیلی از حرفها هست که نمی گویم آنها را بگذارید کنار، یک از حرفها هم حرف اینجاست. شما در صورتی که فقط مهمات تو همین باشد، کفار هم حمله کنند، می ایستی در میدان یا نمی ایستی؟
س: حالا استراتژی کار همین است.

ج: بابا استراتژی را شما معین نکردید، کفار استراتژی را درگیری با اسلام معرفی کردند، شما حاضر به دفاع هستید با همین مهماتی که هست در حوزه یا اینکه درمی روید؟

س: ما بیشتر از این دارید، حضرت عالی هستید.

ج: ببینید اگر ما هستیم، پس بنابراین یا علی شروع کن.

حجت الاسلام محسنی: سر لشکر می گوید شروع بگو روی چشم.

ج: نه چرا می گوئید لشکر می گوید شروع کن، دشمن حمله می کند، من می گویم دشمن که حمله می کند، اگر دشمن حمله می کند شما با هر مهماتی که دارید، شروع کن. ما هم در خدمتتان هستیم، بصورت بسیار بسیار کلی هم اتفاقاً من

بحث درباره زنان زیاد گفتم، کتاب هم هست، دوره ای را که بحث گفتم در مرکز مطالعات تهران است تهران، در مباحث دیگر که اشاره کردم هست، کلیاتش را هم بصورت خیلی کلی می توانم برای تان بگویم. ما در توسعه تاریخی زنان، برایشان نقش اینکه به اصطلاح تفضّل اجتماعی، ایثار اجتماعی، اخلاق خوب اجتماعی را در آن رکن باشند در بوجود آوردنش، قائل هستیم این را از صنعت به اصطلاح فیزیک اتمی می گیرد تا جبهه و جنگ، یعنی از اقتصاد در بخش تولید، تولیدهای هسته ای تا برسد به، به اصطلاح، سیاست در سطح ایثار و شهادت، هیچ جایش نیست، یعنی هیچ مسئله ای از مسائل اجتماعی نیست که ما در تکنولوژی تولید، توزیع، مصرفش حضور زنان را نبینیم، ما در همه جا برای آنها منزلت قائل هستیم برایش هم عدالت سیاسی، عدالت فرهنگی، عدالت اقتصادی را در حفظ منزلتشان در نظام موازنه قائل هستیم.

در نظام عدالت اجتماعی منزلتشان، منزلت ایجاد تفضّل اجتماعی هست، خود عدل به عهده مردها هست. مردها هم هستند کلیه خطوط فعالیت ها، زنان هم هستند، فکر هم هر دو می کنند، هر دو هم عاقل و بنده خدا هستند.

س: مطلبی که الان روشن تر شد یک گفتگوی بعد از جلسه اول حضرت عالی با آقای نصرتی داشتیم که الان جلسه با خواهران کی شروع بشود؟ ایشان نظرشان این بود که ۳ الی ۵ جلسه بحث برود جلو تا یک اشرافی بر کلیات بحث حاصل بشود تا بعد جلسه با خواهران شروع بشود.

ج: نه من بذهنم بیاید که خیلی زود شروع می کنید، از همین جلسه اولی که دارید با آنها درباره اینکه چه کسانی را دعوت کنیم، نحوه تشکیل جلسه، جلسه مناظره هست، منطقی باید بحث کنیم، با هم به تفاهم برسیم، حتماً مقنن باشد، موضوعات طبقه بندی بشود، روش ها طبقه بندی بشود، مسائل طبقه بندی بشود، حتماً احساس مشارکت بکنند مخالفین شما، می بینند می روند، فیش برمی دارند می آورند و

اهمیت داده می‌شود چرا یک نفر طرفدار خود آقای کدیور نرود ۲۰۰ تا فیش بیاورد برای شما، یک نفر طرفدار به حضورتان، اینها چرا نیاورند فیش، چرا احساس حضور نکنند، اسم بیاورند، اسم مراجع بزرگ بیاورند، بگویند اینها نظرشان این هست، این مسئله‌ها مسائل زنان در دنیا این هست، چرا شما آنها را میدان ندهید؟

حجت الاسلام نصرتی: حتی اگر از جنبش‌هایی جدید که دفاع از حقوق زنان است نماینده داشته باشیم.

ج: هر کسی، شما بگو فمینیسم بیاورد، بگو شما هر چه که دارید در میدان، بیاور میدان یا علی، من شخصاً سلیقه خودم این هست که اگر تمرین مناظره را شروع نکنیم، کفار بعد می‌آیند مناظره با ما می‌کنند، اگر قواعدش و مقنن کردنش را دست خودمان و ابتکار عمل را بدست نگیریم، آنها درست می‌کنند.

حجت الاسلام محسنی: آنوقت کار از کار گذشته و منفعل هم می‌شویم.

ج: حتماً منفعل می‌شویم نه فرد بار آوردیم در مناظره، نه ایجاد فکر کردیم، نه ساختار رو نظام گردش عملیاتش را مسلط هستیم.

س: مرکز مطالعات زنان که آقای زیبایی اینها راه اندازی کردند می‌شود، تماسی گرفت افرادی که در این قضایا ولو مخالف می‌شناسند، ج: شما با دعوا آغاز کنید.

حجت الاسلام نصرتی، پس حالا یعنی تداعی من عوض شده.

ج: دعوی را یک دعوی قشنگی راه بیاندازید، دعوی زشت نباشد، یعنی کلاسه دار باشد، به عبارت دیگر، در دعوا شطرنج باز باشید، خاک باز نباشد.

س: دعوی پیچیده به اصطلاح با کلاسه

ج: با کلاسه و مؤدب، منظم و فکری و فرهنگی، به اصطلاح اینکه در آن جرو دعوا بشود و اینها نباشد.

س: پس تلقی من از بحث عوض شد.

ج: دنبال اینکه یک کتاب در بیاید، جواب یک کتاب.

س: نه، تصورم این بود که حضرت عالی می‌خواهید بحث‌هایی را به اصطلاح منظم بنا دارید که بفهمانید ما هم همان را انتقال بدهیم، تصور ثانی من اینجوری شکل گرفت که حضرت عالی اراده دارید دعوی راه بیافتد.

ج: یک دعوی هست، نه یک دعوی هست، ما می‌توانیم خودمان را به خواب بزنیم، بگوئیم دعوا نیست، کفار هم دارند می‌جنگند ما می‌توانیم ندیده بگیریم، آنها دارند موج موج می‌برند، چیزی را باقی نمی‌گذارند! ما می‌توانیم بگوئیم الحمدلله رب العالمین زن و بچه‌های ما که خوب زن و بچه‌هایی هستند! یک وقتی هست اینجوری نیست که وضع، دارد دستگاه کفر ایجاد می‌کند. نه آموزش می‌دهد، ایجاد می‌کند یک گرایش را در زنان، به نسبت در خانواده‌های مذهبی هم به نسبت بویش می‌آید، فضا را دارد فضایی می‌کند که تنفس، تنفس در آن فضا بشود، ما هم در خدمتتان هستیم

س: پس اراده ندارید به اینکه حتماً یک بحثی را شما شروع کنید و همان بیش برود.

ج: ما بحث اول ایجاد می‌خواهیم بکنیم، دوم اینکه همان را ایجاد نمی‌کنیم، جهت آن را متناسب با هر چه که بگویند، ما دوباره همان جهت خودمان جور باید بتواند منطق مان قوی باشد که غالب بکند بر جلسه، آخر کار باید در مسائل مختلف به همان نتیجه بخواهند برسند که ما می‌گفتیم، ولی این باید ایجاد بشود در دعوا.

س: یعنی زمینه‌هایش و سوالهای ایجاد بشود تا بعد پاسخ‌ها را سر جای خودش بدهیم.

ج: یعنی برخورد که می‌شود، سوال می‌شود جواب داده می‌شود، جلسه تلاطم پیدا می‌کند، موضوعاتش اول آن گاهی متفرق می‌شود، خلاصه نمی‌گویند که آقا به اصطلاح مؤمن چرا زدی به سر، چرا زدی به گوش، چرا زدی به سینه، چرا زدی

می گوئید دعوا هست.

حجت الاسلام محسنی: حاج آقا این نکته مهمی هست این فارق بین ایجاد و آموزش و ایجاد تعلم، خیلی زیاد هست یعنی مشارکت جمعی برای ایجاد هست.

ج: بله زمین تا آسمان فرق دارد، مشارکت جمعی، شما در پایان این خط، در پایش، چیزی را که متوقع تان هست و می توانید از دور ببینید، اول اینکه بعد از مدتی اینها اهل مناظره می شوند، اینها از این حالت در می آیند، روحیه جمعی بینشان ایجاد باید بشود، هر جای آن که نشد، باید برگردید مطالعه بکنید که چرا نشد، بعد از اینکه این مطلب را توانستید ایجاد بکنید، باید بتوانید شما پس از گذشتن دو سال نشریه با ضعیفترین کاغذ و چاپ، یعنی کاغذ کاهی، چاپ بسیار عادی باید روی دست ببرند، در دانشگاهها، و اعلام بکنند که ما می خواهیم مشارکت داشته باشیم شما چرا اینجا برای ما میز مناظره نمی گذارید، باید موج بیاید به طرف شما، اگر نتوانستید، موج بیاید، شما آدمهای بی عرضه ای هستید، مناظره درست انجام نگرفته است، انتخابتان در افرادی که به اصطلاح بتوانند درست بیایند دعوا بکنند، بد بود، دعوا باید تماشایی بشود، تماشاچی خودش را در جامعه جذب بکند. خیلی بد هست که شما مثلاً می گویم یک تیم فوتبال گذاشته بشود جمعیت زیاد برود به آنجا، بیشتر از آن تیم هم ملت منحل بشوند در فرهنگ کفر، شما الحمد الله رب العالمین سر جای خودتان نشسته باشید یک کتابی نوشتم درجه یک، اگر دقت کنند حق به من می دهند، یعنی به عبارت دیگر محیط پرورش فرهنگی، اول کار درست می کنید، بعدش باید پرورش سیاسی و اقتصادی ایجاد بشود، اولاً زنان خیال نکنید، پول ندارند، زنان پول دار هستند، اگر شما بتوانید ارگانیزه اش بکنید، زنان هم پول دارند، می توانند سازمان اقتصادی داشته باشند در کشور، هم قدرت به اصطلاح سیاسی، یعنی تحقیر کردن و تجلیل کردن دارند، می توانند سازمان سیاسی داشته باشند، هم سازمان فرهنگی، شما آنها را سازماندهی نکنید دیگران سازماندهی می کنند. اگر

شما نداشته باشید مطلبی را که آنها را به سازمان دهی برسانید، آنوقت باید بعد زنان شما در انزوای بد تحقیر بشوند.

حجت الاسلام محسنی: الان شروع کردند و جلو هم رفتند سازمان جهانی فمینیستی.

ج: در داخل هم درست می‌شود، در سوالات حتماً پیش می‌آید، به اصطلاح خیلی هم بهتر، نحوه گزیدن اجتماعی‌اش در عمل انجام می‌گیرد. حتماً شما مرتباً مقنن کردن جلسه، قاعده مند کردن هماهنگ سازی شان را، یعنی بازی به اصطلاح فکری را، اگر اسمش را بازی بگذاریم، یا جنگ را یا تفاهم را، حالا هر رقم اسمش را بگذاریم، این را حتماً باید مرتباً قاعده‌مند بکنید، کلاسه دار بکنید و کلاسه اش را باید ایجاد بکنید در افراد، مثل موضوعش، یعنی به عبارت دیگر باید پرورش پیدا کند مطلب. شما طبیعتاً ممکن هست فرض کنید که یک فراکسیونی در آن جمع داشته باشید خصوصی، که بگوئید اینها هست، این مطلب هست، اینجوری هست، اینجوری برویم در میدان، ببینیم چه جوری می‌شود. گزارش نویسی‌تان دقیق باشد، معلوم باشد چه جوری سوال شد، چه جوری به اصطلاح پرداخته شد، اول کار طبیعتاً خیلی ضعیف و مصنوعی برقرار می‌شود. دعوا، دعوی جدی نمی‌شود، جز در برخوردهای سیاسی، ولی بعد از یک مدتی کم کم شکل پیدا می‌کند، یک مقدار کم اگر خوب جلو بروید، باید پرورش پیدا کند، افرادی که اهل مناظره هستند. آن موقعی که افرادی که اهل مناظره هستند در دو طرف پیدا شد، آنوقت نشریه باید آغاز بکنید، من ابتدائاً خیال می‌کنم تا دو سال دیگر این باید پیدا بشود، تا دو سال دیگر که پیدا بشود خیلی خوب هست، بعد شما می‌توانید میدان داری بکنید در همه دانشگاهها، قشری هم که بذهن من می‌آید که موضوع مخاطب مورد نظران باشد، سن بین ۱۵ تا ۲۵ سال باشد، نه اینکه سنین بعدش نیست مطلقاً، سنین ۲۵ تا ۳۵ هم زنان باز هستند در دوره

س: شکل پذیری در سنین ۱۵ تا ۳۵ نهایی اش هست.
ج: ای احسنت در شکل، شکل پذیری حضور داشته باشید، در شکل آنهایی که
شکل پیدا کردند، بوسیله ایجاد موج های اجتماعی، حضور داشته باشید و جذب
کنید.

«وصلی الله علی سیدنا محمد و آله محمد»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۳
کد جلسه: ۳۳۹۱	تاریخ جلسه: ۱۳۷۷/۱۱/۲۸
کد صوت: ۴۷۶۱	مدت جلسه: ۶۰ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۶۵۸۸

شناسنامه تدوین

پیاژه:	خانم س. صالح
تایپ:	محمد رضا عالمی
تطبیق:	خانم ف. کریمی
تصحیح (۱):	علی فقیهی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	حسن ناصری
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	حسن ناصری
صفحه‌آرایی:	حسن ناصری

جلسه سوم

استاد حسینی: اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنْ هَمْزَاتِ الشَّيَاطِيْنِ، بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ.
ابتدائاً با یاری خدای متعال و عنایت معصومین می‌پردازیم به این که کار آمدی
مناظره، چه سطح‌هایی را دارد و ما در کدام سطحش الان می‌خواهیم ارتباط داشته
باشیم. مناظره، تعریف ابتدایی‌اش مناظره‌ی سازمانی، باید بگوییم: شرایط ارتقاء مثلاً
تفاهم هست، می‌شود گفت که تعریف مناظره به ایجاد شرایط، ایجاد شرایط...؛
تعریف مناظره را می‌کنیم به ایجاد شرایط مثلاً ارتقاء یا توسعه تفاهم اجتماعی.

آقای محسنی: توسعه تفاهم اجتماعی.

استاد حسینی: تفاهم اجتماعی.

آقای محسنی: این شرائط معنای ابزار هم می‌دهد دیگر

استاد حسینی: می‌شود معنی ...

آقای محسنی: مثل! ابزار تفاهم اجتماعی.

استاد حسینی: بله، این هم احتمال خوبی است.

آقای محسنی: شرایط بگیرید، عام تر است از ابزار.
استاد حسینی: شرائط فقط محیط است، در حالی که ابزار بهتر است؛ چون - به
حضورتان که عرض کنم که - ...؛ البته اجازه بفرمایید یک تاملی بکنم روی آن.
ابزار وسیله اداره باید باشد، شما هم در آن مثلاً برنامه ریزی دارید، سازماندهی
دارید، به هر حال تصمیم گیری دارید شرائط را،...

آقای محسنی: یعنی به نظر می رسد...
آقای حسینی: بله، می شود گفت که تعریف مناظره به ابزار تفاهم ابزار توسعه
تفاهم اجتماعی از طریق، از طریق ایجاد شرایط از طریق ایجاد شرائط هست، ولی...
آقای محسنی: استفاده ای که از فرمایشات حضرت عالی کردم هم یک بخش از
ابزاری را دارد، هم معنای ابزاری را می دهد، هم معنای شرائطی را می دهد.
استاد حسینی: بله، ابزار توسعه تفاهم اجتماعی هست مناظره، آن وقت از طریق
ایجاد شرائط تفاهم

آقای محسنی: به نظر می رسد که معنای...
استاد حسینی: ایجاد ارتقاء، بله، ارتقاء، جای ایجاد باید ارتقاء شرائط تفاهم،
ارتقاء شرائط هم کافی است دیگر! پس بنابراین تعریفش این طوری می شود،...
آقای محسنی: - معذرت می خواهم - اگر عنوان جامع بر ابزار و شرائط پیدا کنیم
معنا را نمی رساند؟

استاد حسینی: نه، حتماً ابزار باید بگوییم؛ می دانی چرا؟ برای اینکه شما یک
آیین نامه درست می کنی، یک مدیریتی درست می کنی، آن مدیریت یک برنامه ای
دارد، نسبت به برنامه، نحوه ی سازمان دهی، هم تصمیم سازی دارید، هم تصمیم
گیری دارید؛ یعنی مناظره یک مناظره بدون برنامه ریزی شده نیست،
آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: - به حضورتان که عرض کنم که - درست است که مشارکت

عموم هست در - به اصطلاح - فعالیت تفاهم، یعنی نظر همه می دهند، و لکن به هر حال یک تصمیم سازی و تصمیم گیری اجتماعی نسبت به - به اصطلاح - این شرایط هست. هر جا گفتید تصمیم سازی و تصمیم گیری هست ولو اجتماعی باشد می شود ابزار؛ چون تصمیم می گیرند، می خواهند طریق، مجرا درست کنند برای - به اصطلاح - تصمیم شان،

آقای محسنی: وسیله تصرف می شود.

استاد حسینی: وسیله می شود. آن وقت نهایت اینکه این تعریف اینطوری تمام می شود، تعریف مناظره: به ابزار توسعه تفاهم اجتماعی از طریق ارتقاء شرایط تفاهم، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: یعنی شرایط تفاهم را بالاتر می برید، الان شرایط تفاهم هست، نه اینکه نیست و لکن این را بالاتر می برید از طریق...؟ - به هر حال خود این ابزار است، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: این ابزار کار آمدی خاصی دارد، که به وجود می آید این ابزار از طریق ایجاد یک شرایط، ایجاد فضای تفاهمی. خوب حالا باز در طریقتش هم چه چیزی هست خوب است یک کمی دقت کنیم. قسمت اول ابزار بودن تمام است. - به حضورتان عرض کنم که - شرایطی را که درست می کنیم، ما بخواهیم...، یعنی این الان دیگر در نوشتن خود این مطلب هستیم که باید دقت های پیرامونش را بکنیم، احتمالاتش را بدهیم.

آقای محسنی: یعنی چه خصوصیتی دارد که شرایط جداگانه بر شرایط دیگر کارها و انتقادات فراهم می کند.

استاد حسینی: بله، آن وقت این می توانیم بگوییم که از هدایت شرایط هدایت سازمانی است، یا مثلاً بگوییم از طریق هدایت اجتماعی سازماندهی تفاهم اجتماعی. این البته مشکل می شود ولی بعدش باید توضیح داده بشود. هدایت اجتماعی، کلمه

ی رهبری اولی است ولکن الان به کار نمی‌بریم، رهبری را قداستش بگذاریم برای جای دیگر. هدایت اجتماعی، ...

آقای محسنی: سرپرستی هم می‌شود، هدایت معنی خوبی است.

استاد حسینی: بله، هدایت اجتماعی، سازمان.

آقای محسنی: هدایت سازمانی بگوییم بهتر نیست؟ هم یک قید اجتماعی را می-

خواهیم بیاوریم، هم قید سازمانی را؟

استاد حسینی: بله، هدایت اجتماعی هست؛ یعنی ما ...؛ شما می‌گویید که نتیجه-

اش را، انتقادها را تا روزنامه ببرید،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: خب بازخورد این مطلب این است که - به حضورتان که عرض

کنم - این یک، دو فرض دارد: یکی اینکه بگویید که انظار عموم را هدایت می-

کنیم، آن وقت باید بگویید هدایت سازمانی، یکی بگویید به صورت اجتماعی این

عمل واقع می‌شود.

آقای محسنی: یعنی سؤال حقیر اینکه آیا اول بنویسیم هدایت سازمانی اجتماعی؟

استاد حسینی: دو معنا دارد.

آقای محسنی: بله، یا هدایت اجتماعی سازمانی؟

استاد حسینی: به حالا اگر هدایت ...؛ اگر بگویید شما دارید مدیریت می‌کنید و

سرپرستی می‌کنید جامعه را، سرپرستی از درون جامعه بر نمی‌خیزد، پس بگویید

هدایت سازمانی شرایط تفاهم اجتماعی.

آقای محسنی: درست است. یعنی شما هستید که با یک حرکت جدید، یک

هدایت جدیدی را در جامعه ایجاد می‌کنید.

استاد حسینی: بله، هدایت سازمانی شرائط تفاهم اجتماعی، بهتر است، چون

رنگ دموکراسی‌اش کمتر می‌شود.

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: حالا شرایط اجتماعی تفاهم هست یا شرایط تفاهم اجتماعی هست؟ اگر شرایط اجتماعی تفاهم باشد، هدایت سازمانی نسبت به چه چیزی؟ نسبت به اینجا بگوییم شرایط ...

آقای محسنی: شرایط تفاهم اجتماعی است، چون ما نظر می‌خواهیم بدهیم که خود گمانه‌ها را به شکل اجتماعی و سازمانی می‌خواهیم هدایت کنیم، استاد حسینی: درست است.

آقای محسنی: یعنی احتمال یک نفر نیست که بخواهد تفاهم کند، استاد حسینی: حالا اینجا هدایت سازمانی تمام، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: هدایت سازمانی، موضوع هدایت سازمانی چه چیزی است؟ شرائط اجتماعی تفاهم هست یا شرائط تفاهم اجتماعی؟ آقای محسنی: علی‌الظاهر شرایط تفاهم اجتماعی است، چون ما قید تفاهم را اجتماعی می‌زنیم.

استاد حسینی: شرایط اجتماعی تفاهم؛ درست است.

آقای محسنی: یعنی برای تفاهم اجتماعی می‌خواهیم شرائطی را فراهم کنیم، نه اینکه بری خود تفاهم یک شرائط اجتماعی درست کنیم. همان حضرت عالی مطالبی فرمودید که ما به شکل سازمانی می‌خواهیم گمانه‌ها را هدایت کنیم، احتمالات را سازماندهی کنیم، این علی‌الظاهر این معنا را خواهد داشت.

استاد حسینی: شرائط، شرائط تفاهم است؟ آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: بالا گفتیم ابزار توسعه تفاهم اجتماعی، این ابزار می‌شود برای اینکه تفاهم اجتماعی بهتر انجام بگیرد،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: پایین آن می‌خواهیم بگوییم از طریق شرائط، شرائط را دو رقم می‌نویسیم: شرائط اجتماعی تفاهم،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: شرائط،

آقای محسنی: تفاهم اجتماعی.

استاد حسینی: تفاهم اجتماعی.

آقای محسنی: علی‌الظاهر موضوع را دیگر باید مشترک بگیریم، واحد بگیریم،

...

استاد حسینی: حالا سؤال همین جاست که آیا موضوعی را که در اینجا داریم
موضوع ابزار است، ابزار ...؟ خود مناظره وسیله می‌شود،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: وسیله توسعه تفاهم هست.

آقای محسنی: یعنی موضوع فعالیت مان تفاهم اجتماعی است که حالا برای آن
یک ابزاری داریم.

استاد حسینی: آن موضوع ...، نه موضوع مان ...؟ بله احسنت! توسعه هست که
ابزار است،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: از طریق، راه را حالا می‌خواهید بگویید، راهتان ...

آقای محسنی: آن دوباره موضوع نمی‌شود دیگر!

استاد حسینی: حالا خیلی خوب، از طریق هدایت سازمانی است.

آقای محسنی: آن وقت این چه نتیجه‌ای خواهد داشت؟

استاد حسینی: هدایت سازمانی دوباره می‌شود جای ابزار، شرائط اجتماعی تفاهم

یا شرایط تفاهم اجتماعی؛ چون - به حضورتان که عرض کنم - عمل تفاهم یک کاری است که در جامعه دارد انجام می گیرد، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: ما شرایط اجتماعی اش را فراهم می کنیم، یا اینکه شرایط اجتماعی تفاهم. اصل فهم را می خواهیم بالا ببریم، آن شرایط اجتماعی تفاهم اولی است، همان که فرمودید؛ پس می شود هدایت سازمانی شرایط تفاهم اجتماعی است. خوب حالا شد از طریق هدایت سازمانی شرایط تفاهم؛ یعنی شرایط اجتماعی تفاهم. آقای محسنی: - معذرت می خواهم - اگر توضیح بفرمایید؛ یعنی الان در ابتدا ما تفاهم اجتماعی را موضوع فعالیت گرفتیم، یا نه، ابزاری برایش داریم در تعریف مناظره؟

استاد حسینی: ما آمدیم گفتیم مناظره ابزار توسعه تفاهم اجتماعی را می خواهد، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: موضوع ما توسعه تفاهم اجتماعی است، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: آن وقت برای توسعه تفاهم اجتماعی، ما هدایت سازمانی هست، برای چه چیزی؟ هدایت سازمانی شرایط اجتماعی تفاهم، آقای محسنی: به نظر می رسد که ...

استاد حسینی: یا شرایط یا شرایط تفاهم اجتماعی، که شرایط تفاهم اجتماعی. آقای محسنی: یعنی این مسانخت بیشتری دارد با آن که بالا ذکر کردیم، استاد حسینی: درست است، درست است.

آقای محسنی: چون گفتیم آنجا یک ابزار تفاهم اجتماعی داریم، استاد حسینی: درست است.

آقای محسنی: حالا اینجا هم از طریق ...

استاد حسینی: شرایط.

آقای محسنی: ... شرایط تفاهم اجتماعی داریم.

استاد حسینی: این از طریق هدایت ... ؛ یعنی عمل هدایت سازمانی شرایط تفاهم اجتماعی، این عمل ابزار هست برای توسعه تفاهم اجتماعی. خوب است، بسیار خوب

آقای محسنی: این می شود یک تعریف برای مناظره.

استاد حسینی: برای مناظره.

آقای محسنی: آن وقت باید امتیاز کارایی این مناظره را بر دیگر شیوه‌هایی که انتقال مفاهیم بودند، عرضه کنیم.

استاد حسینی: خوب حالا این شرایط تفاهم در چه کار ... ؛ چه کاربردهایی دارد؟ یک کار بردش در آموزش است، کاربردها یا ثمرات. «الف» می تواند این مطلب در آموزش واقع بشود،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: ب، می تواند،

آقای محسنی: در تحقیق واقع بشود.

استاد حسینی: در تحقیق واقع بشود.

آقای محسنی: آیا در تبلیغ هم حاج آقا می تواند واقع بشود؟

استاد حسینی: حتماً!

آقای محسنی: یعنی ما مثل سخنرانی و مثل کارهای دیگر ممکن است، هدف اصلی آموزش و یا تحقیق و نتیجه رسیدن به مطلبی نباشد، همان مطلبی که حضرت عالی می فرمودید با این حرکت آن مطلب را یک درد اجتماعی می کند، ایجاد انگیزش اجتماعی می شود.

استاد حسینی: درست است.

آقای محسنی: ولی آیا فی الواقع ما قصد اولیه مان تبلیغ است که درد اجتماعی درست می شود یا اینکه نه، آموزشی هست که از ثمرات آن آموزش، تبلیغ این قضیه هم هست؟

استاد حسینی: باید ویژگی هایش را ملاحظه بکنیم - به اصطلاح - ببینیم که چه طوری داریم ما برنامه ریزی اش را می کنیم. یک جاهایی می شود برنامه ریزی آموزشی کرد، یک جاهایی برنامه ریزی - به حضورتان که عرض کنم که - پژوهشی کرد، یک جاهایی برنامه ریزی مثلاً تبلیغاتی کرد.

آقای محسنی: یعنی می فرماید اگر هدف مان متفاوت باشد در ساختار درونی همان مناظره تغییر ...

استاد حسینی: حداقل در برنامه اش.

آقای محسنی: برنامه اش.

استاد حسینی: حداقل در برنامه ...

آقای محسنی: سازمانش نباشد، در ...

استاد حسینی: یعنی سازمانش را ما باید یک سازمان مشترک تعریف کنیم، یک سازمانی را که خوب به نسبتی یک بخش هایی از آن می تواند کم و زیاد ... ، یعنی اصول مشترک داشته باشد، یک انعطاف هایی داشته باشد متناسب با برنامه. خوب حالا اصولاً دفتر آن کاری را که می خواهد بکند برای - به اصطلاح - به کار گیری مناظره در اینکه تفاهمش را بالا برد با دیگران، در بخش تبلیغی اش است یا تحقیقی اش است یا آموزشی اش. اگر کار سیاسی بخواهد بکند و روی انگیزه ها بخواهد کار کند معنایش این است که روی تبلیغش هست،

آقای س: تبلیغ، بله.

استاد حسینی: اگر روی اندیشه ها بخواهد کار بکند و جریان احتمالات را توسعه بدهد در تحقیقی آن است، اگر در کنترل رشد - به اصطلاح - یاد گیری ها باشد که

در آموزش است.

آقای محسنی: من به نظر می‌رسد صبعه مناظراتی را که ما می‌خواهیم در ارتباطات داشته باشیم بیشتر آموزشی - تبلیغی هستند؛ چون کار تحقیقی‌اش در یک افقی است که آنها الان نمی‌توانند مشارکت مستقیم داشته باشند، استاد حسینی: درست است.

آقای محسنی: صرفاً با بحث‌های داخلی خودمان حاصل می‌شود. استاد حسینی: یعنی شما می‌خواهید بگویید که دو منظوره هست که یک منظورش تبلیغ است، ولی به تبلیغ تنها هم اکتفا نمی‌کند، می‌خواهد آموزش هم بدهد.

آقای محسنی: بله؛ یعنی حتی اگر این کارگاهی تحقیقاتی که ما گذاشتیم فی الواقع آموزشی بود اما به لحاظ اینکه بگوییم که خب حالا شما مشارکت دارید اسمش را گذاشتیم.

استاد حسینی: حالا اگر ما بخواهیم که «تحقیق، آموزش، تبلیغ» و در سطر و ستون ببریم آن را، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: جدول درست کنیم، آموزش تحقیق ...؛ یعنی ببینید اینجا «تحقیق، آموزش، تبلیغ»؛ این صحبت هست که آیا این شیوه در سطر و ستون بردن برای هر چیز درست است یا درست نیست؟ آن را باید در آن بعداً ما صحبتش را بکنیم که اصولاً ستون شاخصه درست کردن از طریق مضاف، مضاف الیه؛ و وصف و موصوف است؛ یعنی از همین طوری درست می‌شود، البته در دو سطح. حالا ببینم «تحقیق تحقیق» یعنی چه؟ «تحقیق آموزش» یعنی چه؟ «تحقیق تبلیغی» یعنی چه؟ «آموزش تحقیق» یعنی چه؟ «آموزش آموزش» یعنی چه؟ و «آموزش تبلیغی» یعنی چه؟ «تبلیغ تحقیقی» یعنی چه؟ «تبلیغ آموزش» یعنی چه؟ و «تبلیغ تبلیغ» یعنی چه؟

اگر اینها را بتوانیم معنا کنیم کارمان خیلی راحت تر خواهد بود.

آقای محسنی: یعنی بعد بگوییم که در مناظره در کدام‌های اینها تواند کار برد داشته باشد، و چیزی که ...

استاد حسینی: یعنی ما وقتی که می‌گوییم که مناظرات ما تبلیغی است، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: بعد می‌گویید که تبلیغ و آموزشی است من در کدام خانه باید پیدا کنیم؟

آقای محسنی: یعنی آیا تبلیغ آموزش است یا آموزش تبلیغ است؟
استاد حسینی: یا آموزش تبلیغ است؟ چه نحوه اضافه‌ای دارد؟ یا اینکه ...
آقای محسنی: یا حتی تحقیق آموزش است،

استاد حسینی: یا اینکه آموزش و تبلیغ به عنوان دو منظور منفصل هست یا ربطی هم دارند به همدیگر؟ یعنی ما یک آموزشی می‌خواهیم بکنیم که از طریق تبلیغ یا اینکه یک تبلیغی می‌خواهیم بکنیم از طریق آموزش؟ یعنی ما آنجا که می‌خواهیم؛ ببینیم اینها یک چیزهایی یاد بگیرند، غرض ما از یاد گرفتن‌شان چه چیزی است؟
آقای محسنی: یعنی هدف غایی ما از یاد گرفتنش - در واقع - تبلیغ است،
استاد حسینی: بله احسنت!

آقای محسنی: یا اینکه خیر، غرض غایی ما از این تبلیغی که داریم می‌کنیم آموزشی است؟

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای محسنی: فرق می‌کند، طبیعتاً در برنامه داخلی مناسب است.

استاد حسینی: حتماً، یعنی به عبارت دیگر آیا اگر ما آموزش می‌دهیم برای این است که اینها در آنها یک انگیزشی پیدا بشود؟ یک آشنایی پیدا بشود؟ کار اینجا را بدانند؟ یا اینکه توجه جدیدی داشته باشند؟ کدامش؟

آقای محسنی: همین نکته حاج آقا قابل انتقال هست برای مناظره تمرینی سازمانی درون دفترمان، طبیعتاً مختلف است. ما ممکن است تحقیق آموزش بخواهیم داشته باشیم روی مناظره ی سازمانی یا نه، آموزش تحقیقی داشته باشیم.

استاد حسینی: بله، حالا اینها را یک بار معنا کردن است، که یک سطر زیرش - به حضورتان که عرض کنم که - معنایش می کنیم، ببینیم آیا اصلاً آن موضوعی را که مورد نظرمان هست شامل می شود یا شامل نمی شود. - به حضورتان که عرض کنم که - معنای تحقیق تحقیق این است که تحقیق را موضوع سوال قرار می دهیم، بهینه سازی تحقیق، تحقیق تحقیق؛ خوب در بهینه سازی تحقیق، خود تحقیق موضوع قرار می گیرد. در بهینه سازی فعالیت های تحقیقاتی، خود تحقیق

آقای محسنی: موضوع قرار می گیرد.

استاد حسینی: موضوع بررسی قرار می گیرد، مثلاً از نظر مدیریت، امکانات، نیروی انسانی، نیروی انسانی، روش منطقی - به حضورتان که عرض کنم که - اینها می تواند موضوع قرار بگیرد و بهینه بشود.

آقای محسنی: برنامه مدیریت تحقیق.

استاد حسینی: برنامه،

آقای محسنی: تحقیق.

استاد حسینی: برنامه تحقیق، سازماندهی،

آقای محسنی: سازماندهی،

استاد حسینی: بهره وری در ارتباطات، بهره وری در ارتباطات.

آقای محسنی: یعنی بهره وری از این تحقیقاتی که شده در ارتباطات؟

استاد حسینی: خیر، در ارتباطات بهره گیری، بهره وری از ارتباطات بنویسیم بهتر است، از ارتباطات؛ یعنی شما می خواهید ببینید جاهایی دیگر دنیا دارند چه کار می کنند.

آقای محسنی: در تحقیقات خودمان استفاده کنیم.
استاد حسینی: که در تحقیقات خودتان چه نسبتی دارد؟ استفاده گاهی است که به صورت مثبت می‌شود، گاهی به صورت منفی می‌شود؛ یعنی بهره‌وری از اینکه ما از خود درگیری و جنگ هم بهره می‌گیریم،
آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: ولکن بهره‌وری را عام می‌گذاریم. خب این‌ها می‌شود موضوع تحقیق، تحقیق قرار بگیرد،
آقای محسنی: درست است.
استاد حسینی: و بهینه بشود.

آقای محسنی: همین حالا که داشتید می‌فرمایید حاج آقا! این بحث مناظره به نسبت زیادی هم اگر اینها مشخص بشود، در مدیریت داخلی خود،
استاد حسینی: دفتر اثر دارد.
آقای محسنی: دفتر اثر دارد.

استاد حسینی: خب حالا یک تحقیقی داریم در آموزش، خب آن هم می‌شود بهینه‌سازی تحقیق، ...

آقای محسنی: همه این‌ها نسبت به آموزش مطلب ...
استاد حسینی: در آموزش عین همان مطالب قبل را می‌شود ...
آقای محسنی: به عنوان موضوع ...

استاد حسینی: می‌شود بهینه‌سازی فعالیت آموزشی،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: موضوع تحقیق قرار می‌گیرد،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: ... از نظر مدیریت، امکانات، نیروی انسانی، روش منطقی، برنامه

... ؛ همه می شود کلمه به اضافه مثل آموزش.

آقای محسنی: بله، تبلیغ هم همین می شود.

استاد حسینی: درست است، آموزش و تبلیغ نیز می توانند موضوع برای تحقیق و بهینه سازی قرار گیرد، یا موضوع تحقیق برای بهینه سازی قرار بگیرد. خیلی خوب، ...

آقای محسنی: موضوع تحقیق بعد از بهینه سازی است.

استاد حسینی: موضوع تحقیق برای بهینه سازی قرار بگیرد.

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: خیلی خوب.

آقای محسنی: کار تحقیق ...

استاد حسینی: خوب تحقیق تمام شد، پس یعنی ستون تحقیق، ستونش تمام شد. حالا می آیم سراغ آموزش. حالا اگر گفتیم «آموزش تحقیق، آموزش آموزش، آموزش تبلیغ» آموزش را باید خودش را - به اصطلاح - بگوییم بهینه سازی فعالیت های آموزشی، در تحقیق می خواهیم چیزی را به دست بیاوریم، در آموزش می خواهیم انتقال بدهیم چیزهایی را که داریم،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: می شود بهینه سازی فعالیت ها.

آقای محسنی: حالا چرا بهینه سازی ؟ انتقال نتایج تحقیقی می شود.

استاد حسینی: بله، بهینه خود ... ؛ فعالیت های نظری شخص دیگر از طریق

آموزش است دیگر!

آقای محسنی: ولی خوب انتقالش مراد است.

استاد حسینی: نه، می خواهیم بگویم انتقال که می دهیم چه کار می خواهیم

بکنیم. ما می خواهیم بگویم یک دستگاه فکری طرف مان دارد،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: در آموزش می‌آییم یک تغییراتی در آن می‌دهیم،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: دیگر آن فعالیت‌ها نظری‌اش درست می‌شود به وسیله آموزش؛

یعنی در آموزش و پرورش ذهن است،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: بهینه سازی عملیات خارجی نیست، عملیات نظری است.

آقای محسنی: درست است. پس می‌شود بهینه سازی ...

استاد حسینی: بهینه سازی ...

آقای محسنی: ... توانایی‌های فکری.

استاد حسینی: توانمندی، تحرک مثلاً نظری فرد.

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: حالا می‌خواهیم ببینیم آموزش آیا فقط نظر را بهینه می‌کند، یعنی

سازمان به آن می‌دهد. اگر جنابعالی آمدید یاد من دادید تجوید قرآن را، من فقط از

نظری فعالیت ذهنی‌ام - به اصطلاح - [؟ ۱۶: ۳۱، ...] نظر است، از طریق از نظر

روی عمل می‌خواهد دخالت کند،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: عمل یادگیری و یاد دادن می‌خواهد موضوعش نظر است، درست

است که - به حضورتان که عرض کنم که - در عمل خارجی هم می‌آید. حالا حتی

ما وقتی که کسی بخواهد بیاید ورزش بدهد، درست است که در ورزش می‌خواهد،

مثلاً ماهیچه‌ها تغییر بکند؛ به عبارت دیگر عضلات وضعش عوض بشود،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: فعل هم فعل عضلات است، ولی آموزش یا یاد دادن این فعل،

ذهنی باید باشد، حتی تصویر می‌آورد، ها! ولی غرض این است که این تصویر برود

درون ذهن، از درون ذهن بیاید در عمل خارجی؛ یعنی موضوع آموزش، یادگیری، ذهن انسان است. همین طور نیست؟

آقای محسنی: علی الظاهر همین طور است، اما نسبت به اگر ...

استاد حسینی: آثار حتماً رو به عمل می آورد، ...

آقای محسنی: عنوان تربیت حاج آقا می شود؛ یعنی می گویند مربی اخلاق یک عارف است فرضاً،

استاد حسینی: از طریق، از طریق یادگیری، تربیت ... ، رشد را، یعنی پرورش را می آید موضوع قرار می دهد. می خواهیم با ...

آقای محسنی: یعنی نسبت تربیت را به آموزش ما چه می دانیم؟ ...

استاد حسینی: حالا می خواهیم همین را بگویم که ...

آقای محسنی: تربیت فراگیرتر از آموزش است یا آموزش وسیله آن تربیت می - شود؟

استاد حسینی: می خواهیم ببینیم اگر این طریق را حذف کنید،

آقای محسنی: بله، خودش را در نظر بگیریم.

استاد حسینی: اگر طریق را حذف کنید هم آموزش واقع می شود؟ عین اینکه قوه عاقله اش را از دست داده باشد، یادگیری نداشته باشد. یک وقتی است می گوید یادگیری اش توأم با عمل باشد، آن یک حرف دیگری است، ها! ولی می خواهیم ببینیم که در مجموعه رفتار ذهنی را می توانیم از آن حذف کنیم یا حتماً رفتار ذهنی باید باشد؟

آقای محسنی: فرض اینکه قوه عاقله اش از دست رفته باشد یا حذف کنیم، به مجانبین دیگر می رسد.

استاد حسینی: بله احسنت! که این یادگیری را انجام نمی گیرد، می خواهیم بگویم تربیت، ...

آقای محسنی: نه دیگر! حتی در بچه ممیز هم می‌گوییم که قدرت ذهنی دارد، اما در سطح خودش. اینطوری می‌خواهید بفرمایید.

استاد حسینی: بله احسنت! می‌خواهم بگویم که موضوع آموزش، تعلیم، تعلم، موضوعاً تصرف در رفتار نظری است؛ یعنی رفتار ذهنی است.

آقای محسنی: ذهنی است، از طریق ذهنی به عمل و روح می‌رسد.

استاد حسینی: بله، حالا شما در سازمان می‌آیید موضع‌گیری می‌کنید، می‌خواهید او را به فکر بکشانید،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: یعنی بستر برای تحریک تأملش درست می‌کنید،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: به عبارت دیگر تکامل منهای بخش نظری واقع نمی‌شود می‌خواهیم بگویم.

آقای محسنی: یعنی آیا ما مستقیماً نمی‌توانیم در اراده طرف و انگیزه طرف تاثیر بگذاریم به جز از طریق، طریق ذهنی؟

استاد حسینی: این باید یک نتیجه‌ای ... بگیرد نه، یک و هر چند به یک سرعتی باید رد بشود از ذهنیتش. می‌توانیم بگویم اصلی تر باشد شرایط عینی مثلاً؛ ببینید ...

آقای محسنی: چطوری قابل جمع است با مبنای خوتان که می‌فرمایید اصل ایمان و اراده است.

استاد حسینی: حالا آرام آرام برویم ببینیم چگونه می‌شود. می‌خواهیم بگویم که ما از اراده هم که می‌آییم، می‌گویید جهت‌گیری طرف، بعد می‌آید می‌گویید در نسبت،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: نمی‌گویید جهت‌گیری طرف در عینیت بعدش. حتماً واسطه قرار

می‌دهید نظر را.

آقای محسنی: یعنی بدون نسیت ممتنع است.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای محسنی: آیا خودش هم بدون ...

استاد حسینی: یا - مثلاً عرض می‌کنم - می‌گوییم حساسیت بعد می‌گوییم بعد از حساسیت «تکیف، تبدل، تمثیل»، بعدش می‌گوییم، عمل. می‌گوییم - - مثلاً عرض می‌کنم - - انگیزه یا - مثلاً فرض کنید که - اخلاق، بعدش می‌گوییم اندیشه، بعدش می‌گوییم عمل.

آقای محسنی: همه اینها می‌گوییم درست حاج آقا! ولی مبدأ را چه می‌گیرید، مبدأیی که شروع می‌شود به تصرف؟

استاد حسینی: انگیزش است.

آقای محسنی: آن وقت انگیزشی که قبل از این نسیت باشد و در روابط ...

استاد حسینی: آن می‌گویید که خود آدم هست و مثلاً می‌گویید فاعلیت هست با طبقه بالاتر از خودش، یعنی در تولی، ولی در ... ؛ به عبادت دیگر ...

آقای محسنی: عمل اجتماعی‌اش می‌شود ...

استاد حسینی: یعنی، نه، حالا از آن طرف بیاییم بگوییم، بگوییم شخص تولی پیدا می‌کند، بعد امداد می‌شود، امدادش تا وقتی که در مرحله ناخودآگاه است، تصور ذهنی از آن ندارد، عمل عینی هم از آن نمی‌تواند داشته باشد،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: قدرت پیدا می‌کند، روحیه پیدا می‌کند، این روحیه تا به ترسیم نسیت در نیاید در عمل نمی‌تواند منعکس بشود. خب اگر بخواهیم بگوییم که خب حالا می‌خواهد تولی پیدا کند، تولی‌هایی که پیدا می‌کند گاهی تولی سیاسی و علاقه به بالاتر است، گاهی تولی‌اش تولی نسبت به - به اصطلاح - آن چیزهایی است

که آنها در نسبت در مرتبه بالاتر دارند. خب این یک معنایش این است که حاضر است بیاموزد، خب یعنی به آگاهی او تولی دارد. آن وقت او هم که او را تعلیم می- دهد حضور پیدا می کند در فعالیت های یادگیری آن، خب می شود بهینه سازی فعالیت های - به حضورتان که عرض کنم که - ذهنی یا نظری. حالا ما داریم [۴] زود ننویسیم. فعالیت های نظری را. بهینه سازی فعالیت های روحی - به حضورتان که در پرورش هست، بهینه سازی فعالیت های ذهنی هم هست، بهینه سازی فعالیت های عینی اجرایی هم هست. نهایت، بهینه سازی فعالیت های روحی حتماً لقب پرورش مقدم است.

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: به هر میزانی هم که آموزش بتواند در پرورش مؤثر واقع بشود، لقب پرورشی پیدا می کند، در بهینه سازی فعالیت های نظری و یادگیری، آموزش برایش مقدم است، در بهینه سازی رفتارهای عملی چه چیزی برایش مقدم است؟ آقای محسنی: دو تایش توأم است حاج آقا! یعنی منتهی ترکیب آموزش و پرورش می شود. شاید بشود اینطور گفت که - همان که حضرت عالی فرمودید - در میدان فعالیت های روحی، پرورش مقدم است، نظری آموزش، و در عمل برای اینکه تصرف عینی و فعالیت های خارجی است، هم باید بهره ای از انگیزه و اراده داشته باشد،

استاد حسینی: هم باید از ...

آقای محسنی: باید هم بهره ای از توانایی های فکری داشته باشد تا؛ یعنی آن عملش متقوم هم به اراده اش است هم متقوم به فعالیت فکری اش است. آن وقت با این وجود ما اگر در محور آموزش خواستیم نظر بدهیم، ارتباطش با بحث پرورش چه می شود؟ اگر هم نخواهیم پرورش را اینجا بیاوریم پس کجا بیاوریم؟! تحقیق و تبلیغ هم که نمی خواهیم بیاوریم که! پس به نظر می رسد ما یک معنای فراگیر از

آموزش رایج باید ارائه کنیم.

استاد حسینی: حالا سؤال همین جاست حالا که در فقط این تنها هم نیست، در بقیه هم پیدا می‌شود. - به حضورتان که عرض کنم که - فعالیت‌های نظری، به معنای فعالیت‌های تحقیقاتی که موضوع نظرتان نیست که بگویید بهینه سازی می‌کنم تحرک نظری را؟ چون آن فعلش فصل بالایی بوده،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: حالا آیا در بهینه سازی فعالیت‌های اجرایی شما نیستید؟

آقای محسنی: آن فقط در تحقیق آموزش می‌شود.

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: آن تحقیق آموزش می‌شود.

استاد حسینی: بله احسنت!

آقای محسنی: یعنی اگر آمدیم توانایی‌های فکری را و نظری را مورد مذاقه عقلی قرار دادیم، دقت بکنیم مدیریت، برنامه، سازمانی، می‌شد تحقیق خود آموزش، آموزش متعلق آن فعالیت تحقیقی قرار می‌گیرد،

استاد حسینی: درست است.

آقای محسنی: اما اگر اینجا آمدیم گفتیم که نه، خود تحقیق را می‌خواهیم آموزش بدهیم یا آموزش را آموزش بدهیم. این آن جا قاعداً چه می‌شود ...

استاد حسینی: حالا می‌خواهم من عرض کنم - آیا اینجا بخش ما این نیست که فعالیت‌های عینی فرد را می‌خواهیم بهینه بکنیم، به او آموزش می‌دهیم؟
آقای محسنی: نه، فقط حالت عینی نیست.

استاد حسینی: مثلاً - حالا من یک چند تا مثال می‌زنم - یک نفر، درب ساز است، من آموزشش می‌دهم که عمل درب سازی را بهتر انجام بدهد،
آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: کلاس می آید نزد من می بیند، بعد یک نفر سیم کش است، می- آیم آموزش می دهم که سیم کشی را بهتر کار کند، برق کش است، لوله کش است، بناء است، مشاغل و حرفه، حرفه مختلف را می آیم آموزش های کاربردی می دهم، آن وقت عملیات کاربردی آنها بهتر می شود.

آقای محسنی: آن قبل است در حرف این قضیه هست.

استاد حسینی: بله احسنت! حالا اگر آموزش دادم برای فعالیت های نظری، می- شود آموزش تحقیق،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: اگر کار نظری باشد هر چند تحقیق ساده باشد، تحقیق را برایش چند سطح قرار بدهیم: یک تحقیق کتابخانه ای قرار می دهیم،
آقای محسنی: درست است،

استاد حسینی: طرف مسلط می شود، یاد می گیرد که چطوری بیاید تألیف بکند،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: چگونه تصنیف بکند، می آید یاد می گیرد چگونه ریاضی را کار ببرد در فروض مختلف، محاسبه بکنند،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: معنایش این است که کارهای نظری را دارد دقت می کنید، محاسبه فروض را اگر کاربردی باشد تحقیق آموزش نسبت به بهینه سازی عمل عینی اگر کاربردی باشد. اگر کاربردی نباشد، نظری باشد،
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: می شود بهینه سازی عملیات تحقیقاتی، از تحقیق های بسیار ساده تا تحقیق های خیلی پیچیده.

آقای محسنی: پس این طور که می فرمایید آموزش آموزش چه می شود؟

استاد حسینی: حالا می‌آییم دقت می‌کنیم. ببینیم آیا آموزش بگوییم موضوعش چه چیزی است؟ موضوعش اگر عمل باشد، کار برد باشد، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: می‌آید - به حضورتان که - بهینه سازی می‌کند آن موضوع را. اگر نظر باشد، می‌آید نظر را و اگر ... ؛ خب آموزش اگر بهینه سازی فعالیت باشد، حالا فرقی همین جا ما یک سؤالی می‌کنیم، اگر تحقیق باشد، بهینه سازی را - خوب عنایت بفرمایید بر این مطلب - ، آقای محسنی: چشم!

استاد حسینی: یک وقتی است شما خود تحقیق را گفتید در آن تحقیق می‌کنید، ثمرةاش می‌شود دستیابی به بهینه سازی، راه بهینه سازی را پیدا می‌کنید؛ یعنی بهینه سازی در فعالیت‌های تحقیقاتی، خود می‌تواند موضوع تحقیق قرار بگیرد که اگر تحقیق انجام گرفت، بعد دست یافتیم به بهینه سازی. ولی آموزش پس از اینکه دست یافتیم می‌تواند تحقیق، تبلیغ، خود آموزش می‌تواند امور کاربردی، امور نظری، آن را بهینه سازی بکند، نه اینکه دست یابی به آن پیدا کند. تحقیق چیزی را بلد نیستید می‌روید پیدا می‌کنید آن را، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: آموزش چیزی را بلدید، می‌آیید به کار بگیرید. اگر به کار بگیرید و بهینه سازی ... ؛ در به کار گیری اش، می‌شود بهینه سازی فعالیت ها، آموزش وظیفه اش، وسیله بهینه سازی است، تحقیق، وسیله دست یابی است. حالا فعالیت عینی باشد آموزش درباره موضوعات عینی است، فعالیت نظری باشد، آموزش درباره امور نظری است؛ یعنی بهینه سازی فعالیت‌ها را اگر بدون قید بگذاریم آن را که فعالیت بشود فعالیت مثلاً روحی ذهنی عینی، بعد بگوییم که بهینه سازی اش در عمل تعلیم انجام می‌گیرد،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: می‌توانید بگویید این را؟ آن وقت بگوییم عمل آموزش اگر بخواهد آموزش، آموزش بیاید، می‌گوییم یک تحقیقی داشتیم در آموزش، آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: که در اینجا گفتیم که می‌تواند موضوع تحقیق قرار بگیرد؛ حالا این که - به حضورتان - موضوع تحقیق قرار گرفت، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: چیزهایی را ما دست یافتیم به آن، می‌آییم همان را یاد می‌دهیم به آموزگاران،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: که در فعالیت آموزشی‌شان آن را به کار بگیرند.
آقای محسنی: درست است؛ یعنی آن چیزهایی که به دست آمده ...
استاد حسینی: عملیات تحقیق همیشه ...

آقای محسنی: ... اگر انتقال بود آموزشی می‌شود.

استاد حسینی: بله، احسن! توزیع یا انتقال.

آقای محسنی: توزیع، بله.

استاد حسینی: اگر در مرحله تولید بود می‌شود تحقیق،

آقای محسنی: تحقیق می‌شود.

استاد حسینی: پس می‌توانیم همیشه بنویسیم تحقیق، ...

آقای محسنی: فعالیت تولیدی،

استاد حسینی: برابر است با تولید، تولید فرهنگی.

آقای محسنی: بله، حالا این تولید می‌خواهد متعلقش خود تولید باشد، می‌خواهد خود توزیع باشد یا مصرف باشد.

استاد حسینی: هیچ فرقی ندارد.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: حالا می‌خواهیم ببینیم که آیا اگر بهینه سازی فعالیت‌های «روحی»، ذهنی، عینی» - به حضورتان که عرض کنم که - نامش می‌شود آموزش،

آقای محسنی: توزیع هست.

استاد حسینی: که نتیجه هم می‌دهد توزیع فرهنگی. حالا آیا تبلیغ چگونه است؟ تبلیغ خودش آیا یک نحوه آموزش است یا یک چیز دیگر است؟ چه تعریفی را برایش دارید؟

آقای محسنی: یعنی تعریف آموزشی حاج آقا نمی‌شود کرد برایش، تجلیل و تکریم و بزرگ کردن امری است؛ یعنی یک چیزی که الان تولید شده - عرض می‌شود - به دیگری هم فرادادیم، یعنی عرضی می‌شود که، به تعبیری - منتقل هم شده، فرض بفرمایید مقام معظم رهبری مطلبی را فرمودند،

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: این مطلب خب به مخاطبین رسیده، اما ما می‌خواهیم این را از آن حدی که الان رسیده بزرگش کنیم که جاگیر تر بشود در روحیه و در اذهان و در اعمال مخاطبین، - به تعبیر دیگر - منزلت تأثیری را که دارد بالاتر ببریم، چیزی را اضافه نمی‌کنیم بر مطلب و چیز جدیدی را یا انتقال جدیدی را به آن شکل نداریم، صرف جابه جایی تأثیر گذاری در فرد است یا در اجتماع است؛ بنابراین سنخش با آموزش فرق می‌کند.

استاد حسینی: سنخش سنخ پرورشی است مثلاً؟

آقای محسنی: سنخ پرورشی، شاید! صرفاً پرورشی نیست؛ یعنی اگر بخواهیم بگوییم که این بیشتر تحریک می‌شود در اینکه فکر نسبت به آن بکند، یا بیشتر مثلاً انگیزه‌ای برایش ایجاد می‌شود یا فعالیت عملی بیشتری را به این کار اختصاص می‌-

دهد، شاید بگوییم حالت پرورشی دارد.

استاد حسینی: در تبلیغ ... ؛ حالا می‌خواهم بینم آیا کسانی که تحت آموزش قرار می‌گیرند، تحت تبلیغ هم قرار گرفتند یا نه؟

آقای محسنی: به نسبت محدوده‌ی آموزشی بله.

استاد حسینی: یعنی مثلاً می‌گوییم، می‌خواهم بگویم که آیا در عملیات توزیعی

...

آقای محسنی: بله، هیچ نحوه معرفی نیست؟ نه، هست، ۵۰ نفر اینجا آمدند آموزش دیدند، مطلبی که تولید شده به اندازه ۵۰ نفر هم تبلیغ شده.

استاد حسینی: حالا می‌خواهم بینم بینش اگر عام و خاص بگذاریم، آموزش بالاتر است از نظر ابلاغ یا تبلیغ بهتر هست؟

آقای محسنی: بله، دو تا گسترده دارد، دو تا نفوذ دارد، نفوذ عمقی، آموزش است، نفوذ به تعبیری میدانی تبلیغ است، هیچ وقت ما اگر بخواهیم تبلیغ کنیم، امکان تبلیغ در میدان هزار نفر داشته باشیم نمی‌آییم ده نفر تبلیغ کنیم

استاد حسینی: حالا اگر همان هزار نفر را بتوانید آموزش بدهید آموزش می‌دهید

یا تبلیغ؟

آقای محسنی: مطمئناً آموزش می‌دهیم، به دلیل اینکه رسوخ بیشتری و تأثیر عمقی بیشتری دارد چون تبلیغ در یک حد خاصی تأثیر حالا به تعبیر دیگر پرورشی این جا می‌شود این نکته‌ای که علی‌الظاهر باید بتوانیم بگوییم که در هم تبلیغ، هم آموزش اثر پرورشی دارد، نمی‌توانیم جدایش کنیم.

استاد حسینی: این کتاب موضوعات حوزه را حضرت عالی دقیق دقت فرمودید

یا نه؟

آقای محسنی: موضوعات حوزه را؟

استاد حسینی: بله، در تبلیغ چه چیزی تعریف شده؟ آنجا تبلیغ را هنر گفتیم،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: هنر را هم بستر عمومی پرورش دانستیم،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: برای آموزش بستر پرورش اندیشه گفتیم، نه بستر پرورش عمومی، یعنی کلیه - به اصطلاح - خصوصیات جامعه؛ یعنی به عبارت دیگر این تعریفش تعریف مصرفی می‌شود، نه تعریف توزیعی.

آقای محسنی: در؟

استاد حسینی: تبلیغ.

آقای محسنی: تبلیغ.

استاد حسینی: تبلیغ به مصرف می‌رساند؛ یعنی حضور پیدا می‌کند آن مطلبی را که دارید در کلیه اصناف، در کلیه - به اصطلاح - حرف، در کاری که خود آنها دارند،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر جریان فرهنگ در جامعه از طریق تبلیغ انجام می‌گیرد، از طریق هنر انجام می‌گیرد. ولی جریان فرهنگ در اندیشه اجتماعی از طریق آموزش است، در عمل اجتماعی، نه در اندیشه، در عمل اجتماعی از طریق تبلیغی است، یعنی از طریق هنر است،

بنابراین ما اگر سه سطح تنظیم بکنیم بگوییم هر سه سطح همیشه مشغول فعالیت هستند - یک سطحش سطح تحقیق است، یک سطح آن آموزش است، یک سطح آن تبلیغ است. سطح تبلیغ در عین حالی که متأثر از آموزش، همانطوری که آموزش از تحقیق، ولی در عین حال خودش کار آمدمی فرهنگی دارد در عملیات عینی جامعه، صرف نظر از اینکه تأثیر هم دارد از جریان اندیشه اجتماعی،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: یعنی حضور فرهنگ در کلیه عملیات، معنای حضور هنری اش است، غیر از حضور علمی اش هست. خب حالا اگر اینطوری فرض بشود، تبلیغ می- شود جریان فرهنگ در عملیات عینی، که متناظر با هنر می شود.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر کار آمدی تخصصی علوم در آموزش هست، و کار آمدی علوم در ارتباط به هم، در عینیت از طریق جریان هنر یا تبلیغ انجام می گیرد.

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: خب حالا علی فرض چنین تعریفی، نخواهیم دیگر زیاد رویش بایستیم. «آموزش آموزش»؛ یعنی بهینه سازی تعلیم، «آموزش تبلیغ»؛ یعنی بهینه سازی خود این عمل هنری ای که هست،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: - مثلاً عرض می کنم - می خواهیم به یک سوالاتی پردازیم که مثل آموزش تبلیغ باشد یا تبلیغ آموزش باشد - به حضورتان که عرض کنم که - خب آموزش تبلیغ می خواهد یاد بدهد چه طوری هنر را به کار بگیریم، ولی تبلیغ آموزش آن است که می خواهد بگوید یک عده ای جلب بشوند بیایند معلم بشوند، بیاید یاد بگیرند - به اصطلاح - آموزش، داوطلب بشوند. ولی در کل اینهایی را که داریم آیا می توانیم بگوییم که حالا آن مطلبی را که اول می خواستیم پیدایش کردیم یا نه؟ یعنی گفتیم با دو منظور می خواهیم مناظره را ایجاد کنیم: که یک منظورمان آموزش هست،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: و یکی تبلیغ است، ولی آموزش برای تبلیغ است،

آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: آموزش برای تبلیغ، یعنی تبلیغ آموزش بگوییم، که نیست. آموزش تبلیغ هم که بگوییم، نیست، مفهوماً فرق دارد، مفهوم آموزش برای تبلیغ، آقای محسنی: فرق دارد با تبلیغ برای آموزش. استاد حسینی: با تبلیغ برای آموزش فرق دارد، با آموزش تبلیغ هم فرق دارد. مگر اینکه ...

آقای محسنی: در دو میدان داریم: یکی در دفتر است، یکی در برون دفتر است. استاد حسینی: حالا بیرون است، ولی بیرون آن را داریم ملاحظه می‌کنیم. حالا اگر ما بگوییم آموزش ...

آقای محسنی: حاج آقا! تبلیغ آموزش است، آن چیزی که ما به نظر می‌رسد، ... استاد حسینی: تبلیغی است آموزشی، آقای محسنی: بله، بله.

استاد حسینی: به عنوان وصف، نه به عنوان مضاف الیه. اگر تبلیغ آموزشی بگیرد آن وقت آموزش منسوب می‌شود به تبلیغ، می‌شود وصف تبلیغ‌تان آموزشی، آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: تبلیغ آموزشی.

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: ولی اگر گفتید تبلیغ آموزش، یعنی تبلیغ استادی، تبلیغ استادی نیست،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: استادی در تبلیغ هم نیست، شما به صورت مضاف و مضاف الیه نمی‌توانید بیاورید، به صورت صفت و موصوف می‌توانید بیاورید.

آقای محسنی: جنابعالی به نظر مبارکتان می‌رسد که صفت و موصوفی باشد

اینجا؟

استاد حسینی: حتماً مجبور هستید صفت و موصوف بیاورید،
آقای محسنی: حالا اینکه مناظره اینجا ... [؟]
استاد حسینی: تبلیغی است آموزشی،
آقای محسنی: یعنی آموزش ببینید، ...
استاد حسینی: یا بالعکس آن هم، یا بالعکس آن هم می‌توانید بگویید: آموزشی
است تبلیغی؛ یعنی مجبورید «یای» نسبت را بیاورید، نه اضافه،
آقای محسنی: درست است.
استاد حسینی: «یای» نسبت را که بیاورید معنای وصف بودن را می‌دهد،
آقای محسنی: بله، درست است، بله.
استاد حسینی: خوب حالا اگر این طوری باشد - به حضورتان که عرض کنم
که - معنایش این است که شما در ترکیب باید ملاحظه کنید، نه در تجزیه؛ پس
بنابراین در جدول مضاف، مضاف الیه‌تان همیشه تجزیه می‌کنید،
آقای محسنی: درست است.
استاد حسینی: مرتباً جزء تر هم می‌کنید آن را، می‌گویم مثلاً می‌گویم تعریف -
تان را تمام می‌کنید می‌گویید آموزش آموزش تبلیغ،
آقای محسنی: درست است.
استاد حسینی: یا اینکه خردتر می‌کنید می‌گویید تبلیغ آموزش آموزش،
آقای محسنی: درست است.
استاد حسینی: شما اینجا خرد می‌کنید، کار دیگری نمی‌کنید، جمع نمی‌کنید،
ولی درون جدول تعریف‌تان می‌آید جمعش را با همدیگر می‌بینید.
آقای محسنی: درست است، ولی پس با این بررسی‌ای که خدمتتان داشتیم معلوم
شد که مناظره را از .. کاربرد مناظره را نمی‌توانیم با جدول ماتریس نشان بدهیم؟
استاد حسینی: با جدول ماتریس باید خرد بکنید عناوین تان را،

آقای محسنی: بله، که بعد ملاحظه کنیم بحث ...

استاد حسینی: بعد ملاحظه نسبت می کنید می شود وصف،

آقای محسنی: یعنی حتماً باید با این جدول بیایم جلو، بعد ...

استاد حسینی: اگر خرد نکنید،

آقای محسنی: خب.

استاد حسینی: در تعریف های تان دچار اشتباه می شوید.

آقای محسنی: یعنی تجزیه کامل و صحیح واقع نمی شود، بنابر این در مقابل

ترکیب هم دچال مشکل می شویم.

استاد حسینی: نمی شود و در ترکیب هم مشکل می شود.

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: شما هم باید تجزیه داشته باشید، هم ترکیب داشته باشید.

آقای محسنی: یعنی به یکی از آن نمی شود اکتفا کرد در تجزیه تنها.

استاد حسینی: نه، نه، یا به ترکیب تنها.

آقای محسنی: به ترکیب تنها.

استاد حسینی: ترکیب هم تنها - - به اصطلاح - - دچار مشکل می شوید.

آقای محسنی: آن وقت فهم این جدول در تجزیه بعداً در ترکیب، ما را هم به

سازمانی که یک حرف است، برنامه مناظره می تواند مسلط کند.

استاد حسینی: می تواند برساند. اول تعریف مان از کار باید تمام بکنیم،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: بعد که تعریف کردیم بگوییم که حالا این هدفی که داریم چه

چیزی هست،

آقای محسنی: درست است.

استاد حسینی: چه سازمانی می خواهیم، چه برنامه ای می خواهیم، چه سازمانی

جلسه سوم ۳۵

می‌خواهیم برای انجام آن.
«و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۴
کد جلسه: ۳۳۹۲	تاریخ جلسه: ۱۳۷۷/۱۲/۲۶
کد صوت: ۴۷۶۲	مدت جلسه: ۱۷ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۲۶۰۵

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم ل. صالح
تایپ:	عبدالناصر رضوانی
تطبیق:	داوود شریف
تصحیح (۱):	حسن ناصری
کنترل نهایی:	مهدی بیاتی
تصحیح (۲):	حسن ناصری
مقابله:	خانم م. کریمی
تصحیح (۳):	حسن ناصری
صفحه‌آرایی:	حسن ناصری

جلسه چهارم

استاد حسینی: ما درباره، بنا بوده چه درست کنیم، حزب، حزب که دربارهٔ زنها حرف نمی زند.

آقای رضوی: حزب در مورد مردها هم حرف می زند.

استاد حسینی: نه اصلاً در مورد مردها حرف نمی زند اصلاً حزب برای جرّ است، برای دعوا است.

آقای رضوی: برای دعوا است.

استاد حسینی: اصلاً شما موضوعتان دعوا راه انداختن است.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: نه نقل زن است، نه نقل مرد است، نه نقل ولی فقیه است. شما

بحثان با زنها چه کار بکنیم که در مشت بازی، ما مشت برنده را بزنیم؟ اصلش، پس

بنابراین موضوع فرهنگی برای ما در این جا چه چیزی می شود؟

آقای رضوی: طمع می شود.

استاد حسینی: ای احسنت! موضوع اصلی ما این است که چه گونه دعوا راه بیندازیم. در دعوا چه گونه، قواعد دعوا چه چیزی است؟
آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: آن هم نه این که درس بخوانند که نرمش یعنی دست را به طرف راست باز کنید ها! دست باز کنید. صحبت درباره این که - به حضورتان که عرض که - مثل بحث های فرهنگستان باشد اصلاً باید از این آب و هوا در بیاید.
آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: اگر اینها هم اهلش نیستند شما باید با دانشجو، دانشجو اهلش نیست، با دبیرستانی باید با افرادی که حوصله دعوا داشته باشند، دنبال نام جویی باشند، باید [۲۷ : ۱] دعوا باشید
آقای س: بله!

استاد حسینی: دنبال - به اصطلاح - خدا باشند باید دعوا باشد، دنبال دنیا باشند باید دعوا باشد. چون اهل - به اصطلاح - موضع گیری می خواهید.
آقای رضوی: درست است! بله!

استاد حسینی: اصلش کلیه حرفهای فرهنگی به معنای فرعی تلقی می شود. پس آن چیزی که اصل هست برای ما یاد دادن، تمرین کردن، کار کردن برای چه چیزی؟ برای اینکه چگونه می توانیم پیروز شویم.
آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: اصل غلبه در این جا اول صحبت است. در تیراندازی این که من تیر می اندازم قربه الی الله یا بخورد یا نخورد نیست.
آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: مسابقه در رمی می گذارند؛
آقای رضوی: بله.

جلسه چهارم ۷

استاد حسینی: یعنی نزد باخته. آنوقت اسب قیمت یک ماشین سواری حالا بوده. همه هم اسب درجه یک نداشتند. مسابقه می گذاشتند سر اسب؛ یعنی یک ماشین سواری امروز، جایزه سر کسی که به نشان بزند. نه من تیر می اندازم - قربةً الی الله - خورد خورد، نخورد هم کاریش ندارم. من که قصدم قربةً بود. از این حرفها که نیست در کار.

آقای رضوی: واقعاً قصد قربت باشد و که برنده هم بشویم.

استاد حسینی: باید صحبت این باشد کسی که برنده نشد تحقیر می شود در رمی. به آن می گویند باخت. اسب را بده، پیاده ردش می کنند برود. ولو آدم خیلی خوب، صالح، درجه یک باشد. حضرت مولی الموحدين، کمیل جز اصحاب چه چیزی هست؟ خصوصی حضرت هست. عزلش می کند. می گوید من تو را نفرستادم آن جا دعای کمیل بخوانی که - به حضورتان که عرض کنم که - دو تا شهر داده بودم دست، دشمن حمله کرده تو رها کردی و از شهر آمدی بیرون. پس بنابراین در - در یادمان برود - «جهت گیری، موضع گیری، مجاهده»

آقای رضوی: بله! همین طور است.

استاد حسینی: این

آقای رضوی: یعنی یک فرهنگی را می خواهید راه بیندازید ...

استاد حسینی: می خواهید فرهنگ ...

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: ایجاد کنید.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: نه آموزش بدهید.

آقای رضوی: درست است. همین طور است.

استاد حسینی: اسباب ایجاد، این سه تا هستند: «جهت گیری، موضع گیری،

مجاهده»

آقای رضوی: یعنی در ایجاد فرهنگ، ابتدا گرایش اصل است؛ یعنی باید گرایش ایجاد بشود.

استاد حسینی: بله! بله! اصلاً اصولاً صحبت از این که یک اطلاعات خوبی اینها پیدا کنند که لنگه‌اش در عالم نباشد، اینها نیست.

آقای رضوی: صحبت از گمانه پردازی و اینها نیست.

استاد حسینی: اصلاً نه نقل گمانه پردازی است، نه نقل بهترین گزینش است، نه نقل - به حضور - بهترین پردازش است، صحبت این است که قدرت جهت گیری خوب داشته باشد ...

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: قدرت موضع گیری خوب داشته باشد، قدرت مجاهده و تلاش خوب داشته باشد. معنای خوبی در اینها هم این است که بعد دانه دانه خصوصیاتش را می گویند. پس بنابراین شما اصلاً این رقم نوشتن زنان این گونه هستند، ولی فقیه این گونه است، خدا این گونه است، این حرفها که نداریم که.

آقای رضوی: خود اینها موضوع دعوا است.

استاد حسینی: اینها موضوع دعوا هستند.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: باید قواعد دعوا را یاد بگیرند.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: یاد گرفتنش هم فقط به این که خوب درباره‌اش انشاء بنویسند به درد نمی خورد.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: آدم می تواند ۲ ساعت درباره شجاعت حرف بزند، یک بخ

بگویند رنگش زرد بشود! به درد نمی خورد که! این آدم شجاع که نمی شود که.

آقای رضوی: درست است!

استاد حسینی: خب، پس بنابراین اول کار چه چیزی شد؟ شد آقای رضوی

رئیس دعوا.

آقای س: ان شاء الله.

استاد حسینی: ان شاء الله تعالی.

آقای محسنی: حاج آقا سید هم هستند خوب است. [؟]

استاد حسینی: بله دیگر! این - به حضورتان که عرض کنم -

آقای رضوی: روحیه مان هم دعوایی است حاج آقا!

استاد حسینی: [خنده استاد] خُب حالا چیزهایی که لازم داریم.

آقای رضوی: منتهی ناشی هستم.

استاد حسینی: چیزهایی که لازم دارید در این دعوا. این چیزهایی که دارم عرض می کنم. اینها را باید خوب تهیه کنید. به گونه های مختلف سر موضوعات مختلف خوب تمرین کنید. یکی زبان باید خوب بلد باشد، زبان را به معنای بلد بودن سخن گفتن با قواعد دستوری. هرگز نباید به دفاع از بد به کار بردن علائم صوتی بشوند؛ یعنی چه چیزی؟ یعنی کسی فعل و فاعل، صفت و موصوف، مضاف و مضاف الیه، قواعد دستوری را بلد نباشد، بعد بد به کار ببرد، در جلسه به او بگویند این حرفی که می زدی معنایش این بود، او بخواهد دفاع بکند بگوید نه.

آقای رضوی: یعنی هو بشود.

استاد حسینی: نه، من غرضم این نبود. غرضم این نبود یعنی چه؟

آقای رضوی: یعنی دیگران قضاوت می کنند، هو می شود طرف.

استاد حسینی: بله! دیگران، غرضم نبود یعنی چه؟ شما مفردات دارد، هیئت

دارد.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: هم مفردات را باید درست به کار ببرید، هم هیئت‌ها را. حالا می‌خواهم یک مفهومی را تعمیم بدهم، باید خوب بتوانی تعمیم دادن را تشریح کنی بعد تعمیم بدهی. هرگز نباید بگویی این کلمه اصطلاح بود و غرضم این نبود؛ یعنی باید ادبیات زبان هر عرف را بلد باشند. به نسبت مرحله دوم، تمثیل را باید بلد باشید، تمثیل باید حتماً متناسب با اطلاعات و کلاسه و سطح اخلاق کسی باشد که برایش مثال می‌آورید.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: شاگرد راننده اند، باید مثال هایی که می‌زنید برای رانندگی باشد.

آقای رضوی: درست است!

استاد حسینی: برای صحبت راننده به شاگردش باشد. نخیر اپراتور هست، باید برای آن دستگاهی که این اپراتور هست صحبت کنید. نخیر پزشک است، باید باز آن دستگاهی که پزشک است. مثال پس باید یاد بگیرید. پس زبان را، علائم صوتی هرگز نباید وسیله ایجاد تردید، مناقشه نسبت به - به حضورتان که عرض کنم که - صحبت بشود. امر دوم، محور دوم، این محورها باید رویش کار بکنند ها! این که ما پشت سر هم دیگر بگوییم تمام بشود نیست در کار. باید گفته بشود که ما قواعد زبان فارسی را در آوردیم ۱، ۲، ۳، ۱۰، ۲۰ بود - به اصطلاح - لغت هایی را که می‌خواهیم به کار بگیریم نوعاً این‌ها بودند. اینها - به حضورتان - موضوعات؛ یعنی یک مقاله - مثلاً عرض می‌کنم - فرضاً مقاله زنان را دست می‌گیرید خودش را دیگر اصلاً نمی‌بینید. این را خودش را نمی‌بینید، می‌بینید در ادبیاتش چه چیزها، چه مفرداتی به کار گرفته شده، آن هایی که تکراری نیست آن‌ها را؛ اگر آن‌هایی که تکرار است از ده تایش یکی‌اش را بنویسید کافی است.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: به حضورتان اینها را مثل لغت نامه، برای خودتان لغاتی را که لازم دارید؛ یعنی به کار می برد طرف مقابلتان، حتماً می نویسید. خب ۲۰ تا لغت در آن می آید که این فارسی اصلاً نیست، معنایش این که احیاناً از جاهای دیگر گرفتند، اصطلاح هست، حتماً باید آن معناها را بروید بدست بیاورید. از دائرة المعارف هست، هر چه هست، نباید شما با تردید روبرو بشوید با حرفی که طرف می زند، نباید خودتان در حرفی که دارید، تردید داشته باشید. خیلی خوب حالا ما آمدیم اینها را - به اصطلاح - ردیف کردیم. قسمت دوم بعد از علائم صوتی و قواعدش، درباره منطق هست در شکل منطق صوری، فرم دادن مفاهیم در حد اولیه، در مرتبه اول این را باید تمرین رویش بکنند، بشناسند، حتماً یک درس از منطق را به سادگی بخوانند و در آن شروع کنند تمرین کردن؛ یعنی یک سطح تمرین این گونه هست که همان مقاله ایی را که یک مقاله را می گیرند ها، همان مقاله ای را که،

آقای رضوی: قواعد دستوری را،

استاد حسینی: قواعد دستوری را رعایت کردید، بر می گردید این حالا با قسمت اول کبری بود، صغری بود، چه چیزی بود، تمثیل بود؟ هر چه که هست باید بتوانید - به اصطلاح - این را مرتباً رویش کار کنید و در بیاورید که چه چیزی هست، چه گونه باید به این برخورد کنید.

آقای رضوی: یعنی همان تجزیه و ترکیب ادبی، بعد تجزیه و ترکیب منطقی.

استاد حسینی: منطقی،

آقای رضوی: منطق صوری.

استاد حسینی: ای احسن! منطق صوری، حتماً باید خطابه، مجادله، مغالطه را خوب مسلط باشید، همان گونه که منطق را مسلط هستید، در قواعد منطقی سابق کتب منطقی می نویسند این دسته بندیها را،
آقای رضوی: کلیات خمس،

استاد حسینی: خب، حالا شروع بکنید تمرین کردن که این سطحش که بحث منطقی هست چه گونه است؟ این سطحش که - مثلاً - شعری هست، خطابی هست، مغالطی هست، اینها چه گونه است؟ اقلأً در گرفتن مغالطه چند تا مجله را که درباره مسأله زنان هست، شروع کنید از اول تا آخرش جلو رفتن و برگشتن. تمرین کنید، از هم غلط بگیرند، یکی از فنونی که در آن جا هست، مناظره هست، و لکن مناظره همین سطح اول است این را آن جام بدهید. خب، از این جا می آئیم یک سطح بالاتر، حداقلش در سه ماه، هر هفته دو جلسه، باید جلسه باشد و الا هر روز باید باشد، اگر بخواهند کاره ای بشوند، مثل ورزش، مثل شما ورزش که می روید که نمی گویند آقا - به اصطلاح - هفته ای یک روز یا ورزش، هفته ای یک روز که کسی کاره ای نمی شود که. باید هر روز کار کنند رویش.

مرحله سوم، سطح سوم را که داریم، منطق در انگیزه هست، منطق در انگیزه؛ یعنی مجموعه سازی. آن‌ها دو تا را که مسلط شدید، آن دو سطح را باید بیایید سطح سوم، اول کار فایده ای نمی بینید بیایید سطح سوم ها، آقای رضوی: بیایید در تمثیل فایده ندارد برویم.

استاد حسینی: این اصلاً اول کار آمدن در مجموعه سازی - به اصطلاح - که بعداً خدمت تان عرض می کنیم، برای این که طرف را به بن بست برسانید، اصلاً بدرد نمی خورد. اول باید در دو تای اولی خوب مسلط باشید، بگوئید حالا ما می خواهیم با این ابزار ذهنی و این ابزار حسی، ابزار حسی چه چیزی شد، علائم صوتی، ابزار مفهومی، عقلی، چه چیزی شد؟ منطق و دستگاه های نظری که کشف می کند مغالطه را، ملاحظه می کند تمثیل را الی آخر همه آن‌هایی را که عرض کردم. دستگاه سوم چه چیزی هست؟ اموری هست که روح طرف با روح طرف کار می کنید. سومی تان هم درست نباشد، مجموعه سازی روانی تان درست نباشد، کارتان درست پیش نمی رود. با روح چه کار می کنید؟ حساسیت ها، مطلوبیت هایش را ،

جلسه چهارم / ۱۳

باید طبقه بندی‌اش را کاملاً رعایت کنید تا تفاهم آن جام بگیرد. تفاهم اگر به همدلی نرسد، هیچ اثری ندارد. خب، این بیانی را که عرض کردیم اینها دستور کار - به اصطلاح - تمرینی هست برای مسلط شدن. بحث بحث اول کار هیچی نداریم. شما یک مجله معمولی ای را که درباره زن نوشته می شود می گیرید با خواهران شروع می کنید رویش کار کردن. ضمناً سعی بکنید که اگر خواهران لیت و لعل می خواهند پیش بیاورند، یک جلسه ای هر چند محدود، سه، چهار نفره، اصلاً از غیر خانواده های فرهنگستان، آن هایی که هیچ کس را نشناسند، شما جلسه تان وقتی جلسه می شود که نه یک تومان خرج تایپ بدهد، جلسه باید رونویسی بشود؛ یعنی باید تا آن جایی شما بتوانید ایجاد علاقه بکنید در افراد که کتاب صد صفحه ای را به او بدهید، بگوئید دو روزه باید از رویش بنویسید، این کتاب برای کسی هست باید برگردد، او هم برود دو روزه، صد صفحه بنویسد، بی غلط هم بنویسد، خوب هم بنویسد، جا داشتن، دفتر و دستک داشتن، برایتان سم است، باید جلسه تان در خانه‌ها بچرخد، باید وقتی که آوازه کارتان بلند شد، امکانات اجتماعی بیاید، شما بگوئید نمی خواهم.

آقای رضوی: بله!

استاد حسینی: اصل این که اول کار بیائید - به حضورتان که عرض کنم که - یک مسجد درجه یک برای من بسازید تا بیایم بشوم امام جماعت، این که رسم فتح کردن، کدام یک از انبیاء چنین کاری کردند که شما دومیش باشید؟ اصلش دفتر می خواهم، دستک می خواهم - به حضورتان - یکی ضبط کند، نوار بکنیم، این حرفها غلط غلط غلط است. در جلسه نوار بگذاریم، نوار بدهیم یعنی چه؟ این را باید این کار، - به اصطلاح - مطلبی را که عرض کردم، تمرین بکنید تا مسلط بشوید. کتاب بخريد برايمان بياوريد، نه يك دانه كتاب بايد باشد، كسي خواست برود بخرد، خودش بخرد، والا مي گيرد از آنها رونويسي مي كند؛ يعني به عبارت اخري

شما تلاشتان این است که مرتباً کار بکنند، نه این که بروند بحث زنان را خوب ببینند، جهت گیری، موضع گیری - چه چیزی - سومی اش؟
آقای رضوی: مجاهده،

استاد حسینی: مجاهده، تلاش، هرگز نگوئید تلاش برای نوشتن این یک ساعت وقت می برد، این یک ساعت می شد یک فتو کپی بگیریم - به حضور - ننویسید، نه این یک ساعتی را که کار کرد، روی خودش دارد کار می کند، قبل از این که مطلب را بنویسد، دارد خودش را مشتاق نسبت به یک مطلب می کند، کسی که اشتیاق ندارد، به درد این کار نمی خورد. بحث های جانبی خارج از بحث جلسه تان، برای ایجاد اشتیاق ممکن است به درد بخورد که اگر آنها حساسیت نداشته باشند، باید یک کار دیگری کرد ولکن کسانی که حساس هستند، آنها را آورد و روی شان باید - به اصطلاح - شروع کرد به بحث. این مطلبی است که عرض کردم، آن وقت نظام سؤالاتان با این مطلب می خورد یا نمی خورد؟

آقای رضوی: کاملاً حاج آقا!

استاد حسینی: خیلی خوب!

آقای رضوی: خیلی ممنون.

استاد حسینی: و صلی الله علی محمد و آله الطاهرين.

آقای رضوی: (اللهم صلی علی محمد و آل محمد) حاج آقا!

استاد حسینی: پس بنابراین جلسه، جلسه مطلب جمع کنیم نیست.

آقای رضوی: بله! همین طور است حاج آقا،

استاد حسینی: آدم می سازید او تشنه می شود، خودش وقت می گذارد، مطلب هم به دست می آورد، کار هم می کند،

آقای رضوی: احسنت!

استاد حسینی: شما اگر امر دیگری داشته باشید ...

جلسه چهارم ۱۵

آقای رضوی: یک سؤال این هست که حاج آقا! الآن شروع کار با خواهران می
فرمائید همین همین همین سه تا باشد.
استاد حسینی: بله [قطع صوت]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۵
کد جلسه: ۳۳۹۳	تاریخ جلسه: ۱۳۷۹/۰۱/۱۷
کد صوت: ۴۷۶۳	مدت جلسه: ۶۲ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۷۶۶۳

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم س. صالح
تایپ:	محمد رضا عالمی
تطبیق:	خانم م. اسماعیل پور
تصحیح (۱):	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی:	محمد نیکوحر فیان
تصحیح (۲):	محمد فقیهی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	محمد فقیهی
صفحه آرایی:	محمد فقیهی

جلسه پنجم

آقای رضوی: خدمت شان عرض کردیم، خیلی هم خوشحال شدند، حتی مثال
الله اکبر شما را هم زدیم
استاد حسینی: [؟: ۶۰: ۰۰]

آقای رضوی: منتهی بدون اسم و بدون چیز و اینها. خیلی کلی صحبت کردم
ایشان اتفاقاً مثال ما را مرتباً مثال می زد در تأیید صحبت های من. می گفت: بله اتفاقاً
شعار الله اکبر از لحاظ فرهنگی شروع شد و این گونه که شما می گوید راه بیافتد من
چند سال است دنبالش هستم. می گفت نه در، می گفت خواهران اصلاً رها شدند.
گفت بسیج خواهران کلاً رها شدند، کار اصلاً نمی شود. بعد هم یک مشکلی هم
که من در چیز داشتم، انتقال مطلب داشتم این بود که ایشان می گفت چرا از کانال
نمی روید؟ می خواهید از محله شروع کنید، از افراد شروع کنید؟ چیز، بسیج
خواهران

استاد حسینی: کانال نمی شود. ببینید این نکته ای که دقیقاً ما داریم، همین است.

اعوذ بالله السميع العليم من همزات الشياطين. بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين انه خير ناصر و معين وصلى الله على سيدنا و نبينا ابا القاسم محمد (اللهم صل على محمد و آل محمد) و على اهل بيته المعصومين المنتجبين المكرمين واللعن على اعدائهم اعداء الله من الان الى يوم الدين.

مطلبی را که باید کاملاً در نظر داشت، این است که یک درگیری بین جهت فرهنگ حسی

که ماده گرایی است و جهت فرهنگ الهی که تعبد و پرستش خدای متعال هست، بین این دوتا جهت گیری، درگیری سختی هست. نهایت این است که ابزارهایی که این درگیری را در عینیت به تحقق می کشاند، یعنی برنده در آن را معرفی می کند، به عبارت دیگر نسبت ها و تناسبها، منطق کفار از نظر ملاحظه نسبت بین امور و مجموعه سازی، قدرتش بیشتر است، هرچند شالوده اش هیچ نیست، یعنی پوک است، صدد در صد پوک است. یعنی شالوده ندارد، ریشه ندارد و لکن در ایجاد تنظیم و درست کردن یک نظامی که پیچیده ترین مغالطه را برابر بشر بگذارد و شرایط پرورشی را، یعنی این به غلط انداختن را، هم در عینیت ایجاد بکند، هم در ذهن و هم در حساسیت هایمان، وجود پیدا کرد. چیزی که روبروی آن هست، منطقی است که در اصل مفهوم چرایی منحصرأ می تواند پاسخگو باشد به کفر، با قید منحصرأ؛ حضور آن در صحنه های دیگر که چستی و چگونگی باشد، اصلاً حضوری نمی تواند داشته باشد. در چستی بسیار ضعیف، در چگونگی هیچ. علتش هم این است که منطق انتزاعی نسبت بین امور را جدا می کند. نسبت وقتی جدا بشود، حتی تعین را نمی توانید شما از آن به دست بیاورید. تعین شیء به همه خصوصیات و همه جهاتش هست. اصل بودن این استکان نمی تواند مستقل از صانع باشد، فقط همین را می تواند بدهد. ولی این چیست؟ چه تعینی دارد؟ کیف به این که چگونه تولید می شود و چگونه تبدیل می شود و از بین می رود؟ این را اصلاً

نمی‌تواند. آن چیزی را که دستگاه کفر دارد در آن مانور می‌آید، الان بحث اصل چرایی نیست، یک زمانهایی بوده الان در چیست و بالاتر از همه درباره چگونگی هست. می‌گوید من چگونگی را کنترل می‌کنم. چگونه پیدا شود، چگونه از بین برود، چگونه هدایت شود، اینها، این را به دست دارد.

آقای رضوی: شدن را؛

استاد حسینی: شدن را. فرهنگ شناخته شده که دارای یک شخصیت‌هایی هست، اصلاً این مقوله را، یعنی «شدن» را در اختیار ندارد. «شدن» را می‌سپارد به دانشگاه و برحسب نظر انتزاعی که حتی نسبت به «شدن» دارد، یعنی بودن «شدن» را ملاحظه می‌کند. به نظرش می‌آید صدمه به ما نمی‌خورد، اگر آدم‌های صالحی «شدن» را به دست بگیرند. این مسئله کم چیزی نیست. مسئله یک مانع بزرگ هست جلوی شما. یعنی شخصیت‌هایی که در فلسفه، در اخلاق، در فلسفه، در فقه هستند، این‌ها همراه شما نیستند و این‌ها همراه بودن و نبودن‌شان نسبت به شما اثر دارد. نباید انتظار همراهی هم از اینها داشته باشید. یک وقتی می‌گویید که ما بحث اصول را رساندیم آن را به یک جایی که توانستیم اثبات کنیم که براساس «ما انزل الله» این حرف ما درست است. بعد از همه مشکلاتی که دارد، آن وقت محل تأمل می‌شود. ولی شما چگونه می‌خواهید، برادرها همراه شما باشند و شخصیت‌های اثبات شده را از آنها کمک نگیرید، الا این که یک موضوعاتی که آن موضوعات وزن‌شان بالا هست، آنها را موضوع بحث قرار بدهید، معلوم شود چه کسی می‌تواند از آن دفاع کند؟ یعنی موضوع شخصیت برایش می‌دهید [؟ قطع صوت ۸:۴۶] مثلاً می‌گوییم در موضوع ولایت فقیه آقای میرباقری هست، آقای غرویان هم هست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خب ایشان صحبت می‌کنند در حسینیۀ صفاییه، آقای میرباقری برنده می‌شود.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این سؤال مهم هم در نظر طلاب جوان پیدا می‌شود که چرا آقای غرویان مثل آقای میرباقری نمی‌تواند حرف داشته باشد. اگر یک موضوعاتی را انتخاب کنید که آن موضوعات بحث شود، آنوقت آیا از کانال بالا باید آغاز کرد، سوال است. مثلاً آقای ذوالنور و دوستان - به اصطلاح -

آقای رضوی: تیپ امام صادق،

استاد حسینی: تیپ امام صادق - علیه السلام - این‌ها طبیعی است که برای عقاید رجوع کنند به شخصیت‌های فرهنگی حوزه. معنا ندارد در غیرش عمل بکنند. چرا؟ چون همیشه ساختار از مهره‌ها و از عناصر و از مفاهیم ساختاری باید استفاده کند؛ یعنی به عبارت دیگر تا چیزی خودش را به اثبات نرساند در جامعه، معنا ندارد حضور پیدا کند در ساختار. مباحث شما حضوری پیدا نکرده در جامعه.

خب مباحث‌تان اگر بخواهد حضور پیدا کند، باید در ریشه‌ها اول کار خودش را درست کند، یعنی شما اگر یک فلسفه تطبیقی قوی بنویسید، یک اصول تطبیقی قوی بنویسید، روش علوم تطبیقی‌تان را از مرحله نظری به تطبیق با کلیه روش‌های علوم شناخته شده مقایسه بکنید، این‌ها ایجاد یک تنش‌های بزرگ می‌کند. کاری را که می‌خواهید بکنید اصلاً نمی‌خواهید از این راه بروید. این از کانال بالا آمدن است به طرف پایین. از طرف پایین رفتن به بالا این است که در تک تک موضوعات جدا جدا، آن موضوعاتی که جزء مسلمات انقلاب هست، همان‌ها را بیاورید جلو، تکیه به آنها بکنید و ناتوانی منطقی را که دفاع می‌کند، نشان بدهید.

بنابراین اول سراغ کانال نمی‌توانیم برویم.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آقای ذوالنور طبیعی است که برای آوردن افرادی که عقاید را می‌خواهند درست کنند برود نزد چه کسانی؟

آقای رضوی: پیش اساتید بروند؛

استاد حسینی: چطور؟

آقای رضوی: پیش اساتید و مثل آقای مصباح

استاد حسینی: خدمت آقای مصباح برود، خدمت آقای جوادی آملی باید برود.

معنا ندارد، بیاید این جا. اگر بیاید این جا، باید به او بگویند اخلاص گر. چرا؟ برای این که فرض این است که جامعه حرفهای این جا را نپذیرفته. یک مسئولی که باید کارش، کار تولیدی نیست، کار مصرفی هست، باید مهر استاندارد، عدم مسمومیت، صلاح، سداد بخورد روی یک چیزی، بعد این را بیاورد بازار. باید آقای ذوالنور اگر شما هم بخواهید بروید آنجا، مقاومت کند. این صحبت بود.

آقای رضوی: بله، اگر از موضع بالا بخواهیم؟

استاد حسینی: اگر از موضع بالا بخواهیم. معنای از کانال آمدن همین مگر نبود

که از موضع بالا بخواهید؟ یعنی بسیج تصمیم بگیرد

آقای رضوی: بله. تا اینجا که گفته بود، بله.

استاد حسینی: بله، بسیج تصمیم نمی تواند بگیرد در اینجا

آقای رضوی: من...

استاد حسینی: به چه دلیل که بسیج حرف شمارا قبول کند که بیاورد؟ مفروض

این است که آقای ذوالنور صاحب نظر در این مطلب نیست. چرا نرود، مثلاً می گویم، یک گروهی را که وضع احیاناً فکری شان هم منحرف شده، چرا آنها را بیاورد؟ این که یک جایی باید مهر استاندارد را بزنند روی آن، مهر پذیرش را بزنند روی آن، بعد بیاورند این یک حکمتی دارد، یک مطلبی هست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: باید باشد این. اصلاً ساختارها را شما نمی توانید بیاورید. بله، اگر

از پایین شما روی موضوعاتی آمدید صحبت کردید، جامعه تسلیم شما

شد، ساختارها مجبور به برخورد جدی به شما می‌شوند، از نظر بحثی. اگر دیدند نه شما خب حرف‌تان حرف حساب و محکمی هست، آنوقت یکی از راههای ورود شما، یک راه از آن بالا هست، یک راه هم از راه پایین هست

آقای رضوی: بله. [؟ قطع صوت ۱۴:۰۴]

استاد حسینی: بنابراین ما اصولاً از هیچ کدام از کانال‌ها - به اصطلاح - نمی‌توانیم؛ این را باید اول بدانند طرف. یعنی چیزی؛ شما یکی از چیزهایی را که بالمره نمی‌پذیرید، این که بخواهید سیاسی کاری بکنید و کسی را در گيجی با او کار کنید، شناسید، ده قدم که آمد بفهمد، نه، خیلی راحت می‌گویید که ما به ذهنمان می‌آید که وقتی که یک انقلاب می‌شود - این یکی از بحث‌های حتمی‌تان است که باید طرح بشود برای آنها - وقتی انقلاب می‌شود، معنایش این است که نظام قبلی فرو بریزد، یک نظام دیگری بیاید. مثلاً نظام شاهنشاهی بوده. نظام شاهنشاهی می‌ریزد پایین، یک نظام دیگر می‌آید. در نظام شاهنشاهی مردم یک اعتقادی داشتند و یک عمل عینی داشتند. اعتقادشان ربطش به عملش در موضوعات فردی می‌توانسته باشد. معنا نداشته که در نظام سلطان، شاه باشد، یعنی نظام‌تان منسوب به مکتب نباشد، منسوب به قدرت باشد، نهایتاً مشروط شده باشد که مخالفت قطعی نداشته باشد، مشروط به مذهب‌تان شده باشد. یک ملتی هستند، نظامی دارند نظامی دارند، اعتلایی دارند، صیانتی دارند، ملیتی دارند، مسلمان هم هستند! چون مسلمانند به عقاید اسلامی نباید تصمیم‌گیریها مخالف نسبت به آنها باشد. ولی نظام شما جمهوری مسلمانان یا خلق مسلمان نیست، جمهوری اسلامی با «یاء» نسبت منسوب به چه چیزی هست؟

آقای رضوی: اسلام است.

استاد حسینی: پس اولاً از نظر نظام سیاسی، سلطنتی بوده، عوض شده، شده جمهوری، یعنی آراء حق تعیین شخصیت اول را نداشته، حالا دارد. ثانیاً نظام منسوب

به اسلام شده. چون منسوب به اسلام شده کلمه ولایت یا سرپرستی خدایی آمده تا رسیده به فقیه از طرف امام معصوم، امام معصوم از طرف پیغمبر، پیغمبر از طرف خدا، سرپرستی خدایی آمده اداره جامعه را به دست گرفته. خب، این فرهنگ دینی آن با فرهنگ دینی قبل یک فرقهایی دارد که این را باید؛ نه این که اعتقاد به پیغمبر و خدا و امام عوض بشود! نه، همان اعتقاد به خدا، همان اعتقاد به پیغمبر، همان اعتقاد به امام، همان اعتقاد به فقه که دایره التزام اجتماعی آن محدود بوده به مسائل فردی، حالا در نظام جدید می خواهد توسعه پیدا کند، بیاید تصمیم گیری های اجتماعی را هم در سطوح مختلف پیوشاند. اگر خواست پیوشاند، آن وقت ماشینی که قبلاً جواب می داده نباید بتواند جواب بدهد. چون آن وقت می توانسته مبتلا به فرد را با حفظ استقلال فرد، فرد در اراده اش و بدون وابستگی آن به جاهای دیگر، در موضوعات مبتلا به اش، تصمیمش را با آن بگیرد. حالا می گوئید چگونه سرپرستی کنید پیدایش حوادث را، نسبت ها را، به تغییرات در نظام را، خب یک چیزی دیگری هست دیگر کلا.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خب منطق دانشگاه و منطق حوزه هر دو در زمان گذشته می توانسته هم مفهوم متناسب تحویل بدهد، هم شخصیت هایی که آن مفاهیم را بلد باشند. حالا نه مفهوم آن را در این توسعه می تواند تحویل بدهد، و نه می تواند کسانی را تحویل بدهد که بلد باشند این مفاهیم اداره را. خب این مقدمه اول باید کاملاً روشن بشود.

آن وقت سؤال مهم این است که آیا برای ساختن منطق جدید، آیا جهت گیری الهی باید حفظ شود، حجیت هم حفظ شود و تولید کار جدیدی را بکند، معنایش این است که افسران ارشد ارتش قبلی، انقلاب کنند در فرهنگ؟ یا اصلاً آن افسران وابسته هست، وابسته طبیعی هم هست بالضروره، هویت اطلاعاتشان به مفاهیم قبل؟

یعنی چه چیزی بلدند؟ آن مفاهیم قبل را بلدند. چه روشی را بلدند؟ اصلاً صیانت اجتماعی شان به چه دلیل است؟ به دلیل بلد بودن یک دسته از مفاهیم، از روش و منطق گرفته تا استدلال و فلسفه گرفته تا محصولش گرفته، برای قبل است، به همین دلیل فیلسوف شناخته می‌شوند، به همین دلیل فقیه شناخته می‌شوند. اگر بخواهیم بگوییم فرم گیری حافظه و ذهن، این فرم گیری یک نظامی پیدا کرده که می‌تواند مهره بالای خدمت در نظام فرهنگی قبل واقع شود، به اسلام. در نظام فرهنگی جدید، اگر بخواهید در این تحول ایجاد کنید که با تنش‌های سخت روبرو می‌شود خود ذهنیت این اشخاص، آن کارش این است که شما فلسفه مقایسه ای، منطق مقایسه ای، اصول مقایسه‌ای بنویسید، آنها را تکان بدهید. ولی از پایین نمی‌توانید آنها را تکان دهید. بله، اگر شما میز مناظره درست کردید و آنها نتوانستند برنده - به اصطلاح - این در طرف داری انقلاب برنده شوند، یک نفع‌هایی برای شما دارد. [؟ قطع صوت ۲۰:۵۱] مؤسساتی مثلاً می‌تواند کار کند که اینها - به حضورتان که عرض کنم - نقش افراد منفعل داشته باشند؛ یعنی وابسته به یک ساختار نباشند. برای این که صحبت تان صحبتی هست که هنوز در جامعه تبدیل به یک نظام فرهنگی پذیرفته شده، نشده.

آقای رضوی: حاج آقا اگر ما بخواهیم نفوذ در یک ساختار بکنیم یا یک ساختار را به تعبیری بخواهیم در هم بریزیم تا ساختار جدیدی تأسیس شود، این را می‌شود که با منطق همان ساختار وارد شد؟ یعنی ما می‌خواهیم بگوییم که - خدمتتان عرض کنم - همین مراحل که فرمودید، این که با قواعد دستور زبان فارسی مسلط شوند، با منطق صوری آشنا شوند، مناظره هم انجام بگیرد و با مثلاً با فنون منطقی هم آشنا شوند.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: این را اگر با همان منطق خودشان بریده واردشان شویم، یعنی دوتا

سطح را به صورت کامل مسلط خواهند شد. مثلاً من به ذهنم می‌رسد که چون من با آقای غرویان، ایشان استاد ما بود، استاد منطق ما بودند، ما ارادت خاصی خدمت‌شان داشتیم، همان سفر رفتند، کانادا هم رفتند با آقای مصباح، که برگشتند من بعضی کارهای اجتماعی را با ایشان تست می‌کردم، ایشان هم تأیید می‌آوردند از بزرگان مثل آیت الله مشکینی یا کسان دیگر که می‌گفتند این کار خوب است بشود، ما کارهای مسجدی می‌خواستیم بکنیم. بعد مثلاً به عنوان مثال بگوییم که اگر برویم سراغ خود آقای غرویان، بگوییم که این آموزش منطق شما که شما تألیف کردید، نه طلبه‌ها مسلط به آن الان هستند، نه فنونش را هیچ چیز بلدند، شما هم این قدر جوش می‌زنید، هیچ فایده‌ای هم ندارد. در کتاب‌تان هم هرچه هم می‌نویسید تأسف می‌خورید از این که حوزه آشنا با فنون نیست و با نمی‌دانم با استدلال آشنا نیست و با مغالطه و جدل؛ این را ما می‌توانیم یک روشی داریم که می‌توانیم هم در خود مؤسسه آقای مصباح یا در خود مدارس حوزه، این دوتا سطحی که شما فرمودید مثل ادبیات فارسی و خدمتتان عرض کنم،

استاد حسینی: منطق؛

آقای رضوی: منطق صوری را بدون این که مقابله شود، چون که مشترک خود آنهاست و کاربرد عملی برایشان مسلم هست الان. خود آقای غرویان گاهی یک مسابقاتی که قبلاً تقریباً هشت سال پیش در حوزه برگزار می‌شد، ایشان از مشوقین درجه اولش بود. که می‌گفت حتماً یک چنین کارهایی، فعالیت‌هایی صورت بگیرد. حالا اگر این را با این خصوصیات به آنها بگوییم همان که فرمودید سیاسی کاری! اگر می‌گوییم سیاسی کاری بشود، این، در این سطوحش می‌شود. درست است حاج آقای؟

استاد حسینی: درست است، این - به اصطلاح - یکی از کارهایی که افراد را ما در یک زبان ارتکازی که جامعه دارد، بگوییم این پرورش را پیدا بکنند. مرحله سوم

آن چیزی است که ما به الاختلاف می‌شود.

آقای رضوی: یعنی در این دوتا سطحش من فکر می‌کنم آقای غرویان حتی در تنظیم آن با آقای مصباح، چون که از نزدیک‌ترین افراد به آقای مصباح فکر می‌کنم باشد، از - ده - هفت سال، هشت سال پیش هم من با ایشان ارتباط داشتم، دیدم که ایشان حتی مثلاً بعضی فعالیت‌های اجتماعی شان را هم با آقای مصباح تنظیم می‌کنند، آیه الله مصباح، اصلاً به ایشان بگوییم که اگر منطق را در این سطح ما بخواهیم کار آمدی آن را اثبات بکنیم و طلبه‌ها، در صحنه فرهنگ شما الان آمدید، شما یک، یک فرد هستید که وارد شدید. اگر یک مجموعه از طلبه‌ها همین کارایی شما را از لحاظ منطقی پیدا بکنند، قطعاً می‌توانند در کارهای تحقیقی کمک شما بکنند یا درمقابله با انحرافات فرهنگی و فرهنگ کفر و این‌ها را بخواهید مقابله بکنید خیلی بهتر خواهد بود، به جای یک نفر آقای غرویان که منطق را می‌نویسد و مسلط می‌شود و به کار می‌گیرد و وارد صحنه اجتماع می‌شود، ده‌ها بلکه صدها طلبه باشند که این کار را بتوانند و به نظر ما کلاس عملی منطق شما این طرحی هست که من می‌گویم خدمت‌تان و ایشان هم

استاد حسینی: یعنی ...

آقای رضوی: هیچ چیز ندارد، به ساختارشان هم؛ چون که به ساختارشان هم اصلاً درگیری ندارد.

استاد حسینی: درست است دو سطح اول می‌شود.

آقای رضوی: منتهی من در عمل موقعی که تست کردم احتمال دادم بیشترین مشکل را که خواهیم داشت و ورودی و خروجی آن باید مسلط باشیم، این که می‌گوئید سیاسی کاری نمی‌شود کرد و فلان، حتی از پایین بخواهیم شروع کنیم احتمالاً سطح سوم باشد.

استاد حسینی: بله سطح سوم؛

آقای رضوی: که بیایم بگوییم آقا منطق حوزه را قبول نداریم و منطق دانشگاه را قبول نداریم و منطق اداره را قبول نداریم و برنامه ریزی این طور هست و همان حرفهای فرهنگستانی به یک معنایش شد. البته در سطح سومش هم موقعی که باز موضوعات را انتزاع می‌کنیم، باز می‌بینیم که برنده می‌شویم. یعنی این که یک موضوع را به صورت انتزاعی نه به صورت، به صورت این که استاد حسینی: نه بالعکس فقیه اند.

آقای رضوی: براساس منطق خودمان بخواهیم وارد شویم؛ استاد حسینی: بله، یعنی به عبارت دیگر بگوییم مفهوم زمان و مکان و اجتهاد آقای رضوی: در هر موضوعی حاج آقا استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: هر موضوعی که مثلاً ما یک موضوع عمومی مثلاً گرانی. موضوع تورم، موضوع خدمت‌تان مسائل اقتصادی، مسائل فرهنگی، در هر موضوعی با افراد عمومی، با افراد دانشگاهی، با افراد - چیز خدمتتان عرض کنم - حوزوی یا افرادی که مسئولین نظام هستند، در هر سطح آن، به صورت انتزاعی از بحث‌های فرهنگستان مطرح می‌کنیم، برگ برنده را داریم. چون که من با عموم با مردم عامی بعضی مهره‌های بحثی حضرت عالی را در یک موضوع خاصی بردم، با مردم عامی از راننده تاکسی گرفته تا کاسب و نمی‌دانم کسی که فعالیت‌های اجتماعی دارد و مسجدی هست و غیر مسجدی هست و مخالف انقلاب هست و موافق انقلاب هست و با دانشجوی، تست کردم دیدم که من خودم کاملاً احساس می‌کنم در جمع هم مشخص می‌شود. مثل نمونه آن آقای میرباقری، در جمع طلبه‌ها مشتاق می‌شوند. شاید هم تأثیر بحث آقای میرباقری بوده که آقای مصباح یزدی بعد از دو سال یا سه سال که دفتر مقام معظم رهبری درس اخلاق می‌گویند، یک توضیحی که در مورد ولایت فقیه می‌دهند فوراً طلبه‌هایی که پای درس‌شان بودند، فردایش یا دو روز

بعدش می‌آیند این جا می‌گویند شما چه چیزی دارید؟ آقای مصباح این گونه گفته. شاید هم تأثیر این بوده که شنیده بودند مثلاً آقای میرباقری از فرهنگستان هستند یک حرف‌های جدیدی دارند، دیدند آقای مصباح این طوری گفته در باب ولایت فقیه، مثل این که به آنها هم نمی‌چسبد، می‌خواهند ببینند یک چیز محکم تر می‌تواند پیدا بکنند. این، این نمی‌دانم حاج آقا همین طور هست یا نه؟

استاد حسینی: درست است. تک مهره ایی وارد شوید مشکلی ندارید؛

آقای رضوی: مشکل ندارد.

استاد حسینی: ولی برای پرورش فرد بخواهید پرورش بدهید، معنایش این است که یک نظام دستش بدهید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آن وقت آن در آنجا مشکل پیدا می‌کنید؛

آقای رضوی: درست است. حالا چه پرورش فرد باشد، چه یک مجموعه‌ای موجی بخواهیم، یک جریان - به اصطلاح - راه بیندازیم. و این با مشکلات، ...

استاد حسینی: این یک. دو اینکه که یادمان نرود که شما در آن دو سطحی هم که موفق هستید صحیح است این سؤال طرح شود که آیا در آن دو سطح، آنها تا چه اندازه به شما اعتماد خواهند کرد؟ یعنی مثلاً عرض میکنم تا وقتی که شما را درست شناختند به عنوان فرهنگستان با شما همکاری می‌کنند، ولی اگر شناختند هم همکاری خواهند کرد؟

آقای رضوی: این همان است که می‌فرمایید حاج آقا

استاد حسینی: زود حذفش بکنید

آقای رضوی: در چه هست، در سطح سومش، ...

استاد حسینی: بله. یعنی نه؛ می‌خواهم بگویم که شما خودتان را معرفی نکردید به این آقا، ولکن بزرگانی هستند که به هر حال این آقا وقتی برود سؤال بکند،

بگویند که - به حضورتان که عرض کنم - «امر بین رُشدۀ فیتع، امر بین غُیّه فیجتنب و شبهات بین ذلک فمن اخذ بالشبهات وقع فی الهلکات و هو من حیث لا یعلم»
آقای رضوی: دیگر در خانه شان هم راهمان نمی دهند.
استاد حسینی: این که اول کار گفتنش من لا اقل با کسی که می خواهید کار کنید، این را

آقای رضوی: مهره های اصلی آن، باید مطلع باشند؟
استاد حسینی: بله. بدانند، بدانند که بگویند، بیایند نگاه کنید ببینیم واقعاً این ها ماچرا را از دست می دهیم موج موج از این جوانها را؟ واقعاً حرفهای ما جواب هست؟ اگر حرف های ما جواب هست، واقعاً این جوانها از روی بی دینی دارند می روند ما متهم بکنیم همه را به بی دینی، خوب است؟
آقای محسنی: حاج آقا یک خبری ما دیشب شنیدیم. یک حاجی روحانی کاروان همسایه مان بود از حج آمده بود.
استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: می گفت امسال اتفاقی افتاد در مسجد الحرام که رسانه های گروهی، نه عربستان و نه ایران منتشرش هم نکردند؛
استاد حسینی: همان کف زدن را می گویند؟
آقای محسنی: کف زدن، بله. یعنی موقع سال تحویل کف و صوت در مسجد الحرام کنار کعبه؛

استاد حسینی: که خدا این مسئله کف زدن کنار کعبه را
آقای محسنی: بله.

استاد حسینی: مکاء و تصدیه برای کفار می داند.
آقای محسنی: بله. اولین کسی هم که اعتراض کرد به آقای ری شهری تلفناً پسر فهد بود. گفت شما آبروی اسلام را بردید و حرمت شکنی کردید و چیزی که

مشرکین [قطع ۳۱:۲۰]. سی سال می گفت مثل این که سی سال قبل هم همین اتفاق افتاده بود.

استاد حسینی: آن موقع باز هم کف زدند؟

آقای محسنی: رژیم شاه کف زده بودند. و از قضا حاج آقا ایشان نقل می کرد می گفت که اطراف کعبه در خود مسجدالحرام اکثریت قریب به اتفاق، ایرانی بودند. چون می دانستند که آن فلان ساعت، نیم ساعت قبل از اذان صبح بوده، همه آمده بودند آنجا جمع شده بودند، البته اولش یک مقداری دعا و چیزی می خواندند [۳۱:۵۳؟] این همان تقابل دو فرهنگ را می فرماید!

استاد حسینی: خب خود، حالا یک نکته دیگری. این درست است [؟] می گویند آقای محسنی: این همان قابل دو فرهنگ را می فرماید.

آقای حسینی: بله، این حالا ببینید حاج آقا! این کف زدن خدا در بیت جزء آداب مشرکین ذکر می کند. حالا در غیر بیت واقعاً اگر جزء آداب مشرکین باشد، خوب است آدم انجام بدهد آداب مشرکین را؟ آداب مشرکین در مسجدالحرام خدا ذکر می کند که کف زدن و صوت زدن. حالا مثلاً در مسجد امام قم باشد، در حسینه صفایه باشد، در - به اصطلاح - برای تولد باشد، برای میلاد باشد، کف بزنند، صوت بزنند - به حضورتان که عرض کنم که - این خوب است ؟

آقای محسنی: الان

استاد حسینی: یا این که اگر آداب مشرکین هست خب در آن حسینه آنجا بزنند بد است.

آقای محسنی: الان در هیئت های جدید راه افتاده حاج آقا!

استاد حسینی: در هیئت های جدید کف می زنند، کف های محکم مثل سینه زدن

و صوت هم می زنند [؟ ۳۲:۴۷]

آقای محسنی: بعد زار، زار هم گریه می کنند حاج آقا

استاد حسینی: حالا این. می‌خواهم بگویم اگر آداب مشرکین ات، فقط در مسجد الحرام ما جزء آداب مشرکین هست یا واقعاً این جا هم جزء آداب مشرکین است؟ حالا اگر آداب مشرکین شد، فقط مسئله مسجد و حسینیه و مراسم دعا هست یا این که کلاً این اول، ادب خوبی نیست؟
آقای محسنی: بله.

آقای رضوی: این نتیجه این دو سال کف زدن بوده که [؟:۱۳:۳۳]
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: که امسال در حج کف زدند. یا حتی از نمی‌دانم، هدایت هم شده که

استاد حسینی: بارک الله آنها هم زود عکس العمل نشان دادند گفتند این - به اصطلاح - آداب مشرکین است! بله؟

آقای محسنی: بله حاج آقا! آنوقت نقل می‌کرد می‌گفت یک روحانی بود معاود عراقی البته ایران بود و چه، ولی هجرت کرده بود به برزیل.
استاد حسینی: بله

آقای محسنی: صد نفر حاجی را آورده بود. بعد از این قضیه فراوان داد بیداد کرده بود سراین روحانیون ایرانی که این، من چه خاکی در سرم بکنم، من این همه تبلیغ امام خمینی کردم، این همه تبلیغ ایران و اسلام و مسائل کردم شما این عمل مشرکین را این جا انجام دادید، من چه جوابی دارم برای این [؟:۰۰:۳۴]

استاد حسینی: در عین حال خیلی خوب شده از یک جهت دیگر. ببینید
آقای محسنی: نفس مصادیق در گیر شده به همدیگر

استاد حسینی: بله، یعنی این مصادیق در گیر که شود، در خود ایرانی‌ها پیچد که آیا از آداب مشرکین بوده؟ از آداب مشرکین هست.

آقای محسنی: آنها می‌گفتند ابتدا از یک ضلع جمعیت هم شروع شد و همان آن

روحانیونی که بودند بلند شدند پرهیز دادند، بعض مردم دو دقیقه بعدش مفصل‌تر زدند. بعد دیگر مردم کسانی را که احساس وظیفه می‌کردند، خیلی ساکت کردند افراد را.

استاد حسینی: خب این اگر این جا برابر آقای خاتمی کسی چنین حرفی را می‌زد، مثلاً یک حرف دیگر داشت، ولكن حالا الان روی این که اطراف خانه این طوری هست، در مسجدها و هیئت‌ها یک دقت دیگری است.

آقای محسنی: یعنی بحث فرهنگی آن را می‌شود کرد.

استاد حسینی: بله

آقای محسنی: همین که فرمودید که الان اشاره فرمودید

استاد حسینی: بله. این درگیری‌های این گونه که پیدا می‌شود، زمینه‌هایی باز می‌شود. حالا من سؤال این را دارم که شما گیرم که، از این دیگر بهتر! شما اگر شروع کنید توضیح المسائل برای امام خمینی، رضوان الله تعالی - قرآن، مفاتیح الجنان این دیگر خوب هست، این دیگر از چیزهایی که هیچ کسی شک ندارد در آن، شروع کنید یک کلاس بگذارید در بسیج. صحیح است، معقول است که بیايند بگویند این‌ها چه کسانی هستند که این کار را می‌کنند؟ می‌گویند فرهنگستان. می‌گویند فرهنگستانی‌ها چه چیزی می‌گویند. [؟] همه را بپوشاند. می‌گویند آقا می‌توانی یا نه؟ بگذارید ما یک قاری دیگری بیاوریم قرآن یادشان بدهد، یک مسأله گو دیگر هم بیاوریم، یک دعا خوان دیگری هم بیاوریم، یک مداح دیگر هم بیاوریم، شما تشریف بیاورید، شما نمی‌توانید، راحت برو. خب حالا بگذاریم. خب حالا این آقا ولكن اگر به افراد منفرد یا سازمانهای منفرد می‌توانید کار کنید. آن یک کاری می‌خواهد که به ذهن من می‌آید که شما یک کار دیگری هم می‌توانید کنید و آن عبارت از این است که سازمان‌ها صد درصد وابسته شان، آنهایی‌اند که رسماً مهر دادند، مهر دولتی دارند. آنها را جزء ساختار می‌دانید. نیمه وابسته هست و غیر

وابسته. آنها را شناسایی کردنشان خوب است که احیاناً نسبت به انقلاب و مقام معظم رهبری هم علاقه و وابستگی روحی دارند، عاطفه دارند، دلشان می‌خواهد یک کاری را بتوانند انجام دهند.

آقای رضوی: یعنی غیر از قوای سه گانه. نهادهای، کلاً نهادها؛ استاد حسینی: یعنی کل نهادهایی که - به اصطلاح - عضو یک ارگان هستند، آنها را نه. من به نظرم می‌آید با آنها کار نداریم. نیمه وابسته‌ها را می‌توانید. غیر وابسته را هم می‌توانید. یعنی باید یک استقرایی؛ به عبارت دیگر نباید این‌ها وضعیت وابستگی سیاسی شان به گونه‌ای بکند که در صورتی که شما موفقیتی داشتید، محل سؤال برای مدیران شود که این موفقیت خوب است یا بد است؟ نیمه وابسته و مستقل، مخصوصاً مستقل، تصمیم گیریش با خودش است. حرف شما چه مقدار بُرش داشته باشد، به زور دولت حرف‌تان راه نمی‌افتد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: طمع در این نکنید که به زور دولت حرف‌تان راه بیافتد، چون برای دولت درد سر حرف‌تان کمتر از نفع آن نیست. دردسر آن این است که با ساختار درگیر می‌شوید.

آقای رضوی: بله. پس افراد مستقل هم یا نیمه وابسته هم حاج آقا بخواهیم صحبت کنیم، آن قسمت سوم را، ...

استاد حسینی: اول باید قسمت سوم را بگویید. بله شما می‌توانید یک طور دیگری که الان عرض می‌کنم آغاز صحبت کنید برای تماس‌تان، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: سیاست تماس‌تان این طوری باشد.

آقای رضوی: بله. درست است.

استاد حسینی: که یک حرفهایی در حوزه وجود دارد؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این را با علامت ستاره مشخص بکنید. بگویید یک حرفهایی، بگویید حوزه یک امکاناتی دارد که این امکاناتش را باید همه آن را آرایش داد، به عنوان مقدمات اسلامی به رسمیت شناخت. مثل کسی که می‌خواهد در یک افقی تماشا کند که کل مسلمین را به هر حال هر کسی می‌گوید «اشهدان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله» - اللهم صل علی محمد و آل محمد - این مسلمان است دیگر. شما درمقیاس جهانی می‌گویید حتی برادران اهل تسنن را کنار نگذار، من با این‌ها می‌خواهم کار کنم. بگوییم ما بهترین، یکی از کارهای خوب این است که ما سعی کنیم از همه مؤسسات نفریاوریم. یک بررسی بکنیم انظار همه مؤسسات را در مقابله و مواجهه با نظریات کفر. آنهایی که می‌گویند ولایت فقیه نباشد یک طرف، کل آنهایی که می‌گویند ولایت فقیه باشد یک طرف و بینیم چه کسانی چه چیزی دارند؟ موضوع ولایت فقیه محل برخورد انظار باشد در مخالف و موافق و رأی ممتنع،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بینیم چه کسی قوی تر است. آنکه قوی تر است حرفش را برساند به جامعه یا لاقول شناسایی بشود.

آقای رضوی: یعنی آن چیزی که جلسه گذشته خدمت‌تان استفاده کردیم، این بود مراحل کار بود. مراحل کار که از ابزار حسی شروع بشود.

استاد حسینی: خب آن مراحل کار [؟]

آقای رضوی: به ابزار پرورش روحی ختم بشود. این سیاست ارتباط است، این که می‌فرمایید. یعنی برعکس از آن طرف می‌شود.

استاد حسینی: بله، آن هم بله. بله سیاست ارتباط باید اول افرادی را به آنها در یک موضوعی به توافق برسیم، بعد حالا بنا شود برای پرورش، یک کارهایی را

بکنیم.

آقای رضوی: بله. یعنی مراحل پرورش، این‌ها هست، منتهی باید قبلش یک موضوعی را به تفاهم برسد.

استاد حسینی: یعنی شما اگر به یک تفاهمی نرسیده باشید، چرا همکاری نکنند به شما؟

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: چه دلیلی دارد برای همکاری؟

آقای رضوی: یعنی این تفاهم را سطح بندی می‌کنید، یعنی می‌گویید که قبل از این که به یک معنا ارتکازش بشود؟

استاد حسینی: یعنی یک وقتی است که من می‌گویم که ما می‌خواهم بیایم درس طلبگی بخوانیم. می‌گویم آن بعد از این است که من قبول کرده باشم که روحانی باشم. درس طلبگی که بخوام بخوانم آن وقت می‌گویید بیا صرف و نحو بخوان، بیا منطق بخوان، بیا چه بخوان الی آخر.

آقای رضوی: بله، همان اولش می‌گوید چرا بیایم طلبه بشوم.

استاد حسینی: می‌گوید چرا بیایم طلبه بشوم.

آقای رضوی: یکی از دوستان ما حاج آقا تهران هستند، ایشان درس آقای جوادی آملی و درس آقای مصباح می‌رود ایشان در فلسفه هم کار کرده، انقلابی و جبهه رفته و مفصل. ایشان مفصلاً با ما بحث کرد چرا رفتی فرهنگستان. بسیار بحث می‌کرد و یعنی از کانالهای مختلف. استاد می‌کرد به صحبت‌های امام حتی!

استاد حسینی: که؟

آقای رضوی: که امام این طور نیست، امام، بحث اجتهاد این نبوده، امام، در بحث‌های امام هست. ما هم درست نقطه مقابلش می‌گفتیم چرا شما رفتی حوزه؟ می‌گفت خب آقایان هستند، آقای جوادی، نمی‌دانم بزرگان، مراجع اند، خلاصه

بحثمان داغ شد، آخرش قرار شد که یک موقع دیگر همدیگر را ببینیم .

استاد حسینی: این را چه وقتی دیدید شما ؟

آقای رضوی: این را تقریباً فکر می کنم یک، دو سالی می شود گذشته از آن؛

استاد حسینی: بعدش آمد؟

آقای رضوی: نه دیگر همدیگر را در، آن هم به مناسبت این که همسفر بودیم

استاد حسینی: همسفر در کجا؟

آقای رضوی: تهران می رفتیم حاج آقا. از قم به تهران تقریباً نزدیک دو ساعتی یک ساعت و نیم، دوساعتی بحث مان طول کشید. بعدش در ترمینال هم خلاصه بحث های ما طول کشید و این ها، نزدیک دو ساعتی شد. این که ایشان می گفت چرا شما آمدید فرهنگستان؟ ما هم بحث می کردیم، به همان دلیل که شما آمدی حوزه، دلایل را باهم بررسی می کردیم. در مقایسه به هر حال ایشان از صحبت های امام می آورد، ما هم از صحبت های امام می آوردیم. خلاصه این بحثها درگیری ها این گونه واقع شد بین ما و ایشان و همین است که فکر کردم من مصداقم این صحبت حضرت عالی باشد که می فرمایید از یک موضوعی را با هم به توافق برسید و این که قبل از اینکه به تفاهم برسند باشما همکاری نمی کنند، همین هست. حالا این که حالا چه طوری...

استاد حسینی: بله. حالا مثلاً این آقای که شما را نمی شناسد، آنکه فرهنگستان را به هر حال یک گونه برایش گفتند، این طوری موضع می گیرد. این آقای را که به ایشان صحبت کردید که مناظره کنیم، مناظره درست کنیم این آقا هنوز شما را درست نمی شناسد، ولی این طبیعی است که بعد از یک ماه، دوماه همین که مخصوصاً کارتان به یک نتیجه برسد، خواهد شناخت و معلوم نیست که باشما کار کند.

آقای رضوی: یعنی اصلاً آن خیلی هم زرننگ است، در مرکز تحقیقات قوه

قضایه برای قضات هست. تحقیقات روی قاضی‌ها می‌کنند، دیدم، متوجه شدم کار سیاسی هم کرده و به این جنبه اطلاعات گیری اش خوب است، آمد منزل و گفت مثل این که خانه تان سازمانی است. شما مؤسسه تحقیقاتی، جای خاصی، چیزی هست، باز هم به او نگفتم. همان بنده خدایی که با او...

استاد حسینی: شما اول کار رستم‌تان باشد بگویید فرهنگستان هستيد آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: هیچ - به اصطلاح - این که بگذاریم دو روز بعد، نه. از آنجا هم شروع می‌کنید ما در فرهنگستان هستیم، یک بحث‌هایی را درباره این سری از مطالب داریم می‌توانیم، یک توانمندی‌هایی را داریم. مطالب ما این گونه است حالا - به حضورتان که عرض کنم که - یعنی به عبارت دیگر...

آقای رضوی: این که نه، از لحاظ این که بترسیم یا مثلاً مسئله سیاسی باشد نه ما فکر کردیم راهکار این طوری هست که

استاد حسینی: نه، نه

آقای رضوی: اتفاقاً بعضی موقع‌ها برعکسش عمل می‌کنیم ابتدا به ساکن می‌گوییم ما فرهنگستانی هستیم و حرفهایش هم این هست.

استاد حسینی: و یک کارهایی هم از ما می‌آید - به حضورتان که عرض کنم که - به هر حال یک صحبتی را شما بکنید این را تلخ به رخشان بکشید. بگویید که وضع طلاب طوری است که برای حمایت از اسلام می‌گویید برویم حرفهای یهود و نصارا را بخوانیم که پذیرفته شده هست در دنیا، مارک دکترا می‌دهند، ولی اصلاً دنبال این نیستیم ببینیم آیا این حرفهایی را که کنار دستان هست، ممکن است مطالب قوی در آن باشد، این‌ها دیگر بدتر از یهود و نصارا که نیستند که.

آقای رضوی: نه، حالا آن نقطه مقابلش هم حاج آقا با یک نفر از دوستانی - که درس خارج‌اند احتمالاً غریب الاجتهاد هم باشند - با ایشان بحث می‌کردیم، ایشان

خیلی ارادت به آقای مظاهری داشتند شاگرد آقای مظاهری بودند،

استاد حسینی: اصفهان؛

آقای رضوی: بله که الان اصفهان‌اند قبلاً که قم بودند ایشان شاگردشان بودند. الان هم قم هستند با ایشان می‌گفتم من فرهنگستانی ام، فرهنگستان بحث آن این هاست؛ می‌گفت تو برو بنشین درست را بخوان. تو درس نمی‌خوانی، به کفایه هم مسلط هست این بنده خدا. می‌گفت که درس کجا می‌خوانی؟ ما مرتباً می‌گفتیم آزاد می‌خوانیم فلان و این‌ها. بعد وارد بحث شدیم. آخر بحثش که گفت آقای مظاهری اقتصاد دان هست. گفتم ای بابا اقتصاد، کجا اقتصاد دان است، کدام کتاب اقتصادی که نوشته. آخرش قبول کرد که باید روی یک موضوعاتی که نظام ولی فقیه به آن نیاز دارد کار بشود. یعنی این که به یک موضوع که با آنها بحث می‌کنیم میگویند بله حوزه این نقش‌ها را، گفت پس این مسئله‌ای ندارد شما فقه را داری می‌خوانی. خدمت‌تان عرض کنم که یعنی از دو طرفش وارد شدیم. این را، این جاهم که این به تعبیر حضرت عالی سیاسی کاری شده و این را من فکر کردم که مثلاً می‌تواند راه کارش این باشد.

استاد حسینی: خب حالا برگردیم بیاایم که شما حالا با این آقایان، یعنی برای

خودتان

آقای رضوی: بله؛

استاد حسینی: برنامه‌ای را که دادید برای این بحث مناظره - برای خودتان به

شخصه، نه برای مجموعه - چه خط سیرهایی را، چه محورهایی را خوب می‌دانید؟

آقای رضوی: از نظر مراحل کاری، یا نه از لحاظ ارتباط با ...؟

استاد حسینی: یعنی از لحاظ اولاً ما ارتباط را یک وقتی می‌گویید خصوصاً

می‌خواهم درباره زنان کار کنیم. یک وقتی می‌گویید زن یا مرد برای مان فرق ندارد،

ما موضوع کارمان مناظره هست. آن وقت من سؤال می‌کنم که مناظره را می‌خواهید

با چه کسانی همکاری داشته باشید؟ آیا مراکز تحقیقی را میخواهید همکاری کنید، به چه کسانی، چه طوری؟

آقای رضوی: حالا ما

استاد حسینی: یعنی موضوع را اصل قرار می‌دهید؟

آقای رضوی: بله، بله.

استاد حسینی: یا قشر خاص را؟ اگر ما بگوییم جناب عالی مسئول یک کار خدمات اجتماعی در فرهنگستان هستید، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: عنوان را عام بگیریم، خدمات اجتماعی را زیر بخش چه چیزی، زیربخش خدمات اجتماعی، خدمات مثلاً اجتماعی فرهنگی، این را زیربخشش را چه چیزی خوب می‌دانید بگذارید و اولویت چگونه معین کنید؟ می‌توانیم تقسیم بکنیم به اقشار مختلف، از اول تقسیم به جنسیت، مثل زن و مرد. دوم به گروه‌های مختلف سنی، سه، به گروه‌های مختلف اطلاعات و دانش، گروه‌های مختلف دانشی. چهار، به گروه‌های مختلف گرایش، بعد هم طبیعتاً یک نظامی شما می‌توانید درست بکنید و این‌ها را یک سهم بندی بکنید. بگویید مثلاً گرایش برای ما فرض کنید چهار، نمره‌اش هست. حالا اگر ما گرایش‌های مختلف را بخواهیم بیاوریم، از گرایش‌هایی صد در صد منفی تا صد در صد مثبت، این چه گونه می‌توانیم کار کنیم؟

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: گروه‌های مختلف دانشی را از کسی که اطلاعاتش مثلاً نهم هست، سیکل هست تا کسی که مثلاً متخصص هست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: از کسی که لُمه و قوانین می‌خواند تا کسی که مدرس درس

خارج است یا سطوح عالی، گروه‌های مختلف دانشی برای ما چه؛ به عبارت دیگر در دستگاہی که ما می‌خواهیم درست کنیم به هر کدام از این‌ها وزن بدهیم؛ آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: درباره ارتباط به آنها هم

آقای رضوی: وزن بدهیم. بله

استاد حسینی: وزن بدهیم. یک گروه‌های مختلف سنی هم مثلاً درست کنیم. دانشی را بگذاریم فرضاً دو، سنی را بگذاریم یک. یا احیاناً برعکس آن را آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: بگوییم گروه سنی برای ما حرف ۴ را می‌زند.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بگوییم گرایش‌هایی این‌ها را هم می‌شود تغییر داد، دانش‌شان هم می‌شود تغییر داد. این بیایم یک - به اصطلاح - تنظیم، یک طبقه بندی کنیم. آقای رضوی: حاج آقا ما چون که در عمل پرورش خاصی پیدا نکرده بودیم، در این چند ساله.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: بعد هم کار ما هم فردی بوده، مثلاً حالا به خاطر علاقه‌ای که به بحث‌های دفتر و انقلاب و اینها داشتیم، بدون اولویت بندی و سهم بندی با همه این اقشار صحبت می‌کردیم.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: به بالا و پایین. دیگر اصلاً چیز محور تقسیم بندی ما این نبوده. هر محمل و مجلسی پیش آمده متناسب با آن یکی از این افرادی که در این دسته‌ها قرار می‌گیرند بوده، حالا زن بوده، مرد بوده، جزء دسته‌هایی گرایشی و دانشی بوده بحث را شروع می‌کردیم. یک، این طور هم نبوده که همیشه از یک موضوع خاص شروع

کنیم، آن هم باز متناسب به شرایط. به تعبیری حالا بگوییم این که هر کجا باد می‌آمده خلاصه ما هم به همان سمت حرکت می‌کردیم و کار را آغاز می‌کردیم و قطعاً هم این یک کار سازمانی بوده و نه رشد چندانی برای خودمان آوردیم، نه تأثیر اجتماعی خاصی جمع ایجاد کردیم.

استاد حسینی: نه جمع آوری تجاربی که بخواهد بتوانیم روی آن یک آموزش بدهیم که دیگران هم این کار را بکنند.

آقای رضوی: اتفاقاً برعکس بعد از آن که قرار شد که ما این در خدمت حاج آقای محسنی این کارها را انجام بدهیم خدمتتان عرض کنم، باز بیشتر برایم تأمل می‌کرد، این جلسه‌ای که گرفته مثلاً چرا گرفتند، چه فایده داشت؟ موضوعش درست بود یا نه؟ حالا هر بحثی که مطرح می‌شود باید بکنیم یا نه؟ این تطبیقش می‌دادم با موضوع کار خودم، باز خیلی تفاوت کرد. اما اینی که سیاست‌های آن اعلام شود من فکر می‌کنم که حالا حضرت عالی بفرمایید سیاست‌ها را ما در... استاد حسینی: نه، ما روی آن بحث کنیم حداقل آن.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بحثی که نه این که بخواهد خودش بشود یک چیزی کنار کارهای دیگر.

آقای رضوی: یک بحث دیگر، بله.

استاد حسینی: یک بحثی که در عمل رویش بیاید یک دقتی بکنید

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی مثلاً عرض می‌کنم. گروه‌های مختلف سنی وابستگی‌ها و فرم گرفتن در گروه‌های مثلاً جوان بین ۱۵ تا ۲۵ سال، حداکثر، در این‌ها یک ویژگی‌هایی است که باید بیاییم دقت کنیم، این‌ها ویژگی‌های حساسیت‌های روحی شان چه چیزی است؟ در یک گروه سنی نوع غالب حساسیت‌های روحی این‌ها

روی چه محورهایی هست؟ وضعیت ذهنی شان چه چیزی هست؟ این‌ها ملکه حتما پیدا نکردند، چون ملکه پیدا کردند امکان شکل پذیریشان خیلی بالا است. آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: نزدیک هرچه می‌آید به طرف ۱۵ سال، می‌رسد به فطریه اولیه خودش. حالا هم فطری اولیه، درجه یک این است که شما از شرایط پرورش و کودک و این‌ها همه را در دستش دارید به نسبت. اینها مؤنه شکل پذیری‌شان خیلی کم است. گروه‌های مختلف دانشی، چه دسته‌هایی برای ما مهم است؟ و همچنین گرایشی؟ سعی کنیم آن جاهایی که کمترین زحمت را می‌برد آغاز کنیم. شما سعی نکنید زمین شوره زار پرسنگ و لایخ کم آب - به حضورتان که عرض کنم که - کلاسه مثلاً خاکش اگر بگوییم بدترین کلاسه، کلاسه ۶ است که در آن هیچ چیز سبز نمی‌شود، کلاسه ۶ است - به حضور - این‌ها را انتخاب کنید برای باغ درست کردن. بگویید که این من می‌گویم، مواد آهکی آن چگونه است، نمک آن چگونه است، فلان، می‌گویید در این قدرت خدا علف سبز نمی‌شود هر علف، سبزی را بکارید خشک می‌شود، آب دستی هم به آن بدهید، نمی‌شود. [با خنده]

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: شما بروید اول آنجایی که خاکش کمال آبادی را دارد، سنگ و لایخ ندارد، آب گیر هست، - به حضورتان که عرض کنم که - از آنجا آغاز کنید تا - به اصطلاح - مطالبان خیلی زود به نتیجه برسد.

آقای رضوی: این به نظر می‌رسد مثلاً از دبیرستانی تا لیسانس که تطابق سنی هم تقریباً دارد، ۱۵ تا ۲۵ است.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: و درس و این دانشگاهش. حوزه آن هم از مثلاً سال سوم حوزه باشد تا قبل از درس خارج

استاد حسینی: بله. نهایتاً تا قبل از درس خارج. آن وقت حالا این‌ها، این خصوصیات سنی شان و خصوصیات دانشی شان. بعد بیاییم سراغ خصوصیت گرایش شان، حتماً طرفدارهای آقا را انتخاب کنید، آقای رضوی: راحت تر است.

استاد حسینی: بهتر است تا این که بروید کسی را انتخاب کنید که دچار یک درویشی شده، قائل شده که اصلاً حکومت نباید درست شود. بروید - به حضورتان که عرض کنم - یک جایی که اصلاً نمی‌شود کار کرد.

آقای رضوی: در عمل هم تست کردم حاج آقا بسیار مشکل هست به خصوص آنهایی که جنبه عرفانی پیدا کردند. [خنده استاد] منتهی مدرسه معصومیه بود، این‌ها جبهه رفته، رزمنده، جانباز، احیاناً چه؛ رفتند در خط عرفانی. رفتند، همه را رها کرده بود. از هنر هم شروع کرده بود. رفته دیگر در تفسیر المیزان، می‌گوید هر چه می‌خواهید در قرآن است در المیزان. کارهای عرفانی هم می‌کند. بعد دیگر خیلی هم سخت است. بله این به خصوص آنهایی که رفتند در کارهای عرفانی و این‌ها یا وابسته به یکی از علما شدند یا مراجع شدند خیلی سخت بود. محک می‌زند آن را با، می‌بیند کوچکترین برخوردی با چیز، با چه بکند مثلاً مرجع تقلید یا آن عالمی که ایشان او را قبول دارد، مقابله می‌کند. ملاک صحّتش شخص آقای چه هست.

استاد حسینی: خوب حالا بعد از این که اینها تمام شد، پس این سه تای آن را، سه جواب دادید شما.

آقای رضوی: این. بله، مقام....

استاد حسینی: گفتید دانشجو یا طلبه مثلاً تا سطح که علاقه مند به مقام معظم رهبری باشند حالا بعد از این سه تا، زن باشد بهتر است یا مرد باشد؟ از نظر این که وابسته به جریان‌های اجتماعی اند. یک ساختارها و یک جریانهای اجتماعی مخصوص مردها وجود دارد در جامعه، تحت عناوین مختلف. شناخته شده، دارای

پرچم دار، همه چیزش

آقای رضوی: که اگر بخواهی از این مردها شروع بکنی، زودتر این سؤال پیش می‌آید که چرا از کانال ساختارها و این‌ها، ...

استاد حسینی: بله. یعنی این که زنها الان تشکیلاتی ندارند در کشور. تشکیلاتها خیلی کم رنگ است
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: البته شما بخواهید بروید در زنهایی که در جامعه الزهرا هستند، طبیعی است که به صورت یک نیمه سازمان درآمدند. بخواهید بروید در زنانی که برای دفتر تبلیغات هستند به صورت نیمه سازمان درآمدند.
آقای رضوی: حاج آقا تمام دلیلش برای این که سراغ مردها نمی‌روید همین هست.

استاد حسینی: بله دیگر

آقای رضوی: وابسته به ساختارها هستند، بله،
استاد حسینی: یعنی شما. بله دیگر آنها در جامعه یک فعالیت‌های اجتماعی دارد انجام می‌گیرد تحت نظر یک عناصر و یک مهره‌هایی که طبیعی است که آنها برای شما دچار درگیری ابتدایی دارد.
آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: در حالی که اگر یک قشری را پیدا کنید که آن قشر هنوز سازمانی نداشته باشند، آن جا ممکن است خیلی راحت تر بتوانید حرکت کنید. یعنی با موانع کمتری برخورد کنید.

آقای رضوی: در قسمت خواهران هم همین طور که اول صحبت خدمت‌تان عرض کردم این هم سؤال برایشان بود که کار خواهرها را چرا از بسیج خواهران، یا از جامعه الزهرا یا از حوزه خواهران، این‌ها چرا شروع نمی‌کنید، یعنی همان دلیلی

که برای مردها می‌فرمایید که وابسته به ساختارند، این‌ها هم می‌گویند خانم‌ها کانال دارد از کانال‌ها چرا وارد نمی‌شوید.

استاد حسینی: کانال‌هایش هنوز می‌خواهیم همین را عرض کنیم. کانال‌ها آن‌جا خیلی هنوز - به اصطلاح - مثل مردها تمام شده نیست. حالا در قم مثلاً جامعه الزهرا هست. آیا دبیرستانی‌ها همه با این‌ها کار می‌کنند؟ دانشجویها همه با این‌ها کار می‌کنند؟

آقای رضوی: دبیرستانی‌ها حاج آقا این که خارج از دبیرستان باشد با این که داخل دبیرستان باشد خیلی فرق می‌کند.

استاد حسینی: دانشجو

آقای رضوی: دانشجو هم همین طور است. در این دانشگاه‌ها الان تشکلهای سیاسی راه افتاده، نمی‌دانم انجمن اسلامی دارند...

استاد حسینی: تشکل یک ساختارهایی هست.

آقای رضوی: بله، یعنی وارد دانشگاه می‌خواهید بشوید.

استاد حسینی: بیرونش چطور؟

آقای رضوی: اطلاعاتش می‌گردد حاج آقا

استاد حسینی: بیرون چطور؟

آقای رضوی: بیرون، بله. بیرون یعنی تفاوت دارد خیلی از لحاظ؛ یعنی اگر در دانشگاه باشد یا در دبیرستان باشد به خاطر این که یک مجموعه‌ای هست و یک لجستیکی هست و امکاناتی هست و توجیه که شوند وارد کار که بشوی خیلی راحت تر خواهد بود از یک لحاظ از لحاظ ورود کار. بله از لحاظ ادامه کار همین طوری که شما می‌فرمایید چون که مسئولین و ساختارها خیلی دقیق دقت می‌کنند ببینند که مثلاً این علت موفقیتش چه بوده، این چه کسی است؟ وابسته به کجا است؟ مشکل خواهد شد و چه بسا کار تعطیل شود. اما خارج از چیز، خارج از مجموعه‌ها،

۳۴ مدل مناظره سازمانی

مثل دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها ورودی آن سخت تر از دبیرستان و [...]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۶
کد جلسه: ۳۳۹۴	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۱/۲۴
کد صوت: ۴۷۶۴	مدت جلسه: ۳۵ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۵۹۷۸

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم م. یکتایی
تایپ:	محمد فقیهی
تطبیق:	خانم ف. کریمی
تصحیح (۱):	علی فقیهی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	علیرضا شریعتی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	علیرضا شریعتی
صفحه آرایی:	علیرضا شریعتی

جلسه ششم

آقای رضوی: صحبت حضرت عالی در دو جلسه ی قبل توجیهاتی برای خانم...؛
به عنوان کسی که رابط ما با خواهرها خواهد بود، خانم صدوق،
آقای حسینی: بله.

آقای رضوی: یک صحبت‌هایی داشتیم، توجیهاتی خدمت‌تان داشتیم، اینها با
خواهرها جلسه گرفتند و خواهرها هم به یک نسبتی استقبال کردند، تا حدودی
استقبال کردند که این کار انجام بدهند. نمونه اش هم، اولاً یک مقاله انتخاب
کردند؛ حالا این مقاله البته نیست این متن میزگرد است.
آقای حسینی: بله، این مثل اینکه از این کتاب باشد، بله؟
آقای رضوی: بله از متین است، بله از همین است، خانم نجابت پیشنهاد دادند.
استاد حسینی: خب.

آقای رضوی: به ما هم گفتند من گفتم متنش خیلی مهم نیست، محتوا و چیزش،
مهم این است که الان می‌خواهم کار لغت اصطلاح و سطوح یا دستوری روی آن

انجام بدهیم، بعد بد هم نیست، اصطلاحاتی در آن هست، لغت‌هایی هست، افراد مختلف هم در این میزگرد بودند.

آقای حسینی: نه، خوب است.

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: خب آن وقت شما خودتان یک کار دیگری را باید انجام بدهید وقتی که یک چنین چیزی می‌گویید، و آن این است که منابعی که بتوانند این لغت‌هایش را خوب بخوانند،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: یعنی زمینه‌های تحقیقات.

آقای رضوی: ما هم البته یک چیز هم شنیده بودیم که بعضی خواهرها، خب مراکز تحقیقاتی مشغول کار هستند یا...

آقای حسینی: بله، آن وقت ضریب اینها...

آقای رضوی: ... حتی لیسانس ادبیات یا لیسانس فلسفه دارند ما گفتیم خیلی...؛ برای خودمان خیلی ساده بود،

آقای حسینی: خب.

آقای رضوی: گفتیم که برای ما روشن است منابع، ...

آقای حسینی: نه، آن وقت منابع، زمینه، این چیزهایی را که عرض می‌کنم. لغت، اینها یک محتوایی دارد،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: هرچند محتوای برای ما نیست،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: آنها یک منبع‌هایی دارد،

آقای رضوی: بله.

جلسه ششم ۷

آقای حسینی: درست است که شما امتحانی که می گیرید، یعنی تستی که می کنید فقط روی لغت می گذارید دوره اول کارتان را،

آقای رضوی: بله، همین طور است.

آقای حسینی: ولیکن حتماً در خاطرتان باشد که اگر کسی هم وقت خواست بگذارد به دست بیاورد که این پشتش چه چیزی در نظرش است،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: بتواند پیدا کند،

آقای رضوی: این را عرض کردیم خدمتشان وقتی که...

آقای حسینی: و تشویق هم بکنید، بگویید که یک وقتی است که فقط لغت را نگاه می کنید، یک وقت به کار گیری لغت در بیان یک مطلب،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: این معنای این است که ادبیات را در یک سطح بالاتری می فهمید. آن بعدهای خیلی دور باید به کار گیری لغت در مفهوم، در انگیزه اجتماعی را بتوانند پیدا کنند؛ یعنی مهمترین کار یک نفر در مناظره این است که آیا حریف او با این جمله می خواهد چه احساساتی را در جامعه به نفع خودش و بر علیه طرف مقابل تحریک کند،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: هر چند از نظر موضع گیری سیاسی ساده، مدیریت می گوید: تحقیر روانی نکن، این طوری نکن، می گوید که کنترل می کنم،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: برخورد را برخورد فکری بکنید. ولی کنه کار فکری این است که بتواند حساسیت اجتماعی را به نفع خودش تحریک کند؛ یعنی به عبارت دیگر طرف خودش را در بحث منزوی کند، ظالم بکند، و خودش را طرفدار مظلوم بکند.

این مهم ترین کار یک نفر در مناظره هست.

آقای رضوی: یعنی نازل ترین سطحش می فرماید از داخل لغت باید بفهمد.

آقای حسینی: از داخل لغت باید یک ...

آقای رضوی: لغتهایی که به کار می گیریم.

آقای حسینی: لغت را اول خود لغت را می شناسد، معنایش چه چیزی است، نوشته: اشاره آنچه در پی می آید متن میزگرد چالش ها. چالش ها را ممکن است خیلی ها ندانند. یا یک کسی مثلاً نظری را نداند؛ این - به اصطلاح - همین طوری جمله ها را بتواند دور آن را خط بکشد برود رجوع بکند به کتاب لغت معنی، حالا پشت یک صفحه ای شروع کند بنویسد چالش یعنی، آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: لغت معنی بکند اینکه تا آخر. از آن یک قدم دقیق تر این است که بتواند این را در دایره المعارف پیدا بکند.

آقای رضوی: یعنی کار اصطلاحی را بیاورد. حالا آن را...

آقای حسینی: بله. شما زمینه ی مطالعاتی، اگر برای کسانی که این کار را می خواهند بکنند از نظر کتابخانه تأمین بکنید، ولی کارشان نداشته باشید که چگونه انجام می دهند،

آقای رضوی: این را حاج آقا!...

آقای حسینی: مثلاً کتابخانه دفتر هست الان پایین، فرهنگ معین دارد،

آقای رضوی: دهخدا دارد، بله.

آقای حسینی: مصاحب دارد، دهخدا دارد، فرضاً یک فرهنگ علوم سیاسی هم به آن اضافه می کنید، ...

آقای رضوی: یک چند تا فرهنگ دیگر هم دارد، تخصصی هست،

آقای حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: منتها بعضی هایش قدیمی است برای مثلاً ۲۰ سال، ۳۰ سال پیش است.

آقای حسینی: یک چیزهایی را اخیراً این ادبیاتی ها آمدند درست کردند ، که مثلاً...؛ مسلماً مطلع هستید،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: که یک لغت‌هایی را آمدند تنظیم کردند.

آقای رضوی: لغت‌های جدیدی را.

آقای حسینی: لغت‌های جدید را.

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: اینها را - به اصطلاح - که قاعدتاً امثال کدیور و اینها از اینها استفاده می کنند .

آقای رضوی: درست است، همین طور است. این را خدمت خواهرها، خدمت خانم صدوق عرض کردیم که...

آقای حسینی: آن وقت اینجا کسی نبرد کتاب را،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: مگر اینکه رویش یک انضباط خیلی دقیقی باشد،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: والا کسی نبرد، ولی جای مطالعه باشد،

آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: خواهرها خواستند بیایند در روزهایی که درس نیست بنشینند مطالعه بکنند کتاب‌ها را.

آقای رضوی: بله، حداقلش کاری که من خودم توانستم بکنم قبل از اینکه اینطور بشود این فرهنگ عمید را ، دو جلدی اش را ، نه فرهنگ کوچکش را،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: فرهنگ عمیدش را گذاشتم در اتاق آموزش، گفتم خواهرها هر کدام می خواهند بیایند استفاده کنند، در عین حال پیشنهاد دادم خواهرها می توانند عضو احیاناً کتابخانه های مساجد محله شان بشوند. الان بعضی کتابخانه های مساجد مجهز شده به کتابهای عمومی مثل این حداقلش لغت نامه، فرهنگ لغت، یا فرهنگ استناد؛ یا عضو امانی دفتر تبلیغات بشوند، کتابخانه دفتر تبلیغات بخش خواهرها بشوند.

آقای حسینی: که آن باید قاعدتاً معضل داشته باشند.

آقای رضوی: بله! آن مفصل است؛ یعنی کتابخانه دفتر تبلیغات چون که اطلاع دارند مراکز علمی فرهنگی، آخرین چاپ هایشان را هم برایشان می فرستند، نشریات و مجلات و کتاب های شان را برایشان می فرستند، یا خود دفتر تبلیغات یک بودجه ای دارد که آخرین نشریات و مجلات و کتاب ها را و فرهنگ نامه ها را تهیه می کنند.

آقای حسینی: خب آن وقت یک چیز دیگر، حالا خواهرها گروهی که مدیر اینها هستند - مثلاً فرض کنید،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: که حالا خانم صدوق یا فرضاً دو نفر، سه نفر، اینها یک نحوه کمک رسانی به اعضاء،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: یعنی مثلاً می گویم اینجا روزی یک ساعت باشند که اعضاء هم بدانند، بتوانند بیایند بنشینند با ایشان حرف بزنند، ولو صحبت معمولی،

آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: درباره - به اصطلاح - مناظره، حالا چه از اینکه بیایند یک لغتی

پیدا کنند، چه بنشینند حرف درباره اش بزنند؛ یعنی ذهن مشغول باشد، مباحثه بکنند.
آقای رضوی: بله، همین طور است.

آقای حسینی: یعنی مشغولیت ذهنی یک تدریجی درست بشود. ببینید هر چیزی که در خارج واقع می شود مرتبه قبلش باید در ذهن تمام شده باشد، رفتار عینی قبلش رفتار نظری ذهنی است، قبل تر آن حالت روحی است. قبل از اینکه طرح یک چیز درست بشود و تمام بشود، به وسیله ی خطورات ذهنی میل تشدید پیدا می کند. اینها بیایند همین الکی حرف بزنند، الکی که می گویم یعنی موضوع حفظ بشود ها! ننشینند یک حرف های دیگر بزنند،
آقای رضوی: بله، در موضوع لغت.

آقای حسینی: درباره این حالا موضوع مناظره ، حرفش را بزنند، روزی یک ساعت یک نفر باشد توجیه - به اصطلاح - بکند، او اشکال بگیرد، حالا اگر این طوری شد این جواب داده بشود فلان، اینها که ذهن مرتباً تمرین مناظره و برخورد را داشته باشد.

آقای رضوی: درست است. بله، ببینید البته قائل به سطح بندی اش هم که هستید خود موضوع را،
آقای حسینی: حتماً!

آقای رضوی: الان موضوع ما مناظره است، اما یک سطح اولش لغت هست،
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: نروند در اصطلاح و دستور زبان و نمی دانم منطق صوری.
آقای حسینی: ابد! ابد! ولی در اصل مناظره عیبی ندارد مخالفتی بکنند؛ یعنی بین خودشان یک مناظره سطح خیلی ساده ای درست می کنید،
آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: که این احساس موضع داشته باشد، برخورد بکند،

آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: بعد فردا یادش بیاید که فلان چیز را نگفتند، گفتند، اینطوری گفت،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: یعنی یک تمرین های خیلی ابتدایی بکنند.

آقای رضوی: درست است. ما جلسه گذشته هم تقریباً همین طور برگزار شده بود. من خودمان هم از قصد حضور پیدا نکردیم برای برای اینکه خواهرها از آن حالت که ما مرد هستیم، آنها خانم هستند، از حالت خشکی و رسمی در بیاید، اینها جمع شان جمع خودمانی که بشود مناظره شکل می گیرد.

آقای حسینی: آن وقت پشت سرش یک چیز دیگری را هم بگویید،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: که در عین حال یک چیزی، یک دورنمای روشن و درشتی را هم جلوی چشم شان بگذارند.

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: یعنی چه؟ یعنی بگویند که الان در دنیا یک عده ای علیه آن چیزهایی را که ما معتقدیم حرف می زنند، این الان خوب هایش هست که این حرف ها را میزنند ها!

آقای رضوی: بله. همین طور است.

آقای حسینی: اینها یک، هستند؛ دو، در بین خداپرست ها مسلمان هستند؛ سوم، قائل به امامت دوازده امام هستند، شیعه هستند، شما در دنیایی زندگی می کنید خیلی ها این صفات را ندارند،

آقای رضوی: بله، همین طور است.

آقای حسینی: بعد از این سومی که شیعه هستند، چهارم: اینها - به اصطلاح -

نوع‌شان جزء کسانی هستند که به هر حال به امام خمینی به گونه ای احترام می‌گذارند،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: اینها جزء مخالفینی که پاشنه کشیده باشند، مقابل امام نیستند، اینجا فقط آقا شیخ مهدی حائری از نظر علمی موضع دارد برابر حرف امام، ...

آقای رضوی: آقای کدیور هم به یک نسبت الان دیگر دارند.

آقای حسینی: نه اینکه باز روی او بیاید بگویند که امام بی ربط گفت.

آقای رضوی: نه، می‌گوییم به هر حال...؛ بله.

آقای حسینی: یک مقداری احترام می‌گذارد، به عنوان یک شخصیت مصلح

می‌شناسد ایشان را، ولی...

آقای س: آمریکا...

آقای رضوی: یعنی برداشتهایی که از انقلاب امام دارد با برداشتهای بعضی

های دیگر تفاوت دارد.

آقای حسینی: تفاوت دارد، خیلی‌ها از آنها مخالفند؛ یعنی چه؟ یعنی مثلاً عرض

می‌کنم - به حضورتان که عرض کنم که - خیلی‌ها هستند که ضدند، کاملاً ضدند.

آقای رضوی: بله، همین طور است.

آقای حسینی: خب این را باید - به اصطلاح - مثلاً وقتی می‌گویند «اسرار هزار

ساله را نوشته از مثلاً کلینی تا خمینی»، خواسته همه علماء را رد بکند،

آقای رضوی: بله، همین طور است.

آقای حسینی: در حالی که چنین چیزی را نمی‌شود آدم نسبت بدهد به کدیور.

آقای رضوی: بله، بله.

آقای حسینی: کدیور نمی‌خواهد - به اصطلاح - علماء شیعه را رد کند. طرف

های مناظره اینطوری نیست که همیشه - به اصطلاح - با احترام با آدم برخورد بکنند.

- به اصطلاح - نمی شود هیچ بگویی مؤمن بر غیر [؟] نزنند. خب بله دیگر! این - به حضورتان که عرض کنم که - آن طرف ها طرف هایی هستند که این یک مرتبه می گوید خدا این طوری گفته، می گوید حالا اصلش یعنی چه خدا گفته؟! این نباید طرف دست پاچه بشود بگوید عجب! پس تو خدا را نمی خواهی؟!

آقای رضوی: این در جلسه هم همین را گفتم، خواهرها گفتند حتی این مطلب مخالفت کرده بودند، بعضی شان، گفتند ما اصلا می ترسیم مطلب بخوانیم، لغت ها، و اصطلاحات و چیست و با اینکه لیسانس فلسفه هم هستند، چطور یک دفعه ما جذب اینها بشویم [خنده استاد] به عنوان کتب ضاله گفتم این حرف مفت است، چرا برویم سراغ این؟! برویم سراغ متون شهید مطهری.

آقای حسینی: مناظره برای مقابله ی با چه کسی هست؟ کتب ضاله، آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: خواندن کتب ضاله هم جایز نیست ، مگر برای کسی که بخواهد چه کار کند؟

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: ردش کند.

آقای رضوی: همین را برای شان، خدمت شان عرض کردیم، گفتیم بله! کتب ضاله برای خواندن حرام است، آقای حسینی: بله.

آقای رضوی: اما برای رد کردن، ما نمی خواهیم بخوانیم ، می خواهیم رد کنیم ، انتقاد کنیم، آقای حسینی: بله.

آقای رضوی: اگر این را برای شان بگوئید - انشاء الله - مشتاق می شوند.

آقای حسینی: آن وقت به قول این آقای نهانندیان می گفت باید شمری هم ، هم

حمله بکنند، هم منتظر باشند به آنها حمله بشود، نازک نارنجی نباشند،
آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: هر گونه برخورد تحقیر آمیز روحی، یا ذهنی، در جلسه آمادگیاش
را داشته باشند، دست پاچه نشوند،
آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: و بدانند که خب باید پشت یک قضیه سخت بایستند دیگر!
آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: بله، این حالا اگر دفعه اش هم آدم شکست خورد وقتی داخل
جمع خودمانی هست، عیبی ندارد،
آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: این طوری نباشد که بگویند که اگر یک دفعه شکست خوردیم
بگوییم ما نمی آییم برای مناظر! بیایند برای اینکه دعوا کردن فکری را یاد بگیرند
ان شا الله -

آقای رضوی: - ان شاء الله تعالی - حالا حاج آقا در همین سطح لغت معنی هم این
هم باز یک سوالی بود که می گفتند اگر بخواهی لغت - معنی را کار کنیم خیلی
زیاد وقت می برد! یعنی در ذهن شان رسیده بود که ما می خواهیم کاری که روی
لغت - معنی بکنیم برویم تمام متون مخالفین را بیاوریم و کار لغت - معنی روی آن
بکنیم. ولی ما عرض کردیم که می خواهیم نه! این کاری که الان دارید می کنید
تک تک لغت ها را کار پرورشی هست، ما ها می خواهیم قدرت پیدا کنیم که هر
متن، هر سخنرانی روبرو شدید بدانید با آن چه کار بکنید، فرار نکنید از آن،
آقای حسینی: درست است.

آقای رضوی: این کار پرورشی است برای اینکه مسلط بشوید. همین.

آقای حسینی: حالا یک سؤالی من پرسم. این را دادید به اینها چند صفحه است

کلش؟

آقای رضوی: ۲۲ صفحه هست حاج آقا! با یک صفحه اش می شود ۲۲ صفحه.
آقای حسینی: خب، این ۲۲ صفحه را اینها می روند لغت - معنی می کنند
برای تان،
آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: بعد دوباره یک ۲۲ صفحه دیگر می دهید به آنها یا همین را
دوباره می گوید رویش کار کنید؟
آقای رضوی: همان فرمایشی که حضرت عالی داشتید من فکر کردم روی آن،
همین متن بهتر هست، که اصطلاح هم روی همین کار کنند، منطق صوری هم روی
همین کار کنند، مجموعه نگر هم روی همین کار کنند تا مسلط بشوند.
آقای حسینی: خب، این سه - چهار تا کار را روی این انجام می دهید اسمش می
گذارید دوره اول کارشان؛ یعنی بالاجمال بلد می شوند،
آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: ولی یک مقاله، دو مقاله، سه مقاله را دوباره کل این سیکل را
حرکت می کنید تا برایشان خیلی سریع بشود؛ یعنی دیگر این طوری نیست که اینها
هم لغت؛ اینها حداکثر لغاتی را که داشته باشند مثلاً ۳۰۰ - ۴۰۰ لغت هم داشته
باشند، گمان نمی کنم بیشتر از ۴۰۰ تا لغت داشته باشند.

آقای رضوی: همین متن منظورتان هست یا؟ ...

آقای حسینی: نه، کل این متنی را که اینها به آن دارند و بازی می کنند.
آقای رضوی: درست است، بله.

آقای حسینی: ۳۰۰ - ۴۰۰ تا واژه گمان نمی کنم بیشتر داشته باشند. اینها مثلاً در
این ممکن است ۲۰ تا آن آمده باشد، ۳۰ تا آن آمده باشد، در یک مقاله دیگر
هم ۲۰ تا ۳۰ تا آن، این هر چه مرتباً کار می کنند مرتباً - به اصطلاح - برای

خودشان هم هر خواهری،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک لغت نامه خودش درست بکند، همیشه رجوع نکند؛ یعنی -

مثلاً عرض می کنم - یک دفتری را بگیرند الف ، ب تا آخر.

آقای رضوی: هست اصلاً الف، دفتر الف، ب ، جیم هست.

آقای حسینی: دفتر الفبا بگیرند همه لغت ها را که مورد ابتلای شان هست

بنویسند، با آدرسی که دارد که احیاناً اگر مجدداً خواستند رجوع کنند. خوب آرام

آرام یاد بگیرند که برای خودشان فیش درست کنند؛ یعنی به اصطلاح که می رسد

فیش درست کنند.

آقای رضوی: یعنی آدرس تعریف اصطلاح را هم بنویسند، متنی هم که اصطلاح

را از آن دنبالش بودند بنویسند،

آقای حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: دو تا آدرس داشته باشند.

آقای حسینی: بله زنده باد! بعد آرام آرام قاعده منطقی را هم برای شان باید نظام

مند بکنید؛ یعنی اینها خوب زود تشخیص بدهند که اینجا برهان بود، اینجا مغالطه

بود، انواع مغالطه، اینجا مغالطه ی وجه و کنه، یعنی یک جهت را گرفته بود و

تعریف ذات را به همان یک وجه، جهت می کرد، یا بالعکسش،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: ذات را گرفته بود و می خواست منحصرش کند در یک جهت

خاص، آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: تا برسد به - به اصطلاح - اینجا تعمیم داده بود، اینجا آمده استفاده

از چه قسمتی کرده، یاد بگیرند و مسلط بشوند.

آقای رضوی: بله، الان به منابع همین که می فرمایید، در منطق صوری جلوتر

خودم یک مطالعه کردم، هم آموزش منطق آقای غرویان، هم رهبر فرد، هم منطق صوری آقای خونساری که برای دانشگاه هست، رهبر خرد هم محل رجوع هست، صناعات خمس را مراجعه کردند، - ان شاء الله - بعد در این ساعت‌ها کار کنند آنها را هم شروع می‌کنیم،

آقای حسینی: خب، ...

آقای رضوی: قبلش باید خودم هم یک مقدار کار کنم حاج آقا،

آقای حسینی: خوب است.

آقای رضوی: خودم هم کار کنم با یک نفر از دوستانی که وارد هستند، که جلوتر از خواهران باشیم،

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: برای اینکه ما می‌خواهیم مطلب را حالا...

آقای حسینی: آن وقت اینکه این - به اصطلاح - اینجا نوع کارهایی که انقلابی‌ها می‌کنند، استفاده از مفاهیم شعری می‌کنند، یعنی توهّمات را می‌آیند تحریک می‌کنند، این کار را گاهی می‌شود ظاهرش را با برهان انجام داد، و این کار خیلی مهم است؛ یعنی من درست است که مفرداتم برهانی است ولی آرایش برهان‌ها شعری است. و باید کسی که در مناظره هست خوب تشخیص بدهد که این قسمت، تکه تکه‌هایی را که آورده برهان آورده، سندش هم سند شخصیت‌های قوی آورده، ولیکن ربطی که بین اینها دارد می‌دهد این ربط، ربط منطقی نیست. حالا اینها را دیگر بعداً من تدریجاً هم به عرض شما می‌رسانم که چگونه انجام می‌شود.

آقای رضوی: حاج آقا می‌شود من خدمت تان هستم ولی...

آقای حسینی: روحیه‌ی مناظره را از تمرین‌های بسیار ساده بحث کردن سر اینکه مناظره لازم هست، لازم نیست، نمی‌دانم این چیز لازم هست، لازم نیست، بحث کردن،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: این را در آنها ایجاد بشود.

آقای رضوی: درست است، یعنی به کرات و به بهانه های مختلف...

آقای حسینی: یعنی مرتباً گفتگو داشته باشند.

آقای رضوی: در جلسات مختلف به بهانه های مختلف این کار را یک جزئی از مناظره بدانند.

آقای حسینی: بله احسنت! مثل مثلاً - بلا نسبتشان - مثل قمار بازی که هر جا می رسد بساطی پهن می کند می خواهد بازی شروع کند، تا قمار باز حرفه ای بشود خیلی راه هست،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: استعلاء، برتری جویی است که «مراء» می شود،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: و جدال می شود، ناحقش بسیار بد است، ولی اگر تمرین باشد برای طرفداری از حق و مناظره با باطل، یعنی جدال با باطل، باید بتوانید آن را تبدیلس بکنید «و جادلهم بالتی هی احسن»،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: مجادله «بالتی هی احسن» باید بشود،

آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: این مجادله «بالتی هی احسن» - انشاء الله تعالی - باید اینها مثل این بازی فوتبالی که فوتبالیست ها مثلاً می دوند برنده می شود و اینها،

آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: اینها باید طوری بشود که تحرک ذهنی شان به حدی سرعت داشته باشد،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: «سرعت انتقال، دقت در گزینش،

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: انضباط در برخورد داشته باشد که ورزش کار این مطلب بشوند -

انشاءالله تعالی -

آقای رضوی: - انشا الله تعالی - اینها..

آقای حسینی: خب طبیعتاً یک چیز دیگر را هم فراموش نکنید که،

آقای رضوی: اینها چیزهایی است که ...

آقای حسینی: آن را هم توصیه کنید که این کار را حتماً مسأله تقوای نسبت به آن را رعایت بکنند؛ یعنی از خدا بخواهند که هرگز در خانه برای اینکه شوهرشان نسبت به یک چیز قانع کنند، بچه شان را نسبت به یک چیز قانع کنند، معامله ای می خواهند بکنند با کسی، یعنی به نفع خودشان هرگز کار نکنند؛ یعنی این را معاهده داشته باشند با خدای متعال اینکه خدایا! ما این قدرتی را که از تو می خواهیم و تمرین می کنیم و از تو کمک می خواهیم این قدرت، قدرت را می خواهم برای مقابله ی با کفر، نمی خواهم برای نفع شخصی و - به اصطلاح - خلاف انشاءالله تعالی - امیدواریم که...

آقای رضوی: - انشاءالله -

آقای حسینی: ... مواظبت و مراقبت هم داشته باشند.

آقای رضوی: - انشاء الله - حاج آقا این لغت هم که الان در این سطح الان فعلاً قرار شده روی این کار لغتی بکنند، این لغتی هم منابعش خب یک منابعی هست، فرهنگ عمید هست، بعضی ها خودشان روی این بحث می کنند، می گویند فرهنگ عمید قدیمی است یا بعضی اصطلاحات هست در فرهنگ عمید نیست، مثلاً در دو جلدی، اگر هم هست مثلاً یک معنی جدیدی پیدا کرده که اینها به کار

بردند، ولی در فرهنگ عمید به یک معنای قبلی بوده، اینها هم لازم هست که در همه ابعادش پی گیری و اینها بشود، مثلاً فرهنگستان زبان آخرین اصطلاحات را.

آقای حسینی: هر چه بتوانید منبع تهیه کنید که برای فرهنگستان باشد، آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: آن وقت بردن از اینجا بیرون نباشد، برای کار مناظره تان لازم دارید.

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: علاوه بر این برای یک کار دیگری، بالاتری هم ما کتاب لغت همیشه لازم داریم.

آقای رضوی: بله.

آقای حسینی: ما حداقلی که حرفی را که می زنیم به زبان فارسی است، حالا بگوییم ما ترجمه نمی کنیم به انگلیسی، ترجمه نمی کنیم به عربی، ولی از نظر زبان فارسی که دیگر باید غنی باشیم.

آقای رضوی: یعنی مسلط به لغت و لغت سازی و ترکیباتی که در لغت فارسی به کار می رود.

آقای حسینی: بله احسنت!

آقای رضوی: اما در فرهنگ عمید بعضی ترکیبات نیامده، علتش مثلاً این هست که درست کردند...

آقای حسینی: الان اینها سه تا، در کتاب...

آقای رضوی: ...مثلاً این میزگرد همین کلمه ی اول، این میزگرد در فرهنگ عمید نیست، در دو جلدی اش حداقل،

آقای حسینی: خب، یک سؤال دیگری من دارم،...

آقای رضوی: این به خاطر این است که ترکیب است. ترکیب ممکن است یک

قاعده ای باشد در لغت‌سازی، می‌گویند که شما می‌توانید از کلمات این ترکیب درست بکنی، هر چند در فرهنگ عمید نیامده باشد، معنی اش هم نداده باشد درست است به کار ببریم، یا مثلاً بعضی کلمات که اصلاً نیامده مثل معنی هلی کوپتر که بعد از انقلاب، همین اخیراً فرهنگستان زبان به جایش گفتند چرخ بال مثلاً.

آقای حسینی: چه چیزی؟

آقای رضوی: چرخ بال ظاهراً به جای هلی کوپتر.

آقای حسینی: چرخ بال.

آقای رضوی: احتمالاً این طور باشد.

آقای محسنی: به کار هم می‌برند در اخبار هلی کوپتر دیگر به کار نمی‌برند.

آقای رضوی: حتی در برنامه ی کودک، ...

آقای حسینی: می‌گویند چرخ بال؟

آقای محسنی: می‌گویند چرخ بال، بله.

آقای رضوی: حتی در برنامه ی کودک هم این ترجمه ی فیلم های خارجی را

هلی کوپتر نمی‌گویند، می‌گویند چرخ بال مثلاً.

آقای محسنی: مثلاً همین کامپیوتر، رایانه که می‌گویند رایانه را به کار می‌برند.

یا سوبسید را یارانه که می‌گویند، الان در همه ی اخبار حتی روزنامه ها یارانه به کار می‌برند.

آقای رضوی: کوپن را مثلاً می‌گویند کالا برگ، دیگر کوپن قدغن است از

لحاظ فرهنگستان زبان، بیشترین سهم تأثیر هم در راه افتادنش رسانه ها، صدا و سیما

و روزنامه ها دارد، زود هم در محافل علمی، البته اینها لغت‌های عامیانه و عمومی هستند. اما لغت های دیگر...

آقای حسینی: اصطلاحی.

آقای رضوی: بله، اصطلاحی؛ یعنی اینها خانم ها باید کاملاً مسلط بشوند.

استاد حسینی: بله حتماً؛ یعنی لغت نباید وقتی به کار می برد طرف، آدم کند بشود. نکته ای است. در مناظره کند شدن، یعنی بگردد برای اینکه معنایش را بفهمد، این خیلی بد است. باید سرعت در اینکه بفهمد طرف چه چیزی گفت، آخر کار [؟] آخر کار باید...؛ باید آخر کار این طور باشد که تا آن لغت را به کار می برد این بلا فاصله بداند این می خواهد چه انگیزه ای را تحریک کند [...] یعنی در بن بست هایش چگونه حل می کند. بله ، - به حضورتان که عرض کنم که -

آقای رضوی: یعنی ایشان شعر نمی گوید؛ یعنی غزل نمی گوید ولی نثر مسجع می گوید. نثر مسجع مثل نثرهای سعدی،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: نثر مسجع هم چه بسا موقعی که به خصوص علمی بخواهند صحبت کنند نثر مسجع اثرش،

استاد حسینی: زیاد است.

آقای رضوی: زیاد است، الان شعر در یک محفل علمی شعر بگویند اثر علمی ندارد

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: اما اگر نثر مسجع بگویند هم علمی است؛ چون که حالت نثر هم دارد، در عین حال تحریک احساسات هم هست، همین طور کلمات را پشت سر هم ردیف می کند.

آقای حسینی: خب حالا - ان شاء الله تعالی - پس بنابراین شما در عین حال یک تحلیل گزارش از وضع پرورشی - به اصطلاح - گروهی تان هم داشته باشید حتماً، یادداشت هم بکنید،

آقای رضوی: باشد چشم.

آقای حسینی: یعنی بتوانید تدریجاً قاعده مند کنید ، مثلاً می گویم امروز جلسه

ی اول این طوری شده، این شد، این شد. یک صحبتی با بنده دارید به عنوان مشاوره، یک صحبتی دارید در ارائه کردنش به همکاران تان، یک تحقیق های جانبی روی لغت و امثالش، یعنی از ادبیات گرفته تا نظم دادن به در حقیقت علائم، تا نظم دادن به مفاهیم، تا نظم دادن به حالات،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: که دعوای دو تا نظم هم هست دیگر در مناظره،

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: - به حضورتان که عرض کنم که - موضوع نظم دادن هم بهترین وضعش این است که هم بتوانید طرف خطاب خودتان را تنظیم کنید، هم بتوانید از طریق طرف خطاب بینندگان مناظره تان را موضوع تان باشد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و در پایان باید موضوع اصلی تان این باشد که تأخیر اجتماعی اش اول چقدر است، بعد تأثیر فردی آن مشخص کنید در و مقابل،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: آن وقت این باید سیری را که دارید، روندی را که دارید دارید کار می کنید مرتباً از داخل آن شاخصه در بیاورید، محور در بیاورید، تنظیم بکنید، وسیله تشخیص محورها،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: تنظیم، باید انجام بگیرد، تا شما دور دومی که بخواهید نفر برای مناظره تربیت بکنید. یک اندوخته های مشخص و منظمی داشته باشید؛ یعنی کارتان پرورش - به اصطلاح - تیم مناظره باشد.

آقای رضوی: درست است؛ یعنی الان این کار لغتی که انجام می دهند می آورند و آن کارهایی که در کنارش هست، برای خودشان مثلاً دفتر لغت درست می کنند،

و بعداً روی آن مراحل بعدی آن کار می کنند این خودش محصولش می شود
مناظره، یعنی محصولش می شود...

استاد حسینی: پرورش.

آقای رضوی: پرورش یافته ای برای مناظره.

استاد حسینی: بله، یعنی شما دارید یک برنامه پرورشی را در عمل تولید
می کنید.

آقای رضوی: درست است.

آقای حسینی: و بعد هم مرتباً نقضش را جبران می کنید - مثلاً عرض می کنیم -
اینها یک دور می آیند این را تا منطقتش می رسانند، حتی جوابش هم شما می دهید
، بعد دوباره برگردید دور اول ، برمی گردید دور اول یک مقاله ی دیگر را دوباره
آغاز می کنید.

آقای رضوی: درست است؛ یعنی در واقع یک دوره که این را تمام کنند، یک
دوره از مناظره هم تمام شده.

استاد حسینی: یک دور اول ابتدائی اش.

آقای رضوی: ابتدائی اش تمام شده،

استاد حسینی: اگر شما

آقای رضوی: در این یک شاخصه های عمومی و اینها در می آورند.

استاد حسینی: بله احسنت! اگر این را مثلاً ۷-۸ دور...؛ مثل بازی فوتبال،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: اول با بازی ، با محله، با این محله شروع می کنند، بعد کم کم با
محله های دیگر بازی می کنند، بعد در یک شهر می توانند بازی بکنند.

آقای رضوی: منتها اینجا یک مشکلی که الان دارد این هست که قواعدش در
نیامده، فوتبال قواعدش درآمده بعد آمده در محله های ما، ما این را می خواهیم

قواعدش را هم در بیاوریم.

استاد حسینی: نه، آن را هم این را قبول کنید که هزاران هزار سال چوگان بازی می کردند، قواعدی هم اولش نداشته، بعد یک عده ای نشستند آرام آرام با قاعده اش کردند،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: خب شما اول کار این سیر پرورشی را برای مناظره را انجام می دهید آن وقت بعد مرتباً بهینه اش می کنید،

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: - فرض بکنید - اینها ۴۰۰ تا لغت دارند که با آن در همه بحث های شان کار می کنند،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: که از آن جمله های مختلف، ترکیب و...؛ این ۴۰۰ تا باید در دست اینها واقعاً مثل فوتبال بشود؛ یعنی بدانند همین که لغت را به کار می برد، این در یک ترکیب می آورد را می خواهد چه کار بکند.

آقای رضوی: بله؛ یعنی تا قبل از اینکه جمله و استدلالش را تمام کند از به کار گیری لغت او پی به انگیزه اش ببرد.

استاد حسینی: بله، پی ببرد که این حالا می خواهد، [...]؛ بنده و جناب عالی همین که یک نفر شروع کرد صحبت کردن درباره معقوله های فلسفی، دومین کلمه ایی را که بگوید من می فهمم که این می خواهد زبان را ابزار بکند برای پیدایش اندیشه. انتهای خطش بخواهد ابزار بین انسان و جهان را، یعنی ابزار کار را، تولید را می خواهد اصل قرار بدهد برای پیدایش اخلاق و دین، فوراً من موضع خودم را می گیرم، او هنوز دارد توضیح می دهد. خیلی بد است در مناظره، استاد رضوی: بعد از اینکه توضیح داد،

استاد حسینی: که بنده بنشینم میخ بزنم که ایشان برود تا - به اصطلاح - استدلالش را بگوید، بعد هم یک خورده گیج هم بشوم، گیج بازی در بیاورم بگویم حالا غرض تان چه چیزی بود؟
آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: حالا بفهمم [خنده استاد] بفهمم ایشان می خواهد بگوید که مقوله های فلسفی ساخته ی زبان است، زبان هم ساخته ی مثلاً احساس نیاز است، نیاز هم ساخته ی ابزار،
آقای رضوی: بله متوجه شدم.

استاد حسینی: آن وقت بعد بگوید اخلاق راندمان اینها هست.
آقای رضوی: یعنی شاید طرف هم - به فرمایش حضرت عالی - طرف از لحاظ مفهومی قدرت داشته باشد، ولی اگر این پرورش را پیدا نکرده باشد ضربه را می بیند، می خورد.

استاد حسینی: بله احسنت! برعکسش را خدمت تان عرض کنم. همین که در مناظره طرف می بیند همین که آمد شروع کرد شما فهمیدید تا ساکت شد فوراً حمله کردید به ریشه های او، او مات می شود جای اینکه شما مات بشوید.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: باید در این رفت و آمد، سرنخ را از دست طرف در بیاورید.
آقای رضوی: این طوری که شما می فرمایید حاج آقا! قدرت مفهومی بالا هم لازم نیست داشته.
استاد حسینی: حتماً.

آقای رضوی: نه! قدرت مفهومی بالا به این لحاظ که باید طرف اول فیلسوف باشد بعد بیاید در مناظره این طور نمی فهمد.
استاد حسینی: نه فیلسوف لازم نیست. شما باید لغت هایش، اینها ۴۰۰ تا لغت

هم خیلی بعید می دانم بیشتر داشته باشند.

آقای رضوی: یعنی مجموعه مخالفین.

استاد حسینی: بله، مجموعه مخالفین همه اش روی هم رفته ۳۰۰ - ۴۰۰ تا لغت

هم داشته باشند.

آقای رضوی: لغت را می فرمایید - ببخشید - برای اینکه خیلی مصداقی و جزیی

صحبت می کنم، مثلاً اینکه خود کلمه ی چالش، ...

استاد حسینی: حالا چالش هم مثلاً یک مطلب، حالا خود میزگرد هم بیاورید

مخلوط آن،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بگویید میزگرد، چالش، - به حضورتان که عرض کنم که -

انقلاب، مقوله ای بیرونی نیست، این یک واژه است.

آقای رضوی: انقلاب یک مقوله ای بیرونی.

استاد حسینی: مقوله ای بیرونی بوده یا بیرونی نبوده؛ انقلاب چگونه می تواند

مقوله اضافه...؛ انقلاب [...] هست، انقلاب، ...

آقای رضوی: یعنی خود به خود در لغت که بررسی می کنند به اصطلاحات هم

باید توجه کنند.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: من منظورم این بود که بریده اش کنیم سطح را؟

استاد حسینی: این یک سطحش باید خود لغت تنها باشد،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک سطحش باید ترکیباتی که درست می کنید جمله می سازید.

آقای رضوی: سطح اول که قرار نیست به ترکیبات پردازد.

استاد حسینی: نه.

آقای رضوی: این مثال را در مورد سطح دوم فرمودید.

استاد حسینی: سطح دوم بله، بله.

آقای رضوی: بله، مقوله بیرونی یعنی.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: بعد حتماً بعد از ترکیباتی که اصطلاح می سازد وارد جملات و اینها باید بشویم که حالا...

استاد حسینی: بله، شما بفرمایید.

آقای رضوی: یعنی می گویم که این طور که شما فرمودید خودشان قاعده هست حاج آقا! اینکه این اول سراغ کلمات می رویم،

استاد حسینی: اول سراغ مفردات.

آقای رضوی: بعد سراغ ترکیب کلمات،...

استاد سینی: در حقیقت مفردات، اول

آقای رضوی: بعد سراغ ترکیب کلمات.

استاد حسینی: بعد ترکیب می روید، آن وقت در ترکیب هم - در حقیقت - به

گونه ای دیگر اصطلاح یک متفکر می شود،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و هر چند نتوانسته اصطلاحش را، یا نخواسته، اصطلاح تبدیل

شدنش به یک کلمه هست، که اگر طرف نخواهد اصطلاح بگوید، بخواد به زبان

عمومی بگوید ترکیب می آورد.

آقای رضوی: بله، اینها قواعدی است، که باید در عمل به دست بیاید.

استاد حسینی: - ان شاء الله - .

آقای رضوی: - ان شاء الله - .

استاد حسینی: حالا امیدواریم - ان شاء الله تعالی - بعد آن هم طبیعتاً اعلام و

شخصیت‌هایی را که ایشان به کار برده، باید بشناسید، به صورت بیوگرافی خیلی کوچکش.

آقای رضوی: حاج آقا ببخشید! اعلام و شخصیت‌ها هم جزء سطح اول قرار می‌گیرد جزء لغت یا اینکه...؟

استاد حسینی: نه، جزء لغت نیست، جزء ترکیباتی که می‌آورید، مفهوم؛ آن وقت اعلام را باید بدانید که مثلاً این آیت الله بروجردی را اگر نام بردند یا صدرالمتهین به صورت خیلی ساده در چند سطر چیست، مثلاً صدرالمتهین نام یک چنین آدمی، یا لقب چنین آدمی، یا شهرت چنین آدمی، این آدم هم مثلاً این کتاب را داشته، عمده ترین نظریه، فیلسوف بوده، عمده ترین مطلبش هم این بوده، - به حضورتان که عرض کنم - این تمام می‌شود،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک بیوگرافی خیلی کوچک،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: که طرف مثلاً یک مرتبه نه [؟] در - به اصطلاح - مناظره بگوید حالا من چه می‌دانم صدرالمتهین کیست! خیلی بد است،
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اگر بخواهد هم مثلاً قبول نکند استناد به شخصیت‌ها را، باید بگوید ما در اینجا مثلاً به عنوان یک مقلد ولو نسبت به شخصیت بزرگی مثل صدرالمتهین مثلاً،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این خیلی فرق دارد.

آقای رضوی: الان مثلاً یک نفر هست ظاهراً توکویل هست، یک چنین چیزی، چندین بار گفتند.

استاد حسینی: بله؛ یعنی بشناسید که این کسی که...

آقای رضوی: یعنی اندیشمند، جامعه شناس است.

استاد حسینی: ...می شود زود ردش کرد، نمی شود، با چه احتیاجی، با چه

درجه ای باید به آن برخورد کرد. خدا - ان شاء الله - مؤیدتان کند.

آقای رضوی: - ان شاء الله - سلامت باشید، حاج آقا ببخشید.

استاد حسینی: برای ایام عاشورا شما می روید برای تبلیغ یا نه؟

آقای رضوی: حاج آقا پیگیری کردیم، هنوز موفق نشدیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۷
کد جلسه: ۳۳۹۵	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۲/۱۴
کد صوت: ۴۷۶۴	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۵۹۷۸

شناسنامه تدوین

پیاده:	خانم م. یکتایی
تایپ:	محمد فقیهی
تطبیق:	خانم ف. کریمی
تصحیح (۱):	علی فقیهی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	علیرضا شریعتی
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	علیرضا شریعتی
صفحه آرایی:	علیرضا شریعتی

جلسه هفتم

آقای رضوی: کاری که به خواهران داشتیم یک الی دو هفته‌ای فاصله افتاد بین کارها، اما خود خواهران روی سطح لغت یک مقدار کار کردند، کار عملی هم کردند، منتهی سوالاتی برایشان پیش آمده بود همزمان آیا می‌توانید کارها را انجام بدهند یا نه؟

حجت الاسلام و المسلمین حسینی الهاشمی: ۱ - همین کاری که می‌فرمائید انجام دادند روی لغت.

س: قبل از کار کردن روی اصطلاحات.

ج: حالا همین را اگر بناء بشود که شروع کنند، جمع‌آوری کردند، یعنی این خط کارشان را به اصطلاح خیال نکنند، فقط برای تمرین هست، برای تعمیم و تولید یک منبع باشد، یعنی به عبارت دیگر اینها حاصل کارشان این باشد که مثلاً عرض کنم یک لغت را براساس ۵ یا یک لغت‌نامه نوشتند همیشه جلوی چشم آنهاست، نفر دوم دیگر به لغت‌نامه داخلی خود گروه مناظره رجوع کند، سرش اینکه کلیه لغاتی که

در امور اجتماعی در این بخش که اینها کار می‌کنند، اینها جدا بشود از لغت‌های دیگری که طبیعتاً وقت گیریش خیلی بیشتر هست، تدریجاً هم مرتباً بهتر بشود، بهینه بشود، یعنی به عبارت دیگر بعدها بعد از مثلاً ۵ سال دیگر اینها بتوانند، ریشه تغییراتی را که لغت کرده است، چرا تغییر کرده است، در چه فلسفه‌ایی، چه جوری بکار گرفته می‌شود؟ اینها را هم بشناسند، یعنی یک کار تخصصی بعدها می‌شود. اولش فعلاً همین روی تولید به اصطلاح دائره المعارف مخصوص خودشان، اگر روی این کار بشود، یکی از خط‌هایش باشد، حالا لزوماً نمی‌خواهد که زیاد رویش عمیق بشوند، یک عده ده نفر روی این کار کردند آنچه بدست آوردند، ۱۰ نفر دوم که می‌آیند یک قدم این را جلوتر ببرند، بله بفهمائید.

س: یعنی آن ۱۰ نفر لغت‌های متن را در بیاورند، آن ۱۰ نفر روی همان لغت‌ها کار کنند؟

ج: دیگر ۱۰ نفر دوم که می‌آیند روی این کار می‌کنند، دیگر لغت دیگر نمی‌خواهد در بیاورند، شما دوباره همین مقاله را بعنوان جزوه اول می‌دهید به ده نفری که دوماه دیگر ثبت نام می‌کنند.

س: بله برای کسانی که بعداً می‌خواهند بیایند از لغت‌های اینها استفاده می‌کنند.
ج: از لغت‌نامه اینها استفاده می‌کنند خود اینها هم اگر یک حاشیه‌ایی نباشد بزنند، یک لغتی معلوم شد برایشان که این در مثلاً چهارتا فلسفه، چهار رقم به کار گرفته شده هست، می‌آیند روی آن پاورقی می‌زنند.

س: در لغتی که اینجا کار کردند لغت معنی هست هنوز سراغ دائره المعارف و اینها رفتند، در لغت معنی که یک لغت بعضی مواقع ۵ تا معنا یا کمتر یا بیشتر معنی دارد، سوال بود که معنای متفاوتی که دارد همه را بنویسند در این دائره المعارف و منبعی که تهیه می‌کنند؟

ج: در این بنویسند، آنوقت آن لغتی که تناسب بیشتر به کار به مناظره و اصطلاح

دارد، آن را علامت مشخص بزنند، یا در گیومه بگذارند، معلوم باشد.
س: متن هم را هم آدرس بدهند که این لغت را از کدام متن درآورند. غیر از آدرس فرهنگ لغت، آدرس خود متن را هم بدهند.

حجت الاسلام محسنی: بتدریج یک لغت نامه تخصصی پیدا می شود.
ج: تخصصی پیدا می کند کار هم می شود بعد هم معلوم می شود که در هر فلسفه ای چه جوری هست.

حجت الاسلام رضوی: منتهی در لغات سوال هست حالا این متن یا متونی دیگر که به آن مراجعه می کنند.
ج: نه دیگر متون دیگری ندهید.

س: نه حاج آقا برای بعدها می گویم، الان روی همین متن که داریم کار می کنیم مثلاً در بین چند نفر، یک خواهر ممکن هست اطلاعاتش زیاد باشد، ۵۰ تا لغت بیشتر در نیامورد از مجموعه لغات، اما یک خواهر دیگر مثلاً بگوید که نه باید هر لغتی که فکر می کنیم دیگران هم بلد نیستند، مثلاً یکی از خواهرها ۳۰۰ و خواهر دیگر ۱۰۰ تا و دیگری ۵۰ تا درآورده بود.

ج: آن که بیشترین لغت را در می آورد، بهتر هست.
س: یعنی حتی احساس کند خودش بلد هست دیگران بلد نیستند آن را هم در بیاورد.

ج: بله کلاً لغتهایی را که بنظرش می آید که خوب هست روی آن حساس بشود، با حساسیت برخورد کند.

س: هر چند معنایش را خودش بلد باشد؟
ج: بله معنایش را بلد هست ولیکن یک لغت نامه می خواهیم بنویسیم، لغت نامه مان را می خواهیم دست کسی بدهیم که هیچ چیز بلد نیست.
س: پس معیار گزینش مشخص شد تا هر چه لغت به نظرشان می رسد بنویسند.

ج: بله آنوقت الفبایی هم طبیعتاً. تنظیم می کنند الفبایی رتبه اول، دوم و سوم مثل لغت نامه ها، آنوقت سرشان شلوغ نمی شود، البته لغت های سخت تر را با علامت مشخص کنند، یعنی لغت های خیلی سخت را مثلاً فرض کنید که اگر بتوانند دسته بندی بکنند ولو در بار اول لازم نیست، در حرف الف مثلاً با یک شاخصه هایی بعدها که عرض می شود می گویند لغت هایی که اصولاً عمومی نیست، اصطلاحی محض هست با لغت هایی که توضیح داده اصطلاح را، باید یک مقدار اطلاعات اجتماعی داشته باشد طرف. با لغت هایی که نه اصلاً کاری هم ندارد، به عبارت دیگر لغت نه اصطلاحی هست نه توضیح اصطلاح هست، لغت های عمومی هست، یک فردی که یک کمی سوادش ضعیف باشد، بلد نیست اینها را. خوب باز در خود اصطلاحات بعدها طبقه بندی می شود، مثلاً که اینها را لزومی ندارد الان.

س: بعد این کار لغت که انجام دادند در واقع این فرهنگ که می نویسند فرهنگ لغت معنی باشد.

ج: فرهنگ لغت معنی.

س: یعنی جایی برای اصطلاح نگذارند، اصطلاح را در یک فرهنگ لغت دیگر ننویسند.

ج: بله در فرهنگ لغت دوم که می نویسند، اصطلاحی که می شود آنوقت این سه دسته را از هم جدا می کنند، یک مقدار قوی تر کارشان می شود، در محتوای فلسفی آنوقت می گویند که این اصطلاح از رده ایی که در زیربنای فلسفه مثلاً علوم اجتماعی هست، ولی این اصطلاح از محصولاتش هست، در زیر بنایی نیست. باید اینها تدریجاً جدا بشود.

س: ابتدا دسته بندی روی خود لغت، منتهی در دوره های بعد می فرماید.

ج: بله دوره های بعد روی همین لغت ها کار می کنیم.

س: دوباره همین لغات را رویش کار می کنیم.

ج: بله، یعنی یک مقاله را شما ابتدائاً می‌گیرید می‌روید جلو، یک مقاله را رویش کار می‌کند، یک مقدار روی ادبیات دستوری‌اش هم کار می‌کنید، منطقی‌اش هم کار می‌کنید. آنوقت می‌روید سراغ مقاله دوم باید یک مقدار باید در هر سه تایی اینها قوی‌تر شده باشید، یعنی خیلی از لغت‌ها تکرار باشد که دیگر لازم نباشد لغت‌نامه دیگر در آن مقاله، لغت‌هایی که قبلاً آورده شده در دائره المعارف، دیگر این مرتبه نمی‌آوریم.

س: یعنی لغت‌ها اضافه می‌شود به این اگر.

ج: اگر باشد اضافه می‌شود به لغت‌ها.

س: اگر تکراری باشد دیگر معنا ندارد.

ج: نه معنی ندارد اضافه بشود.

س: بعد این خدش روی انتخاب متن هم تأثیر دارد، یعنی اینجور که شما می‌فرمائید که منجر به یک دائره المعارف باشد.

ج: خوب اولش همین متن‌هایی عمومی را شروع می‌کنند.

س: خیلی در گزینش متن دقت نشود.

ج: نه.

س: دیگر سوال خاص دیگری نیست، فقط کارهای موازی را خواهران سوال کرده بودند که الان مثلاً فرهنگ عمید این کار را نکرده است که لغت را که می‌گوید معنای اصطلاحی را هم بگوید، ولی فرهنگ معین تقریباً این را کرده است شاید علت استقبال از فرهنگ معین هم همین باشد، یک لغتی را که معنی کرد، اگر معنای اصطلاحی هم دارد معنای اصطلاحی‌اش را هم زیرش نوشته تسن، خواهرها ما می‌گفتند می‌شود این را همزمان انجام داد؟ یعنی کار لغت که می‌کنند، کار روی اصطلاحات هم انجام بدهند یا نه؟

ج: اصطلاح را نه به اندازه‌ایی که آنها را ببرد در اصطلاح‌های تخصصی در دائره

المعارفهای خاص در فرهنگ معین عیبی ندارد، یک وقت می‌گوئید برود در مصاحب و از مصاحب برود در دائره المعارف تخصصی علوم اجتماعی، می‌گوئیم در این دور نمی‌خواهد.

س: در دوری که روی لغات کار می‌کنیم.

ج: بله در دوری که رفتید در محدر کار کنید، باید بروید در دائره المعارف تخصصی.

س: لغت‌هایی را هم که کار می‌کنند، فرمودید هرچه لغت که بذهنشان می‌رسد.
ج: به حداکثر یعنی بگویند یک بچه کلاس ششمی می‌خواهد این را بخواند چه چیزهایش را نمی‌فهمد، دارد، ندارد، هست و اینها را می‌فهمد، ولی یک چیزهایی هست نمی‌تواند بفهمد.

س: هرچه لغت هست حتی اسم اعلام و اینها در فرهنگ لغتشان بیاید.
ج: بله، آنوقت مثلاً می‌گویم «هست» را بچه کلاس ششمی می‌فهمد، ولی «هستی» را نمی‌شناسد، «هستی شناسی» را قطعاً نمی‌شناسد، یک ترکیبی هست که فلسفه دارد نشان می‌دهد.

س: یعنی کلمات ترکیبی از مفرداتی ترکیب شده که بچه ششمی مفرداتش را می‌فهمد ولی.

ج: ولی ترکیبش را نمی‌فهمد.

س: کلمات ترکیبی قشنگ بیاورند همه را. بعد یک سوال به ذهن خودم رسید، اینکه من خودم هم کار عملی که خواهران انجام می‌دهند. داشته باشم، یعنی یک مرحله جلوتر از خواهران.

ج: حتماً، که مثلاً می‌گویم که بتوانید یک نقصی از کارشان بگیرید، یا سوال کنید، نقص را محترمانه طرح کنید.

س: یک مرحله، دو مرحله از خواهران جلوتر باشیم بعد سوالهایی هم که از

خدمتتان داریم سوالای خودمان باشد قبل از اینکه سوالهای خواهران باشد
ج: درست هست.

س: مثلاً الان اینجا که روی لغت کار می‌کنند من روی دستور زبان کار کرده
باشم، سوالهایی دستور زبان را خدمتتان بیاوریم.

ج: بعدش روی خلاصه کردن منطق کار کنید، بعدش روی خلاصه کردن محدر.
س: خلاصه منطق، منظور همین منطق صوری هست.

ج: بله دیگر یعنی فرق بین برهان و مغالطه را شما باید خوب بدانید، بعد بیاورید
در منطق مجموعه، بعد از منطق مجموعه می‌آوریم در منطق خودمان، این سه مرحله
را باید خوب مسلط باشید. کارآمدی هر کدام از این منطق‌ها را هم در مناظره خوب
بدانید، از اینکه شما بگوئید ما یک منطقی داریم این جدولش هست، این بدرد
نمی‌خورد، در مناظره، چه کاری از این می‌آید؟

س: یعنی مناظره راهم در یک سطحی از آن باید بکار بگیریم. حفظ بکنیم
بحث‌های دفتر یا منطق صوری، ولی در عمل که می‌خواهیم به خواهران یاد بدهیم به
کار بگیرند.

ج: نتوانید.

س: چرا چون که خودمان بکار نگیریم، یعنی خودمان پرورش پیدا نکردیم.
حجت الاسلام محسنی: به نظر می‌رسد لغت‌ها را باید روی فیش بنویسند، چون
بعد می‌خواهند دسته‌بندی الفبایی بخواهند و مجموعه‌ای بکنند.

ج: بله روی فیش باشد، در دفتر به اصطلاح، روی کاغذ فیش بنویسند قطعاً بهتر
هست، کاغذ فیش و زونکن داشتن امثال اینها.

حجت الاسلام رضوی: البته کاری هم خودم شروع کردم ترتیب الفبایی هست
که لغتی که مربوط الف هست در الف می‌نویسند اگر هم کم بیاید به آن اضافه
می‌کنند ممکن هست مثلاً ۵۰ صفحه یا ۱۰۰ صفحه حرف الف بشود، ولی در

دسته‌بندی لغات این طور که هست ظاهر باید هر لغتی را در یک صفحه بیشتر نویسم، چون که می‌فرمائید باید دسته‌بندی بشود باز دوباره خود لغات. حجت الاسلام محسنی: سالهای اجرائی داشتید می‌توانید سوال کنید. حجت الاسلام رضوی: سوالهای اجرایی چند سوال بود که خود خواهران داشتند آن باز که اختلاف هم بین خواهرها از لحاظ روش کاری پیش آمده بود که حضرت عالی جواب دادید همه‌اش یک جواب دارد، یک سوال دیگر فقط بود این بود که از کار، خودمان ارزیابی داشته باشیم و خود خواهرها به همدیگر کار را منتقل کنند.

ج: یعنی نمره چه کسی بدهد؟

س: یا خدمت حضرت عالی، نمونه کارها را نشان بدهم یا اینکه خودم با توجه به فرمایشاتی که دارید یک ارزیابی روی کار خواهرها داشته باشم؟ ج: خواهران با رأی اکثر، مقالاتشان را فعلاً بصورت کلی: خوب، متوسط، بد، سه تا کارت چاپ کنند، رای بگیرند

س: که نتیجه کار هر کس در کدامیک هست؟

ج: خوب را از ۱۵ به بعد بالا تعریف کنند، متوسط را از ۱۰ تا ۱۵ تعریف کنند، بد را از زیر ۱۰.

س: متناسب با تکلیفی که به آنها داده می‌شود.

ج: متناسب با تکلیفی که داده می‌شود، رأی بگیرند، رأی مخفی بگیرند، الان نمره ندهید، نمره بدهید، الان اختلاف می‌شود. رأی مخفی که بگیرید، درجه محبوبیت هم اضافه‌اش می‌شود، یعنی عملاً رأی می‌دهند به اعتماد، نه به فرد. در مناظره همین طور هست تا آخر کار، شخص باید بتواند نحوه‌ای کار بکند که بهر حال روحیه عموم را تحت سلطه در بیاورد. والا خیلی هم شما خوب حرف بزنید، جواری حرف بزنی که رقیبت را بگویند او برنده شد، چه فایده است. برای آنها

توضیح هم داده بشود، خود همین روش، که مناظره با ابزار فرهنگی، فعالیت سیاسی کردن هست. فرهنگ به عنوان ابزار است، لذا این سطح را توضیح بدهید که یک کار هست روی زبان، یک کار هست روی منطق، یک کار است روی محدر، عالی‌ترین کاری را که روی محدر دارید، رابطه بین انگیزه عموم، شما چگونه حرف بزنید که توجه داشته باشید به نیازهای جمع؟ نه صحت عالم ثبوت، صحت عالم تحقق، مثال می‌خواهد بیاورد، بحث می‌خواهد بکند، باید جوری بکند که برنده بشود، صحیح گفتم ولی باختم، بدرد نمی‌خورد، غلط هم نگوید و برنده بشود، صحیحی را بگوید که برنده بشود.

اگر بین پنج تا حرف صحیح داریم، کدام حرف صحیح هست بزمن. آن حرفی که متلفی به قبول بشود، نباید کج سلیقی بکند، یک صحیحی را بگوید که چهار تا صحیحی دیگر هم ورشکست بشوند، باطل را علنی نکند، آن را در بحث مغالطه و چیز می‌گوئید ولیکن داخل صحیح هم انتخاب و گزینش به اصطلاح دست‌سترینی که مؤثرترین هست.

س: انشاء بعدهم در دائره معارف

ج: که حالا بعداً در بخش دائره المعارف در بخش منطق‌اش حتماً این را متذکر می‌شوید، غلط وقتی بگوید، ناصحیح وقتی بگوید، مغالطه وقتی بکند، آسیب‌پذیری خودش را بالا می‌برد، یک مرتبه دشمن اگر دست بگیرد و او را هو بکند، اصلاً می‌شکند، ولی بین ۵ تا صحیح، صحیحی را انتخاب می‌کند که او نمی‌تواند بگوید مغالطه هست، کار خودش را هم این کرده روی افکار.

س: فقط لغات را حدوداً ۱۲ نفری هستند الان این کاری را که می‌کنند هر کدامشان برای خودشان یک فرهنگ لغتی بنویسید. یعنی همان کاری که این خواهر می‌کند آن خواهر انجام می‌دهد.

ج: البته می‌توانند بیایند یک دور بزنند بگویند مثلاً حرف الفتات را برای یک

خواهر، از مثلاً (پ) تا (ج) تا یک خواهر دیگر، سه تا سه تا می شود حرف های فرض کنید ۲۷ حرف داریم ۲۸ حرف داریم، شما می توانید اینها را تقسیم بکنید به نسبت افراد، بگوئید اینها را مثلاً برای لغت، بعد به اصطلاح که می رسد می توانید بچرخانیدش، بگوئید خوب الف، ب و ج که قبلاً مال مثلاً می گویم حمیده باشد، این مال حمیده نباشد دیگر وقتی اصطلاح شد مثلاً مال کریمه باشد. الی آخر.

س: که اشکال تکراری بودن، کار پیش نیاید.

ج: و بچرخد که نگویند هم که مثلاً لغت اصلاً روی این حرف که مثلاً که اولش طای دسته دار باشد اصلاً نبود.

س: نهایت کار یک لغت نامه بیشتر نوشته نمی شود، ولی اینجوری که الان هست ۱۰ الی ۱۲ تا نوشته می شود.

ج: آنوقت مبادله با هم، امتحان هم باید از کلش از کل گرفته بشود.

س: یعنی چه؟

ج: یعنی به اصطلاح همین کاری که گفتم رأی گرفته بشود از کلش، نسبت به کل لغت ها را بلد هست یا بلد نیست.

س: معنایش را، اینها یعنی در جمع سوال بشود.

ج: بله، در جمع سوال بشود، به اصطلاح بحث بشود به اصطلاح، اولاً طرح بشود، مطرح بشود بحث بشود، گزارش داد، بشود، هرکسی کار خودش را بیاید گزارش بدهد، لغت فلان اینجوری بود اینجا هم به کار رفت.

س: بعد آن موقع دیگران روی آن نظر بدهند.

ج: بله اینجوری می شود، می شود، هم صفحه ایی انجام بشود. چند صفحه هست.

س: این تقریباً ۲۲ صفحه هست.

ج: می شود دو صفحه دو صفحه هم قرار بدهید اگر نخواهید الفبائیش بکنید، این بهتر هست شاید، بعد به اصطلاح یک بار که لغت ها جمع شد آنوقت تقسیمش کنید،

اول صفحه‌ایی بیاورید.

ج: صفحه‌ایی کار کنند.

س: به اصطلاح که می‌رسید دیگر معلوم هست که چند تا لغت هست دیگر لغت اضافه‌ایی نیست هست.

س: در اصطلاح لغت اضافه نمی‌شود.

ج: نمی‌شود دیگر یعنی اینها را بررسی اصطلاحی می‌کنند، آنوقت می‌توانند این لغت‌هایی که داریم الفایی هم جمعش کردیم، مثلاً بیشتر از ۱۸ تا لغت نیست مثلاً ۲۷ لغت نیست که بخواهیم سه تا سه تا حساب کنیم، نفری دو تا لغت به آنها می‌رسد.
س: که روی آن کار تخصصی کنند، البته از لحاظ وقتی یک مقدار بیشتری از وقتشان گرفته می‌شود؟

ج: کار قوی‌تر می‌شود.

س: قوی می‌شود اگر خودشان جدا جدا روی کل متن انجام بدهند.

ج: حتماً هر نفر روی کل متن انجام بدهند برای باز دور اول کارشان بهتر هست. در دور اول، مقاله اولی را که دارید، همه‌شان روی کل انجام بدهند، بعد مقاله دوم می‌رسد، سوم می‌رسد، دیگر واقعاً تکراری هست واقعاً بگوئیم دو صفحه دو صفحه بهتر هست، لغت در نمی‌آید، مثلاً شما حداکثری که لغت داشته باشید در اصطلاحات روز مثلاً ۳۰۰ الی ۴۰۰ تا لغت داشته باشید، بیشتر ندارید.

س: اصطلاحات روز یعنی آنهایی که الان در بازار بکار می‌رود.

ج: در باز بکار و در محاورات بکار می‌رود.

س: یعنی لغت‌هایی که خیلی تخصصی و فنی باشد.

ج: نه اینها بیشتر از ۳۰۰ الی ۴۰۰ گمانم نمی‌کنم باشد.

س: ما در ذهنمان بود که اگر لغت‌ها برای ششم ابتدائی باشد که خیلی هست، ولی شما منظورتان این هست که خود اهل فن یک سری لغاتی را بکار می‌برند که

بیشتر از ۳۰۰ تا نخواهد بود، لغت‌های جدیدی که بکار می‌برند.

ج: ببینید الان لغتهایی که مثلاً کلاس ششم ابتدائی نفهمد چقدر است؟

س: بدست نیاوردم کم هم نیست شاید بیشتر از ۳۰ الی ۴۰ تا باشد.

ج: ۳۰۰ الی ۴۰۰ تاهم خیلی هست!

س: ۳۰۰ الی ۴۰۰ تا الان لغت برای ششم ابتدائی در این درآوردند حدوداً آقای کی می‌گفتند ۳۰۰ تا درآوردند مگر اینکه در گزینش لغات یک مقدار مشکل باشد. حجت الاسلام محسنی: یا خانم صدوق مثلاً چند تا کار کرده و نشان ما می‌داد مشابه این لغت‌ها را در آورده بودند حالا خود حضرت عالی، مثلاً بحث، اجمال، دیدگاه، انقلاب، معقوله، بیرون، هدف، طراحی، ییگانگان، اجانب، اهداف، واهی.

ج: این دیگر حداکثر هست، دیگر از این بیشتر واقعاً من بنظرم می‌آید، همین اینها معنا بشود دیگر، بچه کلاس ششم هم می‌فهمد.

س: یعنی اینها باشد خوب هست. ج: بله دیگر.

حجت الاسلام رضوی: ۳۰۰ تا شد.

ج: خیلی خوب این دیگر در مقالات دیگر بنظر تان می‌آید غیر از اینها استفاده می‌کنند، از همین استفاده می‌کنند.

حجت الاسلام محسنی: یعنی بنظر می‌رسد بعد از مدتی خود آنها متوجه می‌شوند خود لغات در سطوح و طبقات مختلف می‌توانند دسته‌بندی کنند، یعنی یک لغات محاوره‌ایی و عادی هست، یک لغات هم مربوط به بحث‌های دانشگاهی رده‌های سنی یا علمی بالاتری هست، یک لغاتی هم تخصصی هست.

حجت الاسلام رضوی: مثلاً اسلام نهج البلاغه‌ایی، اسلام رساله‌ایی این تو هیچ کجا بکار نرفته هست، فکر کنم اصطلاح خود آقای کدیور باشد.

حجت الاسلام محسنی: حضرت عالی اینجوری مدنظر تان که هست بعد از یک مدتی اگر مفهومی می‌خواهیم عرضه کنیم، اما این لغات کفایت برای عرضه‌اش

نیست، کفایت نمی‌کند ناچاراً باید خودشان یک لغاتی تأسیس کنند.

ج: بله، خوب اینها اول کار یک مقدار آشنا بشوند به لغتش، بعد به منطوقش بعد به محتوایش، در محتوایش الان اینکه اصلاً ادبیات و زبان چه جوری می‌تواند توسعه پیدا کند، چه جوری می‌تواند بکار گرفته بشود، اینها را دقت می‌کنند.

س: یعنی همان تمرین و وزیدگی که می‌فرمائید که مسلط باشند.

ج: اینها را یواش یواش می‌رسیم.

«وصلی الله علی سیدنا محمد و آله الطاهیرین»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۸
کد جلسه: ۳۳۹۶	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۳/۲۱
کد صوت: ۴۷۶۶	مدت جلسه: ۰ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۵۳۶۳

شناسنامه تدوین

کمپاذه: خانم م. یکتایی
تایپ: حسین فاضلی
تطبیق: خانم م. اسماعیل پور
تصحیح (۱): علیرضا شریعتی
کنترل نهایی: محمد نیکوحر فیان
تصحیح (۲): محمد فقیهی
مقابله: خانم ز. کریمی
تصحیح (۳): محمد فقیهی
صفحه آرای: محمد فقیهی

جلسه هشتم

آقای رضوی: بسم الله الرحمن الرحيم. بحث مناظره سازمانی، استاد حجت الاسلام و المسلمین حسینی الهاشمی سه شنبه ۷۸/۲/۲۱ [؟قطع صوت ۰۰:۲۱]

استاد حسینی: در خدمت تان هستیم.

آقای رضوی: خدمتتان عرض کنم حاج آقا قبل از جلسه سه شنبه که خدمت حضرت تعالی بودیم یک کارهایی خواهران انجام دادند.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: و تعدادشان که چهارده نفر باشد، تقریباً یک چهار نفر در این، مایه کار را انجام دادند. قبل از اینکه خدمت شان اعلام کنیم که به صورت فیش بنویسند.

استاد حسینی: فرهنگ عمید و فرهنگ معین و؛ خب این یادتان باشد که وقتی کارشان را کامل می خواهید مثلاً می گوید فیش بنویسند یا چه، بگونه ای نباشد که اینها خیال کنند که کارشان بیهوده بود اینطور

آقای رضوی: نه

استاد حسینی: یا از اول فکر نشده بود روی آن.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی موضوعات روانی کار را، کار حتماً مرتباً

تغییر می کند.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر این را در خاطر شریفتان باشد که این اولین، مثلاً اولین مقاله ای را که ما می دهیم با آخرین مقاله باید مثلاً خیلی تفاوت کرده باشد، اگر نکرده باشد خیلی بد است. نه اینکه خوب است که هیچ تفاوت نکرده باشد رویه. آن وقت خود اینها هم باید مثل بچه ای که اول کار، من مثال بخواهم بزنم خدمتتان، دو شیوه آموزشی را مثال می زنم؛ یک شیوه آموزشی قبل ها، قبل ها الف دو زیر آن نون پیش اونو پیش ان، دو زیر ان باید تمام آواهایی که در کلمات سخت هم هست، تمرین بشود رویش قبلاً. بعد هم هجّی که می زدند شروع می کردند همان قواعد را به کار بردن. الان اینگونه نیست. الان تا یک مدتی با عکس به او حرف می زنند. بعد می آیند - به حضورتان که عرض کنم که - ساده می کنند نوشتن خود حروف را. خط صاف، خط نیم دایره، نیم دایره از این طرفی، خط - به حضورتان که عرض کنم که - زاویه دار؛ یعنی ساده می کنند حروف الفبا را، یادش می دهند که دستش عادت بکند به چرخش. بعد از آن تازه همه لغات را که یاد نمی دهند. شروع می کنند یک لغاتی را پشت سرهم دیگر می دهند که اصلاً کاری ندارد به اینکه - به حضورتان که عرض کنم که - بخواهد لغت سخت از اول بدهید. دقیقاً همین کار را شما باید بکنید در دوره ابتدایی. یعنی اول یک مقاله را می گیرند، آن وقت لغت هایش تمام شد دیگر سراغ مقاله دوم نمی روید، لغت نامه مان را حالا درست نمی کنیم. احیاناً اگر الان اینجا در فیش ننوشتند، اصرار نمی کنیم که حتماً بیایید، برگردانید آن را در فیش؛

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: اینها کار خودشان را اینجا انجام دادند. بسیار خوب، حالا می‌آییم کار دوم را که بخواهیم بکنیم، یعنی چه؟ یعنی منطق می‌آوریم روی این پیاده می‌کنیم. نمی‌رویم سراغ یک مقاله دیگر که لغت‌شان همه اش قوی بشود. نمی‌گوییم دو سال برای این لغت.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: می‌گوییم، مثلاً می‌گوییم یک ماه لغت‌های یک مقاله، یک ماه هم، به اندازه فقط یک ماه، منطق یک مقاله، یک ماه هم محتوای یک مقاله. بعدش یک مناظره کوچکی انجام می‌گیرد، نه اینکه حالا مثلاً حالا بگوییم روز اول مناظره شان، باید با روز آخر مناظره شان یک گونه باشد.

آقای رضوی: صحیح

استاد حسینی: - به حضور - تدریجاً در حین عمل رشد دارد. خوب است اینها.

آقای رضوی: یعنی قریب به ۳۸۰ لغت را در آورند از متن میزگرد،

استاد حسینی: خیلی خوب است، یعنی زحمت می‌کشند

آقای رضوی: منتها باز تمام توصیه‌هایی که بعداً حضرتعالی فرمودید، در این باز اعمال نشده. از جمله اینکه تمام معانی لغت را بیاورید.

استاد حسینی: نه، خیر، خوب ولیکن لزومی ندارد. در دور اول بگذارید زود رد شوند.

آقای رضوی: زود رد شوند، بله.

استاد حسینی: بله، این الان زیادتر از دور اول هم هست. یعنی سرعت را برایش

مهم بدانید؟

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خسته نشوند.

آقای رضوی: بله، صحیح است؛

استاد حسینی: در گیر به چیزهای کوچک نشوند. خانم آقای صدوق زنگ زدند

به من،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: من حس کردم که جلسه در جا می‌زند، به بهانه گیری افتاده؛

آقای رضوی: بله، همین طور است؛

استاد حسینی: مرتباً این شیوه چطور هست، آن شیوه چطور هست، زودتر رد

شوند و بروند.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: سؤالات پیش آمده، بگویید سؤالات بعداً حل می‌شود. فعلاً الان

قسمت دوم منطق هست. بسم الله الرحمن الرحيم همین قدر که هر کس فهمیده

خوب، هر کس نفهمیده هم خوب. اصلاً دنبال این نباشید که حالا همه بفهمند، هیچ.

خب لازم نیست که همه یک گونه بشود سطح شان.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این در خود عمل ایجاد می‌شود که بعداً - به اصطلاح - در مقاله

دوم، خب یک عده‌ای می‌فهمند که آنهایی که کم کار کرده بودند، دیگران خوب

زود معانی را به دستشان می‌دهند

آقای رضوی: بله، درست است.

استاد حسینی: بحث منطقی اش بگویید و بروید جلو.

آقای رضوی: حاج آقا اینطوری، اینطوری می‌شود که خواهرانی که کار کردند

در لغت، یعنی لغت را تکمیل کردند، مرحله بعد را که مثلاً اصطلاح باشد، اصطلاح

یا دستور زبان باشد با آنها کار کنیم. بعد خواهرهای دیگر این کار را نکردند،

استاد حسینی: نه، نه، نه، خیلی بد است! نه، نه، بالعکس بیاید کار کنید.

آقای رضوی: یعنی چه؟

استاد حسینی: یعنی بیاید ریاست را بگذارید به عهده خود خواهرها با رأی اکثر؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: با حروف الفبا، من به خانم صدوق اینطوری گفتم؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این الان خیلی خوب است. اول خیلی تشجیع بکنید این‌ها را، این برای چه کسی هست؟

آقای رضوی: خانم صدوق هست.

استاد حسینی: بله، خیلی خوب است. بسیار، بسیار خوب. - به حضورتان که عرض کنم که - اول اینکه اینها را - به اصطلاح - تشجیع بکنید. من به خانم صدوق گفتم که از این هفته روی حروف الفبا را لیست معین کنید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: امروز کسی که اسمش مثلاً یا فامیلش به نامش است، الف هست اولش. حالا الف ندارید می‌روید جلوتر تا می‌رسد به یک حرف که روی ترتیب حروف الفباست. دوتای معاون‌هایش هم، دوتا حرف بعدش می‌شود.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: فردا، فردای درسی، آن کسی که از، برای همه بعدش هست آقای رضوی: بحثی که می‌فرمایید حاج آقا، این سؤال بود که این بحثی که می‌فرمایید بحث، ...

استاد حسینی: اداره بکنند جلسه را، رئیس باشند. صرف ریاست، هیچ دیگر در

آن نباشد [؟]

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: رئیس باشد دیگران، آقا وقتش است بیاید شما حرف بزنید یعنی شکسته بشود بزرگی ریاست. ریاست دور بیفتد.

آقای رضوی: بله. یعنی من به ذهنم، ...

استاد حسینی: من که با سوادترم رئیس باشم، ادا نباشد. ریاست خرد بشود. باید بدانند مناظره کاری به اینکه رئیس هست؛ کاری که به اینکه چه کسی درس بیشتر خوانده ندارد، چه کسی بیشتر رأی می آورد. نوع ریاست اینها بعد از یک مدتی افرادی را معین می کند که آنها - به حضورتان که عرض کنم که - اگر بخواهند رأی بگیرند، رأی بیشتر می آورند از باسوادها.

آقای رضوی: ابتدائاً بدون رأی گیری باشد؟

استاد حسینی: ابتدائاً بدون رأی گیری با حروف الفبا. بعدها پیدا می شود که فلان روش ریاست بهتر است. مناظره می خواهد با انگیزه مردم کار کند

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: البته...

آقای رضوی: این،

استاد حسینی: یعنی من به نظرم می آید اینگونه که گزارش را شنیدم، جلسه بیشتر به طرف بن بست می رود، نه به طرف رشد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و این غیر از این است که مطلب حالا بعد از این چه کار کند؟ بعد از اینی نمی ماند برای تان که چه کار کنید که. اول جلسه تان می شود سه، چهارتا، بعد سه، چهارتایش هم انشعاب می شود. بعد از شش ماه می گویند نشد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بله، بفرمایید.

آقای رضوی: جلسه ای که حاج آقا یک صحبت های حضرت تعالی روی شیوه های

کاری که خدمتتان سؤال می‌کنیم، ...

استاد حسینی: مرتب باید عوض کنید. اصلاً مقید نباشید به گفته من؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی - به اصطلاح - باید با حضور در عمل، انعطاف نشان بدهید.

من نسخه ایی می‌دهم برای کسی را که نمی‌بینم او را. شما درگیری را که گزارش

می‌کنند، یعنی می‌بینید؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: باید نسخه را عوض کنید. بگویید نه این حل نمی‌کند.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: به عنوان قانون شمارید بگویید که این قانون استراتژی در کارمان

هست. استراتژی کار چه چیزی هست؟ جرأت «روحي، ذهني، عملي» اینها، بالا رفتن

برای اینکه بتوانند دستگاه مناظره‌ای را درست کنند که فضای پرورش شان بشود.

گاهی یک چیز جزئی را که مثلاً من اینجا عرض کردم که احياناً برای دور سوم

خوب است اگر مثلاً طرف نکشد یک حرف را. ممکن است دوباره الان سؤال کنید

من یک مطلبی را به صورت قاعده بگویم، شما بدون اینکه ببینید این به درد این

می‌خورد یا نمی‌خورد اعمال بکنید، بعد متوقف بکنید. بله، بفرمایید.

آقای رضوی: بله، یک نمونه عملی آن که اتفاق افتاده همین که فرموده بودید

دوره اول فردی باشد، بعد خواهرها قبلش در یک جلسه، یعنی در واقع یک جلسه

عمومی دارند، داشتند تا به حال که کل این چهارده، پانزده نفر هست. یک جلسه

خصوصی هم کسانی که بیشتر به انتخاب خانم صدوق توانمندی‌ای داشتند. خانم

صدوق، خانم نجابت، خانم یقطین و دو نفر از خانم‌های دیگر. اینها با هم جلسه

خصوصی بحث می‌کردند روی شیوه کار. شیوه کار چگونه باشد که به خواهرها

ابلاغ بشود در جلسه تا اینها مطلب را بگیرند و انجام بدهند. خود جلسه خصوصی،

یعنی بحث شان به درازا کشیده و اختلاف ایجاد شده

استاد حسینی: چه کسانی هستند در آن جلسه خصوصی؟

آقای رضوی: جلسه خصوصی تا به حال خانم یقطین، خانم صدوق، خانم نجابت و خانم ساجدی و ظاهراً خانم جهان گیر هم هستند.

استاد حسینی: خانم جهان گیر چه کسی باشند؟

آقای رضوی: خانم جهان گیر از خواهرهای واحد آموزش هستند که جدیداً آموزش می‌بینند. هنوز سال اول آموزش شان هست. لیسانس ادبیات فارسی هستند. ظاهراً دبیر آموزش و پرورش هم هستند. بله، اینها، این مجموعه خانم بیدگلی هم بودند که ایشان هم لیسانس علوم سیاسی هستند، در صدا و سیما کار می‌کنند. در مرکز پژوهش زنان هم هستند مرکز آقای زیبایی. اینها در جلسه خصوصی شان که بیشتر بحث خانم نجابت و خانم صدوق در گرفته روی شیوه کار، ما جلسه‌ای که رفتیم خدمت خواهرها بعد از بحثی که آنها روی شیوه کردند؛ یک شیوه‌ای هم ما خدمت خواهران عرض کردیم

استاد حسینی: اول اینکه این روش مهم است؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ولی روش در سطح‌های مختلف به کار می‌رود؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: روش برای تولید منطق به کار می‌رود، روش برای اینکه چایی را

دم بکنیم هم به کار می‌رود.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: نمی‌شود که من روشی را که تمدن را زیر و زبر می‌کند با روش

چایی درست کردن را بگویم بحث روش مهمترین بحث است. نه، برای یک مجلس

روضة که بروید، بحث روش در چایی درست کردن، اهمیت چندانی ندارد، حالا

اگر چایی هم خیلی خوب نشود، منبری خوب حرف بزند. به مردم خوب چایی داده نشود، منبری خوب حرف بزند. یعنی اینکه غرضمان چه چیزی هست؟ تا بگویم کدام روش؟ چه سطحی از روش؟ سر روش صحبت کردن برای کاری که بنا بوده مناظره بکنند، حالا روشی که لغت ما در بیاوریم چگونه باشد؟

آقای رضوی: که بعد حضرتعالی فرمودید دوره اول فردی باشد ما هم منتقل کردیم آنجا فردی باشد، خواهرها با خودمان هم اختلاف پیدا کردند، گفتند گروهی باشد، ما گفتیم، گفتیم نظر ما این هست که فردی باشد دلایلی هم آوردیم، بعد، بعد اینکه ما رفتیم، گفتند آقای رضوی قاطع نگفته.

استاد حسینی: رهایشان کن، نمی‌خواهد دیگر. هرطور که خودتان دوست می‌دارید همان طوری بکنید.

آقای رضوی: بعد آن موقع من گفتم که مختار باشند؛

استاد حسینی: خیلی خوب.

آقای رضوی: آنهایی که به نظرشان رسید فردی باشد، آنهایی که به نظرشان رسیده گروهی، گروهی انجام بدهند. که خانم صدوق از این بابت ترس داشتند که مثل موارد قبلی که خواهران کار می‌کردند، اختلاف باعث انشعاب شده، این هم یک نمونه از انشعاب هست که یک عده کار فردی بکنند، یک عده کار گروهی.

حالا این یک نمونه‌ای کار، یعنی چیزی که؛ [۱۳:۱۳]

استاد حسینی: الان نخواهند سازماندهی بکنند زیاد؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: الان بخواهند محتوایی را که می‌خواهیم ما، بنا هست دو نفر به هم حرف بزنند، اگر اصطلاحات همدیگر را نفهمند، درست جواب نمی‌دهند.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: باید تا حدودی اصطلاحات همدیگر را بفهمند. نمی‌خواهیم هم

حالا حتماً هر دو ادیب باشند در اصطلاحات هم. منطق را بیشتر اهمیت دارد و لکن همان را هم نمی‌آییم همه بحث‌های منطق را به آنها بگوییم. ساده‌ترین قیاس را و ساده‌ترین مغالطه را، همین را، نه بیشتر. دستور زبان هم، دستور زبان‌هایی که غلط حرف زدنهای ساده را، نه پیچیده که اگر حالا یک قطعه‌ای ایشان بخواهد بگوید، بگویند این - به اصطلاح - چندتا غلط داشته باشد.

آقای رضوی: کار تمرینی را که ما خدمت حضرتعالی الان یعنی چیز، یعنی جواب یکی از سؤال هایمان می‌شود. سؤال برای، یک سؤال دیگر هم این بود که در کار تحقیقی خود بنده ما وحشت کرده بودیم گفتیم این منطق را، ...

استاد حسینی: چه منطق، چه ادبیات را، شما اگر بخواهید تا آخر عمرتان هم ادیب بشوید که بعد تمیز بدهید یک قطعه، این چطور است، آن چطور است، می‌شود تا آخر عمرتان در آن مشغول بشوید.

آقای رضوی: بله. یعنی خلاصه کردن دستور زبان را ما رفته بودیم کتابخانه تخصصی

استاد حسینی: یک ۲۰۰ تا کتاب مرور کنید و ۵ تا هم نظریه عمده و مثلاً ۵۰ تا هم اختلاف بین چهار نفر پیدا کنید و، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اصلاً دنبال اینکه سکاکی چه گفت؟

آقای رضوی: بی‌اشتهایی

استاد حسینی: کوفین چه گفتند، بصیرین چه گفتند، [خنده استاد]

آقای رضوی: آن موقع این، این سؤال در سطح دستور زبان و منطق هست، منطق صوری. در سطح خود لغت هم هست که باز اختلاف هست.

استاد حسینی: بله می‌دانم.

آقای رضوی: که لغت را هم می‌گویند یک سری، خب در گذر زمان یک لغات

و اصطلاحات تغییرات زیادی کرده، مفاهیم،

استاد حسینی: بله

آقای رضوی: می‌گویند چرا از دهخدا استفاده می‌کنید؟ اشتباه هست می‌روید

سراغ دهخدا، یا فرهنگ معین؛

استاد حسینی: الان برویم سراغ کتابی که مثلاً فرهنگستان علوم دارد می‌نویسد،

من باب مثل یا زبان می‌نویسد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: نه اصلاً ما دنبال اینکه اینها به آن عمق برسد، اصلاً نیستیم.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: سطح اول برای درست کردن مناظره هست.

آقای رضوی: درست است، یعنی مناظره هم که می‌فرمایید در واقع این خودش

جزء کار مناظره می‌شود دیگر؟

استاد حسینی: اصلاً می‌گویند. خب می‌خواهند حرف بزنند.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: این کار را که می‌کنند، برای چه چیزی هست؟ غرضمان از اصلاً

اینکه ادبیات یاد بگیریم برای چه چیزی هست؟

آقای رضوی: برای اینکه در مناظره خوب کلمات را طرف را متوجه بشوند،

اصطلاحی می‌گویند، معنی اش را بدانند

استاد حسینی: خودش هم که می‌تواند بگوید حرف، غلط حرف نزنند، هواس

نتوانند بکنند.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: غرض از اینکه ادیب شوند اصلاً نیست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اصطلاح را هم معطل نشوند زیاد رویش؛
آقای رضوی: درست است. اصطلاح بعد، این الان لغت دیگر پس تمام شد حاج
آقا؟

استاد حسینی: از تمام هم یک پا تمام تر است هست! این الان را الان این کسی
که این را نوشته از من بهتر لغت بلد هست؛
آقای رضوی: حالا این، اینکه؛ هر چند خواهرهای دیگر انجام ندادند مثلاً؟
استاد حسینی: نه، نداده باشند؛
آقای رضوی: ما وارد اصطلاح می شویم؛

استاد حسینی: بله وارد اصطلاح می شوید. این سقف زمانی می برید برای وارد
شدن. اصلاً نمی ایستید برای اینکه کسی خودش را برساند یا نه. راه را گفتید - به
اصطلاح - به آنها چیز کردید. گیرم که اول کار حداقلش این است که رجوع بکنند
لغت را لغوی بلد باشند
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این حداقل را هم دست خودتان بگذارید. نمی گویند که الزاماً
کسانی در جلسه بیایند که اینطوری هستند.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: وقت خودشان را در دور دوم، در مقاله دوم می روند سعی
می کنند؛

آقای رضوی: صحیح. البته این را که عرض کردم نسبت به جلسه عمومی عرض
نکردم، نسبت به جلسه خصوصی گفتم اینها محور شوند برای - مورد - برای اینکه
بنده بخواهم با آنها مشورت بکنم یا کارهایی را بسپارم برای سازماندهی خواهرها.
یعنی چون که مشارکت عملی داشتند و کار را سریع تر انجام دادند
استاد حسینی: این کار، شما را به این اختلاف درونی شان می کشد؛

آقای رضوی: بله، تشدید می‌کند

استاد حسینی: بله، دیگر. یعنی نسبت به خود شما طرفیت پیدا می‌کند. شما باید از این احتراز کنید که طرف بشوید. حالا من ان شاء الله تعالی شاید جلسه آینده را یا از جلسه بعدش را

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک جلسه، هر جا جلسه شان باشد، دفعته‌ا‌ وارد شدم؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: با جنابعالی عالی سؤال می‌کنیم یک مرتبه می‌رویم وارد می‌شویم. - به حضورتان که عرض کنم که - یک مقداری باید اینها برای آنها روشن بشود که معطل شدن در چیزهای ساده بسیار بد است.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: این برای آنها باید تفهیم بشود.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: به چه دلیل می‌ایستند روی این حرف‌ها، بروند زودتر رد بشوند کار را انجام بدهند

آقای رضوی: بله همین طور است. این حاج آقا در مورد ارتباط خود ما با خواهرها و ارتباطی که با حضرتعالی داریم، اینکه باز مورد سؤال خواهران هست. یک مثلاً یک سؤالشان این هست که آیا بنده با حضرتعالی ارتباط دارم روی کار، بعد مثلاً یکی از خواهرها به نمایندگی خواهرهای دیگر با من ارتباط دارد، آن با خواهرها باز ارتباط دارد، این دو حلقه واسطه اینها می‌خورد یا اینکه نه با توجه به آن چیزی که فرمودید؟

استاد حسینی: شما نوار را بدهید آنها پیاده کنند، فکری ندارد که.

آقای رضوی: بله.

آقای محسنی: همه آنها درگیر بشوند.

استاد حسینی: بله، همه آنها درگیر بشوند. یعنی شما مرتباً مواظب این باشید، حداکثر تلاش این باشد که اولاً همکاری بین شان راه بیافتد.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: احساس منازعه سر وقت پرید، کنار برود؛
آقای رضوی: بله. این را من یک بررسی که داشتیم این بود که اگر نوار را مثلاً، نوار را بدهیم خدمت خواهران پیاده کنند، حالت، حال مثل بعضی جلسات پژوهشی، حالت پژوهشی بکنیم، خودش موضوع مناظره می شود.
استاد حسینی: نه، نه، یک چیز دیگر است
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ملتفت هستم که چه می گوید هر چیزی که هست، هر حرفی که هست [؟] درست است. اصلاً ما نمی توانیم حرف درست آنها سلب شود که چه چیزی است.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: شما کار را ببرید جلو. یعنی، ...

آقای رضوی: یعنی فهمیدن بحث یک، ...

استاد حسینی: اصلاً یک مطلب نیست،

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: ما اصلاً بحث نمی گوئیم که کسی بخواهد بفهمد که. خب بحث مشکل که من نمی گویم که ؛

آقای رضوی: این یعنی حضرتعالی می فرماید روی اجرای

استاد حسینی: اصلاً ببینید ما الان که جنابعالی دارید صحبت می کنید به هر درجه ای که حساس می شوید روی یک چیز، من آن حساسیت را از بین دارم می برم

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی حساس بشوید روی لغت، می‌گویم نه لغت لازم نیست که باشد، می‌گویم اینها باید در مناظره قوی بار بیایند
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: اینگونه که بخواهند سر اینکه چگونه راه بروم، چگونه کار کنم؟ نزاع شان بشود بسیار بد است. صد درصد بد است. مناظره درست بشود که محیط پرورش باشد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک جزئیاتی که از تاکتیک هم ضعیف‌تر است، خود اصل ادبیات بلد شدن تاکتیک است. جزء استراتژی نیست.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: اینکه حالا لغتش اینگونه است، من در بیاورم یا آنطوری؟ هر طور دلت خواست در بیاور. مگر شما شب وقتی که در کلاس مشق می‌گویند، بچه‌ها می‌روند روش یاد می‌گیرند که برویم در اتاق مشق بنویسیم، یا در هال؟ پشت میز بنشینیم بنویسیم یا روی زمین؟ از کسی سؤال بکنیم یا چطور؟ می‌رود مشغول کار می‌شود، باید نمره بیاورد دیگر.

آقای رضوی: بله. معنی لغت را یاد بگیرند؟

استاد حسینی: معنی لغت را هم زیاد رویش هم اینقدر حساس نیستم که سر معنی یاد گرفتن معطل بشویم خیلی زیاد؛
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ایشان یک زمانی دارد، یک ماه در ادبیات. مفردات و قواعد را به نسبت هر قدر هر کسی یاد گرفت، یاد گرفت. یاد نگرفت، میدان بعدی هستیم.
آقای رضوی: بله.

آقای محسنی: خودشان باید بلد باشند

استاد حسینی: خودشان تلاش بکنند، به ما چه.

آقای رضوی: صحیح. پس اینجا، ...

استاد حسینی: اصلاً معنای سازماندهی را در مرحله‌ای که دارید مواد درست

می‌کنید، اصلاً ندارید، ممکن است ده سال دیگر شما یک سازمان پرورشی داشته

باشید

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: برای پرورش افراد مناظره‌ای که با قاعده و ضابطه و بدون حساب

کتاب، هیچ چیزش نباشد. چه وقت؟

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: وقتی اعتبار اجتماعی تان تمام شده باشد.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: معلوم شده باشد که شما افراد را اینگونه پرورش می‌دهید، مردم

بیایند خودشان را ملزم بکنند، کار زیاد بکنند، آنوقت شما می‌آیید ۱۰۰ تا شرط

می‌گذارید. الان یک دانه شرط هم نمی‌گذارید.

آقای رضوی: صحیح. حاج آقا پس اگر در فهمیدن مطالبی که ما خدمت

خواهرها عرض می‌کنیم یا فرمایشات شما را استفاده می‌کنیم، این عمومی بشود بین

خواهرها. اما نسبت به کار اجرائی یعنی نسبت به آن

استاد حسینی: کار اجرائی که برای خودش می‌کند برای شما نمی‌کند که. سر

یک ماه از این فصل می‌گذرید، دلش می‌خواهد کار کرده باشد، دلش می‌خواهد

کار نکرده باشد

آقای رضوی: بله، این یعنی فصل تعیین کردن با ماست؟

استاد حسینی: فصل حالا فصل، ...

آقای رضوی: اینکه در این فصل چه کاری بکنند با ماست
استاد حسینی: فقط می‌گویید که ما جمعه چهار هفته دیگر وارد دستور زبان
می‌شویم.

آقای رضوی: بله

استاد حسینی: یک جزوه زیراکسی را هم مثل این مقاله داریم، ۱۲ تا قاعده
دستور زبان کافی است به نظر ما.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این دوازه تا را می‌دهیم، کسی بیشتر بلد است الحمدلله، اصلاً آن
را نخواند، کسی هیچی بلد نیست، برود بخواند این ۱۲ تا را. ۵ تایش را خواند، ماه
بعدش در چیز هستیم، در منطق هستیم.

آقای رضوی: بله، در قواعد منطق.

استاد حسینی: بله. در قواعد منطق را هم همین کار را می‌کنیم. کسی رفته
لیسانس فلسفه است منطق را خیلی خوب بلد است، بلد باشد. کسی اصلاً بلد نیست،
خب بلد نباشد مطالعه بکند.

آقای رضوی: حالا می‌فرمایید حاج آقا، این به عهده شخص بنده هست؟

استاد حسینی: این را، این را فقط، فقط این تنظیم را والسلام، دیگر چیز دیگری
نیست.

آقای رضوی: تنظیم و ابلاغ آن به خواهرها سر موقع، ماه آینده

استاد حسینی: چیزی تحویل نمی‌دهید به دست کسی. این را هم اضافه آورند
نزد شما. اصلاً شما دنبال تشکیلات نباشید. دنبال رفتن، راه رفتن باشید

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: می‌رسد خیلی خب، حالا بعد از شش ماه اولین جلسه مناظره
تشکیل شد. بعد معلوم شد که یک عده‌ای کم آوردند. اینکه کم که می‌آورند،

دیگر خودش طرف متوجه می‌شود که برای آنجاهایش کم گذاشته بود، اینجا کم می‌آورد

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: خب حالا مقاله دوم که ان‌شالله شروع می‌کنیم، آن دیگر خودش را سعی می‌کند برساند

آقای رضوی: صحیح. پس اینی که فرمودید حاج آقا مدیریت دوره‌ای باشد به ترتیب حروف الفبا، این داخلی خودشان است.

استاد حسینی: جلسه داخلی خودشان؛ آقا حرف دارم، نوبت ایشان است. این فقط همین، دیگر هیچ مدیریت دیگری نیست.

آقای رضوی: صحیح. یعنی روی شیوه‌های کار می‌خواهند با هم بحث بکنند به این سبک

استاد حسینی: بکنند، هر چه رأی آورد

آقای رضوی: منتها با این شیوه؛

استاد حسینی: بله، با این شیوه. خب شیوه کار معین شد با رأی اکثر، همه اجازه تخلف داشته باشند. اینکه متعهد باشند نسبت به آن، ایدا.

آقای رضوی: یعنی حتی این شیوه‌ای هم که ما می‌گوییم به ترتیب الفبا باشد، ... استاد حسینی: یعنی. نه نه، ببینید. این شیوه که رأی آورده که دو نفر، دو نفر بنشینند روی لغت کار بکنند، همه می‌توانند مخالفت کنند. یعنی حساسیت‌ها را در اینکه حرف من به کرسی بنشیند از بین ببرید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: فقط اینکه اگر کسی گفت ما چه کار بکنیم؟ می‌گوییم اکثر که اینطوری گفتند، دیگر خودت می‌دانی هر طوری دوست داری انجام بده.

آقای رضوی: صحیح. منتها این مرزش را می‌خواهم حاج آقا دقیق تر مشخص

بشود

استاد حسینی: مرزش فقط چیزی را که مثلاً می‌گویید یک، زمان یک ماه بودن، این رأی نیست اصلاً، ما سر یک ماه منتقل می‌شویم به بحث دوم، جناب‌عالی هم وظیفه‌ای که دارید این که یک جزوه‌ای دادید به نام مقاله‌ای است، یک جزوه‌ای بعدش گزینش بکنید به نام دستور زبان، یک جزوه دیگر بعدش به نام منطق، تمام بشود بروید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: دو، این یک آن است. دو - به حضورتان که عرض کنم که - اینکه ریاست روی حروف الفبا باشد. تنظیم ریاست یا تنظیم جلسه به حروف الفبا. یعنی شما بروید فکر بکنید که چه چیزها می‌تواند متوقف کند از کار؟

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: آن چیزها را از راهش، از جلوی پایشان بردارید. یعنی درجه

ضریب دقت را

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: به نفع اینکه هماهنگی انجام بگیرد، سرعت هماهنگی دو معیار

اصلی شما هست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: این، این مرتباً می‌چرخد دیگر، دور یک مقاله که نیست که - به

اصطلاح - پنجاه تا مقاله باید بچرخد دیگر، این نهایت مقاله دوم باید خیلی سریع‌تر

از این تمام بشود. مقاله سوم، مقاله چهارم باید همین طور بچرخد، مدام مرتباً اینها

قوی‌تر بشوند.

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یکی هم خود این، در این زمان چه کاری انجام بگیرد؟
استاد حسینی: در این زمان حالا لغت، یک مقاله. دفعه اول در یک ماه، ما یک جزوه می‌دهیم، برای لغت است. لغتش را می‌گوییم بروید پیدا کنید، ماه دوم یک جزوه می‌دهیم برای - به اصطلاح - دستور زبان است، هر طور دلتان می‌خواهد از حفظ بکنید، هر طور دلتان می‌خواهد رویش تمرین بکنید. ماه سوم یک جزوه می‌دهیم برای منطق است. ماه چهارم یک جزوه می‌دهیم برای محتوا، ماه پنجم مناظره.

آقای رضوی: من. حالا یک چیزی عرض کنم حاج آقا! من فکر می‌کنم حالا این موضوعی که این جلسه گرفتید حاج آقا؛
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: نسبت به کاری که می‌فرمایید می‌خواهیم حساسیت‌ها را همه را از بین ببریم؛
استاد حسینی: بله، شما حساسیت‌های منفی و مثبت را حتماً مرتباً در جلسه به من بگویید.

آقای رضوی: بله.
استاد حسینی: نه اصلاً به من نگویید که اینها چه کار بکنند در محتوا. بگویید اینها چه بن بست‌هایی دارند؟ چگونه ممکن است به هم درگیر بشوند؟
آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: ما درگیری دو مفهوم را خواستیم، نه درگیری اغراض. من به‌ترم، من به‌ترم گفته بشود که به درد نمی‌خورد که!
آقای رضوی: بله، یعنی جلسات، گذشته، جلسات گذشته حتی روی ریزموضوعات اجرایی و آیین نامه هم شما مطلب فرمودید؛
استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: ولی این جلسه محتویاتش را، ...
استاد حسینی: ولی همه اینها را به هم زدیم، ...
آقای رضوی: بله

استاد حسینی: هیچ چیز آن را نگذاشتیم؛
آقای رضوی: چرا چون که انگیزه و چیز مهم تر است، همکاری مهم تر است.
استاد حسینی: بله. یعنی شما یک، انگیزه دارید؛ دو، اندیشه دارید؛ سه، انضباط
عملی دارید. آیین نامه برای چه چیزی هست؟
آقای رضوی: برای انضباط علمی است
استاد حسینی: بله، احسنت. آیین نامه را یک می دهیم همیشه. اندیشه دو، انگیزه
چه؟ چهار. هرگز به دلیل انضباط حاضر نیستیم یک ذره بپذیریم انگیزه آفت بخورد.
آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: حذف بشود اصلاً.

آقای رضوی: درست است. بله، صحیح می فرمایید؛ یعنی انگیزه، یعنی اینطوری
بود که جلسه ما که خدمت خواهران حالا به بیان قاصری که داشتیم آنجا، حالا تا
اینکه خواهران گفته بودند قاطع نبود، یا دوتا برداشت شده بود از صحبت ما که حتی
خواهران گفته بودند که یک، یکی از خواهران گفته بود اگر آقای رضوی غیر از
این گفته باشد، من کنار می کشم.

استاد حسینی: بله، این - به اصطلاح - ما کاری به این حرف نداریم، ولیکن اینکه
- به اصطلاح - تفهیم هم بشود. حالا من اگر صلاح بدانید جلسه ی آینده، هرجا
هست جلسه، من می روم آنجا.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: من می روم آنجا، این را من خودم تشریح می کنم که انگیزه در
نظر ما ۴ را دارد

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: اندیشه و فهم، دو را دارد، انضباط، یک. هر عملی که بخواهد انجام بگیرد،

آقای رضوی: صحیح.

استاد حسینی: اگر انگیزه ضعیف باشد، اندیشه اصلاً متشت می‌شود.

آقای رضوی: بله. حاج آقا امروز، امروز که سه شنبه هست، بعد از ظهر یک جلسه‌ای همان جلسه خصوصی که سه نفری بودند غیر از خانم نجابت، یعنی ترکیب شان را گفتیم عوض کنند به خاطر اینکه نظرشان متفاوت شده. اینهایی که کار را انجام دادند خودشان جلسه خصوصی را بگیرند برای تنظیم آیین نامه و بحث بکنند روی اینکه روش کار چگونه باشد، فردا در جلسه، فردا چهارشنبه هم باز جلسه دارند، جلسه عمومی منتها که قرار بوده در این جلسه فردا، تقسیم کار بشود، یعنی تقسیم گروهی بشود. یعنی گروه‌ها مختلف تقسیم بشوند تا بروند لغت‌ها را در بیاورند.

استاد حسینی: نه نه، دیگر لغت کافی است، هرچه در آورند کافی است اصلاً از این، از این جلسه شما امروز که تماس می‌گیرید به آنها، لغت کافی است.

آقای رضوی: یعنی، ...

استاد حسینی: بروید سراغ دستور زبان.

آقای رضوی: این همیش حاج آقا برای من یک مقدار نسبت به کارهای بعدی همین برایم مهم هست. یک تنظیمی با خواهرها می‌کنم، یک چیزی را به آنها بگویم، اینکه این تنظیم را خراب کردنش، یا تغییر دادنش؛

استاد حسینی: بله بروید بگویند بی اهمیت است. [؟] همان حرف چینی که

می‌گویند، بگویند بی اهمیت است. آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: چینی که می‌گویند بگویند بی اهمیت هست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: نه اینکه بعد بگویید بی اهمیت است.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: بگویید اینها را گفتم، ولی علیه اینها می شود کار کرد. لغت ما می خواهیم، این مقاله را می گوئیم، می شود کسی روی این مقاله یک دانه کار نکند، هیچی. روزی که وقت مناظره هست گنج دیگر می شود خودش؛

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: سر در نمی آورد کار را.

آقای رضوی: درست است. یعنی ما داریم یک کار پرورشی می کنیم روی،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: همان وارد شدن روی اینکه بگوئیم چگونه مناظره انجام بگیرد.

استاد حسینی: بله، ما در این می خواهیم این کار را بکنیم. یک نفر می گوید من

اصلاً لازم ندارم. خب کار نکن روی این. فکری ندارد.

آقای رضوی: درست است.

آقای محسنی: مثالش مثل سربازی که رفته تمرین آموزش و مانور و...

استاد حسینی: بله.

آقای محسنی: خوب کار کرده باشد بعد [نامفهوم ۳۲: ۳۰ تا ۳۰: ۳۰]

آقای رضوی: ببخشید چشم! این را خدمت خانم. بعد جلسه ای که می فرمایید

حاج آقا همین فردا، فردا هست جلسه خواهران، می خواهید فردا؟

استاد حسینی: فردا نه، فردا من - به اصطلاح - اصول دارم، نمی رسم - به حضور -

من برای هفته دیگر سه شنبه همین عصر،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: - به حضورتان که عرض کنم - وارد جلسه شان می شویم.

آقای رضوی: سه شنبه عصر، یعنی همین ساعت ۵ تا ۶؟

استاد حسینی: همین ۵ تا ۶.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: ۵ تا ۶ وارد می‌شوم - به حضور - الان هم نمی‌خواهد به آنها اطلاع

بدهید.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: هر جا جلسه شان هست، من ظهرش به من بگویید که جلسه باشد

آقای رضوی: جلسه شان که طبق قرار قبلی چهارشنبه‌ها گذاشته بودند

استاد حسینی: نه بگویید سه شنبه؛

آقای رضوی: حالا می‌گوییم بشود سه شنبه

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: سه شنبه عصر در همین ساعتی که با ما جلسه دارید. این دیگر

سؤال دیگری نیست.

استاد حسینی: بفرماید.

آقای رضوی: سؤال دیگری نیست حاج آقا

استاد حسینی: بفرماید.

آقای رضوی: البته یک، یک مطلب دیگر هم هست حاج آقا، اینکه خواهرها

اینطور تا اینجای آن پیش پیش رفته و این اختلافات هم احیاناً پیش آمده یا بن بست

هایی، من فکر می‌کنم این کار خود من بوده. یعنی یک تأخیری از یک طرف از

لحاظ کاری بود. یک ۱۵ روز وقفه افتاد در حین این ۱۵ روز خواهرها مشغول کار

بودند و این یک مطلب است. یک مطلب دیگر هم قبل از این ۱۵ روز و بعد از آن

هم من به خواهرها این، با این بیانی که حضرتعالی می‌فرماید عرض نکرده بودم.

استاد حسینی: بله، صحیح - به اصطلاح - قصدمان این است که گاهی یک وقتی

که انضباط سازمانی را بالا می‌برید، آنوقت - به اصطلاح - برخوردها هم همراهش تند می‌شود،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: مگر اینکه برایشان بگویید که اصل برای ما، اصل انضباط سازمانی نیست.

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و صلی الله علی محمد و آل محمد،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۹
کد جلسه: ۳۳۹۷	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۳/۰۵
کد صوت: ۴۷۶۷	مدت جلسه: ۱۰ دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات: ۱۸۸۶

شناسنامه تدوین

پیاژه:	خانم س. صالح
تایپ:	مصطفی الهامی
تطبیق:	خانم م. کریمی
تصحیح (۱):	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	حسن ناصری
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	حسن ناصری
صفحه‌آرایی:	حسن ناصری

جلسه نهم

آقای رضوی: حاج آقا چند دقیقه بیشتر قرار نبود مزاحم شما باشیم،
استاد حسینی: اختیار دارید.

آقای رضوی: حالا هم این چند دقیقه خلاصه. بسم الله الرحمن الرحيم. حاج آقا
از حضور حضرت عالی تشکر کردند خواهرها در جلسه،
استاد حسینی: لطف و بزرگواری شان.

آقای رضوی: بعد همین طبق آن گزارشی که خانم صادقی دادند، نظم و
همفکری مناسبی هم در جلسه برگزار؛ یعنی بوده،
استاد حسینی: الحمدلله

آقای رضوی: یعنی در جلسه پنج شنبه گذشته شان، بعد احتمالاً خواهران هم در
مورد تابستان نظر به تعطیلی کار داشتند، احتمالاً،
استاد حسینی: عیبی ندارد اگر ممکن است بعد آن ...

آقای رضوی: یعنی صحبتش شده؛ یعنی کار را کلاً تعطیل کنند یا آنهایی که

هستند کار کنند حاج آقا؟

استاد حسینی: نه دیگر! وقتی تعطیل بکنند دیگر ...

آقای رضوی: بله، جلسات هم به خاطر این احتمال این که تابستان تعطیل هست از یک جلسه در هفته به دو جلسه در هفته ارتقاء دادند. خودشان.

استاد حسینی: خودشان؟

آقای رضوی: بله، با رأی گیری هم بوده البته اختلاف هم داشتند بعضی ها گفتند کار داریم، در عین حال گفتند اکثریت رأی دادند که دو جلسه در هفته باشد، بعد هم پیشنهاد تشکیل صندوق مالی هم خودشان دادند برای پس انداز ماهانه، پس انداز ماهانه برای انجام اموری که دارند و هزینه های عمومی،

استاد حسینی: [؟ ۱:۲۱]

آقای رضوی: بعد یک پیشنهاد هم دادند، کتاب «تعلیم و تعلم از دید گاه امام خمینی و شهید ثانی» در قسمت مناظره که در پایان هر جلسه یک حدیثش را بخوانند.

استاد حسینی: حدیث چه چیزی فرمودید؟

آقای رضوی: «تعلیم و تعلم از دید گاه امام خمینی و شهید ثانی».

استاد حسینی: بله، خوب است؛ یعنی - به اصطلاح، عرض کنم که - ...

آقای رضوی: جنبه اخلاقی،

استاد حسینی: مثل منیة المرید باشد.

آقای رضوی: بله بله.

استاد حسینی: اصلاً شاید منیة المرید عربی اش باشد، این فارسی اش باشد.

آقای رضوی: این فارسی اش است، بله.

استاد حسینی: بسیار خب.

آقای رضوی: از دید گاه امام هم فرمایشات گهرباری دارند در باب تعلیم و تعلم

جلسه نهم ۷

که قرار گذاشتند خودشان یک حدیث بخوانند. در دستیابی به اصطلاحات و معانی -
اش هم با مشکل عدم تخصص و منابع روبرو شدند که راجع به منابعش ما اسامی
خواهران را با مهر و امضاء آقای محسنی قرار شده که بدهیم کتابخانه آقای نجفی و
کتابخانه دفتر تبلیغات که خواهرها عضو آن جا باشند از حیث منابع فعلاً مشکلی
نداشته باشند، منابعی که آنجا هست استفاده کنند. بعد جلسه اصطلاحات هم که دو
هفته قبل به آن‌ها فرصت دادیم به اندازه دو هفته دیگر امروز باید تمام شود قاعداً.
ما الان باید وارد کار دستور زبان شویم با آنها.

استاد حسینی: ان شاء الله.

آقای رضوی: - ان شاء الله - دستور زبان هم من یک خلاصه‌ای خودم از فهرست
دستور زبان تهیه کردم، البته این کاری هم که قبلاً زمان آقای صدوق انجام شده
بود، ...

استاد حسینی: آوای رسای بسیج.

آقای رضوی: بله، این ضمیمه‌اش هست، این ضمیمه عناوین صرف و نحو آن
دیدم مفصل هست،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی تقریباً تتبع شان، تلاش کردند تتبع شان یک مقدار کامل هست
از کتاب‌های مختلف. حالا گفتیم که این را یا در اختیار خواهرها می‌گذاریم، یا ...

استاد حسینی: ببینم همان آوای رسای بسیج را.

آقای رضوی: بله، - خدمت شما - یک قسمت صرف دارد حاج آقا، یک قسمت
نحو؛ یعنی یک قسمت تجزیه و یک قسمت ترکیب. در قسمت تجزیه ۷ تا عنوان
«اسم، صفت، فعل، ضمیر، قید، حرف و صوت» را بررسی کردند؛ یعنی اول عنوانش
را گفتند، بعد تعریف کردند، بعد از تعریف هم نمونه‌ها را آوردند.

استاد حسینی: از کجا این را گرفتند گفتند؟

آقای رضوی: از کتاب‌های دستور زبان معروف، اولش هم آمده احتمالاً از خود حاج آقا معزالدین هم راهنمایی گرفتند برای استفاده از منابع و ادبیات معاصر. استاد حسینی: بسیار خوب، بله.

آقای رضوی: این قسمت صرفش هست.

استاد حسینی: از این‌ها چند جلد دارید شما؟

آقای رضوی: اطلاعی نداریم حاج آقا.

استاد حسینی: یک بررسی کنید به من نتیجه را بدهید.

آقای رضوانی: - ان شاء الله -.

استاد حسینی: لااقل یک چیزهایی این طوری باید خب در دسترس این‌ها بیشتر باشد.

آقای رضوی: بله، البته این یک مشکلی از لحاظ استفاده دارد که مثل دستور زبان دوره دبیرستان ساده نیست حاج آقا، استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: دسته بندی فرهنگستانی است، اول آمده عناوین را دسته بندی؛ برای محقق خوب هست، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: برای کسی که کاربردی می‌خواهد کار کند باید دسته بندی‌اش ساده شود، استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی شماره‌ها حذف شود، همین ترتیب داده شود، بعد هم همزمان که عنوان می‌آید تعریف و مثالش هم بیاید. این جا یک کاری که کردند ابتداء عناوین را آوردند، بعد از عناوین که تمام شده تعریف را آوردند، بعد از تعریف مثال را آوردند؛ یعنی در سه قسمت کردند. برای کاربردی شدنش خیلی آسان و

جلسه نهم ۹

راحت الحلقوم شود این هست که عنوانی که می‌آوردند همان موقع تعریف و مثالش را هم بیاورند، کتاب‌های دبیرستان این کار را کردند، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: خیلی هم ساده و روشن هست. حالا این هم می‌توانیم به آنها آدرس بدهیم استفاده کنند. مثلاً قسمت «اسم» در دوره دبیرستان خیلی ساده گفته اسم چیست، انواعش چیست، انواعش هم تعریف کرده، مثال‌های مختلف هم زده، این از این آسان تر هست.

استاد حسینی: مسلماً! ولی این برده آن را در یک دستگاه دیگر طبیعتاً. آقای رضوی: بله، برده، یک چینش خاصی به آن داده، منتهی از این هم حجمش بیش تر هست.

استاد حسینی: درست است.

آقای رضوی: یعنی این از انواع اسم‌ها به مثلاً چهار نوع اسم، به چهار گروه اشاره کرده، این‌ها تا آن جایی که توانستند تتبع کردند، مثلاً ۸ گروه، ۷ گروه پیدا کردند، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: این فرقی هست حالا عده‌ای می‌پسندند.

استاد حسینی: حالا آن ساده را دفعه اول، در دور اول،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: در دور دوم دوباره این‌ها خوب است رجوع کنند،

آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: - مثلاً عرض می‌کنم - چند دور که خواندند این را و تطبیق کردند، آن وقت بعدش این را بخوانند.

آقای رضوی: بله، خودشان اصلاً چیز می‌شوند، مایل به تتبع بیش تر هم می‌شوند، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: روی این هم قضاوت می‌توانند کنند.

استاد حسینی: - ان شاء الله -

آقای رضوی: این بهتر هست ظاهراً حاج آقا، بله، این ساده تر هست، دیگر لازم هم نیست ما بگوییم، بگوییم همان دستور زبان دبیرستان کافی هست، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی خودشان هم خانم جهان گیر هم چون که لیسانس ادبیات دارند ایشان می‌توانند کمک‌شان کنند، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: مشکل ندارد، فقط یک قسمتی هم هست ... استاد حسینی: این مسأله را اگر بتوانید به عهده خودشان بگذارید، اصلاً در این که در جلسه بحث شود، رأی بگیرند - مثل فرض کن - خانم جهان گیر وارد هست، خواهر دیگری باز وارد هست، این بگویند خوب است، بهتر است، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی به عبارت دیگر جلسه خودش انتخاب کند کتاب مرجع را، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یعنی عادت کنند، منتظر نباشند که شما یک کتاب مرجع خاصی را معرفی کنید.

آقای رضوی: بله، ما حداقلش را می‌گوییم دبیرستان.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: خوب هست دیگر.

استاد حسینی: خوب است.

آقای رضوی: که دوستان، خواهران مشکل نداشته باشند. حاج آقا فقط یک سوالی هست در این زمینه که ما لغت را انجام دادیم با قواعدی خیلی ساده، خود

خواهرها رفتند که آن قواعد پیچیده دارد. تولید لغت و تولید اصطلاح و دستیابی به اصطلاح و اینها که آنها - ان شاء الله - دوره‌های بعد، بعد از لغت و اصطلاح که خودش زیربخش ادبیات و زبان شد، استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: یعنی به عنوان ابزار حسی، ما قسمت سوم به دستور زبان پرداختیم، منتهی گفتیم که با دستور زبان، زبان و ادبیات تمام می‌شود، ما در دستور زبان معانی، بیان و بدیع هم داشتیم، حالا این را می‌فرمایید که در ادبیات اصلاً الان صحبت در این سطح از آن نکنیم یا این که نه، به آن پردازیم؟ استاد حسینی: من به نظرم می‌آید اصلاً در معانی - بیان و اینها الان وارد نشویم، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و به زبان ساده؛ یعنی دور اول را شما یک تمرین هر چه می‌توانید ساده تر کنید آن را، آقای رضوی: بله - ان شاء الله - .

استاد حسینی: یعنی فکر را بگذارید بر ساده کردن یک دور تا آخر، آقای رضوی: - ان شاء الله - ،

استاد حسینی: شروع، خصوصیات ساده بودن، خسته اصلاً نکنید، آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: نشاط را بیشتر کنید، احساس ... ؛ یعنی معنای نشاط را بیشتر کنید، احساس موفقیت برای کسانی که این چیزها را بلدند به نسبت، آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: احیاناً یک ضعف‌های جزئی در آن دارند، آقای رضوی: درست است.

استاد حسینی: اصلاً مجبور به یک کار فرسایشی نشوند،

آقای رضوی: صحیح می‌فرمایید.

استاد حسینی: زود برسند به مناظره، ترتیبی بدهند و تنظیمات اولیه شروع به مناظره را سازمان بدهند.

آقای رضوی: حالا من چون که در ادبیات فارسی یا در کلاً ادبیات عربی ...

استاد حسینی: منطق را هم این‌ها یک چیزی خواندند این‌ها.

آقای رضوی: منطق، حالا بعضی خواهران که خب درس حوزه را خواندند، حتماً المنطق را خواندند، بعضی از خواهران که ...

استاد حسینی: نه المنطق مظفر،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: یک منطق خیلی ساده‌ای شبیه منطقی را که مثلاً آقای مطهری یک چیزی را داشتند، ...

آقای رضوی: بله، آشنایی با علوم اسلامی، یکی‌اش منطق بود.

استاد حسینی: آشنایی با علوم اسلامی، یکی‌اش منطق است، آن وقت یک آشنایی ساده‌ای می‌خواهیم داشته باشند.

آقای رضوی: بله آشنایی ساده، حالا - من عرض می‌کنم - پس ادبیات دیگر تا

این جا ختم می‌کنیم،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: به همین دستور زبان ساده ختم می‌کنیم.

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: اگر این طور باشد، خود این دستور زبان دبیرستان خیلی خوب است.

استاد حسینی: من تازه همه آن را هم بخوانند بخوانند خیلی زیاد می‌دانم!

آقای رضوی: البته حاج آقا این ...

استاد حسینی: سر فصل هایش را مثال‌هایی بلد باشند، ...
آقای رضوی: این‌ها مثلاً کل این کتاب مثلاً ۳۰ صفحه‌اش حاج آقا دستور زبان
است،

استاد حسینی: بله!

آقای رضوی: بقیه‌اش متن است،

استاد حسینی: بله.

آقای رضوی: بقیه‌اش متن و آیین نگارش و کلاً ۲۰ صفحه، ۳۰ صفحه، شاید کل
دستور زبان با مثال‌های متعددی که زده شاید مثلاً ۱۰۰ صفحه، ۱۲۰ صفحه شود،
استاد حسینی: بسیار خوب.

آقای رضوی: کل آن یعنی؛ با مثال‌های متعددی و تمرین‌هایی که دادند. راجع به

...

استاد حسینی: حالا این در دستور زبان،

آقای رضوی: بله.

استاد حسینی: و همچنین در منطق،

آقای رضوی: بله،

استاد حسینی: اگر این‌ها خودشان، به یک نحوی که خودشان می‌پسندند

خلاصه کنند.

آقای رضوی: دستور زبان را.

استاد حسینی: که خلاصه کنند، برای این یک تمرین داشته باشند روی آن، چه

تمرینی را ما می‌توانیم بگذاریم؟

آقای رضوی: که خواهرها دستور زبان را ...

استاد حسینی: مسلط تر شوند، اشراف کلی، نه جزئی.

آقای رضوی: بله، بله، آن چیزی که من به ذهن خودم می‌رسد به صورت خیلی

۱۴ مدل مناظره سازمانی

ساده، عناوین [...]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه سند

عنوان پژوهش: مدل مناظره سازمانی	
کد پژوهش: ۳۸۸	شماره جلسه: ۱۰
کد جلسه: ۳۳۹۸	تاریخ جلسه: ۱۳۷۸/۰۳/۱۱
کد صوت: ۴۷۶۸	مدت جلسه: دقیقه
تعداد جلسات: ۲۴	تعداد کلمات:

شناسنامه تدوین

پیاژه:	خانم س. صالح
تایپ:	مصطفی الهامی
تطبیق:	خانم م. کریمی
تصحیح (۱):	علیرضا شریعتی
کنترل نهایی:	حسن سبحانی مجد
تصحیح (۲):	حسن ناصری
مقابله:	خانم ز. کریمی
تصحیح (۳):	حسن ناصری
صفحه‌آرایی:	حسن ناصری

جلسه دهم

استاد حسینی: فرض دوّم این است که هر جلسه همیشه می تواند با دو سوم آراء رسمی باشد و همه که با همدیگر مسافرت نمی خواهند بروند که جلسه از دو سوم بیافتد. بنابراین این یک سوم که مرتباً تبدیل می شود، وقتی برمی گردد بعد از دو هفته، سه هفته، یک هفته، یک ماه، فرضاً ۸ جلسه نبود، خودش را یک جوری می رساند. اما فرض سوّم این است که مطلقاً سعی می شود اصلاً جلسات تعطیل نشود، مسافرت هم به حداقل برسد که تحقیق این فرض سخت است. این سه تا مطلب هست.

آقای رضوی: رأی گیری که می شود معلوم می شود که به کدام بیشتر مایل هستند. البته نظر بعضی از خواهران این است که اشکال تراشی باعث عدم پیشرفت سریع می شود و حتی بعضی ها آرای اکثریت را هم نادیده می گیرند، و آن را وتو می کنند. راه حل پیشنهادی خودشان طرح شرایط سنی است که می گویند مثلاً ما جوان هستیم، آنها مسن هستند، چون بعضی ها به نسبت بالای چهل سال دارند.

ج: گرفتاری شان بیشتر هست

س: نه، از لحاظ احترامی که نسبت به آنها می گذارند و مسائل اخلاقی که به نظرشان می رسد، می گویند ما نمی توانیم با آنها برخورد کنیم، لذا به نظرشان رسید یک آئین نامه انضباطی تنظیم بشود باشد هر چند طرح آن باز دوباره خودش موجب اختلاف است.

ج: خوب بحث می شود بعد سر درک از آئین نامه.

س: این هم یک دور دیگر می شود.

ج: نه این چیزها نباشد. من بنظرم می آید که زودتر از همه چیزها، سعی کنید که در خط موازی، مناظره آغاز بشود، یعنی هفته ای که دو جلسه هستند، یک جلسه مناظره شروع بشود، محتوی را هم بررسی کنند.

س: مناظره ببرد در محتوی؟

ج: بله، اصلاً به بحث منطق، مسلط شدن به ابزارها، یک جلسه در هفته قرار بدهند، شروع به مناظره کنند، که نیاز به این مسائل، در مناظره مشخص می شود چقدر هست دو خطش بکنید، هفته ای دو جلسه اش کردند؟

س: خودشان دو جلسه کردند.

ج: خیلی خوب یک جلسه اش را بگذارند مناظره، یک جلسه از همین جلسه آینده قرار بشود مناظره ولو حداقل مطالعه را کرده باشند.

س: حداقل تا پایان دوره اول برای اینکه منظم کار پیش برود، موضوع مثلاً صندوق یا اساس نامه کار خواهران، سازمانشان به آن شکل یا راجب آئین نامه داخلی شان، بعضی پیشنهاد دادند که اصلاً هیچ گونه بحثی روی آن نشود، همین محورهایی که ما تعیین کردیم ادبیات، منطق و اینها را روی اینها کار کنند، اگر هم بحثی دارند، روی همان بحث کنند، من هم می گفتم روی اساس نامه صحبت نکنید، اساسنامه یک کار سنگینی هست.

ج: تمرینی باشد اصلاً.

س: این طور خوب هست.

ج: خوب هست.

س: بعضی از خواهران با تبلیغاتی بیرون از جلسه بعضی از خواهران عده ایی دیگر از خواهران شدند بیايند وارد دوره شان بشوند.

ج: خوب هست این کار.

س: بیايند؟

ج: حتماً، هر چه می توانید عده را زیاد کنید.

س: یعنی اشکال ندارد که بیايند؟

ج: نه نه، یعنی تنش ها را کم می کنید، رأی اکثر، آنوقت رأی پیدا می کند هر کسی هم که سه جلسه منظم حاضر شد، حق رأی داشته باشد.

س: سه جلسه منظم.

ج: سه جلسه پشت سر هم همدیگر آمد، حد اکثر ۵ جلسه، این را به رأی بگذارند، هر کسی که می آید چه زمانی عضو شناخته می شود؟ چند جلسه؟ دیگر بیشتر از ۱۰ جلسه به هیچ وجه قبول نکنید که شرط بگذارند. کسی که می آید تا ۱۰ جلسه، باید خیلی دندان روی جگر بگذارد که حرف نزد. ۵ جلسه معقول هست. سه جلسه خیلی سریع پذیرفتند هست.

س: وارد جلسه بشود

ج: عضو بشود، یعنی حق رأی داشته باشد.

س: حجت الاسلام محسنی: عکس هم هست عضو جلسه هست ۳ الی ۴ جلسه

همین جور مدام غیبت می کند

ج: غیبت را زود اخراج نکنید دست شما برای اخراج دیر باز بشود.

س: نه اینکه حق رأیش؟

ج: نه، این به معنای اخراج هست، بله به اصطلاح دست ردّ کردن، ممسک باز بشود، دست قبول کردن و پذیرفتن، سریع باشد تا آنهای هم که رفتند، برگردند. حجت الاسلام رضوی: دوره اول که دوره اجمالی هست، همین خواهران باشند، اما خواهرهایی جدید می آیند دوره اول جدید تشکیل بشود.

ج: نه، شما یک کاری می کنید آمدن دیگران تشویق بشود که بگویند جلسه شلوغ شد.

س: حتی همین دوره اول؟

ج: عیبی ندارد یک عده هم بدشان می آید ممکن هست بروند و لکن جلسه تان کم کم نرج می گیرد.

س: در مورد صندوق چه کار کنیم؟

ج: حتماً کلیه عواملی بصورت قاعده کلی، که منشأ این می شود که عده ایی بروند، اول کار نیاورید، کلیه عواملی که منشأ جذب می شوند، اول بیاورید، بعدها نرج می گیرد، نرج که گرفت آنوقت در مناظره قوی می شوند، بعد افراد قرص می آیند و می ایستند. ولی از اول نه نگوئید.

س: موافق با صندوق بودند،

ج: رأی اکثر، باید رای بدهد.

س: منتهی بعضی نظرشان بود، که ضوابطش باید مشخص بشود.

حجت الاسلام محسنی: این سوالهایی که برای خواهران پیدا می شود قابل اجراء است یعنی فرضاً ضوابطش اول معلوم بشود بعد خرج بشود، صندوق راه بیافتد، رأی گیری بکنند

حجت الاسلام رضوی: یعنی همین اصل را، راجب تماس خواهران با حضرت

عالی صد در صد، آزاد هستند، یعنی تأکید کنیم که می توانند با شما تماس بگیرند؟

ج: نه جوری که وقت ما را بگیرند، من خودم از این طرف می توانم تماس بگیرم،

من هرزگاهی، ماهی یکباری، سعی می‌کنم یک سری بزنم.
س: سری به جلسه خواهران، یعنی بعضی‌ها یک چیزی بنظرشان برسد، بخواهند با شما در میان بگذارند.

ج: بله، ما وقتی ما آمدیم در جلسه، بگویند.
س: در قسمت ادبیات خانم جهانگیری لیسانس ادبیات هستند، لغت نامه معین را معرفی کردند، گفتند یک مطالعه بکنید، آشنایی اجمالی پیدا کنید، بعد هم جزوه ادبیات رزمندگان، که خلاصه دستور زبان دبیرستان هست، آن را برای خواهران املاء و آنها یادداشت کردند و روی یک پارگراف از متن پیاده کنند.

ج: منظره به صورت خط دوم در کنار این خط باشد که اینها خیلی خیال نکنند که باید ادیب بشوند، ورزشی را که می‌کنند، باید به میزان لازم باشد. بیشترش لازم نیست. یعنی اگر اینها شدند آدم‌هایی که در منظره یک فول ادبی که بکنند، زمین بخورند، الان ما معتقد نیستیم که اینها فقط در ادبیات دچار، آسیب می‌شوند، حتی در منطق هم نه. در محتوی بنظر من می‌آید که الان درگیر می‌شوند. بله این سیر را دارد، قاعده اش هم هست که آدم لغت بداند، هم ادبیات بداند، هم منطق بداند، هم محتوی بداند، رشد هم کنند. باید بعد هم اصلاً نحوه انگیزش اجتماعی را بشناسند که چه جوری باید انجام بدهند؟ ولیکن اگر بخواهند در هر کدامش، در راه بمانند، طول می‌کشد.

س: دستور زبان این هفته تمام می‌شود، بعد منطق هم دو هفته، بیشتر نیست، بعد هفته آینده ما خدمتشان می‌آئیم ختم دستور زبان را را اعلال می‌کنیم، و می‌گوئیم منطق را شروع کنید.

س: پس این منافاتی با.

ج: با منظره ندارد، منظره را خطش را سعی کنید راه بیاندازید، یعنی به عبارت دیگر ارزش سیاسی این را شما از آنها گرفتید، یعنی بهر حال اینها مدعی یک نحوه

اداره بودند، آن را مع از آنها گرفتید، یک ارزش سیاسی دیگری سریع را راه بیاندازید تا احساس توانمندی کنند، نسبت به اینکه می‌توانند مطلبی را جواب بدهند. س: اما راجب محتوی، تهیه منابع یا اطلاع دادن نسبت به منابع را، چه نظرات موفق آقای کدیور و چه نظراتی که مخالف ایشان هست و منابع فرهنگستان هست، خود خواهان مراجعه کنند یا اینکه بنده که پیگیری داشته باشیم، مثل قسمت منطق و دستور زبان، خودشان بیایند از فرهنگستان منابع را تهیه کنند، موضوعات را، کتابها را ببینند.

ج: خودشان باید این کار باید بکنند، ما در هیچ فصلی حاضر نیستیم که هیچ کمکی بشود، مناظره باید خودشان برگردند پیدا کنند.

۳) نسبت به نظرات آقای کدیور.

ج: بله حالا مثلاً می‌گویم یک کار جزئی بکنید برایشان مثلاً این کتاب را بدهید بگوئید،

س: این نمونه اش هست.

ج: نمونه اش هست، بروید حالا مثلاً می‌گویم، سر فصل ها را نگاه کنید در فهرست های مطالب فرهنگستان هم قوی تر است. ممکن هست بگویند همین کافی هست. ما هیچ سعی نداریم برای اینکه اینها زیاد کار بکنند، سعی داریم که زیاد تحریک بشوند، خیلی فرق هست که زیاد تشنه بشوند یا زیاد خسته بشوند. بین این دو تا خیلی فرق بگذارید، همیشه انگیزه باید ۴ باشد، یعنی تشنگی. کار فکری باید ۲ باشد. کار عینی ۱ اگر شما کار عینی را کردید ۴ کار فکری را کردید ۲، انگیزه را کردی ۱، رها می‌کند می‌رود اصلاً، دلیلی ندارد که بعد از مدتی بماند.

س: یعنی هر نسخه که تجویز می‌کنیم، انگیزه شان شدیدتر بشود.

ج: یعنی انگیزه ها هرگز منشأ خستگی نشود، معذرت می‌خواهم، برنامه ها هرگز منشأ خستگی نشود، برنامه ها انرژی زا باشد، فرسایش انرژی نباشد. این را در کلیه

کارهای اداری تان باید بیاورید، یعنی باید طرف امروز که می‌آید صبح تا غروب احساس کند یک کاری کرده است، نشاطی داشته باشد، به اصطلاح در جا نزده اصلاً، اینکه مثلاً عرض می‌کنم حالا نوع اینها دستور زبان خواندن در کلاس ششم، دوازدهم، بنظرشان می‌آید دوبار شروع کردن این هان حرفها را، احیاناً نمره‌ای هم که گرفتند، اوقاتشان تلخ بوده از معلمشان در ضمیر ناخود آگاهشان خوششان نیامده است، دوباره ما وامی‌داریم که همان کار را بکنند، چه کاری است؟

س: ولی اگر زمان را ضیق بکنیم، در عرض دو هفته این جبران می‌شود.
ج: این یک مقداری، نه اینکه حالا خود همین هم بیایم یک کاری بکنیم که عرض کردم خسته نشوند، در برنامه اصل بر این باشد که خسته نشوند، تشنه بشوند.

س: یعنی محتوی را راه بیاندازیم؟

ج: یعنی شما مناظره را شروع کنید، برایشان صحنه ایجاد کنید، یعنی به عبارت دیگر یک تحریک سیاسی را دارید، یک تحریک اقتصادی دارید، اینها تحریک های خوبی هست

س: آیا خصوصیات محتوی، محتوی به این شکل که شما می‌فرمائید، غیر از قواعد محتوی است؟

ج: خیر، این الان می‌آیند صحبت بکنند.

س: این کار عملی هست.

ج: این کار عملی شروع می‌کنند مناظره کردن، یک برنده می‌شود، یک بازنده، س: در قسمت مثلاً دستور زبان که مشخص تر بود، قواعدش بود، قواعد را در عرض دو هفته مطالعه می‌کردند و پیاده اش می‌کردند، ظاهراً در محتوی بر عکس هست.

ج: نه رأی می‌گیرند که کدامشان بهتر صحبت کردند. کارها را به رأی بگذارید. جامعه به مناظره رأی می‌دهد، یعنی مناظره که شما می‌کنید، خیلی هم قاعده مند

حرف بزنید پشت تلویزیون، معلوم بشود که ملت بگویند، نه او درست می گوید این چه فایده دارد.

س: این مطلب راجب برنامه محتوی هست

ج: یعنی می خواهم بگویم که محتوی را ما چه جوری شاخصه می بندیم؟ شاخصه اش را یک وقتی می آئیم آسیب شناسی می کنیم، می گوئیم چرا ملت رأی دادند به آقای خاتمی، رأی ندادن به آقای ناطق، این تحلیل رأی مردم هست ولکن یک وقت می گوئیم، برنده کیست؟ می گوئیم آنکه بیشتر رأی آورده است، حالا شما می گوئید که ۱۰۰ هزار رقم مثلاً عرض می کنم خلاف انجام دادند، مال آن ۱۰۰ هزار خلاف، ۲ میلیون رأی می شود، ۵ میلیون رأی می شود. فرضاً عرض می کنم حالا شاید بفرض محال، اگر آقای ناطق دل بسته به برنامه آقای هاشمی نبود، آمده بود علیه اش صحبت کرده بود، گفته بود که من برنامه ایشان را قبول نداشتم، نهایت چون وظیفه مجلس بود که، قوه مجریه هماهنگ باشد، و آلا من شروع می کردم حرف زدن. به چه دلیل که ایشان رأی بیشتر نمی آورد؟ ایشان سعی کرد مرتباً تاکید کند بر به اصطلاح سازندگی. در کنار سازندگی هم اقتدار ملی را طرح می کرد، آزادی را مطرح می کرد، ولی همه می دانستند، ایشان معنای حرفش اینکه، می خواهد کار آقای هاشمی را ادامه بدهد. ولی آقای خاتمی، جور دیگر حرف زد، اساساً در مناظره برنده، یعنی کسی که رأی بیشتر در بین ملت می آورد. اولین ملت کوچکی که دارید، همان جلسه بگویند، رأی بدهند چه کسی تو مناظره خوب صحبت کرد. رأی می گیرند هیئت مدیره خوب اداره کردند یا نه؟ هیئت علمی خوب ایراد گرفتند. گرفت یا نه؟

س: حالا سوال همین جاست این هیئت علمی، مدیره و هیئت نظار و طرفین مخالف و موافق، در اولین جلسه باشد.

ج: با آراء انتخاب بشوند

س: انتخابش، به همین شکل پیاده بشود؟

ج: بله بله

س: یعنی دو نفر، بعد رای بدهند چه کسی هیئت مدیره باشد، رأی گیری کنند.

ج: بله بله

س: بعد رأی گیری که می کنند یک هفته یا دو هفته کار کنند؟

ج: یک هفته بیشتر وقت ندارند.

س: یک هفته روی متن کار کنند.

ج: یک هفته متن و مربوط به بعد وارد شدن به مناظره است.

س: در یک جلسه مناظره صورت بگیرد، و آخرش رای بدهند به همدیگر.

ج: رأی بدهند و این هم تفهیم بشود که مناظره آخرش رأی هست، من خیلی خوب دلیل آوردم، ولیکن نتوانستم، دست بگذارم روی انگیزش اجتماعی برنده بشوم، حرفم خوب اصلاً نیاورید. طرف مقابل برنده شد، شما دلیل را که می آورید باید به جوری صحبت بکنید که انگیزه مردم طرف خطاب اولت باشد، طرح سوال از طرف مقابل، جلب انگیزه به طرف پاسخ خودتان، کار شماست. نباید بگوئی که من برخورد منطقی مستدل کردم ولی، مردم رأی ندادند. از این جهت سخت می کند کار مناظره راه، یعنی اینکه محتوی، فقط درخشش منطقی داشته باشد، در تحلیل بگویند حرف درست گفت، فقط حرف درست کافس نیست! القاء هم درست شده باشد. القاء اجتماعی هم هست. مناظره، به جامعه بناء هست مطلبی را بدهد، نه فقط به طرف مناظره، بله شما کار منطقی می کنید، طرفت را مات می کنی، گیر می آوری که همه رای می دهند می گویند احسنت. یعنی گیر افتاده هست. این معنایش اینکه شما گیر انداختن را هم وسیله می کنی برای چه چیزی؟

س: جلب انگیزش اجتماعی

ج: جلب انگیزش اجتماعی، یعنی جزو و جاء لهم بالتی هی احسن.

س: قرار بود که هفته آینده دستو زبان که تمام شد، منطق را شروع کنیم می‌فرمائید فردا شروع کنید.

ج: من بنظم دو خط قرار بدهید: یک خط قرار بدهید برای مناظره که فردا بگوئید که این خط کنار آن بیاید رأی بگیرید، این خودش یک پیشنهاد هست، که مناظره را همراه این ببریم جلو، یعنی اگر رأی دادن اکثریت که مناظره را که همراه ببرید، مناظره را که همراه ببرید

س: اکثریت یعنی ، منظورتان هست.

ج: نصف بعلاوه به ۱

ج: بله همین را هم به رأی بگذارید.

س: منتهی در این دیگر باید توقف بگوئیم اگر به این رای دارند که نصف آراء به اضافه یک همیشه مورد نظر باشد یا

ج: طبقه بندی موضوعی بکنید، بهتر هست. بگوئید برای مثلاً عرض می‌کنم اموری مثل تعطیل کردن جلسه یا مثلاً یک چیزهای مهمی دارید، مثل محور مناظره کنار محور بررسی، ایجاد یک محور جدید، این مخالف و موافق صحبت کنید، اینها با تصویب بشود.

س: بگوئیم نسبت به تعطیلی مثلاً را به رای بگذارند؟

ج: سه تا فرض داریم حالا این یک تصمیمی هست نسبت به همه کارها.

س: منتهی موضوعات مختلف ممکن هست،

ج: در موضوعات جزئی قرار بدهید نصف بعلاوه یک، رأی بدهند تا تمام بشود. روی موضوعاتی که مثل تعطیل جلسه یا ادامه، یا محور موازی درست شدن، اینها دو سوّم بشود.

ما ابلاغ کنیم. خود همین را به رأی بگذارید که ما طبقه بندی را بیاوریم موضوعات، این را به با چه رأی درست کنیم. اصلش را بگذارید به نصف بعلاوه

یک. نصف بعلاوه یک رأی بدهد که این موضوعات با است، این موضوعات با است.

س: همین نقطه شروع را می‌خواستم نصف بعلاوه یک باشد.

ج: بله، همچنین اعضاء جدید با سه جلسه، این رشد جلسه هست، رشد جلسه من به نظرم می‌آید جزو هست. سیاست گسترش جلسه. سیاست تعطیل، سیاست گسترش، سیاست کاری موازی این جزو کارهایی هست که بنظرم می‌رسد است.

س: یعنی تشویقشان کنیم به دو سوّم رأی بدهند.

ج: اگر نداند هم روی همان

س: نصف بعلاوه یک باشد.

ج: بله، ضمناً شما یک تجربه اجتماعی هم دارید می‌کنید. روی وضعیت جامعه، متوسط مردم، همین جور هستند که اینها هستند، یعنی خیال نکنید که متوسط مردم یک جور دیگری هستند. متوسط مردم همین ها هستند.

س: حالا فردا با خواهران جلسه داشته باشیم.

ج: اینها را در عین حال می‌گوئید، وعده‌ایی هم شروع می‌کنند صحبت کردن.

«و صلّى الله على سیدنا محمد و آله الطاهرين»